

آسیب‌شناسی اشتغال معلولان ایران

به‌کوشش:
دفتر فرهنگ معلولین



دفتر فرهنگ معلولین
دارالطاقة للمعوقين
Handicap Cultural Center



مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای سال ۱۳۹۶
را با عنوان اقتصاد مقاوتی: تولید و اشتغال نامیدند.
امید است در این سال مبارک، مشکل اشتغال مددجویان
و معلولان مرتفع گردد.



دفتر فرهنگ معلولین
دارالتقافة للمعوقين
Handicap Cultural Center

آسیب‌شناسی اشتغال معلولان ایران

به‌کوشش: دفتر فرهنگ معلولین

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۹۶

ناشر: دفتر فرهنگ معلولین

قم، بلوار محمدامین، خیابان گلستان، کوچه ۱۱، پلاک ۴

تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۱۳۴۵۲ فکس: ۰۲۵-۳۲۹۱۳۵۵۲ همراه: ۰۹۱۲۵۵۲۰۷۶۵

www.HandicapCenter.com , info@handicapcenter.com

فهرست

۷.....	پیشگفتار.....
۱۵.....	فصل اول: وضعیت بیکاری.....
۱۷.....	ذهنیت عمومی.....
۱۸.....	آمارسنجی.....
۲۶.....	آمار اشتغالزایی.....
۲۷.....	نسبت اشتغال و معلولیت.....
۳۲.....	تجربه جهانی.....
۳۶.....	سازمان بین‌المللی کار.....
۴۱.....	فصل دوم: مبانی و بنیادها.....
۴۳.....	حق حیات.....
۴۳.....	آراء تاریخی در جوامع مختلف.....
۴۵.....	دیدگاه اسلام.....
۴۷.....	حق مشارکت اجتماعی.....
۴۸.....	سیر تحولات.....
۴۸.....	حذف و نابودی.....
۴۹.....	نگهداری در تبعید.....
۵۰.....	محدودسازی.....
۵۰.....	مشارکت انسانی.....
۵۱.....	مشارکت فعال و گسترده.....
۵۲.....	ضرورت حضور و مشارکت.....
۵۵.....	آموزش پذیری؛ مهارت پذیری.....
۵۶.....	اکتسابی بودن آموزش و مهارت.....
۵۶.....	حرفه و فن.....
۵۷.....	نظام آموزشی خاص.....
۵۸.....	انواع مهارت‌ها.....
۵۹.....	قلمرو آموزش و مهارت.....

۶۱	حق کسب و کار و ضرورت کوشش.....
۶۲	تعهد دولت و خیرین.....
۶۲	نفی تبعیض.....
۶۲	تحول در نگرش.....
۶۴	نتیجه گیری.....
۶۵	فصل سوم: طبقه بندی مشاغل.....
۶۷	سیاست های واقع گرایانه.....
۶۹	سیر تاریخی اشتغال.....
۷۱	انواع معلولیت ها.....
۷۳	تقسیم بندی به لحاظ شغلی.....
۷۸	مناسب سازی و ارگونومی.....
۸۰	گستره مشاغل معلولیتی.....
۸۲	اهتمام به مشاغل جدید.....
۸۴	طرح جمع آوری اطلاعات شغلی.....
۸۵	پیشرفت متناسب با زمان.....
۸۷	فصل چهارم: روش شناسی.....
۸۹	خوداشتغالی.....
۹۰	شرکت تعاونی.....
۹۰	اشتغال تحت حمایت.....
۹۱	دور کاری یا اشتغال در منزل.....
۹۲	اشتغال خانوادگی.....
۹۳	روش استاد و شاگردی.....
۹۴	کسب و کار غیرمتعارف.....
۹۴	شیوه جامعه محور CBR.....
۹۷	چرایی و چگونگی شکل گیری.....
۹۹	نقد و بررسی.....
۱۰۰	شیوه فرهنگ محور.....
۱۰۱	راه کارها و روش های دیگر.....
۱۰۱	طرح فراگیر.....
۱۰۲	دیدگاه جامع و کل نگر.....
۱۰۳	نتیجه گیری.....

۱۰۵	فصل پنجم: راه کار مطلوب
۱۰۷	راه کارهای موجود
۱۰۹	اشتغال و قانون
۱۱۱	روش متعارف
۱۱۵	راه حل مؤثر
۱۱۸	ملزومات ساختاری
۱۲۱	بانک جامع اطلاعات معلولان
۱۲۷	فصل ششم: طرح و برنامه
۱۲۹	واقعیت های جهانی
۱۳۱	روش های اشتغالی دولت
۱۳۴	روش های مردمی
۱۳۶	دیگر شیوه ها
۱۳۸	توانبخشی شغلی
۱۴۲	رفاه و کیفیت زندگی
۱۴۳	قانون کار و اشتغال
۱۴۴	اشتغال زدایی
۱۴۶	فرهنگ اشتغال
۱۴۷	ارتباطات جهانی
۱۴۸	مراکز اشتغال
۱۶۵	مطالعه اشتغال معلولین
۱۸۶	نتیجه گیری
۱۸۷	منابع

پیشگفتار

مهم‌ترین، شایع‌ترین و مؤثرترین مشکل در جامعه معلولین ایران، این است که بیش از نیمی از معلولان، شغل ندارند و بیکاراند. بیکاری معلولان در فقدان درآمد و نداشتن بودجه برای معیشت و زندگی خلاصه و محدود نمی‌شود؛ بلکه این معضل، ابعاد مختلف روانی، اجتماعی، حقوقی، اقتصادی و خانوادگی دارد. پیامدها و تأثیرهای آن در همه جوانب زندگی از قدیم چنان مشهود بوده که در ضرب المثل‌های فارسی، عربی و دیگر فرهنگ‌ها، ده‌ها قطعه زیبا و آموزنده می‌یابیم؛ مثل بیکاری ام الفساد است؛ بیمار باشی به که بیکار باشی؛ طبالی به که بطالی.^۱ حداقل تأثیر بیکاری ناراحتی‌های روانی و افسردگی است زیرا توان تأمین مخارج خانوادگی و فردی را ندارد و همواره باید نزد همگان خجالت زده شد. از این‌رو دچار افسردگی‌ها و مشکلات روحی و روانی خواهد شد.

بر مبنای آمار ۱۱ میلیونی معلولان ایران، حداقل پنجاه درصد و ۵/۵ میلیون معلول بیکار هستند یا حداقل شغل مناسب با حداقل حقوق ندارند. از این‌رو آمار بیکاران معلول از همه اقشار بیشتر است. البته بعضی آمار معلولین بیکار را تا هفتاد یا هشتاد درصد گفته‌اند. با تحقیقات موردی و میدانی انجام یافته این نتایج تأیید شده است.

اما برای حل این مشکل عظیم چه اقداماتی انجام یافته و چه راه‌کارهایی پیشنهاد شده است؟ سازمان بهزیستی چکار کرده؟ و کارهایی که انجام داده آیا گزارش شده است؟ تشکل‌های مردمی چکار کرده‌اند؟ اقتصاددانان، نهادهای دانشگاهی، علمی و پژوهشی چه اقداماتی داشته‌اند؟ بالاخره تدبیر و راه‌کار جامع برای حل ریشه‌ای این معضل کدام است؟

سازمان بهزیستی در همه استان‌ها و شهرها یک واحد اداری برای پیگیری امور اشتغال تأسیس کرده و کارهای فراوان هم انجام داده است؛ نیز مراکز مردمی مثل شرکت فیروز و رعدالغدیر که بیشترین تلاش را در زمینه اشتغال‌زایی در ایران داشته‌اند؛ اما هیچکدام گزارش جامع از اقدامات و فعالیت خود در زمینه اشتغال‌زایی معلولان در اختیار عموم قرار نداده‌اند. تا کنون در کتب و مقالات منتشر شده که بعداً معرفی می‌کنیم، نظریه‌پردازی و طرح و برنامه جامع عرضه نشده یا طرح‌هایی که عرضه شده به عنوان یک راه کار و خط‌مشی دراز مدت با فزاینده‌ی مشخص برای حل مشکل بیکاری تصویب و اجرایی نشده است.

و اقدامات فکری در این زمینه بسیار اندک است.

مهم‌تر اینکه آمار و اطلاعات درباره معلولان غیر شاغل، وضعیت سنی، تحصیلی و مهارت‌های آنان هم کار نشده است. به همین دلیل اطلاعات اولیه و پایه درباره معلولین و مشاغل آنها منتشر نشده و در اختیار پژوهشگران نیست تا بر مبنای آن طراح و برنامه اشتغال را تدوین کنند.

از طرف دیگر اشتغال به ویژه ایجاد شغل‌های پایدار، پیچیده و پروسه‌ای طولانی و دارای ابعاد تودرتو و بسیار مشکل است. وزارت کار و رفاه، وزارت کشاورزی و نیز وزارت صنایع با بسیج تمامی امکانات خود در سال‌های اخیر نتوانسته‌اند، مشکل بیکاری افراد عادی و سالم را به حد مطلوب برسانند و اشتغال‌زایی آنان را به سطح مطلوب برسانند؛ چه برسد به معلولین که ایجاد شغل و رساندن آنان به سطح مطلوب اشتغال‌زایی بسیار مشکل‌تر و پیچیده‌تر است. با اینکه هم دستگاه‌های اجرایی دولت با جدیت و دلسوزانه تلاش کرده‌اند، همچنین نهادهای مردمی واقعاً دوست دارند این مشکل معلولان را حل کنند؛ اما باید علل و عوامل نتوانستن و نرسیدن به اهداف مطلوب را بررسی و تجزیه و تحلیل نمود.

دفتر فرهنگ معلولین از پنج سال قبل مطالعه درباره اشتغال معلولین را آغاز کرده است؛ کشورهایی که در این حوزه موفق بوده‌اند را تحقیق نموده است؛ و به راه کارهای مهمی به لحاظ نظری دست یافته است. این راه کارها مبتنی بر این مقولات است:

۱- اشتغال معلولین با توجه به اینکه معلولین حدود ده درصد جامعه را تشکیل

- می‌دهند یک معضل ملی است و نیاز به بسیج ملی دارد.
- ۲- بسیج ملی برای حل مشکل بیکاری معلولان قبل از هر چیز نیاز به طرح و برنامه جامع دارد؛ همه عوامل و عناصر در این برنامه مطالعه و مشخص خواهد شد.
- ۳- برای طرح و برنامه جامع، نخست باید آمارهای معلولین در زمینه شغل و اشتغال جمع‌آوری در یک سامانه اینترنتی منتشر شود.
- ۴- جهت بسیج افکار عمومی، رونق بخشیدن به اشتغال پژوهی معلولین با انتشار کتاب، مقاله و انواع محصولات فرهنگی در این باره لازم است
- ۵- تدوین نظام مشاغل معلولان و اینکه در چه مشاغلی می‌توانند ورود داشته و در چه مشاغلی نمی‌توانند وارد شوند، ضرورت دیگر است.
- ۶- فرهنگ‌سازی و الگودرازی با ارائه مستندات و نمونه‌ها در اینکه معلولین توانایی انجام مشاغل مصوب را دارند، بخشی از طرح و برنامه جامع است.
- ۷- مهارت افزایی و آموزش معلولان برای ارتقای دانش و تخصص آنها از طریق توانبخشی شغلی معلولان بر پایه اقتضانات بومی ایران.
- ۸- تجارب و دانش کشورهای مدرن در این زمینه اخذ و پس از بومی‌سازی بر اساس اقتضانات ملی و مذهبی وارد شبکه فرهنگ و جامعه هدف گردد.
- ۹- بهره‌گیری و استفاده از ظرفیت‌های مذهبی و ملی ایرانیان و تدوین این امکانات مثل وقف، نذورات و احیا و آبادی و غیره.
- ۱۰- ایجاد سامانه‌های خودگردان و حذف واسطه‌ها برای اینکه معلولان تا با اتکاء بر ظرفیت و استعداد خود، به روش خودجوش، اشتغال‌زایی و درآمدزایی داشته باشند، مثل تأسیس بانک اطلاعات، تأسیس بازارچه‌ها و هنر‌سرا و هنرکده‌ها، راه‌اندازی حراجی‌ها در سطح وسیع.
- این ده سرفصل گویای خطوط کلی طرح و برنامه برای حل مشکل اشتغال معلولان است. این سرفصل‌ها گویای این است که اقدامات مقطعی و دوره‌ای، فعالیت‌های زودتر نه تنها به حل بیکاری کمک نمی‌کند بلکه مشکل را پیچیده‌تر می‌نماید. نخست اتاق فکری از نخبگان مردمی و کارشناسان دولتی، ظرف چند ماه به تدوین استراتژی پرداخته، سپس وظایف همه تشکل‌ها و مراکز و مدیریت‌ها را تعیین و شرح وظایف را در اختیار آنان قرار دهند.

کتاب حاضر بخشی از تحقیقات این دفتر درباره اشتغال‌زایی است و امیدواریم بتوانیم دیگر آثار را هم به زودی منتشر کنیم. اما این کتاب درصدد تبیین و بررسی وضعیت اشتغال معلولان در ایران در شرایط کنونی، همچنین معرفی راه کار برای رسیدن به شرایط مطلوب و ایده آل با معرفی آسیب‌ها است.

از همه کسانی که در این موضوع تبحر دارند استمداد نموده و تمنا می‌نماییم با نقدها و ارائه نظریات کارشناسی در حل این معضل، «جامعه هدف» را یاری فرمایند.

برای نمونه، برای رفتن به محلی در دور دست اولین نکته‌ای که به ذهن می‌رسد، جاده و راه است. اگر راه هست باید شناسایی و کشف گردد و اگر نیست جاده‌ای از مبدأ تا مقصد احداث گردد.

پس از مشخص شدن راه و جاده، نیاز به وسیله نقلیه هست، سپس مهارت هدایت و رانندگی آن وسیله نقلیه تا رسیدن به هدف اهمیت دارد.

برای حل معضل بیکاری معلولان طرح و برنامه همان جاده است؛ وسیله نقلیه همان امکانات و ظرفیت‌های دولتی و مردمی است؛ تجربه‌ها و دستاوردها و فراگیری آنها، مهارت مورد نیاز است.

متأسفانه تا کنون وقتی دولت و بهزیستی درصدد حل معضل بوده، فقط در چارچوب خودش طرح می‌داده است. تا کنون بهزیستی و دولت طرح جامعی برای همه مراکز معلولیتی - مردمی، و تمام ظرفیت‌ها و با مطالعه دستاوردهای دیگر کشورها ارائه نکرده است. حداقل چنین طرحی منتشر نشده و مشاهده نشده است. دفتر فرهنگ معلولین با مطالعات تفصیلی درصدد انتشار چند جلد در سال ۱۳۹۶ است:

- ۱- تجارب علمی
- ۲- طرح جامع
- ۳- آسیب شناسی
- ۴- دستاوردهای کشورهای پیشرفته
- ۵- حقوق شاغلین و بیکاران
- ۶- راه کارهای فعال‌سازی سامانه‌های اشتغال

این شش جلد تقریباً آماده انتشار است. اما دفتر حاضر جلد سوم از این مجموعه است و درباره آسیب‌ها می‌باشد. این دفتر درصدد است چشم‌اندازی از موانع اشتغال معلولان ارائه کند.

فصل اول با عنوان وضعیت بیکاری درصدد است تا نمایی از بیکاری معلولان نشان دهد. و به کسانی به ویژه مدیران سازمان بهزیستی که جامعه هدف را گل و بلبل ترسیم می‌کنند و از حیث اشتغال همه مشکلات را حل شده یا در حال حل شدن می‌پندارد، بگویم خیال پردازی نکنید، بیکاری پیامدهای مخربی برای جامعه دارد ولی این جامعه از سر میهن دوستی یا عرق دینی سکوت کرده‌اند، تمام رنج‌ها و آلام را تحمل می‌کنند و کوچکترین اعتراضی نشان نمی‌دهند.

فصل دوم به مبانی و بنیادها می‌پردازد. معلولان حق حیات، حق مشارکت اجتماعی، حق مساوات و حق مهارت آموزی دارند. اما بیکاری با همه این حقوق در تعارض است. اگر معلولی شاغل نباشد یعنی حق حیات ندارد و عملاً حیات ندارد بلکه در حال ممات است. معلول بیکار مشارکت در سرنوشت اجتماعی خودش ندارد و چنین حقی از او سلب شده است. در مجموع این فصل نشان می‌دهد بیکاری مبانی و بنیادهای هستی آنان را دچار آسیب کرده و آسیب‌های زیربنایی در جامعه هدف را نشان می‌دهد.

فصل سوم آسیب شناسی نظام مشاغل معلولان است. این فصل و این دفتر درصدد تدوین نظام مشاغل برای این قشر نیست بلکه درصدد هستیم مشکلات و آسیب‌های موجود در مشاغل را معرفی کنیم.

وقتی با یک نفر از مدیران سازمان بهزیستی درباره مشاغل معلولان گفت‌وگو می‌کنیم، به وضوح می‌بینیم ذهنیت خاصی دارند و محدوده خاصی از مشاغل در نظر آنان است. اما وقتی با یک مدیر مشاغل معلولین در یکی از کشورهای اروپایی گفت‌وگو کنیم به وضوح تفاوت و تمایز به دست می‌آید. همه انواع مشاغل پزشکی، صنعتی، کشاورزی، علمی، فرهنگی، آموزشی، هنری و خدماتی مثل هنرپیشه تئاتر، هنر خوانندگی، هنر نوازندگی، پزشکی، پرستاری در مشاغل معلولان در کشورهای اروپایی مطرح است. وقتی از مشاغل معلولان در روستا صحبت می‌شود از ایجاد کارگاه برای تولید برق از باد یا انرژی خورشیدی در یک روستا توسط

معلولین بحث می‌شود. اما مدیران دولتی ذهنیت بسیار محدود از مشاغل معلولین دارند.

به عنوان نمونه یکی از استادان دانشگاه در لندن می‌گفت، درصد بالایی از معلولین در کشور انگلستان به چکیده‌نویسی و مأخذشناسی مشغول هستند و درآمد خوبی از این راه دارند. مثلاً در این کشور هر ماه یک هزار مجله و روزنامه و نشریه و چند هزار عنوان کتاب منتشر می‌شود. اطلاعات صورتی و اطلاعات محتوایی اینها با نوشتن مأخذشناسی و چکیده مقالات روزنامه‌ها و نشریات یا کتب در سایت‌هایی مثل گوگل و یاهو درج می‌شود. ایشان می‌گفت اکثر اینها را معلولین تولید می‌کنند و درآمد بسیار بالایی هم دارند. آیا چنین شغلی در ذهن مدیران ما هست؟ با اینکه ظرف ۲ روز می‌توان یک فرد دیپلمه را آموزش مأخذشناسی داد و کار مشکلی نیست. هم اکنون چند نفر نابینا در دفتر فرهنگ معلولین مشغول مأخذشناسی هستند.

فصل چهارم به روش‌های اشتغال می‌پردازد و مشکلات و آسیب‌های هر یک از روش‌ها را گزارش می‌دهد.

فصل پنجم درباره راه کار مطلوب است. اگر طرح و برنامه جامع و مطلوب بخواهیم تدوین کنیم چکار باید انجام دهیم؟ روی چه سرفصل‌هایی تمرکز نماییم؟ این فصل به این نکات می‌پردازد؛ البته از منظر آسیب شناسی. شخصاً عناصری که در برنامه‌های موجود ما غایب‌اند و سرفصل‌هایی که در طرح‌های ما حضور ندارند و از آنها غفلت نموده‌ایم در این فصل بررسی و معرفی می‌شوند.

فصل آخر درباره آسیب شناسی طرح و برنامه است. یعنی می‌خواهیم بدانیم طرح دولت چه مشکلاتی دارد و طرح‌های مردمی چه موانعی دارد. در برنامه‌نویسی چرا از تجارب جهانی بهره نمی‌بریم؟ چرا از آراء کارشناسان خبره یا تجارب مراکز مهم در جهان استفاده نمی‌کنیم؟ نیز در خود ایران مراکزی که درباره اشتغال کار کرده و ایده داده‌اند چرا حتی یک بار از آنها دعوت نشده و ایده آنها بیان نشده و نخواستند معرفی شود؟ اگر به سید محمد موسوی جایزه داده شده او را به عنوان کارآفرین مطرح کرده ولی ایده او معرفی نشده است؟

بالاخره مجموعه‌ای از آسیب‌ها و مشکلات موجود در طراحی و برنامه‌نویسی در

این فصل بررسی و معرفی خواهد شد.

لازم است از حجت الاسلام و المسلمین سید جواد شهرستانی تشکر نماییم که همواره با پشتیبانی و تشویق‌های خود راه را برای انجام و عرضه اینگونه تحقیقات گشودند. همچنین از کارشناسان و نخبگان انتظار هست ما را یاری فرموده و با نقدها و راهنمایی خود به ارتقای این اثر کمک فرمایند.

محمد نوری

فصل اول:
وضعیت بیکاری

معلولین ایران از نظر کار و شغل و اشتغال چه وضعیتی دارند؟ وضع کسب و کار معلولین در کشورهای پیشرفته چگونه است؟ ابتدا لازم است تصویری از ایران و جهان ترسیم کنیم و واقعیت‌های موجود را بشناسیم، آنگاه به سراغ دیگر مسائل، راه‌کارها و تجربه‌ها رفت. از این‌رو فصل اول این پژوهش به آمارهای ایران و جهان در زمینه اشتغال و واقعیت‌های موجود می‌پردازد.

سازمان جهانی کار ILO^۱ در سال ۱۳۸۸ ش اعلام کرد ۶۵۰ میلیون نفر در جهان معلولیت دارند، از این تعداد ۴۷۰ میلیون نفر در سن کار هستند، هشتاد درصد معلولین در سن کار، در کشورهای در حال توسعه بیکاراند. ۴۲۶ میلیون نفر معلول زیر خط فقر به سر می‌برند، ۱۵ تا ۲۰ درصد از آسیب پذیرترین و حاشیه نشین‌ترین فقیران کشورهای در حال توسعه معلولان هستند.^۲

خلاصه این گزارش این است که معلولین اقلیت بزرگ جوامع و فقیرترین قشر در این جوامع هستند. علت اصلی این وضعیت را نداشتن شغل و اشتغال مناسب می‌داند.^۳ بنابراین بیکاری عامل اصلی بدبختی‌ها و شغل عامل اصلی زندگی نیک معلولان است. بیکاری به عنوان یک آسیب جدی در همه جوامع و تمام قشرهای اجتماعی، به ویژه در جامعه معلولان مطرح است. اینکه بیکاری چگونه و بر اساس چه مکانیسمی به تخریب بنیادهای اجتماعی می‌پردازد در این فصل بررسی خواهد شد.

این فصل به معرفی اجمالی و کلی وضعیت کسب و کار و اشتغال این قشر می‌پردازد.

۱. International Labour Organization (ILO) این سازمان وابسته به سازمان ملل متحد است و در

۱۹۱۹م تأسیس شد. مقر آن در ژنو پایتخت سوئیس است. (دانشنامه دانش گستر، ج ۹، ص ۴۳۶)

۲. مجله توان‌یاب، ش ۳۱ بهار و تابستان ۱۳۸۸، ص ۲۱؛ بررسی بیانیه‌های اشتغال معلولین،

محمد رضا اسدی، ص ۲۷.

۳. همان.

ذهنیت عمومی

انسان چون جسم دارد و جسم تحول‌پذیر و آسیب‌پذیر است و می‌تواند بیمار گردد یا کارآیی خود را از دست دهد؛ از این‌رو معلولیت و آسیب‌های جسمانی همیشه همراه انسان بوده و معلولیت با زندگی انسان هم‌زمان و همراه است.

در کشورهای مختلف و بین پیروان ادیان جهان تلقی یکسان وجود ندارد. برخی باور دارند که باید دم را غنیمت شمرد و خود را به زحمت نینداخت بلکه خود را به قضا و قدر سپرد و هر آنچه پیش آید، خوش آید و مقدر بوده است.

این طرز فکر با اینکه طرفدارانی در همه ملت‌ها دارد ولی از عوامل اصلی - فکری و عقیدتی ضد اشتغال است. و مخالف‌ترین اندیشه، علیه اشتغال و پیگیری شغل و کار است. اما طرفداران این تفکر عملاً اندک‌اند و اکثریت مردم مجبوراند، برای یافتن شغل آبرومند و مطلوب فعالیت نمایند. اینگونه طرز فکر در جامعه معلولین هم هست و باید آن را جزء آسیب‌های اشتغال معلولین شمرد.

اما واقعیت‌ها به انسان‌ها فهمانده که اشتغال دارای پیامدهای جدی در زندگی هر فرد است و برای مبارزه با طرز فکر جبرگرایانه فوق باید این پیامدها را یادآور شویم. برخی از اهم این پیامدها عبارت‌اند از:

ایجاد روحیه استقلال و امید به زندگی مستقل و شرافتمدانه، ایجاد تحرک و پویایی و تلاش جهت استفاد از توانمندی‌ها و استعدادهای خدادادی خود، جلوگیری از ایجاد یأس و رخوت و وابستگی و پوچ انگاشتن زندگی، ایجاد ارتباط بیشتر و بهتر با افراد جامعه و رفع نیازهای عاطفی و معنوی مورد نیاز یک انسان، حفظ کرامت انسانی و روی نیابردن به امور پست و خلاف عرف جامعه همانند تکدی‌گری و دزدی، مورد احترام و تشویق قرار گرفتن و با ارزش و مثبت قلمداد شدن از دید خانواده و جامعه، کسب درآمدی صحیح جهت گذران امور زندگی خود و خانواده، ایجاد تحرک و حفظ سلامت جسمانی و جلوگیری از ایجاد صدمات ثانویه، ایجاد بازار کار و تولید در جامعه و مشارکت در به حرکت در آوردن چرخ‌های اقتصادی جامعه.

ایرانیان و مسلمانان از قدیم به پرکاری و تلاش برای زندگی مشهور بوده‌اند. زیرا رهبران آنان از کار ابا نداشته و شغل را افتخار می‌دانسته‌اند. البته گروهی از متصوفه بوده‌اند که طرز فکر جبرگرایانه داشته ولی تعداد آنان بسیار اندک بوده است.

آمار سنجی

پیشرفت و توسعه اجتماعی و اقتصادی مبتنی بر کمیت نگری است. زیرا کمیت‌ها گویای واقعیت‌های ملموس‌اند. جامعه معلولین وقتی پیشرفت خواهد داشت و در زمینه اشتغال موفق خواهد شد که به کمیت و آمارها توجه نماید و مبنای تصمیم‌ها همین آمارها باشد. به عنوان مثال کارمندی که حقوق خود را تقسیم بر نیازهایش می‌نماید و هر روز با عدد و رقم مخارج را با موجودی می‌سنجد، همواره موفق است ولی فردی که حساب و کتاب ندارد و بدون محاسبه خرج می‌کند همواره، کمبود نقدینگی خواهد داشت.

متأسفانه آمار دقیق درباره شغل و اشتغال معلولان ایران وجود ندارد و آنچه در اختیار است، آمارهای مختلف گفته شده است. همین نکته از جمله آسیب‌های اشتغال می‌باشد. چون نمی‌توان برنامه‌ریزی دقیق داشت.

مهم‌ترین آمارهایی را که چاپ شده اینجا می‌آورم تا حقایق معلوم گردد. آقای کمالی از پژوهشگران و صاحب نظران مشکلات معلولان می‌گوید: معلولان بزرگ‌ترین اقلیت اجتماعی در جهان هستند.^۱ هم اکنون بیش از یک میلیارد فرد دارای ناتوانی در جهان وجود دارند که ۱ نفر از هر ۴ نفر در کشورهای در حال توسعه هستند. تنها ۱ تا ۲ درصد کودکان دارای معلولیت به آموزش دسترسی دارند و در کشورهای در حال توسعه نیز تنها ۲ درصد افراد دارای معلولیت به توانبخشی دسترسی دارند.^۲

۱. «نشست علمی جایگاه معلولیت در برنامه ششم»، محمد کمالی، سایت دولت ۲۱ آبان ۹۳.

۲. همان.

دکتر محمد کمالی آمار معلولین ایران را ۹۱۹ هزار و آمار خانوارهای معلولین را ۱۶۳ خانوار می‌داند که بر اساس سرشماری ۱۳۹۰ به دست آمده است.^۱ در ماه‌های آخر سال ۹۵ آمار معلولین ایران ۱۱/۵ میلیون نفر اعلام شد. این آمار با واقعیت‌های ایران سازگاری دارد.^۲

متأسفانه با همه تلاش‌هایی که در این خصوص صورت می‌پذیرد، نرخ بیکاری و عدم پایداری شغلی در میان معلولین بسیار بالاست. طبق پیش‌نویس آیین‌نامه اجرایی سازماندهی، مدیریت و معلولین در محیط کار، که در سال ۲۰۰۱ در سازمان ملل تهیه شده، بیکاری بین ۳۸۶ میلیون فرد معلول در سن کار با نرخی بالاتر از ۸۰ درصد، که خیلی بیشتر از افراد سالم می‌باشد در برخی کشورها گزارش شده است. در نتیجه این بیکاری، خیلی از افراد ناتوان در فقر زندگی می‌کنند و این خطر همواره آنان را تهدید می‌کند که باقیمانده توانایی آنان هم از بین برود.^۳

بر اساس آمارهای جهانی تقریباً ۱۰ درصد جمعیت هر کشور را معلولان تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر از هر ۱۰ نفر ساکنان یک کشور یک نفر به نحوی نیاز به کمک جدی دارد. معلول کسی است که به علت ضایعه‌ای ارثی یا اکتسابی نتواند از عهده کاری بر آید که سایر افراد هم سن او با معلومات و تجربیات مساوی انجام می‌دهند. آنها نیازهای مختلفی دارند که باید به موقع تشخیص داده و برآورده شوند. یکی از نیازهای اساسی آنها، اشتغال است. پذیرفتن این اصل که انتخاب آزادانه شغل، کار کردن در شرایط مطلوب و مناسب، امنیت در برابر بیکاری، حق مسلم هر انسانی است، ضرورت توجه و تأکید بر آموزش و اشتغال معلولان را بیش از پیش مورد تأیید قرار می‌دهد.

۱. همان. این آمار با واقعیت‌های جامعه ایران سازگاری ندارد و آمار معلولین بسیار بیشتر است.

۲. مجله توان گستر، بهمن ۹۵، ص ۵.

۳. بررسی پیامدهای اشتغال معلولین، محمدرضا اسدی، سید مجید میرخانی، دانشگاه بهزیستی، ۱۳۹۰، ص ۲۷.

در سال ۱۹۷۶ از طرف سازمان بهداشت جهانی (W.H.O)^۱ آماری منتشر شد و بر مبنای آن برآورد شد ۱۰ درصد از مردم جهان از معلولیت‌های ناشی از بیماری‌ها، حوادث، سوء تغذیه و علل ژنتیک رنج می‌برند.^۲

اما آمار اشتغال معلولین ایران چگونه است؟ دکتر عطاء الله مثنوی در این باره تحقیقاتی دارد و اطلاعات آمارگیری ۱۳۶۵ را تجزیه و تحلیل کرده و در مقاله‌ای در مجله کار و جامعه نتایج آماری خود را منتشر کرده است.

بعضی مطالب این مقاله با واقعیت‌ها انطباق ندارد. مثلاً آمار معلولین ایران را ۴۵۳ هزار یا کمتر از نیم میلیون و جمعیت کشور را ۴۵ میلیون نفر اعلام کرده است. ولی برخی جنبه‌های تحلیلی و درصد‌های آماری که اعلام کرده مشتمل بر نکات سودمند است.

به هر حال تجزیه و تحلیل و سنجش‌های آماری آقای مثنوی را عیناً می‌آوریم سپس به بررسی آن می‌پردازیم. او می‌نویسد:

۴۳ درصد از معلولین کل کشور (سرشماری ۱۳۶۵) خویش فرما و ۳ درصد کارفرما و ۱۸ درصد مزد و حقوق بگیر خصوصی و ۲۹ درصد مزد و حقوق بگیر بخش عمومی یا دولتی است و تنها ۴ درصد بیکاراند. این نسبت‌ها در استان تهران به ترتیب ۴۴/۸ و ۳/۱ و ۱۷ و ۲۷/۳ درصد است.

قابل توجه اینکه سر جمع اعداد اعلام شده ۹۳ است، یعنی ۷ درصد معلول بیکار داریم، نه ۴ درصد.

- از جمعیت معلول کشور حدود ۶۰ درصد در سن کار و فعالیت هستند این نسبت در استان تهران ۶۵/۵ درصد است.

- مردان معلول مورد مطالعه متجاوز از ۲۰ برابر زنان معلول به کار اشتغال دارند

۱. World Health Organization (WHO) این سازمان وابسته به سازمان ملل متحد و در سال ۱۹۴۶م با هدف جلوگیری از گسترش بیماری‌ها و ریشه کنی آنها تأسیس شد. مبارزه با بیماری‌های فلج اطفال، کوری، ناشنایی، جذام و سرخک مهم‌ترین هدف‌های این سازمان بوده است.

۲. «توانبخشی شغلی معلولان»، ایران، باغبان و آرزو محمودیان دهکردی، کار و جامعه، ش ۸۷ و ۸۸، ص ۳۵.

۹۵/۶ درصد در مقابل ۴/۴ درصد) این نسبت در بین افراد غیر معلول ۴ درصد زنان در مقابل ۳۹/۶ درصد مردان و علت آن را می‌توان در فرهنگ ایرانی - اسلامی که «فرهنگ مذکر» حاکم بوده و هنوز هست، دانست که مرد را متکفل مخارج، معیشت و نان آور خانه می‌دانند. لذا خود فرد، خانواده و جامعه تلاش بیشتری در به کارگماری مردان به کار می‌برند.

- سنین ۲۱ تا ۴۰ سال، سن غالب معلولین شاغل مورد مطالعه است که ۸۰/۸ درصد است این نسبت در غیر شاغلین ۶۳ درصد است.

- ازدواج و داشتن همسر، تأثیر زیادی در اشتغال معلولین دارد، چنانچه افراد بدون همسر ۳۹/۸ درصد شاغلند در حالی که افراد دارای همسر ۸۵/۹ درصد، این خود نشانگر این اصل است که معلولین شاغل به دلیل داشتن درآمد و شغل بیشتر شانس تشکیل خانواده را داشته‌اند. علاوه بر این، جامعه امروزی نیز در به کارگماری افراد متأهل اهتمام بیشتری دارد.

- افراد دارای همسر بیشتر به مشاغل آزاد رغبت نشان داده‌اند چنانچه ۸/۱ درصد مشاغل آزاد به این‌گونه افراد تعلق دارد، در صورتی که سهم افراد بدون همسر از مشاغل آزاد ۲/۴ درصد است.

- ۵۵/۳ درصد جامعه شاغل مورد مطالعه را چند معلولیت‌ها، ۱۳/۳ درصد معلولین حسی، ۳۰ درصد را معلولین جسمی تشکیل می‌دهند (با توجه به سطح صنعتی شدن کشور و امکان استفاده از دست و پای مصنوعی (اروتز - پروتز) فرصت اشتغال را برای معلولین می‌توان بیشتر کرد.

- در جامعه مورد مطالعه افراد بی‌سواد عمدتاً بین ۹۴/۶ درصد در مشاغل کارگری در بخش دولتی هستند و در مشاغل آزاد فعالیت ندارند ولی افراد با سواد ۸/۱ درصد در مشاغل آزاد فعالیت دارند.

- ۶۸/۳ درصد از علت معلولیت شاغلین، جنگ مطرح شده و ۳۰/۷ درصد معلولین عادی بر اثر بیماری و حوادث و مادرزادی و غیره است.

- ۳۸/۷ درصد معلولین شاغل از وجود مراکز کاریابی معلولین بی‌اطلاعند. از واقفین به این مراکز ۳۳/۷ درصد وزارت کار و ۲۷/۷ درصد بهزیستی را بیان داشته‌اند. ولی در غیر شاغلین ۶۱ درصد بهزیستی و ۷ درصد وزارت کار را

می‌شناسند. ضمناً ۳۲ درصد نیز مرکزی را نمی‌شناسند.

- در بین کسانی که هیچ مرکز کاریبی را نمی‌شناسند احتمالاً جانبازان هستند که بدون مراجعه به مراکز کاریبی و شناسایی آنها، اداره کل اشتغال بنیاد، این مسئولین را به عهده دارد که برای آنها کاریبی و آنان را به کار بگمارد.

- سازمان بهزیستی شناخته شده‌ترین مرکز برای مراجعه معلولین مخصوصاً غیر شاغلین است. ولی در عین حال می‌توان گفت که به استثنای مورد جانبازان، سازمان‌های موجود توانایی لازم برای پوشش کامل معلولین را ندارند.

- ۶۶/۷ درصد معلولین مورد مطالعه آموزش خاصی ندیده‌اند ولی در غیر شاغلین ۶۳ درصد آموزش خاصی ندیده‌اند.

- نوع آموزش در معلولین در به کارگیری آنها در درجاتی از مهارت قابل اهمیت است. چنانچه ۱۱/۷ درصد آموزش‌های مهارتی و ۱۳/۳ درصد آموزش‌های فنی دیده‌اند. بنابراین آموزش فنی و حرفه‌ای باید در عرصه ارتقاء مهارت معلولین فعالیت بیشتری داشته باشد.

- در بین کسانی که قبل از اشتغال آموزش دیده‌اند ۱۷/۲ درصد در مشاغل فنی و تخصصی ولی در بین کسانی که آموزش ندیده‌اند تنها ۲ درصد در این‌گونه مشاغل هستند. بنابراین آموزش نقش مهمی در اشتغال افراد در فعالیت‌های فنی دارد.

- اکثریت معلولین مورد مطالعه (۷۷ درصد) نسبت به قوانین و مقررات کار مربوط به معلولین بی‌اطلاع هستند. احتمالاً این عدم وقوف می‌تواند عللی بر بیکاری معلولین آماده به کار باشد. در حالی که ۸۴/۴ درصد از شاغلین نسبت به قوانین و مقررات کار مطلع هستند ولی غیر شاغلین تنها ۱۵/۲ درصد اظهار اطلاع کرده‌اند.

- بالاترین رقم شاغلین ۸۶ درصد در مشاغل کارگری ساده و امور اداری است و ۷/۳ درصد شغل آزاد و تنها ۶/۷ درصد در مشاغل فنی و تخصصی که گروه سنین زیر ۲۰ سال هستند به کار مشغولند.

- در کاریبی و اشتغال معلولین، تلاش و جستجوی شخصی معلول و خانواده‌اش بالاترین نسبت یعنی ۵۲/۳ درصد است. پس از آن ۳۶ درصد از طریق

نهادها و مؤسسات صورت گرفته است.

- اکثریت معلولین شاغل یعنی ۷۶/۳ درصد در بخش دولتی و به صورت رسمی شاغل هستند که احتمالاً درصد بالایی مربوط به جانبازان و درصدی نیز مربوط به بهزیستی است که به صورت سهمیه و قانون الزام دستگاه‌ها به استخدام ۱۰ درصد از نیاز استخدامی خود باشد.

- ۷۶ درصد از معلولین شاغل از ابزار کمکی و ماشینی استفاده نمی‌کنند. علی‌رغم این که این ابزار می‌تواند میزان بهره‌وری سیستم را افزایش دهد. ۳۶ درصد از معلولین غیر شاغل، خدمات کارگری را برای خود مناسب تشخیص داده‌اند و ۲۷ درصد خواهان مشاغل تخصصی هستند.

- حمایت‌های مادی و درآمد بیشتر مورد پیشنهاد ۲۱/۳ درصد معلولین شاغل است. در مراحل بعدی امکانات آموزش و اشتغال بین ۱۶/۷ تا ۳۳ درصد است؛ بدین معنی که در مورد معلولین شاغل افزایش درآمد در مرحله اول است ولی برای معلولین غیر شاغل آموزش و اشتغال به عنوان یک پیشنهاد اصولی مطرح گردیده است.

- معلولین عمدتاً به سمت و سوی مشاغل آزاد رغبتی نشان نمی‌دهند. شاید دلیل آن عدم تمکن مالی و سرمایه لازم برای مشاغل خویش فرما باشد زیرا تنها ۷/۳ درصد طالب شغل آزاد بوده‌اند.

- هر چه میزان تحصیلی بالاتر باشد نسبت استخدام رسمی بیشتر می‌شود. چنانچه در جمع افراد کمتر از دیپلم و دیپلم حدود ۷۵ درصد، استخدام رسمی هستند در حالی که در بالاتر از دیپلم این رقم به ۹۲/۹ درصد می‌رسد.

- معلولین دارای همسر، انگیزه بیشتری برای کارایی و اشتغال دارند ولو پرداختن به مشاغل آزاد، به علاوه جامعه نیز به دارندگان همسر برای ادامه کار حساس‌تر عمل می‌کند. شاید به همین دلیل است که ۵۴/۱ درصد از نمونه ۴۴ نفری که بدون همسر هستند همیشه بیکار بوده‌اند.

- از کل ۵۶۲۲۰ نفر جمعیت معلول ۶ ساله و بیشتر ۳۶/۲ درصد شاغل یا بیکار در جستجوی کار بوده‌اند که این نسبت در نقاط شهری ۳۶/۳ درصد و در نقاط روستایی ۳۵/۹ درصد است.

مقایسه نسبت‌ها، بیانگر عدم تفاوت فاحش بین میانگین استان و کل کشور است. مخصوصاً که از نظر محصل، خانه‌دار و دارای درآمد بدون کار نیز تفاوت معنی داری بین آنها نیست.

به طور کلی از جمعیت معلول کل کشور ۶ ساله و بیشتر دارای یک نوع معلولیت ۶۸/۲ درصد را کارکنان بخش خصوصی ۲۷/۳ درصد را مزد و حقوق بگیران بخش عمومی تشکیل داده‌اند.^۱

- نسبت‌های بالا گویای این امر است که میانگین جمعیت، دارای یک نوع معلولیت کل کشور بیشتر در بخش خصوصی و کمتر در بخش عمومی هستند و این امر شاید به دلیل اشتغال کشاورزان در بخش کشاورزی باشد که نسبت بخش خصوصی را در کل کشور بالا برده است. لیکن در استان تهران به نسبت در بخش خصوصی کمتر و در بخش عمومی بیشتر شاغل بوده‌اند.^۲

آمارهایی که در مقاله آقای مثنوی آمده و مبتنی بر اطلاعات به دست آمده در آمارگیری سال ۱۳۶۵ نشانگر چند نکته است:

- ۱- برخی از این اطلاعات انطباق ندارند. یعنی بین آنها تضاد و تعارض هست.
- ۲- اما به رغم همه اشتباهات و مشکلات، تحلیل‌های مهمی در مورد اشتغال جوانان، زنان، نوع مشاغل هست و بر مبنای آن توانسته راه کارهایی عرضه کند. همین نکته گویای اهمیت و نقش مهم اطلاعات در برنامه و طرح است.
- ۳- بر اساس آمارهای منتشر شده در سرشماری سال ۱۳۶۵، تعداد معلولین با معلولیت‌های قابل رویت حدود یک درصد جامعه بوده است، به بیان دقیق‌تر از ۴۹۴۴۵۰۱۰ نفر جمعیت کشور در سال ۱۳۶۵، تعداد ۴۵۳۰۹۰ نفر معلول بوده‌اند. نظر به اینکه در سرشماری‌ها، هدف اصلی جمع‌آوری داده‌ها، مربوط به جمعیت کل کشور و خصوصیات اجتماعی - اقتصادی آن است، لذا داده‌های مربوط به معلولین نمی‌تواند لزوماً به دقت جمع‌آوری شود بنابراین آمار جای تأمل

۱. مجله کار و جامعه، ش ۳۸، ص ۱۴-۱۶.

۲. کار و جامعه، ش ۳۸، ص ۱۳-۱۷.

دارد. کارشناسان معتقدند بهترین و دقیق‌ترین روش برای پی بردن به تعداد معلولین و درجات معلولیت آنها، آمارگیری نمونه‌ای است. که در این راستا دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی در سال ۱۳۷۵ اقدام به بررسی حجم نمونه و نیازمندی‌های اقشار مختلف به خدمات بهزیستی کشور نمود که بر اساس جامعه آماری ۶۰ هزار نفری بود. بر اساس این آمارگیری، حدود ۱۰ درصد افراد جامعه یعنی ۶ میلیون نفر در سال ۷۵ دچار معلولیت بودند. از این تعداد یک میلیون و دویست هزار (۱۲۰۰۰۰۰) نفر دارای معلولیت جسمی، ششصد هزار (۶۰۰۰۰۰) نفر دچار معلولیت ذهنی بارز بوده و چهار میلیون و دویست هزار (۴۲۰۰۰۰۰) نفر دچار معلولیت غیر بارز بوده‌اند. این آمار نشان می‌دهد، معلولیت در مردان ۱/۵ برابر زنان است و میزان معلولیت در روستاها کمی بیشتر از شهرهاست. بر اساس آمار مذکور، ۲۸/۸ درصد معلولیت‌ها ناشی از بیماری، ۲۶/۳ درصد ناشی از ضربه‌ها و تصادفات (تروما)، ۲۱/۷ درصد مادرزادی و بقیه از عوامل دیگر است. در سال ۱۳۹۴ بانک جهانی اعلام کرد ایران از نظر کسب و کار و اشتغال عموم مردم از ۱۸۰ کشور در رتبه ۱۱۸ است.^۱

وقتی انسان‌های سالم و عادی این‌گونه باشند، معلولین به طریق اولی مشکلات بیشتر دارند وضعیت اشتغال آنان بدتر است.

دکتر محمد کمالی معاون اسبق توانبخشی سازمان بهزیستی و مدرس دانشگاه، آماری را مطرح کرده که قابل تأمل است. ایشان آمار معلولین ایران را در سال ۱۳۹۰، ۹۱۹ هزار نفر دانسته است. یعنی حتی یک میلیون نفر هم نیست. گفته ایشان با اعلام نظر دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی که آمار معلولین را در سال ۱۳۷۵، حدود شش میلیون نفر اعلام کرده، تطابق ندارد. چطور است در سال ۷۵، ۶ میلیون معلول داشته‌ایم ولی در سال ۹۰، ۹۱۹ هزار نفر. اگر این آمار توسط یک فرد ناآگاه مطرح می‌شد، اشکال نداشت ولی با توجه به اینکه، وی چند دهه در این زمینه فعال بوده و چنین آماری را مطرح کرده، عجیب است.

اما آقای مثنوی که مربوط به سال ۱۳۶۵ ایران است و جمعیت ایران را ۴۵ میلیون و آمار معلولان ایران را ۴۵۳ هزار نفر اعلام کرده است. این آمار با واقعیت‌های ایران و نیز شاخص‌های جهانی که ده درصد جمعیت جوامع را معلول می‌داند، سازگاری ندارد. دلیل اشتباه بودن آمار آقای مثنوی این است که در آمار دانشگاه بهزیستی در سال ۷۵ آمار معلولین ایران، ۶ میلیون برآورد شده ولی دقیقاً ده سال قبل یعنی ۶۵، جمعیت معلولین ۴۵۳ هزار نفر اعلام نموده است. مهم‌تر اینکه آقای مثنوی ۹۶ درصد معلولین ایران را شاغل می‌داند و فقط ۴ درصد را بیکار می‌داند. بعید است این آمار صحیح باشد.

آمار اشتغال‌زایی

آمار سالانه و آمار دوره‌ای مشاغلی که در ایران برای معلولین ایجاد شده معلوم نیست. یعنی نمی‌دانیم، بخش خصوصی چند شغل و بهزیستی چند شغل ایجاد کرده است؟ این مشاغل کدامند؟ و چه گروه‌هایی از معلولین به این مشاغل دسترس پیدا کرده‌اند؟

با اینکه سازمان بهزیستی در مرکز و در همه شعبه‌ها و همه شهرها، مدیر اشتغال و یک بخش کاریابی دارد. اگر این مدیریت در هر شهر آمارها را گردآوری و هر سال روی سایت سازمان منتشر می‌شد، بسیار راهگشا بود. چون نخبگان اقتصادی و تحلیلگران اجتماعی می‌توانستند، مبتنی بر این اطلاعات، برنامه‌نویسی کنند. اما اطلاعات موردی و جزئی منتشر شده است. برای نمونه شرکت فیروز در قزوین بارها اعلام کرد ۶۵۰ شغل برای معلولین تا کنون ایجاد کرده است. رعدالغدير در تهران هم اعلام کرد، چهارصد شغل ایجاد کرده است. بهزیستی هم در شرایط مختلف آمارهای مختلف عرضه کرده است و تا چهل هزار شغل را گفته‌اند.

فرض کنیم طی چهار دهه اخیر ۵۰ هزار شغل برای معلولین ایجاد شده باشد؛ همین آمار را مبنا قرار داده و به تجزیه و تحلیل می‌پردازیم.

از سال ۱۳۵۸ یعنی تأسیس سازمان بهزیستی و پیدایش نظام جدید معلولین، ۳۸ سال می‌گذرد. یعنی هر سال ۱۶۰۰ شغل برای معلولین در سراسر ایران ایجاد

شده است.

اما آمار معلولین در سال ۵۸ با احتساب ده درصد و جمعیت سی میلیونی ایران، سه میلیون بوده و هم اکنون ۱۱ میلیون شده است. یعنی در سال ۵۸ از هر ۱۹۰۰ نفر معلول، یک نفر به اشتغال دست یافته است. ولی در سال ۹۵ از هر ۶۹۰۰ معلول یک نفر مشغول به کار شده است. البته این تحلیل بر مبنای این است که آمار کارایی، ثابت مانده باشد و هر سال ۱۶۰۰ نفر مشغول به کار شده باشند.

با توجه به اینکه گفته می‌شود، حداقل پنج و نیم میلیون معلول بیکار در سال ۹۵ داریم و خوش‌بینانه ۵۰ هزار شغل را مربوط به سال ۹۵ بدانیم. یعنی هر ۱۱۰ معلول بیکار یک نفر به سرکار رفته است. به عبارت دیگر اگر سیر اشتغال به همین صورت باشد، ۱۱۰ سال طول خواهد کشید که ۵/۵ میلیون نفر شاغل بشوند. یعنی بیش از یک قرن. البته بر فرض اینکه دیگر شاخص‌ها ثابت بماند.

همه این آمار و ارقام گویای این است که شیوه اشتغال معلولان در ایران مشکل دارد و دستگاه‌ها خوب عمل نمی‌کنند. آمار معلولین هر شهر و نیز آمار شاغل شده‌ها و آمار بیکاران در هر شهر یعنی سه عدد را اگر داشته باشیم به راحتی می‌توانیم عدد چهارمی که طول زمانی اشتغال است، به دست آوریم. مثلاً در تهران، اگر آمار جمعیت تهران ۲۱ میلیون نفر باشد، یعنی یک میلیون و دویست هزار نفر معلول دارد. از این تعداد اگر ۶۰۰ هزار نفر بیکار باشند و تمامی دستگاه‌های دولتی و مردمی در سال ۹۵ ده هزار نفر را سر کار برده و شاغل نموده‌اند. بنابراین ۶۰ سال طول می‌کشد تا مشکل اشتغال معلولان در تهران مرتفع گردد. پس از به دست آوردن عدد ۶۰ سال، می‌توانیم دآوری کنیم که یک جایی از کار مشکل دارد.

نسبت اشتغال و معلولیت

همه معلولین نمی‌توانند شاغل باشند و همه شغل‌ها هم به معلولان تعلق نمی‌گیرد. به اصطلاح معروف نسبت این دو «علی الوجه» است. یعنی بعضی از شغل‌ها به بعضی از معلولین اختصاص دارد. در توضیح این نکته لازم است انواع

اشتغالات و انواع معلولیت‌ها فهرست و معلوم شود، سپس جاهایی که با هم تباین دارند و جاهایی که با هم اشتراک دارند ترسیم گردد. معلولین از یک نظر به دو دسته غیر قابل توانبخشی و قابل توانبخشی تقسیم می‌شوند. عده‌ای از معلولین، شدت معلولیت آنها به اندازه‌ای است که نمی‌توان برایشان برنامه‌های توانبخشی و آماده سازی آنان برای رفتن به سرکار، هر چند کارهای آسان داشت. معلولانی که آسیب دیده گردنی و نخاعی هستند و تمامی اعضاء و اندام‌های آنها تحت فرمان نیست و فلج می‌باشد و توان انجام کار و شغلی را ندارند. معمولاً این‌گونه افراد را بنیادهای خیریه یا دولت زیر پوشش می‌گیرند و حقوقشان ماهانه پرداخت می‌گردد. این‌گونه افراد از قلمرو، اشتغال خارج می‌باشند.

نکته مهم این است که نخبگان و مبتکران در تلاش هستند وسایل و تجهیزاتی بسازند که انسان در هر شرایط با کمک از این وسایل بتواند، امور شخصی و شغلی خود را انجام دهد. ولی به هر حال، افرادی می‌مانند که معلولیت بسیار شدید دارند و نمی‌توانند اشتغال داشته باشند.

وقتی گفته می‌شود معلولین از نظر اشتغال مشکل دارند؛ یا وقتی گفته می‌شود معلولان اشتغال می‌خواهند دو عنصر معلولیت و شغل برای معلولان نخست باید شناخته شود. و معلوم گردد چه کسان با چه ویژگی‌هایی را معلول می‌خوانیم. سازمان جهانی بهداشت در سال ۱۹۸۱م معلولیت را نوعی اختلال بین یک انسان و محیطش تعریف کرد. یعنی اگر انسانی نتواند با محیط پیرامونی خود رابطه عادی داشته باشد، در واقع او به نوعی معلولیت مبتلا است. به بیان دیگر، معلولیت عبارت است از: مجموعه‌ای از عوامل جسمی، ذهنی، اجتماعی یا ترکیبی از آنها، که به نحوی در زندگی شخص اثر سوء بر جای گذارده و مانع ادامه زندگی وی به صورت طبیعی می‌شود. چنین فردی اصطلاحاً معلول نامیده شده و غالباً به دلیل عدم امکان زندگی مستقل از نظر شخصی و اجتماعی نیازمند توانبخشی است.^۱

البته این تعریف در مورد ناشنوایان، نابینایان، معلولین حرکتی و ذهنی به گونه

خاص و بر اساس اقتضانات آنها ارائه می‌شود.

معلولیت را در همه فرهنگ‌ها به دوروش تعریف کرده‌اند: روش ایجابی و روش سلبی. وقتی گفته می‌شود: بیماری چشم داشتن؛ انسداد مجرای گوش داشتن؛ داشتن ویروس فلج اطفال؛ داشتن اعتیاد به مسکرات؛ گرفتگی رگ‌های یا انسداد عروقی همه اینها به جنبه ایجابی معلولیت اشاره می‌کند. اما وقتی می‌گوییم: نداشتن بینایی؛ فقدان شنوایی؛ ناتوانی در حرکت و راه رفتن؛ فقدان توانایی در ارتباط با مردم، این موارد به جنبه سلبی معلولیت اشاره دارد. از نظر مفهومی تفاوتی ندارند و هر دو شیوه به یک مفهوم اشاره می‌نمایند. از منظر دیگر گاه معلولیت به غایت ارجاع می‌شود و گاه به مبدأ. در جملات ناتوانی از انجام امور منزل؛ ناتوانی از تحصیل به روش طبیعی و عادی؛ ناتوانی از دیدن مناظر و توصیف آنها؛ ناتوانی از کسب حرفه و اشتغال ناتوانی با غایت مرتبط به آن مرتبط شده است؛ اما جملاتی مانند ناتوانی چشم از دیدن؛ ناتوانی در شنیدن و در سخن گفتن؛ عدم توانایی در حرکت و راه رفتن به مبدأ ناتوانی اشاره می‌نماید. برخی معلولیت را به صورت اول تعریف کرده‌اند و بعضی به صورت دوم و بعضی هم ترکیبی از هر دو را عرضه کرده‌اند.

اما از نظر واژه‌گزینی در فرهنگ فارسی معلول و معلولیت و علیل؛ ناتوان و فاقد توانایی و توان‌خواه و توان‌یاب؛ در مقابل توانگر و توان‌بخش، مددجو و مددخواه و مددطلب در مقابل مددگر؛ یاری‌جو و یاری‌خواه در مقابل یاری‌گر و در نابینایان، واژه روشندل و بصیر و در گذشته کور؛ ناشنوا به ازای نشنیدن و سخن‌نگفتن و در قدیم کر و لال؛ فاقد تحرک و حس حرکتی در گذشته با نام شُل یا علیل و اکنون اغلب به نام معلول حرکتی شناخته می‌شوند.

اما در فارسی کنونی واژه‌های معلول و معلولیت، نابینا و نابینایی، ناشنوا و ناشنوایی بیشتر از دیگر واژه‌ها کاربرد و بسامدی دارد.

یک نکته مهم که در تعریف معلول و معلولیت باید مورد توجه قرار گیرد، تعریف انسان و ارتباط آن با معلولیت است. کسانی که برای معلولین حق حیات قائل نیستند در واقع آنها را غیر انسان و دون انسان دانسته و معتقدند نداشتن بینایی یا شنوایی یا تحرک و حرکت موجب خروج از جرگه انسانیت می‌گردد. این دیدگاه در

نظریه پردازی و حداقل در عمل از قدیم طرفدارانی داشته است و بر اساس همین دیدگاه، فتوا به کشتار معلولین می‌داده‌اند. اما اشتغال تابع باور به حیات است. اما کسی که اعتقاد به زنده بودن و حیات ندارد، اشتغال را هم کنار می‌گذارد. متون اسلامی از انسانیت معلولین دفاع کرده و فقدان بینایی و دیگر معلولیت را مرتبط به جسم آدمی نه روان و شخصیت انسانی انسان می‌دانند. و معلولیت را مخمل به انسانیت نمی‌دانند.

اما در مبحث اشتغال معلولیت و معلول باید جوری تعریف شود که اشتغال منظور شود. یعنی تعریف بر اساس اشتغال عرضه شود. بر این اساس معلولینی هستند که درجه معلولیت آنان زیاد و توانایی کار ندارند. اینان باید از قانون تأمین اجتماعی برخوردار شوند و حقوق ماهانه و مخارج آنان تأمین گردد. اما گروه‌های از معلولین هستند که ناتوان صد در صد نیستند بلکه درصدی ناتوان و در مقابل از برخی امور توانا می‌باشند. لازم است مشاغل نسبت به هر گروه مشخص شود و مثلاً ناشنویان این پنجاه شغل را می‌توانند انجام دهند و ترتیب اولویت آنها هم چنین است. اگر این اقدام صورت گیرد به تعریف جدید از معلولیت و معلولان می‌رسیم.

انسانی که محروم از یک عضو هست محروم از سلامت بینایی است محروم از یک بدن سالم است هرگز نباید احساس کمبود در مقابل جامعه بکند. قوام یک انسان به فکر او، به عقل او، به انسانیت او، و به ایمان اوست. اگر آدمیت به چشم و زبان و گوش و بینی است، پس حیواناتی که چشم و بینایی قوی‌تر یا شنوایی قوی‌تر دارند، باید انسان‌تر باشند. در حالی که چنین نیست و کسی نگفته مثلاً سگ چون شامه‌اش قوی‌تر از انسان است پس انسان‌تر است. انسانی که دست ندارد یا پا ندارد، این یک انسان است. این یک انسانی است که همانند دیگران بنده خداست و در همه امکانات و شرایط با دیگر آحاد جامعه مساوی و برابر است. بالاخره قوام و رکن انسانیت به اعضاء و جوارح جسمانی نیست بلکه به تفکر،

اندیشه، اخلاقیات، تقوا، باور و عمل به ارزش‌ها و خدمت کردن به مردم است.^۱
خلاصه اینکه پنج نوع معلولیت اصلی وجود دارد:

* بینایی

* شنوایی - تکلمی

* حرکتی

* ذهنی

* اجتماعی

همه اینها درجات دارند. درجات شدید قابل توانبخشی نیست و معلول تحت پوشش تأمین اجتماعی قرار گیرد و در درجات غیر شدید، فرد دارای معلولیت با مهارت افزایی و توانبخشی، آماده انجام شغل می‌گردد.

درباره آموزش مهارت و توانایی در فصول بعداً بحث می‌کنیم اما آیا مشاغل برای معلولین محدودیت دارد و آیا مشاغلی هست که معلولین نتوانند انجام دهند؟ پاسخ منفی است و همه مشاغل را معلولین می‌توانند انجام دهند. سرفصل‌های کلی مشاغل عبارت‌اند از:

پزشکی، مهندسی، خدماتی، علمی، فرهنگی، کشاورزی، هنری، ورزشی، صنعتی و آموزشی

معلولین در همه این ده طبقه مشاغل، موفقیت داشته‌اند. اما لازم است شبکه مشاغل و زیر مجموعه هر یک از سرفصل‌های مزبور را معرفی کنیم. این مبحث هم به فصول آتی موکول می‌شود. نتیجه اینکه کاربایی و اشتغال هر فرد مبتنی بر نوع معلولیت آن فرد است. مشکل تصمیم‌سازان و برنامه‌ریزان در این است که دو طیف مشاغل و معلولین شناسایی و انطباق آنها هم کارشناسی نشده است. اگر شبکه افراد دارای معلولیت از صفر تا صد و شبکه مشاغل از صفر تا صد ترسیم گردد، معلوم خواهد شد کدام دسته از معلولین در کجای شبکه شغلی می‌توانند چه کاری را انجام دهند.

۱. محمدی گلیپگانی در همایش عنوان سخنرانی اشتغال معلولان از دیدگاه اسلام.

تجربه جهانی

کشورهای اروپایی پس از جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸) و جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵) با خرابی‌های فراوان، جمعیت بسیار معلولان و آسیب دیدگان مواجه بودند. اما با روش معقول و اتخاذ تدابیر درست توانستند در مدت زمان محدود و با هزینه کردن‌های معین بر مشکلات فائق آمده و بر اوضاع مسلط شوند. شیوه‌ای که در آلمان، فرانسه، انگلستان و دیگر کشورها انجام یافت و توانستند به سرعت (کمتر از یک دهه) مشکلات معلولین از جمله بیکاری معلولین را سامان‌دهی کنند، متأسفانه در ایران مطالعه و شناسایی نشده است. عجب اینکه ده‌ها و صدها موضوع از غرب به ایران آمده و دانشجویان ایرانی به عنوان پایان‌نامه در مقاطع مختلف درباره این موضوعات پایان‌نامه و مقاله نوشته‌اند، استادان کنفرانس داده‌اند. درباره کتاب‌های کانت، هگل؛ درباره افکار متفکران غربی، درباره شیوه بانکداری، درختکاری، لباس پوشیدن، پرورش سگ و گربه و خلاصه هزاران موضوع و سوژه غربی، در ایران مطلب نوشتند اما دریغ از یک پایان‌نامه یا یک مقاله درباره اشتغال و شیوه شغل یابی و اشتغال‌زایی معلولان در غرب. بالاخره تجارب غربی‌ها را نیاوردند و بومی‌سازی نشد، از طرف دیگر نخبگان و متفکران و محققان داخلی در این باره اقدامات جدی نداشته‌اند. منظور تدبیرها و مطالعاتی است که به تدبیر و خط‌مشی و برنامه‌کارشناسی شده و چهارچوب‌مند منجر شود و به صورت برنامه‌های عملیاتی تدوین گردد. سپس در فازبندی‌های مشخص و زمان‌بندی دقیق اجرایی شود. خلاصه اینکه جامعه معلولین در زمینه اشتغال نه صاحب برنامه وارداتی شد و نه برنامه‌ای داخلی برای این مظلومین تدوین و آماده شد. و هنوز هم نشده است. چرا چنین شد و چرا اینان به این سرنوشت دچار شدند؟ هر فصل کتاب به گوشه‌ای از این مشکل می‌پردازد. ولی اینجا اجمالاً گزارشی از بعضی اقدامات غربی‌ها در زمینه اشتغال معلولین در غرب را می‌آورم و کارهای بنیادی که از ابتدا شروع کردند را معرفی می‌کنم.

نهاد تأمین اجتماعی جهت رسیدگی به معلولانی که توانایی خود را از دست داده بودند، اولین بار به صورت قانون فراگیر در سال ۱۹۳۵ در آمریکا و در سال ۱۹۴۴ در بریتانیا با تأسیس مرکز تأمین اجتماعی اجرایی گردید.^۱ جوامع دیگر مثل جامعه یهود در آمریکا و اروپا بیکار نشستند و شروع به اقداماتی برای رسیدگی به معلولین کردند.^۲

چون اروپا بیشتر در جنگ آسیب دیده بود، فعالیت‌های خیرخواهانه و انسانی در کشورهای مثل فرانسه بیشتر بود. به ویژه در زمینه امور زیربنایی مثل آموزش و پرورش اقدامات فراگیر برای مهارت‌افزایی معلولان انجام شد.^۳ در عرصه آموزش و پرورش معلولین اقدامات اساسی بعد از به ویژه جنگ جهانی دوم انجام یافت و با آموزش انواع مهارت‌ها، معلولین را آماده می‌کردند تا در مشاغل گوناگون فعال شوند.

مراکز و نهادهای بسیار تأسیس شد، مراکز حرفه‌ای و کارگاه‌های حمایت شده‌ای جهت مهارت‌افزایی ایجاد شده است. مثل سازمان بین‌المللی کار که مهم‌ترین نهادی است که به مشکلات انسان‌های معلول و نیز ناشنوایان، اهتمام می‌ورزد. این سازمان، در ۱۹۲۱، به اجباری کردن استخدام کارگرانی که در هنگام کار، معلولیتی مانند ناشنوایی پیدا کرده‌اند، گامی جدی برای احقاق حقوق آنها برداشت.

مراکز خیریه، مراکز وقفی (موقوفه‌ای) در ایران هنوز فاقد اصول و برنامه است. با اینکه در قرآن و سنت راهبردهای بسیار مهم وجود دارد. کشیشی می‌گفت غربی‌ها، آموزه‌های مسلمانان در زمینه وقف را گرفتند و بنیادهای وقفی ایجاد کردند که می‌تواند میلیون‌ها نفر را از فقر و بدبختی نجات دهد. بنیادهایی که چند سده قدمت دارد و هر سال به ثروت و دارایی‌های آن افزوده شده است. اما در ایران به ندرت موقوفه‌ای یافت می‌شود که چند دهه قدمت داشته باشد. اگر پیدا شود با

۱. دانشنامه دانش گستر، ج ۵، ص ۶۶۷؛ دانشنامه ناشنوایان، ج ۱، ص ۳۸۱.

۲. دانشنامه ناشنوایان، ج ۳، ص ۱۳۷۴-۱۳۷۵.

۳. دانشنامه ناشنوایان، ج ۲، ص ۸۵۹.

بنیاد نحیف و ضعیف مواجه خواهیم شد. با اینکه اگر فقط موقوفات صفویه تداوم یافته بود امروز می‌توانستیم همه معلولان را به خوبی اداره کنیم.

همایش‌های متعددی که از ابتدای سده بیستم در این زمینه تشکیل شد، ایده حمایت از معلولان را پیگیری و توجه همگان را به ابعاد این مسئله، جلب کرد. برای نمونه، کنفرانس بین‌المللی کار در ۱۹۴۴ در فیلادلفیا، در نهادینه کردن اقدامات حمایتی، مؤثر بود. این کنفرانس در ۲۲ ژوئن ۱۹۵۵ مجدداً تشکیل جلسه داد. و با صدور سندی، تحولی در توانبخشی حرفه‌ای معلولان پدید آورد.^۱

همه یا بسیاری از مشکلات اشتغالی معلولان در اروپا و آمریکا سامان‌دهی شده و آنان از رفاه و معیشت و شغل مطلوب تقریباً برخوردار هستند. اینکه اینان چکار کردند و چه اقداماتی انجام دادند و ما چه تجاربی از آنان می‌توانیم اخذ کنیم، بسیار سریع است. اینجا به اهم اقدامات آنان می‌پردازیم. سپس درصدد هستیم با مطالعه متن این گزارش‌ها نکته‌ها را استخراج و به تجزیه و تحلیل آنها بپردازیم.

ابتدا به تاریخچه‌ای از اقدامات انجام شده در سطح جهان اشاره می‌کنیم. اولین قانون توانبخشی حرفه‌ای در سال ۱۹۱۹ در آمریکا به تصویب رسید. در سال ۱۹۶۵ ایالات متحده آمریکا مطالعه‌ای را در مورد جنبه‌های قانونی در توانبخشی معلولین در چند کشور منتخب انجام داد.

اولین کنفرانس بین‌المللی مربوط به مسائل قانونی معلولین در سال ۱۹۷۱ در رم برگزار شد و پیام آن چنین بود که قوانین اساسی می‌بایست به نحوی تدوین شوند که موجب درک و شناخت اصول توانبخشی باشند. آنچه که امروزه به برابری فرصت‌ها تعبیر می‌شود و این امر را وظیفه دولت‌ها دانسته‌اند که شاهد و ناظر سازمان‌های معلولین باشند تا قوانین را آماده و اجرا کنند.

دومین کنفرانس بین‌المللی مربوط به قوانین معلولین در سال ۱۹۷۸ در مانیل برگزار شد که ضمن تصریح یافته‌های اولین کنفرانس، توصیه نمود که قوانین مربوط به افراد معلول می‌بایست در یک مجمع هماهنگ ملی که از نمایندگان

سازمان‌های ذیربط، مؤسسات داوطلب و سازمان‌های معلولین تشکیل شده تدوین شود. در این کنفرانس تأکید شد که موارد زیر در دستور کار و وظایف چنین مجمعی قرار گیرد:

تعیین نیازها، تدوین برنامه‌های جامع، مشاوره و توصیه به دولت در تمام جنبه‌های مربوط به معلولین و ارزشیابی ثمر بخش بودن خدماتی که ارائه می‌شود. کنفرانس اخیر، شناسایی پیوند معلولین با جامعه را در جایگاه افرادی مستقل و متکی به خود به عنوان هدف خدمات توانبخشی و رفاهی معلولین توصیه می‌کند. البته دو سال قبل از این کنگره در سال ۱۹۷۶، سازمان ملل، سازمان بهداشت جهانی و سازمان بین‌المللی کار، مشترکاً مقایسه‌ای را در مورد قوانین، سازمان و اداره خدمات توانبخشی معلولین در ۴۹ کشور عضو انجام دادند.

در سال ۱۹۸۰ وقتی که منشور دهه هشتاد تصویب شد نقطه نظرهای اصلی کنفرانس رم و مانیل مجدداً تصریح شد و تأکید گردید که به مهم‌ترین حق معلولین یعنی مشارکت در تصمیم‌گیری‌هایی که به زندگی آنها مربوط می‌شود و بر آن اثر می‌گذارد اولویت داده شود. در گردهمایی بین‌المللی متخصصین قوانین مربوط به برابری فرصت‌ها برای معلولین که در ژوئن ۱۹۸۶ در وین برگزار شد تمامی موارد بالا مورد تأکید قرار گرفت.

در بین نتایج به دست آمده پیشنهاد شد که اولین هدف قوانین باید تحقق کامل‌ترین شکل ممکن یکپارچگی و پیوند اجتماعی، اقتصادی معلولین در خانواده و جامعه باشد.

در دو کنگره بین‌المللی توانبخشی که در سال‌های ۱۹۸۴ در لیسبون پرتغال و ۱۹۸۸ در توکیو، ژاپن برگزار شد، ده مقاله منتخب در جلسات تخصصی مربوط به بحث قانون و معلولین ارائه گردید که در بررسی حاضر علاوه بر مطالعات انجام شده در متون مختلف توانبخشی. تمامی مقالات کارشناسان و صاحب نظران توانبخشی که در این دو کنگره به صورت سخنرانی ارائه شده است. مورد مطالعه دقیق قرار گرفته است.

سخنرانی‌های ایراد شده در سال ۱۹۸۴ از سوی نمایندگان توانبخشی کشورهای اطریش، ایالات متحده آمریکا، جمهوری فدرال آلمان و کمیسیون

جوامع اروپایی و مجمع ملی معلولین ایالات متحده و در کنگره سال ۱۹۸۸ صاحب نظران توانبخشی کشورهای مالزی، آفریقا، ژاپن، برزیل و فیلیپین بحث حمایت‌های قانونی را مطرح کرده‌اند. و بدین ترتیب مشاهده می‌شود که با طرح نکات عمده این بحث‌ها، طیفی گسترده از نظرات کارشناسی در کشورهای مختلف جهان را در اختیار خواهیم داشت.

کشورهای اروپایی به دلیل جنگ‌های جهانی و وسعت خرابی‌ها و معلول شدن افراد بسیار توانستند در کمتر از ده سال مشکلات مرتبط به معلولین را سامان‌دهی کنند.

از این‌رو در زمینه توانبخشی، مناسب‌سازی، اشتغال و غیره تجارب و دستاوردهای مهمی کسب کنند. به ویژه در عرصه اشتغال تجارت مهمی دارند. گسستگی ایران با اروپا و عدم ارتباط مناسب موجب شده تا این تجارب بومی نشود و به دست معلولین نرسد.

سازمان بین‌المللی کار

سازمان جهانی کار که به صورت مخفف ILO نامیده می‌شود. نام کامل آن این‌گونه است:

International labour organization. در فارسی آن را سازمان بین‌المللی کار یا سازمان جهانی کار می‌نامند. این سازمان وابسته به سازمان ملل متحد و از کارگزاری‌های تخصصی این سازمان است که در ۱۹۱۹م تشکیل شد. مرکز آن در ژنو پایتخت سوئیس است. در ۱۹۶۹م جایزه نوبل به این سازمان تعلق گرفت. این سازمان مؤلف است کار و اشتغال در کشورهای عضو را سامان‌دهی و نظارت کند. یکی از وظایف این سازمان رسیدگی و نظارت بر اشتغال قشرهای خاص از جمله معلولان است.

این سازمان در روز جهانی معلولان، گزارش جدیدی منتشر کرد که بر اساس آن، گرچه طی سال‌های اخیر پیشرفت‌های چشمگیری در بهبود معاش و شرایط زندگی معلولان حاصل شده است، اما باید تلاش‌های بیشتری به عمل آید تا بتوان

موانع پیش روی این گروه را از میان برداشت و به آنها کمک کرد تا امکان کار و فعالیت داشته و در رشد اقتصادی جوامع خود سهیم باشند.

عنوان گزارش سازمان جهانی کار «حق کار شایسته برای معلولان» است، و بر این نکته تأکید دارد که اتخاذ اقدامات و تلاش‌های بیشتر برای رفع موانع پیش روی مشارکت معلولان در جامعه، بسیار حیاتی و حایز اهمیت است، زیرا نه تنها سهم معلولان را در بازار کار بیشتر می‌کند و سهم آنها را در فعالیتهای اجتماعی افزایش می‌دهد و منجر به رشد و توسعه روستایی و نیز اجرای موفق برنامه‌های کاهش فقر می‌شود، بلکه در تحقق سریع‌تر یکی از اهداف توسعه هزاره مؤثر است که همان به نصف رساندن شمار فقیران جهان تا سال ۲۰۱۵ است.

بنابر آمارهای سازمان جهانی کار، نزدیک به ۶۵۰ میلیون نفر از جمعیت جهان معلول هستند یا از هر ۱۰ نفر یک نفر دچار معلولیت است و از این تعداد حدود ۴۷۰ میلیون معلول در سن کار هستند. گرچه بسیاری از این افراد به طور موفق کار می‌کنند و کاملاً جذب جامعه شده‌اند، اما معلولان گروهی هستند که معمولاً میزان فقر و بیکاری در میان آنها بیشتر است. گزارش جدید سازمان جهانی کار حاکی است که بین فقر و معلولیت رابطه‌ای قوی وجود دارد و ۸۰ درصد از کل معلولان جهان در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند. همچنین نزدیک به ۴۲۶ میلیون نفر معلول زیر خط فقر به سر می‌برند و ۱۵ تا ۲۰ درصد از آسیب پذیرترین و حاشیه نشین‌ترین فقیران کشورهای در حال توسعه، معلولان هستند.

«جان سوموایا»، دبیرکل سازمان جهانی کار در این زمینه می‌گوید: هدف اصلی و عمده این سازمان، فراهم آوردن فرصت کار شایسته برای همه مردم است. وقتی ما حقوق و عزت نفس و کرامت انسانی معلولان را افزایش می‌دهیم، در حقیقت افراد را توانمند می‌سازیم و جوامع را غنی و اقتصادها را قدرتمند می‌کنیم. ما باید تلاش‌هایمان را افزایش دهیم تا روند تغییرات را سرعت بخشیم.

بخش «افزایش مهارت‌ها و ایجاد قابلیت‌های اشتغال» ILO، اشاره به پژوهش‌های بانک جهانی در این زمینه دارد که برآورد کرده است، ضررهای اقتصادی جهانی در اثر محرومیت اجتماعی افراد از بازار کار و عدم حضور در فعالیتهای اقتصادی بر حسب تولید ناخالص داخلی یا GDP، سالانه بین ۱/۳۷ تا

۱/۹۴ تریلیون دلار است و اضافه می‌کند که از این رو ایجاد مشاغل شایسته برای افراد معلول از حیث اجتماعی و نیز اقتصادی مهم است.

گزارش جدید ILO بر چالش‌های متعددی تأکید دارد که در محیط‌های کاری در برابر معلولان موجود است و از جمله آنها می‌توان به تمرکز معلولان در مشاغل پایین و دارای دستمزد اندک، مشکلات مرتبط با رفت و آمد به محیط کار، مشکلات مسکن و حمل و نقل، خطر از دست دادن مزایا هنگام شروع کار و تعصب و برخورد ناصحیح سایر کارگران در محیط کار و کارفرما و کل جامعه با آنها اشاره کرد. این گزارش همچنین تأکید دارد که در محیط‌های کاری در بین معلولان در مقایسه با افراد سالم میزان بیکاری بیشتر و سطح درآمد کمتر است یا اغلب معلولان در مشاغلی پایین‌تر از تخصص خود استخدام می‌شوند.

گزارش سازمان جهانی کار در عین حال حاکی است این وضعیت نشانه آن نیست که هیچ‌گونه پیشرفتی در این زمینه حاصل نشده است، طی سال‌های اخیر رشد چشمگیر تصویب قوانین ملی در کشورهای مختلف در مورد منع تبعیض علیه معلولان دلگرم‌کننده بوده است، گو این که تصویب قوانین در این حوزه به تنهایی، اجرای آنها را ضمانت نمی‌کند. تلاش‌های دایمی سازمان‌های بین‌المللی، به خصوص ILO از حیث ارتقای فرصت‌ها و رفتار برابر در زمینه اشتغال ادامه دارد تا محرومیت اقتصادی و اجتماعی معلولان را به طور زیادی کاهش دهد.

سازمان جهانی کار بر این باور است که کنوانسیون جدید سازمان ملل در مورد حقوق معلولان که در دسامبر ۲۰۰۶ تصویب شد، باعث تشدید اقدامات در سطح کشوری و جهانی می‌شود و نیروی جدیدی برای از بین بردن تبعیض علیه معلولان به شمار می‌آید و منجر به افزایش حضور مثبت آنها در بازار کار می‌شود. اصول این کنوانسیون جدید سازمان ملل مطابق با استانداردهای ILO در این زمینه، از جمله کنوانسیون شماره ۱۵۹ سازمان جهانی کار است که در مورد «رشد توانایی‌های حرفه‌ای و شغلی معلولان» است.

تا کنون ۸۰ کشور، کنوانسیون ۱۵۹ را پذیرفته‌اند. در این کنوانسیون تأکید شده است که باید در مورد اجرای سیاست‌های ملی مرتبط با رشد توانایی‌های حرفه‌ای و شغلی، با سازمان‌های نماینده کارگران و کارفرمایان و سازمان‌های

نماینده معلولان مشورت شود. در کنوانسیون جدید نیز در مورد مسئله مشاوره با گروه‌های مهم ذی‌ربط تأکید شده است. به علاوه گزارش ILO حاکی است که اگر دولت‌ها، کارفرمایان و اتحادیه‌های کارگری سیاست‌های عدم تبعیض علیه معلولان را اجرا کنند، این اقدام در مدیریت معلولیت در محیط‌های کار نقش مهمی خواهد داشت.

در سال ۲۰۰۷، سازمان جهانی کار در روز جهانی معلولان برنامه جدیدی را جهت اعتلای اصول کار شایسته در بین معلولان، شروع کرد. این سازمان می‌گوید، امیدوار است چنین اقداماتی کمک کند تا مسائل مؤثر بر معلولان در جهان کار بیشتر درک شود و نیز باعث جلب حمایت‌های تازه‌ای از حقوق آنها در محیط کار شود.^۱

دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است ارتباط سازنده و نظام‌مند با این سازمان، سازمان‌های مشابه برقرار کند، از امکانات اینگونه سازمان‌ها در جهت توسعه وضعیت معلولان استفاده کند. اما گزارش منظمی در این باره شنیده نشده است.

خلاصه اینکه ده‌ها اقدام حقوقی، آموزشی و غیره منجر به خط‌مشی و برنامه مدون در اشتغال معلولین در اروپا گردید. این برنامه از زیر ساخت‌های بنیادی مثل اطلاعات و آمار دقیق، شفافیت و حمایت افکار عمومی برخوردار بود.

نهادهای مدنی، مراکزی، پژوهشی و اطلاع‌رسانی تأسیس کرده بودند انواع اطلاعات معلولان جمع‌آوری شده بود. بنابراین هر اقدام و تصمیمی مبتنی بر اطلاعات دقیق بود. از طرف دیگر مردم و افکار عمومی حل مشکلات را خواستار بودند و هر مدیری تلاش نمی‌کرد یا کم کاری داشت، نهادهای مدنی برخورد می‌کردند و فشار می‌آوردند. مثل ایران کنونی نبود که هیچ نظارتی روی کار مدیریت‌ها نیست و آنان هم خود را پاسخگو نمی‌دانند.

نتیجه و سر جمع همه اقدامات و تلاش‌های مستمر حدود هفت دهه، وضعیت

کنونی معلولین در اروپا و آمریکا است. گزارش‌هایی که از زندگی آنان در بلژیک، فرانسه و دیگر جاها می‌خوانیم، فکر می‌کنیم رمان است و کسی بر اساس خیالات خودش نوشته است. در حالی که واقعیت دارد.

فصل دوم:
مبانی و بنیادها

اشتغال یا کارایی Employment به مجموعه اقدامات و فعالیت‌هایی گفته می‌شود که شامل جستجو و پیدا کردن کسب و کار و ایجاد کار و فعالیت درآمدزا، برای بیکاران شود. اشتغال ابعاد پیچیده دارد و چون مرتبط به نظام اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی موجود است، از ظرفیت‌ها و مشکلات موجود در این نظام‌ها تأثیر می‌پذیرد.

این فصل به مبانی و زیربناهای حقوقی، اجتماعی و فرهنگی اشتغال می‌پردازد. یعنی از مجموعه عناصری که اشتغال متکی به آنها و مبتنی بر آنها است، بحث می‌شود. این عناصر زیربنایی عبارت‌اند از:

* حق حیات

* حق مشارکت اجتماعی

* آموزش‌پذیری

* مهارت‌پذیری

* حق ورود به بازار کسب و کار (عدم محجوریت)

* تعهد دولت و نیکوکاران

* نفی تبعیض

* ضرورت کوشش

اشتغال در مواردی مطرح است که این هشت عنصر حضور داشته باشند. ولی اگر این عناصر نباشند و منتفی باشند اشتغال هم منتفی خواهد شد. برای مثال اگر حق حیات برای معلولین قائل نباشیم و مثل فلاسفه یونان باستان معلولان را سربار جامعه و موجودات غیر سودمند بدانیم، لزوماً به این نتیجه می‌رسیم که نیاز به شغل و اشتغال هم ندارند. و شغل داشتن فرع بر حیات و زندگی است. اما کسی که زندگی ندارد، در آمد و شغل هم نمی‌خواهد.

از دیگر سو آسیب اشتغال، فقدان حیات است. مشارکت اجتماعی موجب شکوفایی اشتغال و برعکس فقدان مشارکت آفت جامعه فعال و سرنوشت ساز است. بنابراین اشتغال و فعالیت در زمینه کار مبتنی بر هشت عنصر فوق است.

حق حیات

گرچه از زمان‌های دور اطلاعات کافی در برخورد با معلولین در دست نیست ولی آنچه مسلم است این گروه از جامعه معمولاً با مرگ زودرس مواجه بوده‌اند. این مرگ و میرها در اغلب موارد ناشی از خود معلولیت و عوارض آن نبوده بلکه مرگی تحمیل شده از سوی انسان‌های مخالف معلولیت بوده است.^۱

معلولی که نمی‌توانسته خود را با حوادث روزگار وفق دهد و نیازهای روزمره خود را تأمین کند، جایی در جامعه نداشته است. از این رو آنان یا به دست تقدیر در معابر رها می‌شدند و یا بر اساس خرافاتی که در جامعه وجود داشت به روشی نابود می‌شدند. حتی شنیده شده که هم اکنون در برخی روستاهای دور دست ایران، شوم بودن حضور نوزاد معلول مطرح است؛ با اعتقاد به کشتن او به طرز وحشیانه این گونه عمل می‌کنند: نوزاد را در طویله حیواناتی مثل الاغ و گوسفند رها کرده و نوزاد زیر دست و پای حیوانات از بین می‌رود. یا روی کوه بلندی می‌گذارند تا عقاب او را ببرد.^۲

آراء تاریخی در جوامع مختلف: با ظهور اسلام، تحولی در مسیر دستگیری ناتوانان و محرومین در جوامع رخ داد. معلولینی که در این جوامع زندگی می‌کردند به تناسب سطح آگاهی جامعه کما بیش از توجه خاصی برخوردار بودند. در سرنوشت خود حضور پیدا می‌کردند. ولی در اغلب جوامع دیگر وضع متفاوت بود و اثری از انسان دوستی، ترحم و نوع دوستی وجود نداشت و عملاً به کشتار معلولین می‌پرداختند. مثال مشهود آن کشتار دسته جمعی معلولین به وسیله رژیم نازی هیتلری آلمان است.

۱. سید مجید میرخانی، معاون امور توانبخشی، سخنرانی با عنوان «جایگان توانبخشی حرفه‌ای و اشتغال معلولین در نظام توانبخشی»، ص ۳۸ (جزوه)

۲. این نکات از برخی طلاب که به دهات دور دست لرستان یا کردستان برای تبلیغ رفته بودند شنیده شد.

طبق اسناد دادگاه نورم برگ حدود ۳۰۰/۰۰۰ نفر معلول قربانی جنایت هیتلری شده‌اند. زیرا بر این عقیده بوده‌اند که وجود معلولین فایده‌ای برای رژیم مربوطه نداشته و می‌بایست حذف گردند.

اما طرز فکر حذف معلولین به تدریج در بسیاری از جوامع و مردم شهرنشین منسوخ گردید و تفکر انسان دوستی و هم‌نوگرایی جایش را فراگرفت.^۱

بر دیوار معبد مصری قدیمی تصویری هست که پای فلج کودکی را نشان می‌دهد. این دیوار و این تصویر مربوط به پنج هزار سال قبل است.^۲ باستان شناسان در پرو (آمریکای جنوبی) مجسمه انسانی را پیدا کردند که روی آن سوراخ شده بود. این مجسمه نشانگر اعتقاد در بین قبایل قدیمی است که معتقد بودند آدم‌هایی که معلولیت ذهنی و بیماری روانی دارند. باید سوراخی روی سر آنها بشود تا ارواح شیطانی از سر آنها خارج گردد. این باور در تورات هم آمده است.^۳

بخت النصر بنیان‌گذار بابل همچنین عقیده‌ای داشت در ایران قدیم کسانی که بیماری صرع داشتند معتقد بودند، بیمار به عارضه مقدس یا الهی دچار شده، چنانکه یکی از پادشاهان ساسانی به نام کامبیز چنین بود.^۴

همه این موارد نشانگر این است که معلولیت از هزاران سال قبل مطرح بوده و رؤسای جوامع برای درمان و علاج معلولیت تدبیرها داشتند و بر باورهایی عمل می‌کردند. در مقابل، بعضی از قدیم باور داشتند که معالجه و درمان معلولین صحیح نیست و معلولین باید از بین بروند و از حیات ساقط شده و بمیرد. حتی فلاسفه‌ای مثل ارسطو و افلاطون هم چنین نظری داشتند و برای نابودی معلولین راه‌هایی عرضه می‌کردند. مثلاً در روم باستان، نایب‌نایان را در کوه یا جنگل رها می‌کردند تا بمیرند یا طمع حیوانات شوند.^۵ دیدگاهی هم معتقد بود معلولان باید

۱. سید مجید میرخانی، جزوه، ص ۳۹ به بعد.

۲. سیکولوجیة نوى الاحتياجات الخاصة، السید فهمی علی، ص ۲۸۱.

۳. همان.

۴. همان، ص ۲۸۱-۲۸۲.

۵. همان، ص ۲۸۲.

با آزار و اذیت نابود شوند.

دیدگاه اسلام: قرآن کریم و معصومین علیهم السلام در جاهای مختلف به نفی کشتار و ردّ قتل یکدیگر؛ نیز اهتمام به نوع بشر و دوست داشتن ابناء آدم و نوع بشر پرداخته‌اند. در دوره جاهلیت دختران خود را زنده به گور می‌کردند چون از عواقب مثل فقر، در خانه ماندن و شوهر نیافتن یا اسیر شدن در جنگ می‌ترسیدند و با روشی آنها را می‌کشتند. قرآن خطاب به کسانی که به نابودی حیات انسان می‌پردازند می‌فرماید: بای ذنب قتلت.^۱ به کدام گناه کشته شده.

قرآن در آیات متعدد به کشتن انسان‌ها اعتراض کرده و یک اصل مهم انسانی و اجتماعی به نام «اصل نوعدوستی» را مطرح نموده است. افراد عضو یک جامعه نه تنها نباید برای نابودی یکدیگر تلاش کنند بلکه لازم است یکدیگر را دوست داشته باشند و به یکدیگر علاقه داشته و نسبت به یکدیگر مودت و دوستی داشته، در حلّ مشکلات یکدیگر بکوشند و بر اساس رحمت با همدیگر تعامل داشته باشند. قرآن می‌فرماید جعل بینکم مؤدّه و رحمه، یعنی بین شما دوستی و رحمت گذاشتیم.^۲ رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و سلم و قرآن بر اساس اصل نوعدوستی (رحمت و مودت اجتماعی)، دیدگاه حیات آنان را مطرح کرد. از پیامبر، احادیث بسیار در این زمینه رسیده است، مثل این موارد:

أَبْعُونِي فِي الضَّعْفَاءِ فَانَمَا تَنْصُرُونِ وَ تَرْزُقُونِ الضَّعْفَاءَ كَمْ^۳

یعنی مرا یاری کنید در مورد اقشار آسیب دیده و ضعیف همانا نصرت و پیشرفت و تمشیت امور اقتصادی به واسطه ضعفاء جامعه است.

رسول خدا در این روایت، خواستار حمایت جامعه از اصلاح امور ضعیفان شده است؛ زیرا توانمند شدن و مشارکت آنان در جامعه موجب ورود نیروی اجتماعی

۱. تفسیر نوین، محمدتقی شریعتی، ص ۸۴-۸۵؛ الفرقان، ج ۲۹، ص ۴۳۸-۴۴۲؛ ترجمه تفسیر المیزان،

ج ۲۰، ص ۳۵۰-۳۵۱؛ سوره تکویر، آیه ۹.

۲. سوره روم، آیه ۲۱.

۳. اسلام و تأمین اجتماعی، ص ۲۸۸.

جدید می‌شود و نهایتاً به پیشرفت و آبادانی جامعه می‌انجامد.^۱
در جای دیگر می‌فرماید: ترک السلام علی الضریح خیانه؛^۲ یعنی سلام نکردن به نابینا خیانت است.

خیانت مصادیقی مثل عهد شکنی دارد؛^۳ بی‌توجهی و سلام نکردن به نابینا را پیامبر خیانت و ناپسند می‌داند. سلام و احترام نهادن نوعی از انسان دوستی است. حضرت علی علیه السلام در فرمان به مالک اشتر می‌گوید: وَأَشْعُرُ قَلْبِكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِبًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَحْ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ. یعنی قلب خود را برای مهربانی و دوستی با مردم آماده کن و با آنان ملاطف بنما، با آنان مثل حیوان درنده که در پی فرصتی برای دریدن و نابودی مردم هستند، رفتار مکن. مردم دو گروه هستند: یا با تو هم دین هستند در این صورت برادر دینی تو می‌باشند و یا هم کیش تو نیستند که در این صورت مثل تو انسان می‌باشند و خلقت شما یکی است.

دکتر سید فهمی علی که سال‌ها استاد دانشگاه منصوره در مصر جامعه‌شناسی معلولین را تدریس می‌کرده در کتابی احادیث و آیات فراوان نقل کرده و ثابت نموده که اسلام از ابتدا در پی رسیدگی به معلولین و ممانعت از آزار و اذیت آنان و تأسیس تأمین اجتماعی برای آنان بوده است. اما دیدگاه اسلام کمتر به غرب معرفی شده و در دانشگاه‌های غربی تدریس شده است.^۴

خلاصه اینکه اسلام معتقد است، جان هر انسان و وجود هر زن یا مرد یا کودک محترم است و کسی حق ندارد حیات کسی را از بین ببرد. زیرا جامعه انسانی مبتنی بر نوع دوستی و علاقه به یکدیگر و تعامل با هم بر اساس رحمت و مؤدت پدید آمده است. قرآن می‌گوید، ساختار جامعه انسانی بر اساس شالوده‌های خاص

۱. همان.

۲. همان.

۳. تفسیر نوین، ج ۱، ص ۲۸۱.

۴. سیکولوجیة ذوی الاحتياجات الخاصة، ص ۲۸۱-۳۱۱.

یعنی رحمت و مودت شکل گرفته است (جعل بینکم رحمةً و مودة)^۱ معلولین هم در چنین جامعه‌ای زندگی می‌کنند و مناسبات با آنها باید بر اساس مودت و رحمت باشد. زیرا حق حیات و زندگی دارند. البته حیات بدون اشتغال و درآمد ممکن نیست. هر کس باید بتواند لوازم و اسباب حیاتش را فراهم آورد و این جز با کار اقتصادی و به دست آوردن در آمد ممکن نیست. بر این اساس اشتغال از لوازم و از ضرورت‌های حق حیات است. چون حیات و زندگی بدون شغل و کار و در آمد ممکن نیست. نتیجه اینکه بیکاری آسیب و آفت برای حیات است. و اشتغال نوعی از حیاتی است که قرآن و سنت بر آن تأکید دارند.

حق مشارکت اجتماعی

معلول مثل دیگر انسان‌ها حق دارد در سرنوشت خود و جامعه خود مشارکت داشته باشد. معلولین نمی‌توانند به صرف اینکه عضوی از بدنشان آسیب دارد مثلاً بینایی ندارند، خود را کنار کشیده و در پروسه‌ها و فعالیت‌های اجتماعی شرکت نکنند.

برخی آیات و روایات در اسلام به معلولین رخصت داده در جهاد و بعضی از فعالیت‌های دیگر شرکت نکنند و گاه این تعابیر به تبعیض و عدم حق مشارکت تفسیر شده است. با اینکه این موارد صرفاً اجازه و رخصت برای عدم انجام کارهایی است که در طاقت و توانایی آنها نیست. مثل مردم دیگر که حق انجام کارهایی را ندارند نه به دلیل اینکه تمایز و تبعیض باشد؛ بلکه به دلیل این است که این افراد تبحر و توانایی انجام آن کار را ندارند و در صورت انجام به خودشان یا به افراد دیگر ممکن است ضرر وارد کنند. برای مثال کسی که دانش پزشکی ندارد، حق درمان و طبابت ندارد؛ چون تخصص این کار را ندارد و انجام طبابت ممکن است موجب ضرر و زیان گردد.

حق مشارکت معلولان به عنوان یکی از مبانی اشتغال، مشارکت در سرنوشت و

در تأمین شغل و کار، و کسب درآمد را تبیین می کند.

سیر تحولات: از کسانی که خواهان حذف کامل معلولین بوده تا کسانی که درصدد مشارکت اجتماعی آنان می باشند، طیفی گسترده از دیدگاه ها هست که اینجا به برخی از آنها اشاره می شود. حداقل پنج دیدگاه شناسایی شده که اجمالاً اینگونه اند:

۱- حذف معلولین از جامعه

۲- ایزوله سازی معلولین با نگهداری آنان در محیط های دور از خانه

۳- ایجاد محدودیت برای معلولین و نگهداری آنان در شبانه روزی ها

۴- زندگی آنان در کنار خانواده و جامعه با ارتباط محدود با افراد غیر معلول

۵- توانبخشی و مشارکت کامل و گسترده در جامعه

دیدگاه های اول تا سوم اساساً اشتغال و حق کار و حتی حق حیات برای معلولین قائل نیستند. اما دیدگاه چهارم، اشتغال در محدوده خانواده و انجام کارهای محدود و زیر نظر خانواده را قبول دارد. ولی دیدگاه پنجم انسانی است و معلولین را چون دیگر انسان ها می داند.

حذف و نابودی: قبلاً اسنادی درباره شیوه نابود کردن معلولان عرضه کردم.

این اسناد بسیار است. ادیبانی مثل یهود، ناشنوا را به فقدان سلامت عقل ربط می دادند و معلول را همان کودن یا غیر عاقل تصور می کردند. گاه معلول را به فاقد ایمان و کفر یا حداقل کسی که معنویت ندارد گره می زدند و از ورود ناشنوایان به مراسم یهودیان ممانعت به عمل می آوردند.^۱

در تاریخ همه جوامع، معلولان تقریباً سرنوشت یکسان داشته اند. سخت گیری ها در همه جا وجود داشته، ولی آنان با سخت کوشی و نشان دادن پاکی و معرفی توانمندی های خود توانستند، جو را عوض کنند و نظرات رهبران را جلب نمایند.^۲

۱. مقاله یهود در دانشنامه ناشنوایان، ج ۳، ص ۱۳۷۳.

۲. نگاه کنید به: مقاله یهود در دانشنامه ناشنوایان.

معلولان مظلوم‌ترین گروه اجتماعی هستند که رنج و مرارت‌های بسیار کشیده‌اند. با اینکه همواره در تلاش بوده و با سخت کوشی به مناصب عالی بعضاً دست یافتند و اغلب سربار جامعه نبوده و با تلاش شخصی مخارج خود را به دست می‌آوردند؛ با این حال در معرض اتهامات و بدتر از آن نظریه‌های ضد انسانی بوده‌اند. کسانی از قدیم نظریه عدم حیات آنان را مطرح می‌کردند و نازی‌ها در آلمان چند ده هزار نفر از معلولین را وحشیانه کشتند چون معتقد بودند آنان موجب اختلال در سلامت نسل‌های حاضر و بعد می‌شوند و وجودشان هم بی‌فایده است. البته دیدگاه‌هایی هم بوده و هست که آنان را انسان‌های پاک و صدیق دانسته و تلاش کرده شرایط اجتماعی برای رشد آنان را فراهم نماید و همواره از حقوق آنان دفاع کرده است. متأسفانه تا کنون تاریخ کاملی از معلولیت و معلولان با توجه به رخدادهای جهانی تألیف نشده است و بسیاری از حوادث در ابهام است. ولی لازم است با اندک اطلاعات موجود، تحولات معلولیت را تدوین کرد.

نگهداری در تبعید: یک دیدگاه و یک شیوه اعمالی در مورد معلولان در طول تاریخ این بود که معلولان حق ورود به جامعه و زندگی در کنار مردم دیگر را ندارند. آنان باید در دور دست و دور از دیگر اقشار مردم زندگی کنند.

این طرز فکر از منابع مختلف تغذیه می‌شد و تقویت می‌گشت. گاه از اساطیر کمک می‌گرفتند و مثلاً می‌گفتند روح شیطان یا روح شر و خبیث در معلولان رخنه کرده و در واقع انسان نیستند. گاه از تفکر دینی الهام گرفته و مثلاً می‌گفتند به دلیل گناه والدین اینان از انسانیت جدا شده و شیطان شده‌اند.

این تصور که معلولین خطرناک هستند و اگر در خانه یا جامعه حضور داشته باشند موجب اذیت و آزار مردم می‌شوند. از این رو مراکزی معمولاً در بیرون شهر یا جاهای دور از دسترس می‌ساختند و معلولین را در آنجا نگهداری می‌کردند.

این محل‌ها که در اروپای قرون وسطی Almshouse نامیده، و در ایران نوانخانه گفته می‌شد، محرومین، ناتوانان، بیکاران، ولگردان، سالمندان و یتام و نیز معلولین نگهداری می‌شدند. و اولین بار در قرن ۱۶م در اروپا رایج گردید.

انگیزه اصلی مسئولین نوانخانه‌ها انجام خدمات انسان دوستانه نبود، بلکه

هدفشان جمع‌آوری این گروه از جامعه بود. این روش تا اوایل قرن نوزده میلادی در اروپا رایج بود. بعداً نوانخانه‌ها اصلاح و تبدیل به کانون‌های کارآموزی گردید.

محدودسازی: به تدریج اندیشه‌های انسان‌گرایانه رشد کرد و متوجه شدند معلولین هم انسان هستند و همه افراد دارای معلولیت یک جور نمی‌باشند. نیز می‌دیدند انواع معلولین با شدت مختلف که در یک مکان و به صورت مختلط نگهداری می‌شدند، نه تنها بهداشت فردی و محیطی معلولین را به خطر می‌انداخت بلکه اثرات سوء روانی در افرادی که صرفاً معلولیت جسمی داشتند ایجاد می‌نمود. از دیگر سو افرادی که نگهداری می‌شدند اگر دارای رفتار نابهنجار بودند، روی دیگران تأثیر گذاشته و رفتارهای خود را به دیگران منتقل می‌کردند. از این رو تفکر، تفکیک معلولین، از حدود ۱۵۰ سال قبل مطرح شد. مراکز خدمات بهداشتی مورد نیاز و موارد خاص درمانی و کم‌کم آموزش حرفه‌ای برای آنان تأسیس شد. اما هنوز این تلقی و ذهنیت وجود داشت که معلولین باید در خانه و در جامعه نباشند و موجودات مسری و خطرناک هستند و لازم است در محل دیگر ولی به تفکیک و با امکانات آموزشی و بهداشتی نگهداری شوند. در ایران تا مشروطیت که هنوز جامعه مدنی شکل نگرفته بود و جامعه به روش سنتی اداره می‌شد، همین تفکر را با ساختن اتاقک‌هایی در بیرون فضای خانه یا در کنار حیاط خانه عمل می‌کردند. یعنی خانواده‌هایی که معلول داشتند، او را کنار خودشان معمولاً راه نمی‌دادند و سازه دیگر برای او می‌ساختند.

بالاخره نگهداری معلولین در مراکز دور از خانه و جامعه کم‌کم و طی چند قرن مشروعیّت خود را از دست داد. کم‌کم مردم و رهبران دینی در اروپا متوجه حقایق شدند و فهمیدند معلولان هم انسان هستند و با دیگر اعضای خانواده تفاوتی ندارند. از سوی دیگر نگهداری آنها در مراکز، هزینه‌های بسیار داشت و کسی حاضر به پرداخت این هزینه‌ها نبود، کلیسا و افراد متدین و نیکوکار نسبت به این‌گونه کارها تردید پیدا کرده و به تدریج به عدم صحت این‌گونه عقاید پی برده بودند. لذا در دوره جدید همه این باورها کنار گذاشته شد.

مشارکت انسانی: به تدریج دانش و آگاهی مردم در جوامع مختلف افزایش

یافت و متوجه شد معلول مثل ناشنوا، نابینا و ضایعه نخاعی انسانی است که یک عضو از بدنش و جسمش آسیب دیده است و فقدان عضو جسمانی ربطی به روح و روان انسان ندارند. معلول با دیگر انسان‌ها در روح و روان و در انسانیت مشترک است و تمایز و تفاوتی بین آنها وجود ندارد.

نخبگان لائیک و مذهبی اولین کسانی بودند که به رفتارهای موجود و جداسازی و تبعید معلولان معترض بودند و خواستار حضور معلولان در جامعه و شرکت آنان در فعالیت‌های اجتماعی شدند. مردم عادی که فرزندان معلول خود را دور از جامعه نگهداری می‌کردند، با انتقاد بعضی از نخبگان مواجه می‌شدند. بنابراین مردم مجبور و یا متقاعد شدند معلولین را در خانه و کنار خودشان نگهداری کنند. اما چون دانش و توانبخشی هنوز به مرحله کافی رشد نکرده بود و وسایل پیشرفت امروز را نداشت. از این‌رو معلولین آموزش نمی‌دیدند و توانایی‌های خود را تقویت نمی‌کردند. و بیشتر با توان بالفعل زندگی می‌کردند. بنابراین حضور و مشارکت فعال مورد انتظار برای آنان در جامعه ضعیف و با موانع و مشکلات عدیده‌ای روبرو بود. در این مرحله معلولین در خانواده‌های گسترده تحت مراقبت‌های خانوادگی و فامیل قرار می‌گرفتند. یا بعضاً افراد خیر به نگهداری آنان اقدام می‌کردند.

در این دوره آنان به دلیل نداشتن سواد و آگاهی کافی و فقدان توانبخشی، مشارکت همه جانبه و گسترده در امور اجتماعی نداشتند.

مشارکت فعال و گسترده: آخرین دوره از تاریخ پر رنج معلولان، فعالیت و مشارکت آنان به دلیل تحصیلات و توانبخشی است. پس از تحقیقات و مطالعات و کسب تجارب لازم، تفکر انسانی زیستن معلولین، در چند دهه اخیر انتخاب و به مرحله اجرا در آمد. در این مرحله، معلول قادر گردید که نقشی فعال در جامعه داشته و با عزت زندگی نماید و نه تنها در مسیر استقلال اقتصادی و اجتماعی پیش رود بلکه جامعه نیز از بازده فعالیت آنان بهره‌مند گردد.

معلولین علاوه بر نیازهای فیزیولوژیک (آب، هوا، غذا، خواب و ...) به نیازهای فرهنگی آنها مثل تحصیلات و سواد؛ نیز به نیازهای اجتماعی آنان مثل برخورداری

از احترام، نقش داشتن، مطرح بودن و دارا بودن از فرصت‌های برابر هم توجه شد. این امر در زمانی صورت می‌پذیرد که معلول در کانون خانواده زندگی می‌نماید. با حذف شرایط نامساعد، به موقعیت برخورداری از احترام و حرمت اجتماعی، داشتن نقش فعال در جامعه رسیده است.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد در گذشته، خانواده معمولاً معلولین را تحت مراقبت‌های خانوادگی و فامیلی قرار می‌دادند و در شهرهای بزرگ مورد لطف و ترحم افراد خیر و انسان دوست قرار می‌گرفتند. این مراقبت‌ها و دلسوزی‌ها نمی‌توانست جوابگوی نیازهای این طبقه باشد زیرا آنان صرفاً خوراک و پوشاک و سرپناه و حفاظت نمی‌خواستند و لازم بود نیازهای بنیادی آنها هم مورد توجه قرار گیرد. به همین دلیل توانبخشی حرفه‌ای و شغلی به عنوان یک نیاز بنیادی مطرح شد، زیرا تأمین کننده نقش فعال معلول در جامعه و رشد دهنده آنان است.

داشتن اشتغال برای معلولین فراتر از دستیابی به دستمزد اقتصادی بوده، بلکه کار و کوشش اثرات درمانی و روانی داشته، ارتباط معلولین را با جامعه فراهم می‌نماید. حس تشریک مساعی و شرکت در جامعه، اعتماد به نفس را افزایش و موجب ایجاد منزلت شخصی و اجتماعی می‌گردد. توفیق توانبخشی در کسب استقلال اقتصادی معلولین به عنوان شاخص توانبخشی موفق هر کشوری می‌تواند باشد.

در جامعه ایران هنوز خدمات توانبخشی عمومی و فراگیر نشده و بسیاری از معلولین فاقد توانبخشی هستند در حالی که باید مشارکت فعال هم داشته باشند. در حال حاضر حدود سه هزار نفر سالیانه از خدمات توانبخشی حرفه‌ای بهره‌مند می‌گردند که متأسفانه تنها برای نیمی از آنان امکانات اشتغال فراهم می‌گردد که برای رفع این مشکل و گسترش امکانات معلولین نیاز به یک خدمات همه جانبه عمومی و بسیج اراده معلولین نیازمند می‌باشد تا زمینه‌های لازم برای اشتغال معلولین فراهم گردد.

ضرورت حضور و مشارکت: حدود ده درصد از جمعیت جامعه را معلولین تشکیل می‌دهند. مشارکت آنان در عرصه‌های تولید و بازار کسب و کار، کمک بزرگی

به توسعه جامعه است. اما اگر این قشر از جامعه در بازار مشارکت نداشته باشند، زیان و ضرر بزرگی نصیب جامعه می‌گردد. این ضرر و زیان فقط مربوط به عدم حضور و فقدان مشارکت نیست. بلکه زیان‌های ناشی از عدم حضور را هم باید به آن افزود. گاه این زیان‌ها تا چند برابر افزایش می‌یابد. زیرا بیکاری و عدم مشارکت معلولان موجب بیماری‌های روانی و افسردگی‌ها می‌گردد؛ از طرف دیگر عدم مشارکت موجب فقر و به دنبال آن انواع جرم‌های ناشی از فقر و بیکاری تحقق می‌یابد. همچنین خانواده‌های آنان دچار دردها و مشکلات فراوان می‌شوند.

بنابراین نه تنها ده درصد از جامعه به عنوان نیروی مولد کنار گذاشته شده است. بلکه ده‌ها درصد از توان، بودجه و ظرفیت‌های کشور برای حل مشکلات این معضل و حل تبعات آن به کار گرفته می‌شوند. به این دلیل مشارکت و حضور معلولین در جامعه یک ضرورت است. در آموزه‌های اسلامی بسیار بر کار کردن و مشارکت در کسب و کار تأکید شده که بعضی از آنها را می‌آورم:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: کسی که دستش تنگ است، باید از کنارگیری و در فقر ماندن پرهیز کند و به سراغ کار برود.^۱ نیز فرمود: کَلُوا مِنْ كَدِّ اَيْدِيكُمْ، یعنی از دسترنج خود بخورید.^۲

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: شیعیان ما را از این علامت‌ها می‌توان شناخت: تواضع دارند، نسبت به فقیر، همسایه، افراد نادار، بدهکاران و ایتام خود را متعهد می‌دانند؛ خوبی مردم را می‌خواهند و در هر کاری امین مردم هستند.^۳

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: انسان‌های سالم در جامعه متعهد هستند به آسیب‌مندان جسمی و مبتلایان به بیماری کمک کنند.^۴

همه این سخنان گویای این است که اسلام به تعهدمندی، مسئولیت‌شناسی و احساس وظیفه کردن اهمیت می‌دهد.

۱. الحیة، ج ۵، ص ۴۶۱.

۲. همان، ص ۴۲۹.

۳. همان، ج ۸، ص ۱۸۵.

۴. همان، ص ۱۳۶.

همین آموزه‌ها موجب شد، معلولین در دوره اسلامی از شرایط دشوار گذشته گذر کرده و اکنون به مرحله جدیدی از مدنیت برسند.

در جوامع با اتکای بر همین تفکر و همین آموزه‌ها، در یکصدسال اخیر، دوره جدیدی برای معلولان آغاز شد. ایده و آرزوی همگان در دوره مشارکت گسترده معلولین این بوده و هست که معلولین در مشاغل مختلف صنعتی، کشاورزی، خدماتی، فرهنگی و علمی حضور و مشارکت داشته باشند؛ اما واقعیت چیز دیگر است. سال‌ها بلکه چند دهه در ایران مشاغل معلولین محدود به تلفنچی، بلیط فروشی، کار در تاریک خانه‌های اسکن بیمارستانی بود. اما با تلاش‌های خود معلولین به تدریج راه برای دیگر مشاغل پیش روی آنها گشوده شد و به مشاغلی مثل استادی دانشگاه، طبابت، وکالت، نویسندگی و غیره رسیدند. اما هنوز کم‌و کیفیاً تا رسیدن به مراحل ایده‌آل فاصله زیاد است.

اشتغال با حق مشارکت اجتماعی و با حضور در جامعه با فعالیت در پروژه‌های اجتماعی ارتباط تنگاتنگ دارد. اگر به حق مشارکت باور نداشته باشیم در واقع اشتغال را نفی کرده‌ایم.

لازم است این نکته هم درباره جامعه شناسی ایران توضیح داده شود. وقتی در خیابان‌های تهران یا شهرهای دیگر یا در پارک‌ها و مکان‌های عمومی پرسه می‌زنیم، معلولین را کمتر مشاهده می‌کنیم؟ چرا؟

مراکز آمار جهانی و ملی می‌گویند حدود ده درصد از هر جامعه، معلولیت دارند یعنی از هر ده نفر یک نفر باید حضور داشته باشد و مشاهده شود. وقتی پای صحبت خانواده‌های معلولان می‌نشینیم، در واقع همان استدلال‌های قدیمی را بعضاً مطرح می‌کنند و به دلایلی که می‌گویند از آوردن فرزند خود در بین مردم، ناخرسند هستند. مثلاً مادری می‌گفت وقتی بچه‌ام را به پارک می‌آورم و به طرف اسباب بازی‌ها می‌رود بعضی‌ها می‌دوند و بچه‌های خود را از اسباب بازی‌ها دور می‌کنند تا با بچه‌ام تماس نداشته باشند. یا پدری می‌گفت، فرزندم را به پارک می‌آوردم و روزی کسی گفت بچه تو نباید با بچه‌های ما حرف بزند و نفس او به بچه‌ها بخورد. برعکس وقتی در بازار، کوچه، خیابان و پارک‌های اروپا راه می‌رویم معلولان فراوانی را می‌بینیم که با مردم مشغول صحبت و گفت‌وگو و تعاملات دیگر

اجتماعی هستند.

لازم است تحقیقات جامع در این باره انجام شود و برنامه‌های توجیهی و آموزشی برای مردم از طریق رسانه‌ها اجرا گردد. تا مشارکت اجتماعی معلولان سامان‌دهی گردد و اشکالات آن مرتفع شود. مشارکت به عنوان یک حق مبنای اشتغال است و عدم مشارکت اجتماعی موجب عدم اشتغال معلولان می‌شود. از این رو لازم است به فقدان مشارکت و حضور به عنوان یک آسیب برای اشتغال توجه کنیم.

آموزش پذیری؛ مهارت پذیری

اشتغال با آموزش ارتباط تنگاتنگ دارد، اما رابطه آن با آموزش پذیری مهم‌تر است؛ زیرا تا وقتی انسان دارای معلولیت، استعداد و ظرفیت آموزش دیدن را نداشته باشد، یا اگر این باور وجود داشته باشد که معلولان استعداد و توانایی آموزش دیدن را ندارند، در واقع اعتراف کرده‌ایم آنان نمی‌توانند مشغول کار و کسب شوند و درآمد داشته باشند.

بنابراین یکی از مبانی و اصول اولیه فکری در مورد معلولین این است که قبول کنیم معلولان می‌توانند روش کار کردن، شیوه کسب درآمد و چگونگی اجرای حرفه و فن خاصی را فرا بگیرند.

ممکن است درصد بسیار کم از معلولین توانایی یادگیری و آموزش پذیری را نداشته باشند؛ اما اکثریت آنها این توانایی را دارند. البته تا کنون به دست نیامده که کدام دسته و گروه از معلولین توانایی یادگیری ندارند. حتی معلولین ذهنی هم که فکرش را نمی‌کنیم بتوانند چیزهایی را یاد بگیرند، اما گند ذهن‌ترین معلولان هم نشان داده‌اند، می‌توانند مسائلی را فرا بگیرند. تا کنون هیچ کارشناس آموزشی ادعا نکرده که بعضی از معلولان اصلاً توانایی یادگیری ندارند، برعکس گفته شده تمام آحاد بشر از هر دسته و گروه، استعداد فراگیری دارند، ولی ممکن است این استعداد اندک و کم باشد ولی به هر حال توانایی دارند.

اینجا به دو مبنا یعنی آموزش پذیری و مهارت‌پذیری می‌پردازیم. هر دو در صورت خوب اجرا نشدن، آسیب و آفت‌کاریابی و کسب و کار است.

اكتسابی بودن آموزش و مهارت: دانشمندان معلومات، دانستنی‌ها و باورهای آدمی را دو گونه فطری (ذاتی) و اکتسابی می‌دانند. این نکته هم در فلسفه اسلامی و هم در نظام‌های تربیتی و فلسفه‌های غرب مثل فلسفه کانت و دکارت هست. اما مسئله مهم این است که برای اشتغال نیاز به فراگیری سواد خواندن و نوشتن و نیز دانستن دانش کسب و کار و در ادامه یاد گرفتن مهارت‌هایی که در حرفه و فن خاصی وجود دارد، هست. انسان نمی‌تواند بدون یاد گرفتن این گونه مسائل اشتغال پیدا کند. بنابراین آموزش‌ها و هم مهارت‌های مرتبط به اشتغال اکتسابی است.

آموزش هر نوع حرفه، نیاز به سواد خواندن و نوشتن و مقداری زبان دارد. به همین دلیل برنامه آموزشی اکابر و مراکز آموزشی اکابر (بزرگسالان) برای معلولین از سال ۱۳۵۰ به طور رسمی در شهرهای ایران دایر شد.

حرفه و فن: معلولین برای یافتن شغل مطلوب و با در آمد خوب، به ناچار باید حرفه و فن بیاموزند. مشاغل صنعتی مثل جوشکاری، مشاغل کشاورزی و دامپروری مثل باغداری و پرورش زنبور عسل، تا مشاغل خدماتی مثل حسابداری همگی نیاز به آموزش دارد. اینها حرفه‌هایی است که لزوماً معلولان با آموزش، یاد می‌گیرند و به اجرای آن می‌پردازند.

اولین بار در سال‌های بین ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۰، مدرسه نابینایان کریستوفل در اصفهان انواع مشاغل از نوازندگی تا باغداری و خیاطی را به دانش‌آموزان نابینا آموزش داد و پایه‌گذار تجربه عملی در این زمینه شد.^۱

سازمان ملی رفاه ناشنوایان در سال ۱۳۵۲ نخستین مرکز آموزش حرفه‌ای را برای ناشنوایان در یوسف آباد تهران تأسیس کرد. نابینایان هم در جاهایی مثل ابابصیر (تأسیس ۱۳۴۸) و شهید محبی شروع به فراگیری حرفه و فن البته بر اساس توانایی‌ها و اقتضائات خودشان می‌نمودند. برای نمونه نابینایان در مشاغلی

مثل جوشکاری نمی‌توانستند وارد شوند ولی در تاکسیدرمی^۱ استعدادش را داشتند.

معلولین پس از گذراندن دوره‌های خاص و متبحر شدن در یک یا دورشته خاص فنی، توسط همان سازمان کاریابی می‌شدند و در بازار آزاد کار مشغول به کار می‌شدند. کاریاب موظف بود با جلسه و تماس با مدیران کارخانه یا هر مرکز تولیدی آنها را برای پذیرش افراد دارای معلولیت آماده کند. علاوه بر آن با کارفرما و با همکاران او صحبت می‌کرد، تا شرایط محیطی و انسانی را از هر نظر آماده کنند. همچنین حرفه جورا هم در مسائل فنی توجیه می‌کردند و آماده می‌نمودند تا تبحر و تجربه لازم را داشته باشد و هم اخلاق نیک کاری و اجتماعی را به او یاد می‌دادند. تا بداند چگونه با کارفرما و همکارانش تعامل داشته باشد. بعدها که این‌گونه آموزش‌ها ضعیف‌تر شد، مشکل مهم در محیط‌های کاری این بود که معلولان مددجو نمی‌توانستند با عوامل انسانی حاضر در محیط کار برخورد صحیح داشته باشند. گاه انتظارات بی‌جا داشتند و گاه احترام لازم را اعمال نمی‌کردند و بالاخره موجب تنش می‌شدند.

نظام آموزشی خاص: نابینایان، ناشنویان، ذهنی‌ها و حرکتی‌ها هر کدام نیاز به آموزش خاص خود دارند. و در مجموع آموزش آنان با مدارس عادی و نظام آموزش سراسری و معمولی کشور متفاوت است. از این‌رو در جهان نظام آموزشی ویژه برای معلولین و هر یک از اقشار آنها طراحی و اجرا شده که در ایران به «آموزش و پرورش استثنایی» معروف است.

باغچه‌بان اولین بار برای ناشنویان ایران، آموزش را در دهه نخست قرن چهاردهم آغاز کرد. کریستوفل هم در همان سال‌ها برای نابینایان کار آموزشی را آغاز کرد. سپس در شهرهای مختلف، دولت‌مدارسی را به نام آموزشگاه استثنایی دایر کرد. تبریز به سال ۱۳۳۷ صاحب آموزشگاه استثنایی شد.

۱. تاکسیدرمی حرفه‌ای است که به خشک کردن حیوانات می‌پردازد. حیوانات را به روش‌هایی آماده می‌کنند که مثل زنده آنها باشد و تا ده‌ها سال بماند و آسیب نبینند.

نظام آموزش و پرورش استثنایی در حدود هفت دهه از عمرش در ایران می‌گذرد و تحولات فراوان در مدیریت، ساختار، نوع آموزش‌ها، خط‌مشی و اهدافش داشته است. ولی هنوز کارآیی آن دقیقاً در هر دوره کارشناسی و ارزیابی نشده است. به ویژه در سه دهه اخیر مخالفان بسیار پیدا کرده و بسیاری معتقدند نه تنها در ارتقای سطح دانش و اطلاعات دانش‌آموزان موفق نبوده بلکه نقش تخریبی هم داشته است. در عین حال موافقانی هم دارد.

گسست آموزش استثنایی از نظام آموزش استثنایی در کشورهای اروپایی و آمریکایی از جمله حوادث مهم این سال‌ها است. کارشناسان آموزشی در ایران، تجارب و دستاوردهای خارجی در عرصه زبان اشاره، خط بریل، کتاب گویا و ده‌ها موضوع دیگر را مطالعه و سپس بومی سازی نکرده و در اختیار عموم قرار نداده‌اند. از این‌رو در ایران کتاب‌ها و مقالات علمی اندکی درباره دستاوردهای آموزشی جهانی منتشر شده است.^۱

انواع مهارت‌ها: معلولین نیاز به انواع مهارت‌ها در هر دوره زندگی دارند. مهارت راه رفتن و جهت‌یابی برای نابینایان اهمیت دارد، همان‌طور که برای ناشنوایان افزایش مهارت‌های خواندن و نوشتن بسیار مهم است. مهارت زندگی، مهارت تعامل و روابط با دیگران، حتی مهارت زبان اشاره یا مهارت حرکت با عصا و ویلچررانی و ده‌ها مهارت دیگر تا مهارت‌های جدیدتر مثل استفاده از کامپیوتر و اینترنت برای معلولان یک ضرورت حیاتی است.

بخشی از آنها بر عهده مدرسه و معلم و بخشی بر عهده جامعه یا بر عهده خانواده یا رسانه‌ها است. معلولی که مهارت‌های لازم را نداشته باشد، در شغل‌یابی و پیدا کردن کار مناسب و رسیدن به درآمد مطلوب ناکام و غیر موفق است. از این‌رو مهارت‌ها در سرنوشت معلولان بسیار اهمیت دارد.

۱. برای نمونه بخشی از تجارب جدید در کتاب‌های زیر آمده است:

Encyclopedia of American Disability History

استاد اریکه صوان در مقاله «التجربة الألمانية في رعاية الايتام والقصر» تجارب آلمان را معرفی کرده است.

قلمرو آموزش و مهارت: با پیشرفت علوم و فناوری، سطح زندگی و فرهنگ و دانش معلولان هم متحول شده است. روزی کامپیوتر، موبایل، اینترنت نبود و امروز جزء ضروریات زندگی معلولان است. در جهان مدرن بر اساس اقتضائات مدرن، کسب و کار معلولان برنامه ریزی شده است. اما نهادهای متصدی و متکفل امور معلولین مثل سازمان استثنایی و سازمان بهزیستی، به نظر می‌رسد برنامه‌ریزی و تدبیر دقیق و جامع و به روز در زمینه نیازهای علمی و نیازهای مهارتی معلولان ندارند. مشاغلی مثل نویسندگی و نمایه سازی در مدارس استثنایی آموزش داده نمی‌شود و سازمان بهزیستی هم این حرفه‌ها را به عنوان شغل تعریف نکرده است. در بعضی کشورها، مشاغل معلولان را با توجه به ظرفیت‌های جدید و موجود در رشته‌های مختلف برنامه‌ریزی کرده‌اند. مثلاً با ظهور رسانه‌های کاغذی مثل نشریات و پیدایش صدها روزنامه و مجله در هر کشور، معلولان را در زمینه روزنامه‌نگاری، گزارش نویسی، چکیده نگاری مقالات، نمایه سازی مقالات و ده‌ها شغل دیگر و موجود در این حوزه آموزش داده و آنها به درآمدهای عالی در این حرفه‌ها رسیده‌اند. اما در ایران اقدامی مشاهده نشده است.

وقتی صنعت سینما و فیلم رشد کرد و توسعه یافت، ناشنوایان و حتی نابینایان و دیگر مددجویان در این رشته وارد شده و خوش درخشیدند و به درآمد خوبی رسیدند. ولی در ایران تدبیرهای جدی نبوده است. به همین دلیل، معلولین ایران در رشته‌هایی مثل هنر آواز، هنر نوازندگی، ادبیات و نویسندگی، مرجع پژوهی و مرجع نگاری و ده‌ها رشته دیگر متأسفانه عقب هستند و ورود نداشته‌اند. وقتی معاونت فرهنگی سازمان بهزیستی اساساً اعتقادی به این‌گونه کارها نداشته باشد و نهایتاً معتقد باشد، معلولان در عرصه حفظ و قرائت قرآن می‌توانند پیشرفت کنند، وضع بهتر از این نخواهد شد. البته عملاً همه آنها در زمینه قرآن نمی‌توانند و فقط گروه خاصی توانایی حفظ و قرائت قرآن دارند، به همین علت بسیاری بیکار می‌مانند. من مخالف پیشرفت معلولین در زمینه قرآن نیستم و برعکس معتقدم در عرصه قرآن هم به موضوعات جدید توجه نشده است. برای ناشنوایان تا کنون هیچ اقدامی در حفظ قرآن و مفاهیم قرآن نبوده و نابینایان هم بسیار محدود و گویا فقط

برای رفع تکلیف کار شده است. با اینکه در کشوری مثل اردن و قطر و دیگر کشورها تدبیرهای وسیع و متنوع داشته‌اند. اردن چند سال است برای ناشنوایان، مسابقه تفسیر و فهم قرآن برگزار می‌کند.

ریاست سازمان بهزیستی و ریاست آموزش و پرورش استثنایی فکر نکنند این‌گونه ضعف‌ها از انظار پنهان است؛ آیندگان نقد و انتقادهای فراوان مطرح خواهند کرد. زیرا علت اصلی همه بدبختی‌ها، نداشتن شغل مناسب و فقدان کسب و کار هم متوجه برنامه‌ریزی‌های این دو نهاد است. حداقل اگر از کشورهای مثل مصر تجربه‌آموزی می‌شد، پیشرفت معلولان در عرصه قرآن بهتر بود. مصر سالانه با برنامه‌ریزی برای نابینایان و مثلاً اعزام آنها به خارج از کشور، به اهداف مطلوب رسیده است. اما متأسفانه بخش فرهنگی سازمان بهزیستی به جای تدبیر برای کسب درآمد، آوردن خارجی‌ها به اینجا و صرف هزینه پرداخته است. ممکن است پرسش شود، نابینایان و کلاً معلولین در عرصه قرآن کریم چه اقدامات درآمدزا می‌توانند داشته باشند؟ در پاسخ می‌گوییم، شیوه‌های درآمدی فراوان است ولی آن، اینها است: آموزش خط بریل؛ آموزش تکنولوژی کتاب گوینا؛ آموزش زبان اشاره؛ اعزام گروه‌های تواشیح و خوانندگی گروهی قرآن کریم برای مراسم در کشورهای مختلف؛ قرائت قرآن و آموزش و برگزاری نشست‌ها و جلسات؛ شرکت در محافل حفظ قرآن کریم؛ آموزش حفظ قرآن کریم؛ تحقیق و تألیف کتب قرآنی مثل تفسیرهای قرآن در سطوح مختلف؛ ترویج و آموزش هنرهای قرآنی مثل تجلید، معرق قرآنی؛ خطاطی قرآن روی سنگ، روی پوست و غیره.

بالاخره در ده‌ها رشته می‌توان فعالیت‌های قرآنی در قالب کسب و کار داشت. خلاصه اینکه معلولان برای رسیدن به اشتغال پایدار، لزوماً باید در بخش آموزش و مهارت پیشرفت داشته باشند. اگر مهارت پذیر و آموزش نباشد در اشتغال هم پیشرفت نخواهند داشت.

در فرهنگ اسلامی به آموزش مهارت و فراگیری فنی و علمی توجه داده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: قوام العیش حسن التقدير و ملاکه حسن

التدبیر.^۱ اساس زندگی، برنامه‌ریزی صحیح است. اما ملاک صحت برنامه‌ریزی، تدبیر نیکو و کارشناسانه است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: من عمِل علی غیر علم کان ما یفسدُ اکثر مما یصلح.^۲

هر کس بدون آموزش و مهارت، کاری انجام دهد، بیش از اینکه کارش موجب اصلاح امور گردد، به فساد کارها و امور می‌انجامد.

از مسئولین و مدیران امور معلولان تمنا می‌کنیم این‌گونه سخنان گهربار معصومین علیهم السلام را سرلوحه کارشان قرار دهند و با استمداد از کارشناسان و برنامه‌ریزی‌های دقیق به رشته اشتغال معلولان کمک کنند.

حق کسب و کار و ضرورت کوشش

معلولانی به اشتغال پایدار خواهند رسید که قائل به کسب و کار بوده و در این راستا به کوشش مبادرت ورزند. اما اگر چنین حقی را نپذیریم و مثل برخی از جریان‌های فکری بگوییم، معلولان چنین حقی را ندارند چون توانایی آن را ندارند. در پاسخ لازم است گفته شود، معلولی داریم که بر اثر تصادف تمام اعضاء و جوارحش از کار افتاده و فقط چشمانش حرکت دارند. ولی با کمک برنامه‌نویسی کامپیوتر، برنامه‌ای روی کامپیوترش نصب کرده و با حرکت چشمانش دستور می‌دهد و ارتباط برقرار می‌کند و به این روش شرکت صادرات و واردات را اداره کرده است. بنابراین معلولان توانایی و استعداد انجام کار دارند. و نمی‌توان تبعیض بین آنان و افرادی عادی قائل شد.

بنابراین حق کسب و کار مشروعیت دارد و صحیح است. مبنای دیگر این است که معلولان برای رسیدن به رفاه و معیشت مطلوب باید کوشا و مجاهد و فعال باشند و به ضرورت کوشش توجه داشته باشند. به هر حال عدم توجه به حق کار و عدم

۱. الحیة، ج ۴، ص ۴۸۶.

۲. همان، ص ۴۸۷.

اهتمام به تفکر جهادی و کوشش کردن، آسیب و آفت دیگر برای اشتغال است.

تعهد دولت و خیرین

مبنای دیگر اشتغال معلولان، قبول و پذیرش نقش دولت و نقش خیرین در جامعه و فرهنگ هدف است. واقعیت این است که حلّ معضل اشتغال معلولان بدون ایفای نقش این دو گروه ممکن نیست. البته سپردن همه امور به دولت صحیح نیست و باید امور معلولان به خودشان تفویض و واگذار گردد. اما دوست و نیکوکاران هم باید مساعدت نمایند. این تفکر که همه حلّ اشتغال را به دولت سپرده و از او توقع حلّ همه مشکلات اشتغال را داشته باشیم خطا است. این اندیشه که که در دانش مدیریت به دولت گرایی و سوسیالیسم مشهور است تجربه خودش را در یک قرن گذشته در کشورهای مختلف نشان داده و راه کار موفقی نبوده است. اما راه کار لیبرالیستی و کنار گذاشتن دولت از همه امور هم درست نیست. راه حل میانه پشتیبانی دولت از تلاش های خود معلولان و مردم در حلّ مشکل اشتغال است.

نفی تبعیض

آخرین مبنایی که برای اشتغال معلولین مطرح است، یکسان انگاری معلولان مردم عادی است. این را گاه به مساوات و گاه به نفی تبعیض می نامند.

تحول در نگرش

با تحول در طرز تلقی مردم، مدیران و نخبگان نسبت به معلولین، تاریخ تحولات رقم خورد و جامعه معلولین مراحل مختلف از دگرگونی را پشت سر گذاشت. اختراع چاپ و افزایش چاپ و نشر کتاب، پیدایش و گسترش صنعت مطبوعات و نشریات، پیدایش کامپیوتر و راه اندازی شبکه جهانی اینترنت، همه اینها به گسترش اطلاعات انجامید و فهم و تلقی مردم را دست خوش تحول گردانید. نخست خود معلولین باید متحول شده و خانه تکانی ذهنی پیدا کرده، به شیوه

و تعالیم صحیح باور پیدا کرده، راه و روش درست را پیدا کرده و شروع به عمل کنند. اما تحول معلولین نیاز به آموزش، الگوسازی و فرهنگ سازی دارد. لازم است، نهادهای فرهنگی و تشکل‌های معلولیتی در این جهت فعال شوند.

دوم مدیران دولتی و مسئولین مراکزی که متصدی امور معلولین هستند، باید رویکردهای غلط را کنار گذاشته و گرایش جدید و درست پیدا کنند. البته به دلیل اینکه مدیران اغلب سال‌ها در پست‌های مرتبط با معلولین بوده‌اند و سنی از آنان گذشته است، تغییر آنان کاری بس دشوار می‌باشد. و بالاخره جامعه و عموم مردم هم باید طرز تلقی درست پیدا کنند. با تحول در این سه بخش یعنی مردم، معلولین و مدیران می‌توان انتظار داشت که اشتغال معلولان در سال‌های آینده سامان خواهد پذیرفت.

جامعه باورمند به اینکه افراد ناتوان غیر مولد و حتی خطرناک است و باید در خانه یا مکانی تحت مراقبت قرار گیرند، چنین جامعه‌ای برای جذب اشخاص ناتوان کمتر آمادگی دارد. و در این جامعه توانبخشی به عنوان یک جریان تدریجی و مداوم برای آماده سازی معلولین جهت مشارکت عمومی اجرا نخواهد شد.

نگرش‌های منفی و باورهای نادرستی طی سالیان دراز در افکار مردم و مدیران و حتی خود معلولین رسوخ و رسوب یافته و فرهنگ ناکارآمدی را شکل داده است. باوری که معلولین جسمی را نسبت به افراد عادی ناسازگارتر و توانایی ذهنی آنان را کمتر می‌داند، نشانگر همین نکته است. همچنین ضرب‌المثل عقل سالم در بدن سالم، گویایی همین‌ها است.

اما با اطلاع‌رسانی موفقیت‌های معلولان و توانمندی‌های آنان به جامعه و معرفی ابتکارات و فعالیت‌های آنها، مردم فهمیدند معلولیت مثل ناشنوایی با چند توانمندی قابل جمع در یک کالبد است. حتی مردم می‌بینند، معلولین بعضاً از افراد عادی موفق‌تراند و در تدریس، تحقیق و در رشته‌های مختلف پیشرفت‌های خوبی داشته‌اند.

بالاخره این تحولات در این قشر موجب تغییرات در «جامعه هدف» شده و مراحل مختلف تحول و توسعه را پشت سر گذاشت و هم اکنون آماده می‌شود وارد مرحله جدید رشد و توسعه گردند.

در پنجاه سال اخیر وقتی شرکت‌های بزرگ و جهانی توسط معلولین اداره شده و بهترین محصولات را با بهترین درآمدها داشته‌اند، از طرف دیگر این مراکز تولید به دنیا معرفی گردید و همگان به ویژه کارفرمایان متوجه شدند، توانایی‌ها، ابتکارات و خلاقیت‌های بی‌نظیر در این قشر وجود دارد. از این رو اقبال به سوی آنان افزایش یافت.

نتیجه‌گیری

مجموعه این هشت اصل اخلاقی - اجتماعی، مبانی و بنیادهای اشتغال معلولان را تشکیل می‌دهد. در واقع اشتغال آنان مبتنی بر این هشت اصل استوار می‌گردد. هر کس یا هر مؤسسه می‌خواهد در زمینه اشتغال معلولان کار کند نخست باید مبانی فکری و اصول نظری آن را تنقیح کند. این مبانی، پایه و ستون فقرات فکری و نظری، اشتغال معلولین‌اند.

متأسفانه در ایران در این باره بحث نشده است. ضروری است چند تحقیق دانشگاهی مثل پایان‌نامه دکتری و فوق لیسانس درباره مبانی اشتغال تدوین و عرضه شود.

نیز لازم است چند نشست علمی برگزار گردد و نخبگان و متفکران با طرح مباحث جدید و ابتکاری به هم‌اندیشی بپردازند. این‌گونه نشست‌ها موجب شکل‌گیری عقلانیت و خرد جمعی، تعقل گروهی، وفاق فکری خواهد شد.

فصل سوم:
طبقه بندی مشاغل

در گذشته اگر شغلی برای معلولان منظور می‌شد، مشاغل بسیار آسان و از نظر کمی چند شغل ساده بود. ولی هر چه زمان گذشت توانایی و توانمندی‌های بیشتر آنان اثبات شد. مردم و کارفرمایان باور پیدا کردند مشاغل بیشتر می‌توان به معلولان اختصاص داد در این زمان تقریباً هیچ شغلی نمی‌شناسیم که معلولان ورود پیدا نکرده باشند. اما لازم است برای برنامه‌ریزی دقیق‌تر و برای اینکه هر شغلی را به اهل آن سپرد، تحلیلی از انواع معلولیت‌ها و سپس از انواع مشاغل عرضه کرد و سپس به تطابق آنها پرداخت. وقتی برنامه‌ریزان معلولان ندانند چه مشاغلی در توان آنان هست و فهرست و طبقه‌بندی این مشاغل تدوین نشده باشد، برنامه‌ریزی برای اشتغال آنان مشکل می‌شود. بنابراین فقدان نظام مشاغل طبقه‌بندی شده، آسیب برای کاریابی است.

سیاست‌های واقع‌گرایانه

اشتغال یک روزه و یک ساله و حتی چند ساله اجرا نمی‌شود و به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. نیاز به بستر زمانی و سیر زمانی دارد تا به تدریج و طی چندین دوره با تدبیر و برنامه‌ریزی سامان‌دهی گردد. اما در ایران اشتغال معلولان به صورت یک پروسه درازمدت و یک موضوع علمی به آن نگاه نشده است. چرا؟

با اینکه ایران نسبت به کشورهای هم‌جوار و منطقه خاورمیانه زودتر وارد عرصه اشتغال معلولین شد. البته ترکیه به دلیل هم‌جواری با اروپا در بسیاری از مقولات پیشقدم بوده است. همچنین لبنان و مصر به دلیل بافت و ساختار جمعیتی آنها و سوق الجیشی بودن آنها زودتر وارد این عرصه شدند. ولی ایران هم نسبت به بسیاری زودتر اقدام به اشتغال معلولان کرد و تقریباً یکصد سال در این زمینه تجربه دارد.

لازم است به این نکته توجه شود که بخش مهمی از فعالیت‌های انجام یافته در زمینه اشتغال معلولان در ایران، دولتی بوده است. مدیران دولتی تابع سیاست‌های دولت خاصی که سرکار بوده یا پیرو سلايق و علاقه‌های شخصی و گروهی به اداره امور معلولان اقدام کرده‌اند. از طرفی هر چند سال یک بار عوض شده و ثبات و استقرار دراز مدت نداشتند. همچنین دولت بدون مطالعات کارشناسانه کافی و توجیه مردم و خود معلولان و حتی نخبگان به اجرای سیاست‌ها و تصمیمات پرداخته است. به همین دلیل امور معلولین از جمله اشتغال در بستر مدنیت و رشد مدنی، تدبیر و برنامه‌ریزی نشد. مدیران دولتی که اغلب یا تمام آنها غیر معلول بودند و مشکلات معلولان را نچشیده بودند بدون مشورت و گفت‌وگو و در جریان گذاشتن معلولین، تصمیم‌سازی کرده و به اجرای آن می‌پرداختند. پس از اجرا، ارزیابی و نظرسنجی هم نداشتند. از این رو جامعه معلولین چون درگیر برای حل مشکلات خودشان نبودند، لاجرم بحث، مباحثه و گفت‌وگو و شنود هم وجود نداشت. از این رو رشد و بلوغ کافی پیدا نکرده‌اند.

از دیگر سو، مدیران تصمیم‌گیر و مجری هم ثبات نداشتند و هر چند سال یکبار

تعویض شده و مدیر جدید مجدداً از نو آغاز می‌کرد. از طرف دیگر حداقل گزارش‌هایی از اجراها ثبت و ضبط نشده و پرونده‌ای از موضوعات در دسترس نیست. بنابراین موضوعات مهمی مثل اشتغال می‌بایست از ابتدا تا کنون سیر و تحولات نظری و اجرایی (عملی) آن ضبط و ثبت می‌شد ولی هم اکنون مطلبی در دسترس نیست و تجارب و دستاوردها ثبت نشده است.

یک بخش دیگر توسط تشکل‌ها و مراکز خیریه‌ای و مردمی اداره شده است. مدرسه کریستوفل در اصفهان اولین مؤسسه‌ای بود که مهارت‌هایی مثل بافندگی، خیاطی، باغداری، پرورش مرغ و گوسفند را به معلول یاد می‌داد و پس از مدتی آنها را وارد عرصه کار و کسب و کار می‌کرد. این‌گونه مراکز هم تجارب و اطلاعات خود را جمع‌آوری و بایگانی نکرده‌اند.

از طرف دیگر نخبگان امور معلولین هم چون با این مبحث جلو نیامده‌اند، هیچ ذهنیت و تحلیلی متأسفانه ندارند. آنچه در اختیار داریم گزارش‌های کلی است و امیدواریم پس از این تشکل‌های معلولیتی و خود معلولان در این مباحث مشارکت فعال داشته باشند. دولت هم «جامعه هدف» را محرم دانسته بستر گفت‌وگو و تعامل نظری را فراهم آورد.

بعضی از کشورها با ایجاد بانک اطلاعات برای اشتغال، تمام اطلاعات و تجارب را طبقه‌بندی شده و به روش علمی بایگانی کردند. به عنوان مثال معلولان در چه سنواتی چه مشاغلی داشتند، علاقه آنان به کدام شغل بیشتر بود؟ و چرا به فلان شغل‌ها علاقه و گرایش نداشتند؟ چه عواملی موجب پیشرفت آنان در فلان شغل‌ها شد و چه موانعی وجود داشت؟ در دوره‌های بعد تحلیل‌گران با مراجعه به این اطلاعات طبقه‌بندی شده می‌توانستند برای دوره‌های بعد تصمیم‌گیری کنند. اما در ایران وقتی از مدیر اشتغال بهزیستی در یکی از استان‌ها درباره برخی موضوعات اطلاعات یک دهه گذشته را خواستیم. پاسخ دادند اطلاع نداریم. وقتی اطلاعات یک سال گذشته را پرسیدیم، جوابشان منفی بود. چنین مدیری چگونه می‌تواند برای مشاغل معلولین که مقوله پیچیده‌ای است، برنامه‌ریزی نماید؟

سیر تاریخی اشتغال

اولین مدرسه ویژه آموزش ناشنوایان را مرحوم جبار باغچه‌بان در سال ۱۳۰۴ در تبریز به نام «باغچه اطفال» تأسیس کرد و در سال ۱۳۱۱ نیز نمونه‌ای از این نوع مدارس را در تهران برپا نمود.^۱ در سال ۱۳۱۲ در متن قانون تعلیمات اجباری آمده است: «وزارت فرهنگ باید برای اطفالی که نقص خلقت دارند و کودکانی که هوش و استعداد آنها کم است در آینده نزدیک آموزشگاه‌های مخصوص تهیه نموده و آنها را طبق برنامه معین تربیت کند. و حِرَف و صنایع و امور کشاورزی به آنها بیاموزد. در سال ۱۳۲۸ توصیه نامه اجلاس سی و هشتم دفتر بین‌المللی کار به تصویب قوه مقننه رسید و به طور رسمی دولت ایران توانبخشی حرفه‌ای را پذیرفت. در سال ۱۳۳۹ در قانون بیمه‌های اجتماعی دریافت مستمری از کارافتادگی در مورد بیمه شدگانی که در اثر حوادث ناشی از کار و یا غیر ناشی از کار توانایی خود را از دست می‌دهند مطرح شد اما به طور مستقیم به توانبخشی آنان اشاره‌ای نشده بود.»^۲

در سال ۱۳۴۲ کارگاه دست و پاسازی تأسیس شد. در سال ۱۳۴۶ شورای عالی رفاه اجتماعی تأسیس و به عنوان یک هماهنگ کننده فعالیت‌های توانبخشی مطرح شد. در سال ۱۳۴۷ دفتر کل امور کودکان استثنایی وزارت آموزش و پرورش با وظیفه فراهم آوردن امکانات آموزش و پرورش معلولین تأسیس شد. در سال ۱۳۵۳ حمایت از معلولین غیرقابل توانبخشی مورد توجه قرار گرفت. در سال ۱۳۵۵ وزارت بهداری و بهزیستی تأسیس و تأمین خدمات توانبخشی را به عهده گرفت. در سال ۱۳۵۵، اولین سرشماری معلولین انجام گرفت.

در سال ۱۳۵۸ بنا به پیشنهاد وزارت کار و امور اجتماعی و تصویب شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران، استخدام نابینایان آموزش دیده در ادارات و مؤسسات تولیدی به نسبت یک درصد پرسنل تشکیلات مصوب دستگاه‌ها در ازای افراد بازنشسته و مستعفی در نظر گرفته شد و حدود ۱۶ دسته از مشاغل هم برای

۱. سالشمار باغچه‌بان، ص ۱۰-۱۵.

۲. امکانات مرکز گسترش اشتغال معلولین، فؤاد کریمی، ص ۲۹۵-۲۹۸.

اجرای این مصوبه تعیین و در اولویت قرار گرفت. در سال ۱۳۵۹ قانون تشکیل سازمان بهزیستی به تصویب رسید و طی سال‌های بعد و علیرغم تغییرات سازمانی، همواره مسئولیت تدارک امکانات پیشگیری، توانبخشی حرفه‌ای و اجتماعی معلولین بر عهده سازمان بهزیستی کشور بوده است.

در سال ۱۳۶۴ قانون الزام دولت به استخدام ۱۰ درصد از پرسنل خود از میان جانبازان انقلاب اسلامی و بستگان شهدا به تصویب رسید که در تبصره ۲ آن ۳ درصد نیز از معلولین عادی با رعایت مقررات استخدامی مربوط و با هماهنگی سازمان بهزیستی در نظر گرفته شد. در سال ۱۳۶۵، دومین سرشماری معلولین همراه با سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور انجام شد که این بار با قرار دادن سؤال مربوط به معلولیت در صفحه اول پرسشنامه خانوار، تمامی اطلاعات مربوط به افراد غیر معلول در جامعه در مورد معلولین نیز ثبت گردید و می‌توان ادعا نمود که این حرکت، خود تلاشی در راه مشارکت و برابری معلولین با سایر نفوس جامعه به شمار می‌آید. چرا که اطلاعات جمع‌آوری شده از این طریق می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های مختلف برای معلولین به کار آید.^۱

در سال ۱۳۶۷ قانون استخدام جانبازان، اسراء و افراد خانواده‌های شهدا، جانبازان از کارافتاده، اسراء و مفقودالتر انقلاب و جنگ و افرادی که حداقل ۹ ماه متوالی یا یکسال متناوب داوطلبانه در جبهه بوده‌اند به تصویب رسید. در این قانون به استخدام جانبازان توجه شده است.

و نهایتاً «در پیش نویس قانون کار در مبحث آموزش و اشتغال ماده ۱۰۹ به مراکز آموزشی و تعلیمات حرفه‌ای خاص معلولین و تبصره ۱ تا ۲، ماده ۱۲۰ مبحث اشتغال، ایجاد دفتری تحت عنوان دفتر برنامه‌ریزی و حمایت از اشتغال معلولین در مراکز استان‌ها اشاره شده است. همچنین ایجاد شرکت‌های تعاونی و فراهم آوردن تسهیلات انجام کار و رفع موانع ساختمانی در کلیه مراکز پیش‌بینی شده است.»^۲

۱. همان، ص ۲۹۷.

۲. همان، ص ۲۹۸.

تلاش شد سیر حوادثی که در ایران در زمینه اشتغال بوده را به اجمال معرفی کنیم. می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که در مواردی که کار دست نهادهای مدنی و مراکز مردمی بوده دلسوزی‌ها و پیشرفت‌ها محسوس‌تر است. برای نمونه مؤسسه آموزشی ابابصیر توانست اقدامات ماندگاری در زمینه اشتغال نابینایان داشته باشد. با این حال، کارنامه سازمان‌های دولتی و مراکز مردمی در زمینه اشتغال معلولان جمع‌آوری و عرضه نشده است. از این‌رو اطلاعات و آمار دقیق و راهگشا نداریم. تا وقتی که اطلاعات از پیشرفت‌ها و پسرفت‌ها، موفقیت‌ها و شکست‌ها به نسل‌های بعد منتقل نشود و نتوانند از این تجربه‌ها درس‌آموزی کنند، سیر اشتغال معیوب خواهد ماند. اشتغال مانند موجودات طبیعی مثل یک درخت رشد و تحول زماندار دارد و در طول یک دوره تاریخی از مراحل مختلف عبور کرده و رشد پیدا می‌کند. کسانی که می‌خواهند این پدیده را مدیریت کنند، لازم است، سوابق آن را بدانند. برای مثال در قانون به دفتر برنامه‌ریزی و حمایت از اشتغال معلولین در مراکز استان‌ها اشاره شده یا به شورای انقلاب در سال ۱۳۵۸ برای ۱۶ دسته از مشاغل برای معلولین قانون تصویب می‌کند. اما نمی‌دانیم این قوانین اجرا شده یا نه؟ اگر شده چه افراد جذب چه مشاغلی شدند و نتایج آن در سنوات مختلف چه بوده است؟ پنجاه سال آینده هم گفته می‌شود دولت در سال ۱۳۹۵ یا فلان مرکز خیریه‌ای در سال ۱۳۹۴ فلان تصمیم را گرفت و نتایج آن چیست؟ از این‌رو اولین ضرورت و اولویت درباره اشتغال معلولین اولاً انتشار تمام اسناد و مدارک گذشته به روش علمی و ثانیاً ایجاد یک سامانه و بانک اطلاعات جامع برای جمع‌آوری همه اطلاعات موجود و در اختیار نخبگان قرار دادن آنها است.

انواع معلولیت‌ها

تا متوجه نشویم معلولیت‌ها کدامند و چه علل و عواملی، چه نوع معلولیتی را به وجود آورده نمی‌توان در باب توانبخشی شغلی و ایجاد اشتغال پایدار تصمیم گرفت. یعنی نخست باید معلولیت را شناخت، سپس معلولیت را طبقه‌بندی کرد و آنگاه بر مبنای اقتضائات نوع معلولیت، مشاغل را به صورت طبقه‌بندی شده و نظام‌مند

پیشنهاد نمود. از این رو اکنون به علل و عوامل معلولیت آفرینی اجمالاً می‌پردازیم. اگر معلول را اینگونه تعریف کنیم: معلول کسی است که به هر دلیل توان استفاده از عضو یا اعضای از بدنش را نداشته یا به هر دلیل توانایی زندگی مثل افراد عادی را نداشته باشد؛ در این صورت می‌توان عوامل آن را به دو دسته زیر تقسیم کرد:

۱- علل مادرزادی، مثل: نقص عضو (بینایی، شنوایی و ...)

۲- علل عارضی، مثل: تصادفات، حوادث ناشی از کار، بیماری‌های عفونی و مزمن و طولانی که منجر به نقص عضوی از اعضاء می‌شوند.

از این رو معلولیت‌ها را می‌توان به چند دسته زیر تقسیم کرد:

۱- حواسی، مثل: بینایی، شنوایی و ...

۲- احشایی، مثل: قلب، عروق، کلیه و ...

۳- حرکتی، مثل: فلج، قطع اعضا و ...

۴- روانی، مثل: مغزی، عضوی، و ...

۵- اجتماعی، مثل اعتیاد و ...

بعضی معلولین را به دو دسته جنگی و عادی تقسیم کرده و بر این اساس کسانی که در جبهه جنگ دچار معلولیت شده‌اند، به نام جانباز یا مجروح جنگی می‌نامند. اما کسانی که مادرزاد یا بر اثر بیماری وراثتی یا امراض عارضی و یا تصادفات و حوادث دچار معلولیت شده‌اند، به نام معلول عادی و معمولی شناخته می‌شوند.

درباره معیارهای ارزشی و اینکه کدامیک از اینان محترم‌تر و ارزشمندتر هستند، حرف‌هایی هست ولی کتباً مطلب جدی یافت نشد. اما نمی‌توان گفت کسی که مثلاً برای خدمت به مردم عازم جایی بوده و بر اثر تصادف جزء معلولان ضایعه نخاعی شده و کسی که برای دفاع از میهن جانباز شده، یکی بر دیگری برتری دارد. البته در متون دینی ملاک‌هایی مثل تقوا و عمل صالح وارد شده و بر اساس آنها می‌توان به داوری پرداخت.

از منظر دیگر معلولیت‌ها دو نوع شدید و متوسط درجه‌بندی شده‌اند. افراد دارای معلولیت شدید توان کار ندارند و اشتغال در مورد آنان بی‌معنا است و نیاز به تأمین

اجتماعی دارند. اما افرادی که توان کار و شغل دارند با آموزش و مهارت‌آموزی و توانبخشی شغلی یا توانبخشی حرفه‌ای، آماده برای شغل و کار می‌شوند. جمع‌آوری اطلاعات معلولین و طبقه‌بندی آنان بر اساس معلولیت آنها و نیز علاقه و گرایش آنان به شغل خاص، ضروری است. برای نمونه کسی که بینایی ندارد چه مشاغلی را می‌تواند انجام دهد؟ در کشورهای پیشرفته نابینایان چه مشاغلی دارند؟ در ایران در گذشته چه مشاغلی داشته‌اند؟ اگر این اطلاعات جمع‌آوری گردد، مدیران و تصمیم‌سازان امور به راحتی می‌توانند درباره اشتغال آنان تدبیر داشته باشند.

تقسیم‌بندی به لحاظ شغلی

معلولانی که از نظر کارایی و توانمندی همه در یک سطح نیستند و انواع دارند: ۱- یک دسته از معلولان کارایی و توانایی آنان در حد صفر است و مثل یک تکه گوشت‌اند. معمولاً معلولان دارای ضایعات گردن اینگونه‌اند. یعنی فقط سرشان حرکت دارد و بقیه بدن فلج است. معمولاً توصیه می‌شوند اینگونه معلولان تحت پوشش تأمین اجتماعی قرار گرفته و برنامه کاری برای آنان توصیه نمی‌شود.

یک نفر به نام محمدصادق مقدس هست. پدرش امام جمعه موقت یکی از شهرهای مهم بود. محمد صادق در سال ۱۳۸۳ در یک تصادف رانندگی از ناحیه گردن آسیب جدی دید و راهی بیمارستان شد. پس از چند ماه از بیمارستان بیرون آمد؛ ولی تمام بدنش فلج فقط سرش را می‌تواند حرکت دهد. اما تصمیم گرفت کار کند، شرکت صادرات و واردات راه‌اندازی کرد و برنامه‌ای روی کامپیوتر خود نصب کرد و با حرکت سر و حرکت چشمانش موس مجازی را روی مانیتور حرکت می‌دهد. بالاخره ظرف چند ماه توانست شرکت را به سودهی کلان برساند.^۱ ایشان می‌تواند الگوی مناسبی برای این گروه از معلولان باشد. حتی معلولانی که شدیدترین

۱. مصاحبه با ایشان در تابستان و پاییز ۱۳۹۵ در دو جلسه در دفتر فرهنگ معلولین انجام شد.

معلولیت‌ها را دارند می‌توانند از وسایل مدرن استفاده کنند و کسب و کار مناسب داشته باشند.

۲- دسته دیگر معلولانی هستند که درصدی از معلولیت و ناتوانی را دارند. برنامه عمومی در این معلولان این است که اولاً ناتوانی اینان کارشناسی و شیوه کاستن از پیشرفت آن ناتوانی یا کاهش آثار آن بررسی و عملی گردد. دوم اینکه توانایی‌های فرد معلول شناسایی و راه به فعلیت رساندن این توانایی‌ها اجرایی گردد. پس هر یک از معلولین نوع دوم دو برنامه دارند شناخت ناتوانی و مهار یا توانبخشی آن و دوم شناخت توانایی و منتج سازی، مولد سازی یا بهره‌مند و سوده کردن آن توانایی است.

به عنوان نمونه فردی نابینا است. در برنامه اول نوع بینایی خود را می‌شناسد و درصدد اصلاح و درمان و اگر امکان نداشت به فراگیری مهارت‌هایی که جایگزین بینایی می‌گردد می‌پردازد مثلاً فنون حرکت، جهت یابی، گذشتن از موانع، استفاده از عصا یا دیگر راهنماها را فرا می‌گیرد. برنامه دوم این فرد شناسایی توانمندی‌ها، مثلاً متوجه می‌شود لامسه کارآمد و قوی دارد و با آموزش‌هایی می‌تواند در رشته سرطان یابی از طریق لمس بدن فعالیت کند.

همه معلولان گروه دوم این دو برنامه را باید اجرا کنند. هر چه این برنامه‌ها دقیق‌تر و منطبق‌تر با پیشرفت‌های علمی و فناوری‌های مدرن باشد، موفقیت فرد معلول قطعی خواهد شد. در فصل‌های آتی در این باره بیشتر خواهیم نوشت. نظام مشاغل در بسیاری از کشورها اجرا شده و نتایج مطلوبی هم داشته است، به ویژه نسبت به معلولین مؤثر بوده است.^۱

نظام مشاغل بر اساس شواهد عینی و مستندات حقیقی بنا می‌شود. مثلاً برای نابینایان، شغل‌هایی مثل ویراستاری متون، نویسندگی و سرطان‌یابی بعید به نظر می‌رسد. اما وقتی چند نمونه‌هایی داشته باشیم که به رغم نابینایی، ویراستار است

یا کتابدار نویسنده است. این نمونه‌ها را با فیلم و سند و مدرک نشان دهیم، این مشاغل برای این قشر تثبیت می‌شود.

در آلمان از شرکت زیمنس بازدید کردم، تمامی کارمندان و کارگران این شرکت دارای معلولیت‌اند ولی با کیفیت‌ترین وسایل الکترونیکی مثل تلویزیون و رادیو تولید می‌کنند.

رئیس گروه کامپیوتر دانشگاه کالسدروهه آلمان در سال ۱۳۹۳ به ایران آمد و یک روز مهمان دفتر فرهنگ معلولین بود. وقتی فعالیت‌های این دفتر را دید، پیشنهاد داد پروژه‌ای که توسط نایب‌نایان در آلمان اجرا می‌شود در ایران هم با آموزش نایب‌نایان اجرا شود. او می‌گفت با یک هفته آموزش به نایب‌نایان گزینش شده، آنان در مراکز درمانی و بیمارستان‌های آلمان در شغل کشف سرطان اشتغال پیدا می‌کنند. یعنی با لمس و ماساژ بدن فردی که احتمال سرطان دارد غدد سرطانی را کشف می‌کنند. هزینه این معاینه یک صدم هزینه اسکن است و خطرات اسکن مثل اشعه X را هم ندارد.

این گونه مشاغل در کشورهای پیشرفته برای معلولین طی چند سال تثبیت شده است و در ایران هم هر چه زودتر باید نظام مشاغل اجرایی یا اگر هست توسعه پیدا کند.

پیشگیری و آماده سازی: با پیشرفت‌هایی که در علوم پزشکی حاصل شده، اکنون مسلم و محرز گردیده که شمار زیادی از معلولیت‌ها قابل پیشگیری و در صورت ابتلا، قابل درمان و حداقل قابل افزایش توانایی هستند. از شایع‌ترین این نوع معلولیت‌ها ضایعات مغزی می‌باشد که علم ژنتیک قادر به مقابله و پیشگیری از آن است و هر گاه طفلی از صافی‌های ژنتیک هم بگذرد و باز هم دچار اختلالات مغزی باشد، اگر در بدو تولد پزشکان متوجه شوند، قابل معالجه است. هر قدر از زمان تولد بگذرد و والدین یا پزشکان متوجه وجود اختلالات مغزی شوند، کار معالجه دشوارتر و مدت‌ش طولانی‌تر خواهد بود.

از جمله معلولیت‌ها، معلولیت‌های ارثی و خانوادگی است که با کنترل‌ها و آزمایش‌های قبل از ازدواج می‌شود از وقوع آنها جلوگیری کرد. و اما معلولیت‌های

حادث شده، مثل: تصادف، سیل، زلزله، جنگ، قحطی و غیره که به طور ناخواسته، به سلامتی افراد آسیب زده‌اند، قابل پیشگیری می‌باشند.

بعضی از معلولیت‌ها را می‌توان با پیشگیری از بین برد یا کنترل کرد. آلودگی‌های شیمیایی، هسته‌ای، صوتی، ریزگردی و ده‌ها نوع آلودگی دیگر موجب معلولیت می‌شوند. ولی با برنامه‌ریزی و آموزش مردم می‌توان از تأثیر آنها ممانعت به عمل آورد. ولی رسانه‌ها به ویژه صدا و سیما در زمینه پیشگیری، ضعیف عمل کرده‌اند. در ادبیات و در متون اسلامی، مطالب سودمندی برای پیشگیری هست.

علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد بلا ندیده دعا را شروع باید کرد
به جز آن دسته از معلولیت‌هایی که ناخواسته حادث می‌شوند، مثل: سیل، زلزله، قحطی و بیماری‌های واگیردار و... از سایر معلولیت‌ها می‌توان جلوگیری کرد.

به هر حال اگر جنگ نباشد، بیماری شیمیایی و معلول جنگی هم وجود نخواهد داشت. اگر در مسیر سیلاب خانه نسازیم، خانه خراب و غرق نخواهیم شد. اگر در پیرامون دهانه‌های آتشفشان زندگی نکنیم، در زیر مواد مذاب ناشی از فوران آتشفشان مدفون و یا معلول نخواهیم شد. اگر در مقررات راهنمایی و رانندگی و عبور و مرور دقیق باشیم، هرگز در تصادفات معلول و زمین گیر نخواهیم شد. اگر قبل از ازدواج به خصوص با نزدیکان، با پزشک مشورت کنیم، تحقیقاً صاحب فرزند معلول نخواهیم شد.

به این ترتیب باید بپذیریم که عامل معلولیت‌ها خودمان هستیم و اگر مبارزه و مقابله‌ای لازم هست باید ابتدا با خودمان کلنجار برویم و سپس با معلول برخورد شود.

در حالی که علم پزشکی، قادر به پیشگیری و معالجه امراض است، با وجود این، بیماری‌های ناشی از مظاهر تمدن، زاینده معلولیت‌هایی شده‌اند که پیدا کردن راه‌های درمانشان، حتی از سرطان هم مشکل‌تر است. مثل استرس‌ها و بیماری‌های روانی و آلزایمر. مطابق آخرین آمارها ۱۲ درصد از افراد بشر مبتلا به اینگونه بیماری‌ها شده‌اند.

در ششمین همایش جهانی، اقدام‌های توانبخشی برای بیماران روانی در هامبورگ (بهار ۱۳۷۷)، پروفسور اشتارک روانکاو آلمانی گفت: از هر ۱۲-۱۳ نفر

افراد بشر یک نفرشان به نوعی نیازمند معالجات روانی است. بیماران مورد اشاره عبارتند از: شیذوفرنی؛ استرس روحی و افسردگی؛ آلزایمر.

اما بیماری‌های روانی و روحی قابل مقابله و پیشگیری و درمان هستند. ادعیه و متون دینی و اسلامی بهترین راه درمان این بیماری را معرفی کرده‌اند.

بر اساس توصیه‌های سازمان بهداشت جهانی مبنی بر درمان بیماران روانی، مسئولین بهداشت و درمان کشورمان با برپایی سمیناری در این زمینه (خرداد ۱۳۷۷) به این نتیجه رسیدند که تخت‌های موجود در بیمارستان‌های روانی کافی برای انبوه بیماران نیست. از این‌رو تصمیم گرفته شد تا برای جلوگیری از تشدید بیماری، بخش‌هایی از بیمارستان‌های موجود به درمان بیماران روانی اختصاص یابند که تدارک برای راه‌اندازی این قبیل بخش‌ها آغاز شده است.

مطابق تعریف سازمان بهداشت جهانی (اعلام شده در سال ۱۳۷۷) قریب ۵,۰۰۰,۰۰۰ نفر بیمار روانی در ایران وجود دارد که اگر به موقع از شدت بیماری‌شان جلوگیری نشود، به تدریج به جمع معلولین غیر آرام خواهند پیوست. متأسفانه در حال حاضر جهان با فاجعه معلولیت‌های ناشی از مواد مخدر، قرار دارد و کشور ما از اوایل قرن حاضر دچار این مشکل بوده و سرمایه‌های زیادی را در این راه از دست داده است.

مبتلا کردن افراد اجتماعات تحت ستم و استعمار سابق و آزادی‌خواه کنونی از شگردهای خاص دولت‌های استعماری بوده که سعی می‌کردند هر چه بیشتر بر رونق تولید و استعمال این مواد افزوده شود.

در حال حاضر نیز علیرغم مبارزه شدیدی که با قاچاق و استعمال تریاک می‌شود، با وجود این، این بلا شیوع دارد و شمار زیادی از افراد را به کام نیستی کشانیده که با خارج شدن از چنبره‌های کار و فعالیت، همچون معلولین روانی لاعلاج روی دست خانواده‌ها و اجتماع مانده‌اند.

مواد مخدر صنعتی مثل شیشه خطرناک‌تر و معلولیت‌زایی آنها چند برابر است. اینگونه مواد موجب انواع ایست قلبی، تصلب شرایین و ده‌ها عارضه دیگر شده و

معلولیت‌های مختلف را موجب می‌شود و می‌آفریند.^۱ ولی بسیاری از معلولان هم اکنون در مراتب و مناصب اداری - فنی مشغول کاراند و به خوبی هم از عهده انجام وظیفه برمی‌آیند. از این‌رو نمی‌توان گفت معلولین قابل تحول نیستند و تا آخر عمر باید در یک گروه بمانند. با برنامه‌ریزی و تدبیر می‌توان از معلولیت‌ها کاست و مانع شروع معلولیت‌ها شد. اما نخست باید درباره نظام مشاغل تصمیم گرفت.

مناسب‌سازی و ارگونومی

متناسب سازی دستگاه‌ها و ماشین‌ها مثل متناسب سازی خودرو برای رانندگان دارای ضایعات نخاعی، ارگونومی نامیده می‌شود. ارگونومی نوعی توانبخشی محسوب می‌شود. برای تحقق نظام مطلوب شغلی معلولان ایران، لازم است ابتدا بدانیم ارگونومی در ایران چه وضعیتی دارد؟

طراحی ماشین متناسب با توانایی جسمی - حرکتی انسان‌های معلول علم جدیدی به نام ارگونومی Ergonomy یا طراحی و مهندسی فاکتورهای انسانی Human Factor Engeneering & design را به وجود آورده است. این رشته جدید که در سه دهه اخیر در جهان مطرح شده در دهه اخیر در سطح دانشگاهی هم تدریس شده است.

طراحی و مهندسی محیط زیست و اماکن تردد معلولان متناسب با شرایط آنان، «مناسب سازی نامیده» می‌شود. ولی آماده سازی ماشین آلاتی که توسط معلولان استفاده می‌شود، «متناسب سازی» یا ارگونومی نام‌گذاری شده است.^۲ در ارتباط با پیوند این علم با توانبخشی و ایجاد حرفه برای افراد معلول اقدامات پژوهشی و نیز اجرایی فراوان بوده است و پیشرفت‌های مطلوبی در جهان به دست

۱. «بررسی در زمینه معلولین و وضع اشتغال آنان»، قسمت اول، اکبر باقریان، کار و جامعه، ش ۲۷، آبان ۱۳۷۷، ص ۳۰-۳۳.

۲. متناسب سازی مشاغل معلولان، استیفن گریو، ترجمه مجید رشید کابلی، ص ۱۵ به بعد.

آمده است. اما ایران هنوز به سطح کشورهای پیشرفته نرسیده ولی در عرصه پژوهش اقدامات مطلوبی بوده است. لازم است متذکر شوم در تحقیقاتی که در این زمینه داشته‌ایم، ابزار خاصی را طراحی کرده‌ایم و در صورتی که وزارت کار بتواند آنها را به استاندارد برساند.

اشتغال معلولین به خوبی صورت می‌گیرد. انسان خود را با محیط درگیر می‌کند و از نظر فیزیکی خود را با محیط حرفه‌ای تطبیق^۱ می‌دهد.^۲

تا کنون در ایران در این باره تحقیقات دانشگاهی انجام یافته و معاونت توانبخشی سازمان بهزیستی هزینه‌هایی نموده است. دکتر علی اصغر مرادی از مدیران سازمان بهزیستی در مورد ارگونومی تحقیق مفصلی انجام داده است. اما این تحقیقات هنوز عینیت عمومی و طرح در سطح عموم معلولان را شاهد نیستیم. از این رو کتب و مقالات عینی‌تر را هم سراغ نداریم.

رابطه ارگونومی و اشتغال واضح است. ماشین آلات ابزار کار هستند و اگر معلولان نتوانند با آنها کار کنند، در نتیجه اشتغالی هم وجود نخواهد داشت. به عنوان نمونه معلولان ضایعه نخاعی یا ضایعه گردنی اگر بخواهند از طریق شغل رانندگی و حمل مسافر درآمد داشته باشند، لازم است خودروی آنها متناسب با شرایط آنها تجهیز گردد. دو پا و گاه دو دست آنان فلج است و بعضاً از حرکت دو پا و دو دست ناتوان هستند، در حالی که ترمز، کلاچ و گاز و دنده با دست و پا سر و کار دارد. از این رو لازم است کلاچ، گاز، ترمز و دنده ماشین متناسب سازی گردد.

هم اکنون کسی هست که ضایعه نخاعی و نیز ضایعه گردنی است و دو دست و دو پای آن اصلاً تحت کنترلش نیست ولی از طریق مسافرکشی بین شهری ارتزاق می‌کند. پژوهی ۴۰۵ ایشان توسط یک شرکت متناسب سازی شد و ۷ میلیون تومان هزینه داشت. فرد دیگری هست که در تصادف ضایعه گردنی شده و از گردن به پایین کلاً فلج است. ایشان مدیریت یک شرکت صادرات و واردات با بازده خوب کاری و درآمد خوب است. همه کارهایش را از طریق موبایل و کامپیوتر انجام

1. Adaptation

می‌دهد. صفحه کلید کامپیوتر او را متناسب سازی کرده‌اند به طوری که با حرکت سر یا حرکت چشم‌ها ماوس حرکت می‌کند و در جای مطلوب با حرکت دیگری کلیک می‌کند. همچنین نابینایان، ناشنویان و دیگر اقشار معلولین با متناسب سازی دستگاه‌های آنها از جمله کامپیوتر آنها در امور روزانه و شغلی فعال خواهند شد. لازم است این تجارب در رسانه ملی و جراید ایران معرفی شود، نیز تحقیقات گسترش پیدا کند.

گستره مشاغل معلولیتی

هر گونه برنامه و تدبیر برای کار و اشتغال معلولان، باید مبتنی بر فرهنگنامه باشد. معلولانی که هیچ توانی برای کار ندارند؛ مثل فرد دارای ضایعه نخاعی که تمامی بدنش فلج است و فقط سرش حرکت دارد. اینان باید تحت پوشش بیمه بیکاری و نهادهای حمایتی مردمی یا دولتی باشند. اما خانواده این افراد را می‌توان در اولویت اشتغال قرار داد و برای فرزندان و همسر شغل ایجاد کرد.

اما کسانی که توان و ظرفیت کار دارند، نخست باید به فرهنگنامه معرفی مشاغل معلولیتی مراجعه کند و بر اساس علایق و تبحری که دارد و نیازها و دیگر واقعیت‌هایش، شغلی را انتخاب کند.

این فرهنگنامه، ابتدا مشاغل معلولان را به دوازده سرفصل اصلی تقسیم کرده، سپس زیر هر سرفصل، مشاغل مرتبط به آن معرفی می‌شود. مثلاً نوشته می‌شود:

مشاغل هنری

زیر آن نوشته می‌شود:

نقاشی

چهره‌نگاری

سیاه قلم

و ...

نوازندگی

نی

تنبیک

و ...

یعنی همه مشاغل مرتبط به هنر معلولان زیر این سرفصل به صورت طبقه‌بندی شده می‌آید. در مرحله بعد، هر یک از این مشاغل تعریف می‌شود. معلولانی که در این رشته اشتغال داشته‌اند هم معرفی می‌شوند. و در نهایت درآمد و چگونگی کسب و کار در این رشته را معرفی می‌کند.

اما دوازده سرفصل اصلی عبارت‌اند از:

مشاغل پزشکی

مشاغل بهزیستی و توانبخشی

مشاغل صنعتی

مشاغل کشاورزی

مشاغل اطلاع‌رسانی مثل روزنامه نگاری

مشاغل علمی مثل ویراستاری و تألیف و تدریس

مشاغل خدماتی مثل بلیط فروشی

مشاغل اداری مثل کارمند بانک

مشاغل ورزشی مثل فوتبال

مشاغل هنری مثل نقاشی

مشاغل فرهنگی مثل صحافی و کتابداری

فعالیت مذهبی مثل تبلیغ، حفظ قرآن، تدریس قرآن

هنوز به درستی نمی‌دانیم چند درصد از معلولان در ایران در کدامیک از این دوازده شغل، مشغول هستند و آمارهای کامل نداریم، در ادامه اطلاعات معلولین ایران جمع‌آوری و زیر اینها درج می‌گردد.

ناقص است.

مهم‌تر اینکه در ایران کارهای مختلف ضروری در این مشاغل انجام نیافته است. اولین اقدام، معرفی این دوازده نوع شغل به جامعه و به معلولین است. لازم است از حد و حدود، روش اجرا، درآمدزایی، جایگاه اجتماعی و حقوقی این دوازده نوع شغل عرضه شود. متأسفانه وقتی سخن از اشتغال معلولان به میان می‌آید ذهن‌ها

به سمت چند شغل محدود می‌رود.

اقدام دوم ضروری معرفی نمونه‌ها در هر یک از این مشاغل است؛ مثلاً افراد دارای معلولیت که در زمره پزشکان موفق بوده‌اند و در این دوره هم حضور دارند لازم است معرفی شوند.

هنرمندان معلول، مؤلفان دارای معلولیت، کشاورزان، صنعت کاران و دیگر شاغلان دارای معلولیت همراه با عکس و با گزارش‌های واضح و روان و نیز فیلم آنها به همه اقشار جامعه معرفی شوند. تا کنون حتی یک مورد از این کارها توسط سازمان‌هایی مثل بهزیستی نشده است. فقط برخی مراکز مردمی دفتر فرهنگ معلولین کارهایی انجام داده است.

اقدام مهم دیگر قانون نظام مشاغل معلولین است که در مجلس شورای اسلامی تصویب گردد.

اهتمام به مشاغل جدید

اکنون درصد تبیین شیوه‌هایی هستیم که با اجرای آنها می‌توان اشتغال جدید به ویژه مشاغل هنری و فرهنگی را در این قشر توسعه داد. معلولین از نداشتن اشتغال یا داشتن مشاغل ضعیف و نامناسب گله‌مند هستند. از طرف دیگر جامعه ایرانی و دیگر جوامع جهان اسلام تصور و ذهنیت درست از اشتغال آنان ندارند و تصور عمومی این است که اینان توانایی انجام کار فرهنگی و علمی را ندارند و باید در حدّ مشاغلی مانند تلفن‌چی باقی بمانند.

اما پیشرفت‌های خودجوش بسیاری از معلولان در دو دهه اخیر همه معادلات را بر هم زد و تصور عمومی مزبور را ابطال نمود. چون همه به عینه و با چشم خود در محل و شهر خود می‌بینند، نابینایان به عنوان استاد دانشگاه، به عنوان وکیل، به عنوان نویسنده و پژوهشگر، به عنوان برنامه‌نویس کامپیوتر و غیره مشغول کار هستند.

الآن وقت آن رسیده تا جامعه شناسان و کارشناسان امور معلولین شیوه‌های دستیابی روشندان به مشاغل فرهنگی را تبیین کند؛ تجارب گذشته را گردآوری و

تجزیه و تحلیل کرده و جامعه جدید با مناسبات نو برای آنان ترسیم نمایند.

- وضعیت مشاغل معلولان و دسته‌بندی اشتغالات آنان

- ماهیت مشاغل فرهنگی و تناسب اینگونه مشاغل با توانایی‌ها

- انواع مشاغل فرهنگی معلولان در دو فاز وضع موجود و وضع مطلوب

- راه‌های دستیابی به مشاغل فرهنگی

- وظایف اقشار مرتبط در ایجاد وضعیت مطلوب

پنج فصل فوق در مجموع گویای این نکته است که همه واقعیت‌ها به ما می‌گویند که دوره «تلفن‌چی» برای نابینایان و مشاغل بلیط فروشی اتوبوس برای حرکتی‌ها و بلیط اعانه فروشی برای ناشنوایان گذشته و همه آنان وارد عرصه‌های نوین شده‌اند. دیگر نمی‌توان آنان را از پشت کامپیوتر یا سر میز تدریس دانشگاه برداشت و پشت میز مشاغل قبلی گذاشت. دقیقاً برای آحاد جامعه هم این ارتجاع و عقب‌گرد محال و ممتنع است. از این‌رو بهتر است راه کارهای مناسب برای دستیابی سریع‌تر و آسان‌تر معلولان را به انواع مشاغل فرهنگی شناسایی و بررسی کرد و سیر گذار را نهادینه نمود.

تا کنون تصور می‌شده این قشر فقط برای مشاغل خدماتی آن هم از نوع تلفن‌چی و بلیط فروشی مناسب‌اند ولی واقعیت‌ها کاملاً گویا است که آنان در همه مشاغل برازندگی و خلاقیت داشته‌اند.

اما این مقاله درصدد است؛ برای اولین بار به آنان مشاغل فرهنگی و علمی را پیشنهاد کند. در همه جوامع مشاغل علمی و فرهنگی از هر نظر برتر و پر درآمدتر و در سطح جامعه پر جاذبه‌تر است؛ چرا معلولین از اینگونه مشاغل محروم باشند، فقط باید راه رسیدن آنان به مشاغلی مثل کرسی استادی دانشگاه؛ روزنامه نگاری؛ پژوهشگری؛ نویسندگی کتاب و مقاله؛ مرجع نگاری و ویراستاری را به آنان آموزش داد. یا به عبارت بهتر دستیابی به این مشاغل که توسط برخی از روشندان تجربه شده را تعمیم داد.

یک نکته این است که بعضی مدعی هستند اگر یک یا چند نفر از افراد دارای معلولیت، پزشک شدند یا چند تن از آنان برنامه‌نویس شدند یا به کرسی وکالت دسترسی پیدا کردند یا سر کلاس دانشگاه به عنوان استاد حضور پیدا کردند، همه

اینها استثناء است. اینان مدعی هستند معلولان ذاتاً نمی‌توانند به چنین مشاغلی دست یابند فقط در میلیون‌ها یا هزاران نفر یک یا چند نفر به دلیل ویژگی‌های خاص خودشان دسترسی پیدا کرده‌اند.

در پاسخ باید گفت در جامعه انسانی از هر نمونه اگر یک مورد تحقق و مصداق پیدا کرد، مبرهن و معلوم می‌گردد که این واقعیت امکان تحقق در مصادیق و موارد دیگر را هم دارد.

طرح جمع‌آوری اطلاعات شغلی

در جوامع پیشرفته تحقق ایده‌ای در یک نفر را مطالعه می‌کنند، علل و عوامل کشف آن ایده را به دست می‌آورند و در افراد دیگر تعمیم و گسترش می‌دهند.

اما در ایران لازم است ابتدا کشف کنیم چه افرادی در چه مشاغلی موفقیت پیدا کرده و به مدارج عالی یا حداقل مشاغل متوسط رسیده‌اند. سپس تجارب آنها به دست آید. از این‌رو تحقیقی برای همین منظور به نام «طرح جمع‌آوری اطلاعات شغلی معلولان» در دستور کار دفتر فرهنگ معلولین است.

مشکل اصلی برنامه‌سازان و تصمیم‌گیران و مدیران این است که نمی‌دانند در ایران چند معلول شاغل و چه مشاغلی هستند؟؛ نیز معلوم نیست برای دستیابی به این مشاغل چه مسیری را طی کرده و چگونه عمل کرده‌اند؟

طرح جمع‌آوری اطلاعات شغلی بخشی از بانک اطلاعات معلولان ایران است که روزانه جمع‌آوری و در اختیار عموم قرار می‌گیرد.

اما این بانک برای رسیدن به اهدافش مسیر پریپیچ و پرممانی را باید طی کند. عدم همکاری مسئولین دولتی تا خود معلولان و خانواده‌های آنها اهمیت دارد. با اینکه این اطلاعات نخست برای مسئولین و مدیران محترم دولتی سودمند و راهگشا است.

یکی از موانع مهم این است که افراد از دادن اطلاعات درباره اینکه چگونه به موفقیت رسیده‌اند، اکراه و امتناع دارند و فکر می‌کنند اگر اطلاعات را به دیگران بدهند، به قول معروف دست زیاد خواهد شد و دیگران به تجارب آنها دست

می‌بایند، در صورتی که در اسلام تأکید شده زکات علم و اساساً نمو و رشد هر کاری که همان زکات است به نشر و توزیع و گسترش آن است.

پیشرفت متناسب با زمان

اشتغال معلولان وقتی سامان پیدا می‌کند که مسئولین سازمان بهزیستی و سازمان آموزش و پرورش استثنایی، اقتضائات مدرن، شرایط جدید را درک کنند و متناسب با آنها برای شغل معلولان برنامه‌ریزی نمایند. دقت کنید اگر تصور کنید اگر مدیری در فضای دوره قاجاریه و یکصد سال قبل باشد و بهترین شغل را برای نابینایان و معلولان حرکتی، قرآن خوانی در مراسم متوفاهای و نهایتاً روضه‌خوانی و وعظ بداند، هیچ تلقی و تصویری از مشاغل جدید مثل اینترنت و هزاران شغل آن، نیز تصویری از روزنامه نگاری، تئاتر، فیلم سازی، موسیقی و انواع هنرهای دیگر معلولیتی نداشته باشد؛ از طرف دیگر مدیریت بخش کلانی از امور معلولان هم در دست چنین فردی باشد، چه اتفاقی رخ خواهد داد؟

خواهش می‌کنم، کسانی که اداره امور کلیدی معلولان در دستشان است، مطالعه کنید و زیر ذره‌بین بگذارید، آنگاه متوجه وخامت اوضاع این قشر می‌شوید. البته قرآن بسیار سازنده است و علاوه بر تأثیر معنوی می‌توان در اشتغال هم مؤثر باشد همانطور که نابینایان مصر درآمد سالانه بالایی دارند. اما لازمه توسعه دانش و حرفه‌های قرآنی مثل قرائت، حفظ هم به برنامه ریزی و تدبیر نیاز دارد. به عنوان نمونه عرض کنم نابینایان ایران حداقل پنجاه سال در زمینه حفظ و قرائت قرآن تلاش کرده‌اند. اما چون مدیریت علمی نبوده و تجارب آنها گردآوری و آماده سازی و مکتوب نشده، لذا نمی‌توانند در شهرهای مختلف کلاس قرآنی داشته باشند و آموزش بدهند. حتی سازمان بهزیستی در سال ۱۳۹۵ از دانشگاه برای آموزش خود نابینایان قرآنی کمک گرفت و قراردادی بین معاونت فرهنگی آقای

سید محمدی با آموزش عالی در سال ۱۳۹۵ منعقد گردید.^۱ با اینکه اگر در حوزه آموزش، کار اندکی برای نابینایان انجام شود و یک دوره کارگاه کلاس داری و آموزش قرآن برای آنها گذاشته و در چند ساعت، روش کار به آنها گفته شود. حداقل سالانه یک هزار شغل در زمینه آموزش قرآن کریم برای حداقل نابینایان ایجاد خواهد شد. اما معاونت فرهنگی سازمان بهزیستی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دیگر نهادهای متولی امور معلولان در این زمینه اقدامی نداشته‌اند. اگر هم داشته‌اند محدود بوده و خبرش منعکس نشده است. عربستان سعودی در یک طرحی که حدود بیست سال است جریان دارد، نابینایان را سه ماه آموزش وعظ و قرآن می‌دهد، سپس به شهرها و کشورهای دور و نزدیک در جهان اعزام می‌کند. از این رو در روستاهای دور دست اندونزی یا فلان کشور آفریقایی که اساساً هیچ امکاناتی ندارند، نابینایی مشاهده می‌شود که مسجد آنجا را اداره می‌کند، برای جوانان کلاس قرآن دارد، احکام و تاریخ برای مردم می‌گوید. زندگی‌اش هم توسط مردم اداره می‌شود. البته دولت عربستان هم مبلغی به او می‌دهد.

به همین دلیل بسیاری از مساجد در کشورهای مختلف تحت سیطره وهابیت و دولت عربستان سعودی است. در اروپا و آمریکا بسیاری از معلولین از طریق هنر مجسمه سازی، هنر نوازندگی، هنر خوانندگی، تئاتر و بازی در فیلم به مدارج و درآمدهای سرشار رسیده‌اند. در ایران هنرمندان دارای معلولیت سرشناس داشته‌ایم مثل مرحوم بنان، خانم پری زنگنه و مرحوم نورعلی خان برومند. اما در ایران درصد معرفی آنها نبوده‌ایم و نتوانسته‌ایم هنرمندان عالی مقام خود را به صورت یک تجربه و یک الگو به جهان معرفی کنیم.

اولین اقدام مهم که توسط تشکل‌ها و سمن‌های مردمی قابل اجرا است، معرفی مشاغل و معرفی معلولان ایرانی که در این مشاغل موفق بوده‌اند. با این کار اساس فرهنگ سازی و الگوسازی پایه‌ریزی خواهد شد.

۱. مراجعه کنید به *رایحه* (مجله قرآنی ایکنای ویژه مسابقات بین‌المللی قرآن کریم)، سال دهم، ش ۱۲۴.

فصل چهارم: روش‌شناسی

منظور از روش شناسی اشتغال، شناخت شیوه‌هایی است که در ایران و جهان برای کاربایی معلولان و رسیدن آنها به کسب درآمد متداول و مرسوم است. سازمان بهزیستی چه روش‌هایی را انجام می‌دهد؟ و در جامعه هدف چه روشی متداول است؟ و در جهان چکار می‌کنند و چگونه برای معلولان شغل پایدار ایجاد می‌نمایند؟ اساساً چه شیوه‌ای از نگاه مدیران امور معلولان مطلوب است و چرا مطلوب است و مطلوبیت آن در چیست؟ اینها پرسش‌هایی است که تلاش می‌کنیم در این فصل، به جواب آنها برسیم.

علت گشودن این مبحث این است که کسانی که به اشتغال معلولان ایران منتقد و معترض هستند در واقع شیوه‌هایی که اجرا شده را قبول ندارند. و معتقد هستند این روش‌ها آسیب‌مند است. از این‌رو آسیب شناسی را باید به طرف روش‌ها جهت دهیم. اگر اشکالات روش‌ها به دست آید و کارشناسی گردد و سپس به اصلاح آنها مبادرت شود، نظام کسب و کار معلولین درست و کارآمد خواهد شد.

خوداشتغالی

در قدیم و در اقتصاد سنتی، یک یا دو روش محدود برای اشتغال وجود داشت ولی به تدریج روش‌های کارایی و اشتغال جدید به میان آمد و تجربه شد و معلولین با اجرای این شیوه‌ها، تحولاتی در اشتغال پدید آوردند. یکی از آنها خود اشتغالی است. یکی از رایج‌ترین و انعطاف پذیرترین روش‌های اشتغال و به کار گماری معلولان خوداشتغالی است. در این نوع اشتغال، معلول در منزل خود (در شهر یا روستا) متناسب با توانایی‌ها و علاقه‌اش به انجام کار مولدی در بخش غیر مزدبگیر می‌پردازند و به تولید کالا و یا ارائه خدمتی مشغول می‌شود و با فروش آن درآمدی کسب می‌کند و به زندگی اش ادامه می‌دهد.

در خوداشتغالی، استقلال قابل توجهی در ساعت و نحوه کار وجود دارد و دامنه فعالیت بسیار گسترده است و انجام آن در همه مکان‌ها عملی است. امروزه در اکثر کشورهای در حال توسعه از روش خوداشتغالی یا «کار برای خود» به عنوان راه حل عملی برای کاهش بحران بیکاری استفاده می‌شود و نتایج رضایت بخشی از انجام آن حاصل شده است.

وزارت کار و امور اجتماعی برای توسعه خوداشتغالی، وام و تسهیلات بانکی و ابزار و ماشین آلات در کارگاه مشترک و آموزش‌های لازم را در دسترس معلولانی که حائز شرایط باشند، قرار می‌دهد. برای صرفه‌جویی در بودجه، مجموعه‌ای از ماشین آلات اساسی و ضروری برای تولید را در یک محل به عنوان کارگاه جمع می‌آورند که به طور مشترک با برنامه‌ریزی قبلی، به وسیله تعدادی معلول مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این کارگاه همچنین معلولان برای رفع مشکلات فنی به وسیله عده‌ای متخصص راهنمایی می‌شوند و به مبادله اطلاعات فنی می‌پردازند و دانش شغلی خود را افزایش می‌دهند. در این شیوه برای معلولان تهیه وسیله رفت و برگشت به کارگاه ضروری است. معلولانی می‌توانند از مزایا و تسهیلات وزارت کار و امور اجتماعی بهره‌مند شوند که واجد این شرایط باشند. بیکار و در جستجوی کار باشند، به عنوان داوطلب در بخش خوداشتغالی ثبت نام کرده باشند، مزدبگیر نباشند و تولیدکننده کالا یا ارائه

دهنده خدمات فنی باشند، در صورت نیاز نمونه‌ای از تولیداتشان را ارائه دهند و برای فعالیت‌شان توجیه اقتصادی داشته باشند، مهارت فنی لازم برای تولید و یا ارائه خدمات را دارا باشند. در صورت نداشتن مهارت‌های لازم به مجتمع‌های آموزش و اشتغال اعزام می‌گردند. نظارت و کنترل و راهنمایی بیشتر شاغلان در این بخش از وظایف اصلی مسئولان اشتغال کشور است.

شرکت تعاونی

از روش‌های مؤثر و کارآمد اشتغال و به کارگیری معلولان، تشویق و ترغیب آنان به اشتغال در شرکت‌های تعاونی معلولان است. بعضی بر این باوراند که بعد از خوداشتغالی بالاترین رقم جذب معلولان به کار را حائز است. بنا به توصیه سازمان بین‌المللی کار، در شرکت‌های تعاونی خاص معلولان حداکثر ۲۵ تا ۳۰ درصد اعضاء را معلولان تشکیل می‌دهند. تشکیل این نوع شرکت‌ها خصوصاً تعاونی‌های تولیدی به سرمایه‌گذاری زیاد نیاز دارند. برای تشکیل شرکت‌های تعاونی در شرایط عادی، عده‌ای از افراد داوطلب معلول که اطلاعات و امکانات کافی دارند و انگیزه و دانش و مهارت لازم را نیز دارند اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کنند و با استفاده از تسهیلات مندرج در قانون عمومی شرکت‌های تعاونی به فعالیت‌های تولیدی می‌پردازند. بدین صورت، تعدادی معلول به اشتغال در شرکت تعاونی مشغول می‌شوند. این شرکت‌ها با نظارت و حمایت بخش دولتی توسط افراد معلول به صورت خودگردان اداره می‌شوند و در نتیجه علاوه بر هدف اقتصادی و درآمدزایی نقش توانبخشی شغلی را نیز ایفا می‌کنند. تشکیل این شرکت‌ها با موفقیت‌هایی همراه بوده است و نتایج مثبتی در زمینه ایجاد فرصت‌های شغلی و پیوستن معلولان به جامعه داشته است.

اشتغال تحت حمایت

اشتغال تحت حمایت را اشتغال حمایت شده هم می‌نامند و از طریق کارگاه‌های حمایت شده برای گروه‌های خاصی از معلولان که به علت ماهیت و

شدت معلولیت نمی‌توانند به اشتغال معمولی بپردازند از جانب سازمان‌های داوطلب تأسیس می‌شود. در تشکیل کارگاه‌های شغلی حمایت شده عوامل بسیاری از جمله نظر جامعه نسبت به معلولان، درجه شیوع و شدت بیکاری، سطح پیشرفت خدمات توانبخشی شغلی و موقعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه نقش بسزایی دارند. کارکنان این کارگاه‌ها باید آموزش‌های لازم را برای کار تولیدی در کارگاه با موفقیت گذرانده باشند.

دور کاری یا اشتغال در منزل

این نوع اشتغال، کسانی را در بر می‌گیرد که به ناتوانی شدید گرفتار هستند و قادر به حرکت و انتقال از محلی به محل دیگر نیستند و محل سکونت آنان از محل کارشان فاصله زیاد دارد. این افراد از طریق مرکز توانبخشی به برخی کارگاه‌ها که امکان اشتغال دارند، معرفی می‌شوند و در قبال کار در منزل مزد دریافت می‌کنند. فناوری جدید مثل وسایل مخابراتی و ارتباطی، موجب شده مردم به هم نزدیک‌تر شوند. و بُعد مسافت را که در زندگی شهری مدرن یک واقعیت است، کوتاه می‌کند. امروزه در کلان‌شهرهایی مثل تهران فاصله شرق تا غرب تا شمال تا جنوب آن مثل فاصله کرج تا پردیس در تهران علاوه بر طول مسافت، ترافیک و دیگر موانع تردد وجود دارد و محل دستیابی به اهداف است. ولی همه این موانع با وسایل مدرن ارتباطی جبران شده و در حداقل زمان، بیشترین ارتباطات انجام می‌پذیرد.

برای موفقیت روش اشتغال در منزل توجه به این موارد ضروری است:

الف- مواد اولیه در زمان مناسب در دسترس شاغلان قرار گیرد و به موقع

تولیدات آنان جمع‌آوری شود؛

ب- برای فروش تولیدات و محصولات شاغلان برنامه‌ریزی دقیق به عمل آید؛

ج- شاغلان به طور مستمر توسط سرپرستان فنی تحت نظارت و راهنمایی قرار گیرد؛

د- نوع شغل بر اساس توان و ظرفیت شاغلان انتخاب شود؛

ه- بابت تولیدات و محصولات حق‌الزحمه و مزد مناسب پرداخت شود.

با توجه به اینکه برخی از توانیابان به علت شدت معلولیت، اشتغال بیرون از منزل برایشان امکان پذیر نیست. «اشتغال در منزل» و «دورکاری» بهترین گزینه برای آنها است. برای این مورد هم دولت و سازمان بهزیستی باید نهادهای کوچکی ایجاد نماید تا بر اساس تقاضای این افراد، به ایجاد شغل‌هایی مناسب در منزل بپردازند تا فردی که دارای معلولیت شدید است هم در منزل مشغول به کار شود و نتیجه را به صورت روزانه، هفتگی یا ماهانه به کارفرما تحویل دهد. این نوع اشتغال می‌تواند شغل‌های مرتبط با صنایع دستی، شغل‌های هنری، خیاطی، و حتی کار با «رایانه و تلفن» در منزل باشد. به عنوان مثال فرد دارای معلولیت می‌تواند با داشتن یک دستگاه رایانه و اینترنت پرسرعت و یا به صورت تلفنی، در منزل خویش به شغل‌هایی مانند اپراتوری، منشی‌گری و بسیاری از موارد مرتبط بپردازد و یا با داشتن دستگاه چرخ خیاطی یا لوازم لازم، به کارهای هنری در منزل اقدام نماید. دقیقاً مانند بسیاری از شغل‌هایی که امروزه در بازارهای کار و آگهی‌های استخدامی مشاهده می‌شود اما برای افراد دارای معلولیت لازم است که اینگونه شغل‌ها تحت نظارت دولت و سازمان‌های مردم‌نهاد ایجاد شود تا امنیت شغلی این افراد تأمین شود.

اشتغال خانوادگی

این روش که به اشتغال پدر و فرزند یا خانوادگی معروف است، دارای سابقه بیشتر است. از قدیم فرزند دارای معلولیت نزد پدر یا برادر یا یکی از اقوام نزدیک مشغول به کار می‌شد و پس از فراگیری فنون کار به تدریج جانشین پدر و استاد می‌شد. حتی گاه مدیریت واحد اقتصادی را به دست می‌گرفت. برای مثال کسی تعمیر اتومبیل داشت و فرزند ناشنوایی هم دارد. پس از گذراندن تحصیلات و تا مرحله‌ای که دوست دارد تحصیل می‌کند. سپس هر روز همراه پدرش به تعمیرگاه می‌رود و به تدریج کار را فرا می‌گیرد و کم‌کم اداره تعمیرگاه را بر عهده می‌گیرد. این نوع اشتغال در گذشته سابقه دارتر و موفقیت‌آمیزتر بوده است. یعنی در جوامع سنتی، بهترین شیوه برای اشتغال بوده است. اما در جوامع مدرن و با پیدایش

فاصله نسل‌ها و گست پدر و فرزند، این شیوه کمتر عملی شده است.

روش استاد و شاگردی

شیوه اشتغال استاد و شاگردی را بعضی نوعی از اشتغال جامعه محور یا اشتغال CBR می‌دانند. با توجه به اینکه بسیاری از روش‌های کاربایی متکی بر حمایت‌های جامعه است، با این توجیه باید زیر مجموعه اشتغال جامعه محور باشند. ولی کسی نگفته این شیوه‌ها جامعه محوراند.

اما در شیوه استاد و شاگردی، کارفرمایانی که توانایی و امکانات اداره معلولین را دارند و می‌توانند آنان را با توانبخشی آماده کار کردن در واحد مورد نظر صنعتی یا کشاورزی یا غیره کنند، این روش را اجرا می‌نمایند. این شیوه از ۱۳۷۵ توسط بهزیستی در ایران شروع به اجرا شد و پس از گذشت ۳ سال از اجرای برنامه آموزش حرفه‌ای به شیوه استاد شاگردی در کشورمان و صرف هزینه‌ای بالغ بر ۴۰ میلیارد ریال جهت ایجاد شغل در این برنامه، جا دارد نتایج حاصل از به کارگیری این شیوه را مورد سنجش و ارزیابی قرار داد. نتایج این روش را بر اساس سه مؤلفه میزان درآمد، وضعیت نیاز به حمایت اجتماعی و مدت زمان اشتغال می‌توان سنجید.^۱

تحقیقات میدانی توسط دانشجویان در پایان نامه‌های کارشناسی ارشد یا دکترا انجام یافته است. و اطلاعات سودمندی به دست آمده و تجزیه و تحلیل هم شده است.^۲

روش اشتغال جامعه‌گرا یا جامعه نگر یا CBR به دلیل اهمیت بعداً به تفصیل بررسی می‌شود. اما روش استاد و شاگردی در اجرا، مدل‌های مختلف دارد و بعضی مراکز مردمی مثل ابابصیر در دهه شصت و هفتاد پیشرفت‌های بسیار در این زمینه داشتند. متأسفانه تجارب و دستاوردهای گذشته ثبت و ضبط و تدوین نشده است.

۱. بررسی پایداری/اشتغال معلولین، پایان نامه کارشناسی ارشد، محمدرضا اسدی، استاد راهنما سید

مجید میرخانی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۹۰.

۲. همان.

کسب و کار غیرمتعارف

شغل‌هایی که مشروعیت ندارد یا متعارف نیست یا شأن آنها پایین است، به آنان اشتغال غیررسمی، اشتغال غیرقانونی یا غیرمتعارف Informal employment گفته می‌شود.

کارهای پیشامدی درآمدزا، مشاغل غیررسمی نامنظم‌اند و شاغلان آنها غالباً خویش فرما و فاقد حقوق بازنشستگی‌اند و مالیات نمی‌پردازند. اینگونه مشاغل، به ویژه در مناطق شهری کشورهای در حال توسعه، مثل مکزیکوسیتی، رایج است. این نوع اشتغال هم شامل مشاغل خدماتی درجه سه، نظیر تمیز کردن کفش یا فروش بطری‌های آب یا دست فروشی می‌شود و هم مشاغل صنعتی حرفه‌ای را در بر می‌گیرد. مشاغل غیرقانونی، نظیر دزدی و خودفروشی و فروش مواد مخدر، نیز مشاغل غیررسمی محسوب می‌شوند.^۱

وقتی وضع معیشتی و اقتصادی معلولان خراب شود و حداقل امکانات زندگی را نداشته باشند به طور جبری گاه و بعضاً به کارهای غیرمتعارف رو می‌آورند. در ایران هنوز آماری از بین کارها و مشاغل در دست نیست ولی قطعاً وجود دارد. امید است خیرین، مردم وظیفه شناس و دولت محترم فکری برای معیشت معلولان بنمایند و از شرایط سخت کنونی آنان را نجات دهند.

شیوه جامعه محور CBR

گسترش معلولیت و افزایش علل و عوامل معلولیت‌زا از یک طرف و افزایش هزینه‌های توانبخشی و درمان معلولیت یا تأمین نیازهای معلولان، همچنین گسترش نیازها با شهرنشینی مدرن، دولت‌ها متوجه شدند توانایی رسیدگی را ندارند و نه نیروی کافی برای این منظورها دارند و نه امکانات مالی دارند، از این رو به فکر افتادند از توانمندی‌های جامعه استفاده کنند. این شیوه در قالب یک نظریه و

راه کار عملی به نام CBR عرضه شده است.

اشتغال CBR نخست، توانبخشی CBR مطرح شد و پس از مدتی اشتغال CBR رونق پیدا کرد. اما توانبخشی مبتنی بر جامعه ابتدا در سال ۱۹۷۵ توسط دکتر اینار هلاندر که در آن زمان مسئول ستاد کل سازمان جهانی بهداشت در ژنو بود، ارائه گردید. وی CBR را این چنین تعریف کرد:

CBR خط‌مشی برای ارتقاء کیفیت زندگی افراد معلول از طریق دسترسی به خدمات ارائه شده، ایجاد فرصت‌های برابر و حمایت از حقوق انسانی افراد معلول با اتکاء بر توان‌دهی جامعه.

سازمان جهانی بهداشت، سازمان بین‌المللی کار و یونسکو در سال ۲۰۰۴ در جدیدترین تعریف، توانبخشی مبتنی بر جامعه را اینگونه تعریف نمودند:

توانبخشی مبتنی بر جامعه راهبردی است در درون برنامه توسعه جامعه به منظور ارائه خدمات توانبخشی، برابرسازی فرصت‌ها، کاهش فقر و فراگیرسازی اجتماعی افراد معلول.

پس از این که خدمات اولیه بهداشتی از طریق طرح مراقبت‌های اولیه بهداشتی (PHC) به مناطق دور افتاده راه یافت و نتایج ارزنده‌ای به ارمغان آورد، کشورهای عضو سازمان جهانی بهداشت در صدد برآمدند تا راه‌حلی پیدا کنند که بدان وسیله عده بیشتری از افراد معلول از خدمات توانبخشی بهره‌مند شوند. برای دستیابی به این مهم جوانب امر مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج حاصله بیانگر آن بود که از یک سو گران بودن هزینه‌های توانبخشی و از سوی دیگر دسترسی ناکافی امکانات توانبخشی به خصوص در مناطق دور افتاده از جمله موانع پوشش همگانی توانبخشی است. در سال ۱۹۷۸ در کنفرانس بین‌المللی آلماتا به منظور برآوردن نیازمندی‌های راهبرد «بهداشت برای همه» برنامه ابتکاری توانبخشی مبتنی بر جامعه توسط واحد فنی WHO به عنوان جزء تفکیک‌ناپذیر خدمات مراقبت‌های اولیه بهداشتی معرفی شد. اولین تلاش، انتشار دستورالعمل تکنولوژی «آموزش در جامعه برای کمک به افراد معلول» بود. این دستورالعمل با همکاری ای. هلاندر، پ. مندیس، گوورت و جی نلسون تألیف گردید. سازمان جهانی بهداشت نخستین بار پیش‌نویس آن

را در سال ۱۹۷۹ به چاپ رساند و به صورت گسترده در ۲۰ کشور مورد بررسی قرار داده و در عملیات میدانی آزمود. سرانجام ویرایش نهایی آن در سال ۱۹۸۹ توسط سازمان جهانی بهداشت انتشار یافت. این مجموعه آموزشی شامل ۳۴ جلد است که چهار جلد آن کتابچه راهنما و ۳۰ جلد آن برای اعضای خانواده فرد معلول تهیه شده است. تا کنون این مجموعه به بیش از ۵۰ زبان ترجمه شده است. از آن پس نیز اغلب کشورهای بنا به نیازهای آموزشی برنامه توانبخشی مبتنی بر جامعه خود به تدوین مجموعه‌های مکمل پرداختند.

در طول ۳۰ سال گذشته، برنامه CBR تقریباً در ۱۰۰ کشور جهان به توصیه سازمان جهانی بهداشت به اجرا درآمده است و تجربه قابل توجهی در ارائه توانبخشی با رویکرد CBR اندوخته شده است. به نظر می‌رسد CBR بتواند در همه کشورهای جهان به نیازهای افراد معلول در درون جامعه پاسخ گوید. تکنولوژی را می‌توان به سادگی با نیازها و فرهنگ‌های محلی منطبق و بومی سازی نمود.

در ایران ترجمه مجموعه آموزشی به زبان فارسی و انطباق مطالب و تصاویر با فرهنگ کشور در سال ۱۳۷۰ به پایان رسید. سپس پروژه آزمایشی CBR در تابستان ۱۳۷۱ در استان سمنان آغاز گردید. اولین مرحله این طرح برگزاری کارگاه آموزشی برای کارشناسان بهزیستی و شبکه‌های بهداشت در آن استان بود. پس از آن اجرای طرح عملاً در دو منطقه بیارجمند و میامی از شهرستان شاهرود آغاز گردید. از آن زمان به تدریج طرح در سطح کشور گسترش یافت به این ترتیب که در سال ۱۳۷۴ طرح توانبخشی مبتنی بر جامعه در ۶ استان و در سال ۷۵ در ۸ استان اجرا شد و در نهایت تا پایان سال ۱۳۸۹ در ۳۱۰ شهرستان از ۳۱ استان کشور برنامه CBR به اجرا درآمد. افراد و گروه‌هایی که در اجرای برنامه CBR نقش دارند، شامل چهار گروه زیر می‌باشند:

- افراد معلول: این افراد باید در تمام مراحل نقش فعال داشته باشند. آنها در تجارب عملی خود، آگاهی‌ها و مهارت‌های دقیقی از شرایط مؤثر بر معلولیت به دست آورده‌اند که می‌تواند برای اجرای برنامه مؤثر باشد.

- خانواده افراد معلول: خانواده، مسئولیت اصلی مراقبت و آموزش تمامی اعضا را عهده‌دار است بنابراین باید در برنامه توانبخشی به صورتی جدی درگیر باشد.

- اعضای جامعه: افراد بومی جامعه محلی هستند که از شرایط اجتماعی، اقتصادی و امکانات جامعه آگاهی دارند و روش‌های مؤثر کار در شرایط موجود را بهتر از سایر افراد غیر بومی می‌دانند.

- مدیران دولتی به عنوان جمع‌آوری کننده انتقال دهنده تجارب نقش مؤثر دارند.

- تشکل‌های معلولین هم می‌توانند در آموزش‌ها و منتقل کننده تجارب و ایجاد هماهنگی و پیوند نقش کارآمد و مؤثر بر عهده دارند.

چرایی و چگونگی شکل‌گیری: توانبخشی مبتنی بر جامعه و در پی آن اشتغال CBR خود به خود به وجود نیامد بلکه آگاهانه شکل گرفت و علل و عواملی در پیدایش آن مؤثر بوده‌اند. اینجا به اجمال شکل‌گیری آن گزارش می‌شود.

برخی از افراد با معلولیت به دنیا می‌آید و برخی دیگر در اثر بروز حادثه، بیماری یا مشکلات دیگر دچار معلولیت می‌گردند. برآورده شده است که ۷ تا ۱۰ درصد از جمعیت جهان معلول باشند. معلولان برای کاهش یا از بین بردن ناتوانی‌ها و کسب توانایی‌های جدید نیاز به اقداماتی دارند که توانبخشی نامیده می‌شود. در کشورهای در حال توسعه تنها ۱ تا ۳ درصد از جمعیت معلولان از خدمات توانبخشی بهره‌مند می‌گردند. اغلب خدمات توانبخشی در مناطق شهری متمرکز بوده و مردم مناطق روستایی به این خدمات دسترسی کافی و مناسب ندارند. از اواخر قرن ۱۹ توانبخشی به صورت متمرکز و در قالب مؤسسات تخصصی به افراد نیازمند ارائه می‌گردید. ویژگی این شیوه که «توانبخشی آمرانه یا مؤسسه‌ای» نامیده می‌شود، ارائه خدمات تخصصی با استفاده از تجهیزات تخصصی و توسط فرد متخصص می‌باشد. تا دهه ۱۹۶۰ تصور می‌شد مراکز تخصصی پاسخگوی کلیه نیازها خواهند بود. اما این رویکرد به علت بالا بودن هزینه‌های درمان و آموزش افراد متخصص و همچنین محدود بودن پوشش ارائه خدمات قادر به پاسخگویی به نیازهای کلیه افراد معلول نیازمند به خدمات توانبخشی نبودند و به این ترتیب فقط عده محدودی از آن بهره‌مند می‌شدند.

در سال ۱۹۶۹ انجمن توانبخشی بین‌المللی (RI) در دوبلین، در بررسی

وضعیت موجود توانبخشی، شاهد یک شکاف عظیم بین خدمات مورد نیاز و خدمات ارائه شده گردید که منجر به ارائه پیشنهادات و تدابیر زیر در جهت حل این مشکل گردید:

۱. تغییر در تکنولوژی آموزشی

۲. ایجاد سیستم ارائه خدمات به روش جدید

در این شیوه جدید که «توانبخشی مبتنی بر جامعه» نامیده شد، استفاده از تجهیزات ساده، قابل ساخت و موجود در محل زندگی، مشارکت اعضای خانواده و جامعه در اقدامات توانبخشی از طریق آموزش مهارت‌های ساده به آنان و ارائه خدمات در محل زندگی جایگزین اصول ذکر شده در توانبخشی مؤسسه‌ای گردید. البته برآورده ساختن تمام نیازهای توانبخشی با خدماتی که در محل سکونت افراد معلول ارائه می‌شود، امکان پذیر نیست. ولی تا ۷۰٪ نیازها را می‌توان در جامعه محلی مرتفع نمود.^۱

تفاوت‌های این دو شیوه را به اجمال می‌توان اینگونه بر شمرد:

در توانبخشی مبتنی بر مؤسسات، محور کار مؤسسه است. این رویکرد تنها می‌تواند به بخشی از نیازهای عده کمی از معلولان پاسخ دهد. این رویکرد در بهترین حالت یک رویکرد متمرکز و محدود به مناطق شهری آن هم بخشی از شهرها است. مثلاً در تهران اگر یک حداقل ۳۰۰ هزار معلول نیازمند به خدمات توانبخشی و اشتغال وجود داشته باشد، مجموعاً ده مرکز توانبخشی و اشتغال هست و اگر به طور میانگین هر مرکز ۱۰۰ نفر را در هر دوره سه ماهه رسیدگی کند، یعنی در هر دوره هزار نفر و در هر سال ۴۰۰۰ نفر رسیدگی می‌شود یعنی تقریباً یک نهم جمعیت نیازمند.

در توانبخشی فرا مؤسسه‌ای تعداد بیشتری خدمت دریافت می‌کنند. چون امکانات مورد نیاز معلولان در هر محل وجود دارد و مردم هر محل منبع تأمین

۱. بررسی پیاپی‌های اشتغال معلولین، پایان نامه کارشناسی ارشد، محمدرضا اسدی، استاد راهنما سید

مجید میرخانی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۹۰.

نیازها هستند.

در CBR محور کار جامعه محلی است. به طوری که نقطه شروع دقیقاً برعکس است. فرد معلول، اعضای خانواده و جامعه محلی تصمیم می‌گیرند که اولویت‌های آنان چیست و سپس با یکدیگر و همچنین همراه با توان‌یاران محلی، دولت و گروه‌های غیردولتی برای دسترسی به خدمات مناسب و موجود تلاش می‌کنند. پس از جنگ جهانی دوم و افزایش معلولیت در آلمان و کشورهای اروپایی تا ۴۰ درصد، با استفاده از همین راه کار و بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی، به سرعت و کمتر از یک دهه مشکلات مرتفع گردید.

روش اینگونه بود که در هر محل یا در کلیساها تابلوهایی نصب شده بود و مردم نیازها یا مساعدت‌های خود را روی آن می‌نوشتند و از طریق ملاقات‌ها در کلیسا یا نزد کشیش یا نزد هیئت امناء، به حل و فصل مشکلات می‌پرداختند. برای مثال در خانواده‌ای سه معلول وجود داشت یکی کار می‌خواست یکی نیاز به رابط داشت چون ناشنوا بود و سومی نابینا شده بود و معلم برای تعلیم درس‌ها را نیاز داشت. روی تابلو این نیازها را می‌نوشت، افراد دیگر می‌دیدند و معلمی می‌توانست هر هفته ۲۰ ساعت آموزش دهد، فرد دیگری می‌توانست کار رابط را انجام دهد و کاسبی هم بود که شاگرد می‌خواست. از این رو اعلام می‌کردند و هماهنگی می‌شد و قرار می‌گذاشتند و مشکلات از این طریق حل می‌گشت.

نقد و بررسی: مسئولین سازمان بهزیستی در سال‌های اخیر همیشه گفته‌اند: CBR در زمینه‌های مختلف تحول ایجاد می‌کند و مشکلات معلولین را حل می‌نماید، اشتغال، توانبخشی، درمان، آموزش، رفاه و معیشت آنان را سامان‌دهی می‌کند و خلاصه حل تمامی یا اکثر مشکلات آنان وابسته به این راه کار است. یکی از مدیران ارشد سازمان هم می‌گفت اجرایی این طرح در ایران از سال ۱۳۷۰ هزینه‌بری فراوان داشته است. اما چه نتایجی از اجرای این طرح به دست آمده و مشکلات معلولان ایران چند درصد با اجرای این طرح مرتفع گردیده است؟ هنوز آمار و ارقامی در این باره مشاهده نشده و سازمان بهزیستی موضع‌گیری نکرده است. لذا داوری دقیق نمی‌توان داشت اما نکاتی هست که بعضاً

پژوهشگران مطرح کرده‌اند.

۱- در غرب خانواده‌ها اغلب درگیر مسائل فرزندان خود نمی‌شوند، فرزندان پس از رسیدن به سن و سال مشخص مستقل شده و کاری به والدین ندارد. در مورد اعضای از خانواده که معلولیت دارند، نهادها و سازمان‌هایی متصدی هستند و خانواده خودش را درگیر نمی‌کند و آن فرد معلول به آن مراکز سپرده می‌شوند. سازمان بهداشت جهانی به کمک دولت‌های غربی طرح CBR را مطرح کردند تا به خانواده بیشتر مسئولیت بدهند و از او مسئولیت بخواهند و با مشارکت دادن به خانواده، بخشی از مشکلات معلولان را مرتفع کنند.

اما در ایران و کشورهای شرقی برعکس است بیشترین تعهد و زحمت روی دوش خانواده است و سازمان‌ها و مراکز دولتی یا مدنی غایب‌اند. از این‌رو از ابتدا معلوم بود CBR برای کشوری مثل ایران کارآیی چندانی ندارد.

۲- در غرب پس از اجرای هر مرحله از طرح CBR، نتایج آن کارشناسی و بررسی شد و مرحله بعد مبتنی بر آن نتایج استوار گردید. اما در ایران چنین چیزی مشاهده نشد و نتایج و بررسی نتایج در قالب کتاب یا مقاله در اختیار عموم قرار نگرفت. و عموم مردم بر این اساس توجیه نشدند.

شیوه فرهنگ محور: به نظر می‌رسد در ایران طرحی که مبتنی بر فرهنگ باشد بهتر پاسخ می‌دهد. یعنی فرهنگ سازی و توجیه فرهنگی مدیران و جامعه، اهمیت دادن به آمار و به تحقیقات؛ ترویج پژوهش؛ انجام پژوهش و تدوین محصولات فرهنگی توسط نخبگان و امثال اینها موجب گسترش اهتمام اجتماعی به معلولان می‌شود.

مردم ایران اغلب و اکثراً مسلمان و شیعه هستند، لازم است سخنان دینی و مذهبی بر اساس فرهنگ امروزی روزآمد شده و در اختیار مردم قرار گیرد؛ همچنین آیات قرآنی. باور دهی به مردم بر اساس دستورات و آموزه‌های مذهبی ضرورت دارد. در غرب این کارها انجام شده و از جهت فرهنگی مشکل ندارند ولی در ایران در عرصه فرهنگ کم کاری هست و لازم است مقولات و عناصر فرهنگی به کار گرفته شوند.

راه کارها و روش های دیگر: در هر دوره حداقل هر سه سال، جنبشی در «جامعه هدف» به تکاپو افتاده و مسئله ای محوریت یافته و راه کار و شیوه ای به عنوان منجی و حلال مشکلات مطرح شده است. مهم ترین این شیوه ها که در سه دهه اخیر در ایران مطرح و ترویج شده عبارت اند از:

* در یک دوره مطرح شد که دولت حلال مشکلات است و اگر دولت ورود پیدا کند بسیاری از مشکلات رفع و حل می شود.

* چند سالی این نگاه ترویج می شد که اصل سمن ها و تشکل های مردمی اند و با گسترش و توجه به تشکل ها مشکلات سامان دهی می گردد.

* گاه کامپیوتر و اینترنت را مهم و حلال دانسته و به این وسایل رویکرد داشتند.

* البته در سال های اخیر به حقوق معلولان توجه شده و جنبش قانون گرایي پدید آمده است. اغلب معلولان در سال های اخیر این باور را پیدا کرده اند که اگر قانون داشته باشند و قانون جامعه معلولان ایران تصویب شود، بسیاری از مشکلات آنان مرتفع می گردد.

لازم به ذکر است هر یک از این روش ها، عواملی هستند که به تنهایی مکفی و کافی نیست و لازم است همه آنها با هم و در کنار هم فعالیت داشته باشند.

طرح فراگیر: در دو دهه اخیر مدل مهارت افزایی کارگاهی فراگیر شده است. بیش از نود درصد مراکز دولتی و مدنی، با اخذ بودجه از دولت یا از مردم، کارگاهی برای آموزش معرق یا سوخته یا نقاشی راه اندازی کرده، استادی را دعوت می کنند، از معلولین هم ثبت نام کرده و شروع به آموزش عملی آنان می نمایند. هر دوره آموزشی حداقل ۶ ماه طول می کشد. پس از فراگیری خود معلولان ابزارهایی را می خرید و در خانه کار می کنند.

مشاغلی که آموزش داده می شود محدود است و اغلب مطالعه نشده می باشد. یعنی وضعیت شهر، نیازهای منطقه، وضعیت معلولان تحت پوشش بررسی نمی شود. اطلاعات دقیق از اینگونه آموزش ها در شهرهای مختلف منتشر نشده و نمی توان قضاوت و داوری جامع و درستی در این باره داشت.

اقدامات آتی و پسینی در این زمینه هم نیست. یعنی موارد زیر تدبیر نشده و آینده پروژه و توجیه اقتصادی آن سنجیده نشده است. وقتی کسب و کاری راه اندازی می شود لازم است، این ابعادش بررسی و کارشناسی گردد.

۱- امکانات موجود

۲- آمار و اطلاعات آموزش دهندگان و آموزش بینندگان و سرنوشت آنها

۳- کاربایی در داخل و خارج برای آموزش یافتگان

۴- تأسیس بازارچه های فروش

۵- راه اندازی حراجی ها و امکان عرضه تولیدات در حراجی ها

در مورد بازارچه و حراجی مدلی متداول و شایعی به نام گلریزان هست که با نقدهای فراوان مواجه است.

۶- همکاری با مراکز توریستی برای استفاده از ظرفیت های جهانگردی.

۷- جنبه درآمدزایی و توجیه اقتصادی

این هفت زمینه به عنوان پس از آموزش و پس از یادگرفتن مهارت لازم است. ولی معمولاً بدون بررسی کارشناسانه، پروژه ها شروع می شود و معمولاً بدون موفقیت بعد از چند سال رها می شوند.

بهترین نهاد شهرداری ها هستند که به اینگونه سامانه ها جهت بدهند. مثل اقدام شهرداری ها در راه اندازی فروشگاه های زنجیره ای، این گونه اقدامات معلولان را هم زیر پوشش بگیرند.

دیدگاه جامع و کل نگر: توجه به یک عامل و حتی چند عامل در اشتغال کافی نیست و لازم است به علل و عوامل متعدد توجه شود. طرح CBR این اشکال را دارد که به جامعه توجه شده ولی به فرهنگ یا به دولت توجه نشده است. طرحی جواب می دهد که همه عوامل را شناسایی و به هر عامل به اقتضای نوع کارکردش بها و جایگاه بدهد.

به عبارت دیگر اشتغال معلولان نیاز به برنامه جامع دارد. برنامه جامع یعنی طرح فاکتورهای مختلف مؤثر در طول زمان؛ از این رو خط حل مشکل پیش بینی می شود و عوامل مؤثر زمانی مؤثر، مطالعه و طرح جامع تدوین گردد.

از نظر سازمانی، دولت (نهادهای دولتی و در رأس آنها سازمان بهزیستی)، معلولان، تشکل‌های معلولیتی و عموم مردم (در رأس آنها نیکوکاران)، چهار سازمان مؤثر محسوب می‌شوند. نمایندگان این چهار نهاد با تشکیل اتاق فکر و نشست‌ها می‌توانند برنامه جامع را تدوین و تصویب کنند. سپس برای عملیاتی شدن آن اقدام نمایند.

نتیجه‌گیری

تا کنون چند گروه از مشاغل و روش‌های اشتغال معرفی شدند شغل‌هایی که از قدیم تا کنون وجود داشته و معلولین کما بیش به آنها عمل می‌کرده‌اند در چند فصل گذشته بررسی شد. اما روش مطلوب بعداً توضیح داده می‌شود. زیرا هیچ‌یک از اینها تا کنون نتوانسته موفقیت صد در صد به همراه داشته و مشکل اشتغال هنوز حل نشده باقی است.

این فصل به روش‌های متعارف و مرسوم که در سطح جامعه عملیاتی شده، پرداخت ولی راه‌کارهایی هم هست که چند ماه مطرح و بعد هم خبری از آن منتشر نشد، مثل «طرح دانش کار» که سازمان بهزیستی در سال ۱۳۹۲ مطرح کرد.

این طرح به عنوان یک نمونه از اقدامات مطرح شده را بر اساس گفته‌های

رئیس سازمان بهزیستی مطرح می‌کنم خبرگزاری مهر نوشت:

همایون هاشمی رئیس سازمان بهزیستی کشور از ایجاد ۳۰ هزار فرصت شغلی در نیمه دوم سال برای مددجویان تحت پوشش خبر داد و گفت: از این تعداد دو هزار و چهارصد شغل به معلولان اختصاص می‌یابد. او در حاشیه دومین کنگره توانبخشی حرفه‌ای معلولان افزود: اجرای طرح دانش کار در راستای توانمندسازی و توانبخشی حرفه‌ای و همچنین ایجاد اشتغال برای جامعه هدف به خصوص معلولان انجام می‌شود و در این طرح سازمان‌هایی مانند وزارت تعاون، سازمان فنی حرفه‌ای و دانشگاه توانبخشی و بخش غیر دولتی و خیریه‌های فعال در حوزه بهزیستی همکاری می‌کنند. مرحله آزمایشی این طرح در استان تهران اجرا شده و اجرای فراگیر آن اواسط آبان‌ماه در استان‌های مختلف اجرایی می‌شود.

طی دو سال با اجرای طرح دانش کار برای ۱۲۰ هزار معلول شغل ایجاد کنیم
قسمت عمده‌ای از نیازهای شغلی این افراد جامعه را پاسخ خواهیم داد.^۱
در سال‌های ۹۳ به بعد خبری از این شیوه و راه کار مطرح و منتشر نشد.

فصل پنجم:
راه کار مطلوب

آقای اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهور در دولت یازدهم در مورد بیکاری و اشتغال گفت: مهم‌ترین چالشی که اکنون کشور با آن رو در رو است، مسئله بیکاری است.^۱ او در این مصاحبه می‌گوید سالانه یک میلیون و دویست هزار نفر متقاضی شغل داریم. و در بهترین شرایط، یعنی در سال‌هایی بیشترین شغل ایجاد شده هفتصد هزار شغل است.^۲ این آمارها مربوط به اقتصاد و کسب و کار انسان‌های عادی و غیرمعلول است. در مورد معلولین وضع بسیار بدتر است هر چند آمار و ارقام درباره معلولین منتشر نشده ولی شواهد و قرائن نشانگر و گویای وخامت شرایط اقتصادی این قشر است.

نکته مهم این است که اقتصاد دانان، مدیران اقتصادی دولت و پژوهشگران درباره بسیاری از موضوعات اقتصادی بحث می‌کنند؛ با رسانه‌ها گفت‌وگو دارند؛ انواع آسیب‌ها و مشکلات را تجزیه و تحلیل می‌نمایند، اما حتی یک بار دیده نشده به موضوع اقتصاد معلولان، بیکاری در این قشر بپردازند. به نظر می‌رسد اینگونه اقشار علاوه بر اینکه مظلوم‌اند، مغفول و فراموش شده هم هستند. وقتی این وضعیت را می‌بینیم سخن حسین بن علی علیه السلام به ذهن می‌آید:

الْعُمَىٰ وَ الْبُعْكَمُ وَ الرَّؤْمَىٰ فِي الْمَدَائِنِ مُهْمَلَةٌ لَا تُرْحَمُونَ وَ لَا فِي مُنْزِلَتِكُمْ نَعْمَلُونَ.^۳

«نایبانیان، ناشنوایان و زمین‌گیران (معلولان جسمی و حرکتی) در شهرها مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند. و بی‌رحمانه با آنان عمل می‌کنید؛ حتی از جایگاه و اعتبار خود در جهت اصلاح امور آنان استفاده نمی‌کنید.»

گویا در این سال‌ها، امام حسین علیه السلام زنده هستند و وضع معلولان را شاهد و ناظر است، و می‌بیند که مسئولین و مدیران و نخبگان غافل از معلولین‌اند و

۱. ۲ اسفندماه ۱۳۹۵، مصاحبه با سیمای جمهوری اسلامی ایران، مجله کارآفرین، ش ۱۲۶، بهمن و اسفند ۱۳۹۵، ص ۱۴.

۲. همان

۳. تحف العقول، ترجمه احمد جنتی، ص ۵۲۰.

به بیکاری و مشکلات آنان توجهی نشان نمی‌دهند و بر سر همگان فریاد می‌زند: این قشر حتی در شهرهای پرهیاهو و پرخبر مغفول واقع شده‌اند. اما با توجه به مشکلات اینان به ویژه معضلات اقتصادی مثل بیکاری نیاز به تدبیر و برنامه علمی دارد. این فصل درصدد است طرح و برنامه‌ای که کمتر مشکل دارد و به نظر می‌رسد جامع‌تر و کارآمدتر است معرفی کند.

راه‌کارهای موجود

با اینکه اشتغال از امور زیربنایی جامعه است اما راه‌کارهایی که در ایران عمل شده، هنوز نتوانسته مشکل را حل کند یا در مسیر حل شدن قرار دهد. با اینکه بسیاری از کشورها اشتغال معلولان را به طور اساسی سامان‌دهی کرده‌اند. اما آنان چکار کرده و چه راه‌کاری پیش گرفته‌اند؟ آیا در ایران هم می‌توانیم این راه‌کارها را اجرا کنیم؟ طی هفت سال و مطالعات مختلف در این باره به نتایجی رسیدیم که اینجا تقدیم می‌گردد.

در ایران سه راه‌کار اصلی و برای اشتغال شناخته شده و به آن عمل می‌شود. عده‌ای چشم به دولت دارند و بدون دولت اجرایی شدن اشتغال را متصور نمی‌دانند. اما در مقابل عده‌ای توانایی دولت را اندک و ضعیف دانسته و به این باوراند که مردم نیکوکار باید اقدام کنند و اشتغال معلولین را سامان‌دهی نمایند. و هم اکنون بسیاری از خیرین عمل می‌کنند.

اما راه‌کار سومی هم هست و آن اشتغال از طریق راه‌اندازی کارگاه‌ها و با جذب امکانات دولتی و مردمی است. هر سه راه‌کار طرفدارانی دارد و در ایران در دهه‌های اخیر اجرا شده است. ولی نه تنها مشکل اشتغال مرتفع نشده بلکه بیکاری افزایش هم یافته است.

در سال‌های اخیر قانون‌گرایی برجسته‌تر شده و مدافعین حل مشکل اشتغال از طریق قانون فعال‌تر بوده‌اند. اینان معتقدند باید قانون مدافع حقوق معلولان تصویب گردد. این قانون می‌تواند مشکل حقوقی معلولین را هم مرتفع نماید. نیز می‌گویند تا کنون به دلیل فقدان قانون مدافع حقوق معلولان، اشتغال آنان هم روز

به روز بغرنج‌تر شده است.

در کشوری مثل ایران که اشتغال ابعاد مختلف دارد و شامل مؤلفه‌های مختلف است، نمی‌توان انتظار داشت با اجرای یک راه‌کار، مشکل به کلی رفع گردد؛ بلکه لازم است همه عوامل و همه راه‌کارها اجرا گردد و هر کدام بخشی از مشکل را حل کنند. غیر از چهار راه‌کاری که قبلاً معرفی شد، چند عامل دیگر هم هست که در اشتغال این قشر مؤثر است و این عوامل عبارت‌اند از:

۱- سواد و دانش معلولین، معلولین بی‌سواد شانس کمتری برای اشتغال دارند و هر مقدار سواد و دانش آنها به روزتر باشد، امکان به دست آوردن شغل یا مشاغل بهتر را بیشتر خواهند داشت.

۲- مهارت و حرفه، هر مقدار ماهرتر باشند، زودتر با شرایط بهتر می‌توانند جذب بازار کار شوند.

۳- بعضی گفته‌اند اگر معلولان در هر استان تشکل‌هایی داشته و متشکل عمل کنند در زمینه اشتغال هم موفق خواهند شد. از این‌رو تشکل را به عنوان راه‌کاری برای حل اشتغال مطرح می‌کنند.

۴- بعضی معتقدند مشکل اشتغال و دیگر مشکلات معلولان وقتی مرتفع می‌گردد که آنان بر نهادهای دولتی تسلط پیدا کنند و پست‌های کلیدی را در اختیار خود بگیرند و بر این نهاد تسلط پیدا کنند.

۵- ارتباط بر مجامع حقوقی بین‌المللی و جهانی و خواستار فشار بر دولت‌ها همچنین و ایجاد زمینه‌های اشتغال در خارج از کشور هم به عنوان یک راه‌کار مطرح شده است.

اما هر یک از این راه‌کارها به تنهایی نمی‌تواند، مشکل اشتغال معلولان ایران را مرتفع نماید. اما اگر همه آنها با هم عمل شود، مشکلات برطرف می‌گردد.

غیر از این پنج راه‌کار سه راه‌کار دولت، نیکوکاران مردمی و قانون هم قبلاً مطرح شد و تا کنون هشت راه‌کار برای اشتغال مطرح شده است. بعضی از این راه‌کارها در سطح گسترده مورد توجه است. اما همه اینها مهارت‌آموزی و آموزش را مهم

دانشته و درصدد هستند با ایجاد کارگاه معرق، خیاطی، و امثال اینها، آحاد جامعه هدف را آموزش بدهند سپس آنان یا در همین کارگاه‌ها به تولید می‌پردازند و یا جذب بازار می‌شوند.

البته به لحاظ تعدادی که مهارت می‌آموزند نسبت به کل معلولان بسیار اندک است؛ سپس از هر چند هزار نفر، یک نفر جذب بازار شده و می‌تواند به درآمد برسد. از این رو این راه کار بخش کوچکی از مشکل را رفع می‌کند.

دولت یا نیکوکاران یا خود معلولان، گاه به ساخت و تأسیس کارخانه و مراکز بزرگ تولیدی اقدام کرده‌اند. مثل مهندس سید محمد موسوی از مددجویان جسمی حرکتی، توانست شرکت فیروز را تأسیس کند و حدود چهارصد نفر افراد دارای معلولیت در شهر قزوین را جذب نماید؛ شرکت فیروز، مواد و وسایل بهداشتی و شوینده مثل شامپو، صابون و دستمال بهداشتی تولید می‌کند. نیز آقای سید محمد موسوی چند کارخانه و شرکت تولیدی دیگر در قزوین راه‌اندازی کرده است و در مجموع حدود ششصد و پنجاه معلول را به کار گرفته است. حداقل اگر در هر شهر چند کارخانه اینگونه‌ای تأسیس شود، چند درصدی اشتغال پیدا می‌کنند.

اشتغال و قانون

در روش مطلوب، یک بُعد مهم آن قانون است و لازم است در این زمینه قوانین ملی کارآمد تصویب شود. قانون حمایت از اشتغال معلولان و توسعه اشتغال آنان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. زیرا خود اشتغال یک اصل مهم و زیربنایی در زندگی معلولین و نیز همه مردم است. تحصیل، فرهنگ آموزشی، اخلاقیات، روابط اجتماعی و بسیاری از متغیرها تابع اشتغال است.

تجربه‌هایی که در زمینه قانون معلولان و قوانین مرتبط به اشتغال آنان هست گویای نکاتی است. لازم است برای تدوین یک قانون کارآمد به این نکات توجه شود. این نکات تحت عنوان واقعیت‌ها مطرح می‌شوند.

واقعیت‌ها: قوانینی که تا کنون برای اشتغال در ایران وضع شده نتیجه مثبت نداشته است. یعنی یا عملیاتی نشده و یا مصوب نشده و به دستگاه‌ها ابلاغ

نشده است. برخی واقعیت‌ها که موجب مشکلاتی در قانون اشتغال ایران شده عبارت‌اند از:

۱- نیازهای معلولان در زمینه کار و اشتغال زیاد است و از طرف دیگر ظرفیت اقتصاد ایران در چند دهه اخیر برای ایجاد اشتغال اندک و محدود است. وقتی دستگاه‌های اجرایی از حل این مشکل عاجزاند و نیز قانونگذاران هم تلقی درستی از این مشکل و حل آن ندارند، از این‌رو نمی‌توانند قوانین درست وضع کنند.

۲- روند افزایش آمار معلولیت زیاد و سیر ایجاد اشتغال بسیار کند است و این دو فرایند با هم تطابق ندارند. دستگاه تقنینی باید به گونه‌ای قانون وضع کند تا در یک زمان‌بندی معقول مشکل حل شود.

۳- قانون باید همه ابعاد اشتغال را در نظر آورد و برای همه بخش‌ها، قانون وضع کند. مثلاً اگر سیر افزایش آمار معلولین به همین صورت باشد و برای کاهش معلولین با توسعه پیشگیری و توانبخشی تدبیری نباشد، اگر همه امکانات کشور فقط برای اشتغال معلولین مصرف شود، باز بعید است مشکل حل شود. لذا واضعان قانون باید هم‌زمان برای توانبخشی، پیشگیری و همچنین اشتغال قانون بگذارند.

۴- قانون اشتغال ضرورتاً باید تبعیض‌ها را کم کند و عدالت را گسترش دهد و برابری فرصت‌ها و امکانات را بین عموم مردم توسعه دهد.

۵- حمایت‌های قانونی از معلولین نیاز اشتراک مساعی و وظیفه‌شناسی همگانی دارد و فقط با تلاش یک گروه اجرا نمی‌شود. از این‌رو توجیه عمومی همگانی از طریق فرهنگ سازی رسانه‌ای لازم است. دوم تقسیم وظایف مهم است.

۶- دولت به معنای عام یعنی حاکمیت فقط وظیفه وضع قانون و ابلاغ قانون ندارد بلکه وظایف مهم دیگر مثل تأمین منابع مالی، نظارت بر اجرا، کارشناسی و آسیب شناسی و اصلاح یا تکمیل قوانین در صورت لزوم هم بر

عهده حاکمیت است.

۷- تدوین قوانین نباید به طور انتزاعی صورت گیرد بلکه لازم است به متغیرهای فرهنگی، مذهبی، ملی و اقتصادی توجه شود. ارزش‌های اخلاقی، مشخصات جمعیتی، شرایط محیطی، امکانات موجود، دیدگاه‌های رهبران و آموزه‌های مندرج در متون دینی حتماً در قانون لحاظ شود. وقتی در قانون یک جمله از رسول اکرم حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم یا آیه‌ای از قرآن بیاید، پذیرش آن بهتر و زودتر انجام می‌پذیرد و مردم بهتر اطاعت می‌کنند.

۸- غیر از قانون خوب، برای حتمیت اجرای قانون و به اصطلاح ضمانت اجرای قانون هم باید فکری بشود. و در قانون مکانیسم و شیوه ضمانت پیش‌بینی شده باشد.

در سخنان رهبران دینی مثل حضرت امیر علیه السلام، حقوق معلولین مطرح شده است. کتاب منشور حقوق معلولان که شامل سی فرمان از حضرت علی علیه السلام در مورد معلولین است. همچنین در سخنرانی امام حسین علیه السلام در مکه دارای نکات بسیاری مهمی است و می‌تواند در قانون اشتغال مطرح شود. در فصل مرتبط به قانون اشتغال مفصل در این باره بحث خواهد شد. اما در اینجا فقط تأکید می‌شود: حقوق و قانون یک بُعد مهم از راه‌کار مطلوب است.

روش متعارف

در شهرهای مختلف، بیشتر مراکز شیوه واحدی برای اشتغال برگزیده‌اند. این شیوه را به عنوان سودآورترین و روش مطلوب معرفی می‌کنند. این شیوه به صنایع دستی یا هنر دستی مشهور است.

در تعریف صنایع دستی اختلاف است ولی همه تعاریف در این نکته اشتراک دارند: هر تولیدی که فرد بتواند تجربه، سلیقه و هنر خود را در آن دخالت بدهد، صنعت دست‌ساز است. اما صنایع دستی به دلایل زیر برای معلولین اهمیت و

کارآیی دارد:

۱- مواد اولیه آن در دسترس است مثلاً برای سفال ماده اصلی آن خاک و آب است که همه جا پیدا می‌شود.

۲- مواد اولیه آن ارزان است.

۳- خلاقیت پذیر است و هر کس می‌تواند تفکر و گرایش‌ها و ابداعات خود را در آن دخالت بدهد.

۴- ارزش افزوده آن مطلوب است؛ یعنی با مواد ارزان گاه محصولی عرضه می‌شود که قیمت آن میلیون‌ها برابر هزینه مواد به کار رفته در آن است.

۵- تقاضا برای آن زیاد است و همواره مشتری دارد.

۶- قابل عرضه در جهان است و می‌توان آن را صادر کرد.

۷- سهولت حمل و نقل، حمل آن به کشورهای مختلف آسان و نسبتاً کم هزینه است.

۸- با کار فردی سازگاری دارد. یعنی اغلب افراد به تنهایی می‌توانند پروژه را اجرا کنند و تمام حقوق آن پروژه به او تعلق داشته باشد.

۹- نیاز به تحصیلات عالی ندارد مثلاً قالی بافان هستند که سواد ندارند ولی بهترین نوع قالی‌ها را تولید می‌کنند.

۱۰- عدم نیاز به مکان ویژه یا ماشین آلات ویژه. صنایع دستی توسعه بردار است یعنی می‌توان از یک پروژه کوچک شروع کرد مثلاً روی قطعات سنگ کوچک یا قطعات چوب کوچک کار هنری انجام داد. چنین کارهایی در خانه و حتی در اتاق خواب هم قابل انجام است. البته صنایع دستی قابلیت توسعه هم دارد.

به دلایل فوق صنایع دستی، گزینه خوبی برای معلولین و اشتغال آنان است. به همین دلیل کشورهایی مثل ژاپن، فرانسه و مصر تلاش کرده‌اند صنایع دستی را در جامعه معلولین توسعه دهند. صنایع دستی با شرایط معلولین سازگاری دارد و آنان

می‌توانند از این امکان برای درآمد، اشتغال، رفاه و معیشت و حتی اهداف فرهنگی استفاده کنند.

توسعه صنایع دستی در ایران: وضعیت فرهنگی و صنعتی ایران در صورت اهتمام به متغیرهای زیر می‌تواند از این امکان به نفع معلولان به خوبی استفاده کرد. ابتدا باید مقدماتی و زمینه‌هایی فراهم گردد. اکنون به این زمینه‌ها و مقدمات می‌پردازم:

۱- **انتقال تجارب خارجی:** تجربه‌هایی در کشورهایی مثل ژاپن هست. لازم است این تجارب به داخل منتقل گردد و در اختیار معلولین قرار گیرد. اما تا کنون چند گزارش، کتاب و مقاله این تجربه‌ها را منتقل کرده‌اند.

سازمان متصدی امور معلولین در ایران می‌توانند دو منظور کار کنند. یعنی پروژه‌هایی تعریف کنند و معلولین با اجرای این پروژه‌ها به درآمد می‌رسند. از طرف دیگر این تجارب از طریق همین پروژه‌ها منتقل می‌شود.

۲- **انتقال تجارب خودی:** تجربه‌هایی که در قشرهای دیگر در زمینه صنایع دستی هست مثل زنان ایرانی قالی‌باف لازم است به جامعه معلولین منتقل گردد. شیوه انتقال هم می‌تواند به صورت قبل باشد.

۳- **عرضه و تقاضا در صنایع دستی:** اگر صنایع دستی تولید شود و مشتری نداشته باشد، معلولین به جای نفع، متحمل ضرر خواهند شد. از این رو لازم است قبل از تولید بازاریابی، نیازسنجی، تبلیغ و فرهنگ سازی گردد. مشتری صنایع دستی مردم داخل جهت کادو یا موزه‌ها و مجموعه داران و مهم‌تر توریست‌ها هستند. برای هر یک از این سه قشر لازم است برنامه‌ریزی و تدبیر جداگانه بشود.

۱. عموم مردم

۲. مجموعه‌داران و موزه‌ها

۳. جهانگردان

مهم صنعت صنایع دستی در بازار داخلی و توریستی کشورهایی مثل ترکیه،

مصر، هندوستان بسیار زیاد است. ولی ایران جایگاه ضعیفی دارد. این جایگاه را می‌توان با استفاده از شیوه‌های زیر ارتقا داد:

الف: تبلیغ رسانه‌های ملی و عمومی روی تولیدات داخلی و فرهنگ سازی و جهت‌دهی مردم برای خریدن و کاهش تقاضای محصولات چینی و خارجی
ب: معرفی محصولات معلولین به مردم و تفهیم این نکته که این محصولات در سرنوشت معلولان مؤثر است.

ج: توسعه صنعت توریسم و بسترسازی برای گسترش تعاملات با دیگر ملت‌ها و کشورها و ایجاد ارتباطات سازنده با آنان. البته توسعه توریسم منوط به متغیرهایی مثل امنیت، تأمین نیازهای واردین به کشور، احترام به باورها و آداب و رسوم واردین. بالاخره کسی که از اروپا جهت بازدید طبیعت و اماکن تاریخی ده روز به ایران می‌آید و چند هزار دلار با خود می‌آورد. محیط گرم، آرام، امن و استقبال و گشاده‌رویی مردم را می‌خواهد. اما اگر مردم به او به چشم دشمن استعمارگر نگاه کنند و از زمانی که وارد فرودگاه ایران می‌شود همه به او نگاه منفی و سرد داشته باشند. از ابتدای ورود توقع داشته باشیم با حجاب کامل به مسجد برود و عبادت اسلامی به جا آورد. به جای انجیل، قرآن بخواند.

چنین آدمی اگر یکبار به ایران بیاید، دفعات دیگر نخواهد آمد.

د: حمایت دولت و سازمان‌های دولتی و متصدی امور معلولین از محصولات معلولان. این حمایت به چند صورت امکان‌پذیر است:

- خرید محصولات. دولت این محصولات را می‌خرد و به صورت هدیه‌هایی مدیران در سفرها به طرف‌های خارجی اهداء می‌نمایند یا هدیه‌هایی در جریان مسابقات ورزشی اعطا می‌گردد. یا به موزه‌های داخل و خارج می‌دهند؛ البته نه رایگان بلکه به صورت مبادله. بالاخره دولت می‌تواند به شیوه‌های مختلف از این محصولات استفاده نماید.

- زمینه سازی برای شرکت دادن معلولین در نمایشگاه‌های داخلی و خارجی برای فروش محصولاتشان.

بعضی از کشورها جهت حمایت از محصولات معلولان نشان در فرودگاه‌ها و هتل‌ها به آنان غرفه داده‌اند.

تصور کنید اگر غرفه‌هایی در کنار آستانه امام رضا علیه السلام، حضرت معصومه سلام الله علیها و ده‌ها مکان مسافرتی و قطب تجمع مسافران دایر گردد، درآمدزایی بسیار مطلوب خواهد بود.

- جهت افزایش ارزش افزوده محصولات، روش‌هایی وجود دارد و کشورهای مشابهی مثل ترکیه انجام می‌دهند. مثل برگزاری حراج‌های سالانه و فصلی. برگزاری بورس و تأسیس بازارهای صنعت محصولات دستی.

اعمال این روش موجب هویت بخشیدن می‌شود و ارزش واقعی آثار، شناخته شده و هر اثر ارزش افزوده قابل توجه پیدا می‌کند.

- آموزش و برگزاری کارگاه در مراکز معلولیتی و جاهای دیگر به منظور آشنا نمودن معلولین با صنایع دستی هم لازم و ضروری است.

اگر ضعف شیوه صنایع دستی مرتفع گردد، باز این شیوه نمی‌تواند همه مشکل اشتغال معلولان را مرتفع نماید. زیرا جامعیت لازم را ندارد و راه‌کاری می‌تواند در همه جا و در همه اقشار و در تمامی زمان‌ها مطرح باشد، و خلاصه جامعیت داشته باشد. صنایع دستی یک جنبه از اشتغال معلولان است و جنبه‌ای مهم و سودمندی باشد ولی در کنارش تناتر و هنرهای نمایشی، فعالیت‌های علمی، کارهای کشاورزی و صنعتی و غیره مطرح است.

راه حل مؤثر

همه راه‌کارها و طرح‌هایی که مطرح است و بعضاً اجرا می‌شود نتوانسته مشکل اشتغال را به طور گسترده مرتفع نماید و از آمار اشتغال کم کند. هر چند همه اینها تا حدی از مشکل کاسته‌اند و برای درصدی از معلولان اشتغال و کار ایجاد کنند.

کشورهایی که توانستند مشکلات معلولین از جمله اشتغال را سامان‌دهی کنند، علاوه بر استفاده از همه راه‌کارها و روش‌های موجود، از اطلاع‌رسانی هم بهره برده‌اند. اینجا می‌خواهیم روی این راه‌کار به عنوان راه‌حل مؤثر تکیه کنیم. اطلاع‌رسانی روشی است که دانستنی‌های طرف‌های اشتغال مثل خواهان و کارفرما را در سطح جهانی منتشر می‌کند و اینان یکدیگر را بدون واسطه پیدا کرده و

با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و در صورت نزدیکی به هم و قبول شرایط همدیگر، با هم قرار گذاشته و حضوراً یکدیگر را می‌بینند و ملاقات می‌کنند و مراحل اداره طی شده و سرانجام خواهان کار، سر کار می‌رود و مشغول می‌شود.

سامانه‌های اطلاع‌رسانی مثل سایت‌های اینترنتی، بانک‌های اطلاعات و نشریات اطلاع‌رسانی با انتشار اخبار و اطلاعات جاهایی که خواهان نیروی کار هستند و از طرف دیگر اطلاعات کسانی که خواهان اشتغال هستند را منتشر می‌کنند، این دو بعد از مدتی یکدیگر را پیدا می‌کنند. برای مثال نایبانی هست که صدای خوب دارد و می‌تواند گوینده خوبی باشد. اعلام می‌کند اینجانب 25 ساله دارای مدرک لیسانس ادبیات فارسی، و دارای سه سال سابقه کار در گویندگی، مقیم اهواز، مدیر استودیویی در تبریز نیاز به گوینده‌ای دارد و اطلاعات خود را روی سایت گذاشته است.

بعد از یک هفته مدیر استودیو خبر نایبانی خواهان کار را می‌بیند و به او زنگ می‌زند و پس از دقایقی گفت‌وگو، قرار ملاقات حضوری گذاشته می‌شود و این نایبنا به تبریز رفته و مستقر می‌شود و با حقوق مطلوب مشغول به کار می‌شود.

مثال دوم: ورزشکاری ویلچری هست که در فوتسال تبحر کافی دارد. اعلام می‌کند و اطلاعات خود را منتشر می‌نماید. از طرف دیگر یک تیم ورزشی در فرانسه چنین فردی را نیاز دارد. مراحل مختلف طی می‌شود و این فرد معلول مشغول کار می‌گردد.

مثال سوم: دانشگاهی در کانادا نیاز به ناشنوایی دارد که زبان فارسی بداند و در زمینه زبان اشاره در ایران تجربه پژوهشی داشته باشد. از طرف دیگر ناشنوایی هست که چند مقاله در این زمینه دارد و با دیدن این خبر با آن دانشگاه تماس می‌گیرد و بعد از مراحل اداری مشغول به کار شده است.

و هزاران مورد دیگر به این روش در جهان مشغول به کار می‌شوند. هم اکنون در تهران اکثر خدمات شهری مثل پیدا کردن مسکن مورد نیاز یا پیدا کردن مستخدم از طریق آگهی در روزنامه‌های محلی مثل روزنامه ایران قسمت آگهی‌های تهران انجام می‌شود. همچنین در دیگر شهرها، البته در شهرهای مدرن‌تر این شیوه جذاب‌تر و کارآمدتر است.

متأسفانه در ایران برای معلولین از این روش غفلت شده است. با اینکه طی دهه‌های اخیر سازمان بهزیستی می‌توانست از دوروزنامه مثل همشهری و ایران حمایت کند تا یک صفحه به آگهی معلولان اختصاص دهند و تمامی نیازها از جمله اشتغال آنان را درج می‌کردند. هم اکنون قطعاً بیش از پنجاه درصد مشکلات حل شده بود. ولی معلوم نیست چرا سازمان بهزیستی و دیگر نهادهای متصدی امور معلولان به جای استفاده از شیوه‌های ساده و کارآمد و کم هزینه به سراغ شیوه‌های پیچیده و دیربازده و پرهزینه می‌روند.

امتیازات این شیوه: روش اشتغال از طریق اطلاع‌رسانی چند مزیت خوب دارد. اولاً کم هزینه است. نسبت به طرح‌های اشتغالی دیگر که هزینه‌بری فراوان دارد، این طرح فقط برای درج اطلاعات در یک سایت اطلاعاتی هزینه نیاز دارد که زیاد هم نیست؛ دوم بدون واسطه خواهان شغل و شغل‌دار (یا کارفرما) با هم ارتباط برقرار می‌کنند و ادارات دولتی یا تشکل‌ها یا افراد واسطه هیچکدام حضور ندارند. در سنت و عرف ایرانی که معمولاً کارخانه‌دارها و کسانی که متمول هستند، نمی‌خواهند کسی به ویژه نهادهای دولتی در کارشان ورود داشته باشند و دوست دارند همه امور در دست خودشان باشد، از این رو این شیوه مؤثرتر است. سومین حُسن این روش سرعت در نتیجه‌دهی است. چهارم اینکه چون واسطه‌های فردی و نهادی ندارد امکان سوء استفاده و رانت خواری هم در آن کاهش می‌یابد و مخارج واسطه‌ها کاسته می‌گردد. حُسن و امتیاز پنجم آن این است که دامنه آن جهانی است و هم در داخل کاربرد دارد و هم در خارج از کشور. ششمین حُسن آن این است که کار مورد رضایت و مطلوب خواهان و نیروی مطلوب کارخواه (شغل‌دار) شکل می‌گیرد. هم اکنون از سر اجبار بر سر مشاغلی می‌روند که دوست ندارند.

معایب این شیوه: همه روش‌ها محاسن و معایبی دارند و لازم است سبک و سنگین شود و اگر محاسن بیشتر باشد، اقدام به اجرای آن می‌شود. روش اشتغال اطلاع‌رسانی هم غیر از محاسنی که بیان شد چند عیب احتمالی دارد. اولین مشکلی که برای این روش شمرده می‌شود، مربوط به معلولانی است که مهارت ندارند یا کم دارند و آموزش‌های لازم را ندارند و گفته می‌شود اینان جایی در این نظام پیدا نمی‌کنند. کشورهایی که این روش را اجرا کرده‌اند این مشکل را

اینگونه رفع کرده‌اند: اولاً دولت برای مهارت آموزی و توانبخشی پایه آنان سرمایه‌گذاری کرده و حداقل‌ها را به آنان آموزش می‌دهد تا آنان بتوانند خود را به بازار کار عرضه کنند و در رقابت‌ها، امتیازی داشته باشند. و اگر نه اگر معلولی اطلاع‌رسانی کند و بگوید من هیچ مهارتی ندارم و هیچ کاری نمی‌دانم، کارخواهان توجهی به او نمی‌کنند و او موفق به پیدا کردن شغل نمی‌شود. از این‌رو دولت موظف است کارگاه‌ها و مراکز مهارت آموزی و توانبخشی ایجاد کند و به افراد مدرک هم بدهد. مدرکی که در بازار کار قابل عرضه باشد. خلاصه اینکه معلولان باید حداقل مهارت‌ها و توانایی‌ها برای انجام کار را داشته باشند و تلاش کنند خود را به درجه‌ای برسانند تا بتوانند در سامانه‌های اطلاع‌رسانی شرکت نمایند.

عیب دوم این روش این است که معمولاً معلولان در ارتباط گیری و تعامل ضعیف هستند و نمی‌توانند خودشان بدون واسطه و بدون کمک‌کار با شغل داران گفتگو داشته باشند. البته معلولان که در شهرهای بزرگ بوده‌اند کمتر این مشکل را دارند.

این مشکل با آموزش چند ساعته رفع شدنی است. به افراد گفته می‌شود با حسن خلق و با سر و وضع جذاب و زیبا و با زبانی خوش با طرف مقابل صحبت کنند تا مجذوب او واقع شوند. نه اینکه با لحنی طلبکارانه ظاهر شوند و موجب ناراحتی و دلسردی طرف مقابل شوند. خلاصه اینکه تشکل‌های مردمی و نهادهای دولتی می‌توانند آموزش‌هایی حتی از راه دور برای افراد داشته باشند.

عیب سوم امکان کلاهبرداری است ممکن است کسانی که به عنوان شغل‌دار خواهان نیروی کار معلولان هستند با نیت سوء و کلاهبرداری اقدام کنند. در این موارد هم لازم است به معلولین آموزش‌های مورد نیاز داده شود تا با چشم باز اقدام کنند. و اگر معلولین از مشاورین شناخته شده استفاده کنند، این مشکل هم رفع می‌گردد.

ملزومات ساختاری

برای اجرای اشتغال پایدار و مطلوب از طریق اطلاع‌رسانی اولین نیاز، داشتن

سایت‌ها و سامانه‌های اطلاع‌رسانی برای معلولین است. یعنی سایت اینترنتی، بانک اطلاعات و نشریات خبرگزار و اطلاعات گزار برای معلولین نیاز اول است. متأسفانه اقشاری که به لحاظ کمیت و کیفیت در حد و اندازه جامعه معلولین کشور نیستند دارای خبرگزاری و سامانه‌های کشوری و جهانی اطلاع‌رسانی هستند و معلوم نیست چرا دولت از ابتدا به این نیاز جدی توجه نکرده است. چند بار از مسئولین و مدیران ارشد سازمان بهزیستی پرسیده‌ایم چرا تا کنون برای معلولین حداقل امکانات اطلاع‌رسانی ایجاد نشده، پاسخ آنها این است که به دلایل امنیتی درست نیست اطلاعات معلولان منتشر گردد. اما این پاسخ را به رئیس سازمان بهزیستی یا به معاون فرهنگی سازمان گفتیم و خواهش کردیم اگر نکته‌ای هست که ما نمی‌فهمیم توضیح دهید تا ما هم قانع شویم، خود اینان چنین دلیلی را قبول نداشتند و می‌گفتند به دلیل قصور و کم کاری چنین کاری نشده و برای توجیه این کم کاری می‌گویند دلیل امنیتی دارد.

البته در کشورهایی که از روش اطلاع‌رسانی برای حل مشکلات معلولین استفاده می‌کنند همه اطلاعات را منتشر نمی‌کنند بلکه فقط اطلاعاتی که فرد رضایت بدهد و دوم اطلاعات را طبقه‌بندی کرده و مواردی که مرتبط به آبرو و حیثیت جمعی یا فردی باشد نزد خودشان بایگانی می‌کنند. اما در زمینه اشتغال فقط اطلاعات کلی فرد مثل سال تولد و اطلاعات درباره مهارت‌هایی که می‌داند اگر منتشر گردد، مشکل رفع می‌گردد.

مهم‌ترین نکته در مورد معلولین این است که اطلاعات آنان در بانکی ذخیره گردد و در مواقع نیاز این اطلاعات از طریق اینترنت یا نشریه منتشر گردد. یعنی یک سایت مادر ایجاد و به بقیه سامانه‌ها تزریق کند.

موضوع مهم دیگر فرهنگ سازی است و لازم است همه جامعه، مسئولین و خود معلولان نسبت به ضرورت و اهمیت این پروژه مطلع شوند و هر یک وظایف خود را به درستی انجام دهند. اما اگر اطلاعات درست نداشته باشند و نتوانند ایفاء وظیفه کنند، پروژه ابتر و ناکام خواهند ماند. در بخش فرهنگ سازی جلب اعتماد عمومی مؤثر است. اعتماد معلولین به شرکت‌ها و کارفرمایان و نیز به سایت‌های اطلاع‌رسانی و برعکس ضروری است.

در کشورهای پیشرفته نهادهای واسطه تأسیس شده‌اند و ارتباط بین کارخواه و کاردار را تسهیل می‌کنند. مثلاً مؤسسه Disabled Persons در آمریکا در سال ۲۰۰۲ تأسیس شد. هدفش تسهیل اشتغال‌زایی برای معلولین است. یعنی جستجو می‌کنند و جاهایی که نیاز به کارخواه دارد جمع‌آوری و روی سایت خودش می‌گذارد. اگر نیاز توضیح داشته باشد، این کار را هم انجام می‌دهد. در ابتدای سایت این مؤسسه چنین آمده است:

مؤسسه معلولین یک سازمان خیریه مردمی است که از سال ۲۰۰۲ به ثبت رسیده و هدف اصلی‌اش اشتغال‌زایی است. ما به شما در صورت معلولیت، کمک می‌کنیم تا کار پیدا کنید. پس رزومه خود را برای ما بفرستید و فهرست‌های شغلی ما را به دقت ببینید. همچنین سایت ما اخبار ایمیلی و پیامکی جدید را نیز در این باره ارائه می‌دهد. عضو سایت شوید تا فهرست‌های شغلی، هر روز برای شما فرستاده شود.

سایت‌های ما ملی هستند و شما می‌توانید به آسانی با جستجوی پیشرفته فهرست‌های شغلی محلی ما را جستجو کنید. برای مثال، می‌توانید حسابداری شیکاگو را سرچ کنید و کلیه فهرست‌های شغلی حسابداری در شیکاگو برای شما به نمایش در خواهد آمد.

رسالت ما افزایش، نرخ اشتغال معلولین برای افراد جامعه است. «کمکم کنم من تا شغلی پیدا کنم» عبارتی است که خیلی از افراد جامعه ما همه روزه درخواست می‌کنند. آنها می‌خواهند بدانند اگر از طریق ما دنبال شغل بگردند، کمکشان می‌کند تا آن را پیدا کنند. ما با اعضای پرتلاشمان سخت می‌کوشیم تا موقعیت‌هایی مفید و قابل استفاده را فراهم کنیم.

مؤسسه Disabled Persons یک نهاد واسطه‌ای است که تلاش می‌کند به معلولان خواهان اشتغال، مشاوره و اطلاعات بدهد. در ایران اینگونه مراکز را نداریم چون اندیشه و تفکرش نیست. کسی که مشاوره می‌دهد باید تحلیل دقیقی از معلولیت و معلولان، آمارها، روش‌ها، راه‌کارها داشته باشد و متأسفانه اینجا چنین تفکراتی نیست؛ چون گفتگو ضعیف است؛ انتقال تجارب ضعیف است؛ و رسانه‌های تخصصی نداریم.

بانک جامع اطلاعات معلولان

از سال ۱۳۹۴ دفتر فرهنگ معلولین، با تأسیس و راه‌اندازی بانک اطلاعات برای معلولان، تلاش کرده، اطلاعات مختلف آنان را جمع‌آوری و در اختیار عموم قرار دهد. بانک اطلاعات در همه زمینه‌ها ضروری است، زیرا اساساً مدیریت و تدبیر بدون آمار و ارقام امکان‌پذیر نیست و بانک‌ها متصدی جمع‌آوری آمار و ارقام و عرضه آنها به کاربران هستند.^۱

به ویژه در دوره جدید که امور گسترده شده و ابعاد جهانی پیدا کرده، قبل از اقدام و تصمیم‌گیری لازم است طرحی آماده شود و ابعاد پروژه دقیقاً محاسبه گردد، آنگاه اقدام به تدوین طرح شود. روایتی به این مضمون وارد شده که گویای نکات سودمندی است *حاسبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا*. یعنی حساب‌گر باشید قبل از اینکه کاری انجام دهید و به دلیل سوء انجام و بی‌تدبیری تحت مؤاخذه و حساب‌کشی دیگران قرار گیرید. قبل شروع به هر کاری لازم است محاسبات دقیق شود وگرنه به سوء تدبیر و سوء مدیریت گرفتار شده و مؤاخذه خواهید شد.

امور معلولین و مطالعات معلولیتی دارای ظرافت‌های بسیار است و لازم است قبل از اجرا محاسبه شود. بانک اطلاعات معلولین، اطلاعات لازم را جهت محاسبه تقدیم می‌کند. این فصل به معرفی این پروژه و ابعاد آن می‌پردازد.

تاریخ تأسیس: بسیاری از پژوهشگران وقتی می‌خواستند وارد مطالعات معلولیتی و پژوهش درباره معلولان شوند، فکر می‌کردند، انبوهی از اطلاعات وجود دارد و کار در این زمینه آسان و سهل است. زیرا تصور این بود که معلولیت و معلولین همیشه در طول تاریخ بخشی از جوامع بوده‌اند و مقوله‌ای جدید و مبحثی مستحدث نیست بلکه عمر آن با عمر انسان یکی است. زیرا تا وقتی انسان بوده، بیماری و حوادث معلولیت‌زا مثل پرت شدن از کوه یا از درخت یا جنگ‌ها و منازعات انفرادی انسان‌ها هم بوده است. از این‌رو معلولیت منفک از انسان نیست

و همیشه همراه انسان بوده و هست.

دوم اینکه تصور می‌شد، معلولیت مثل پزشکی است؛ انسان‌ها دانش پزشکی را به وجود آوردند تا به آنان کمک کند تا از آلام و بیماری‌ها و مرگ‌رهایی دهد. به همین دلیل انسان‌ها همیشه درصدد رهایی از معلولیت یا کاهش عواقب معلولیت بوده‌اند، لذا همانطور که درباره پزشکی و موضوعات پزشکی، اطلاعات فراوان بوده و هست در زمینه معلولیت و معلولان هم لاجرم باید این چنین باشد.

سومین دلیلی که فکر می‌کردیم منابع و اطلاعات در این باره بسیار است، نقش معلولان در جامعه است. معلولان مثل پزشکان، همیشه نقش فعال داشته و جایگاه شناخته شده‌ای را اشغال می‌کردند، یعنی آدم‌های محجور و ناشناخته و کنار مانده نبوده‌اند. در طول تاریخ برخی شاهان، وزراء، مدیران ارشد حتی بنابر نظر قرآن کریم انبیایی مثل حضرت یعقوب، حضرت ایوب، حضرت شعیب و حضرت اسحاق حداقل در دوره‌ای از عمرشان و نابینا یا ناتوان از حرکت بوده‌اند. بالاخره به این دلایل فکر می‌کردیم دریایی از اطلاعات دسته‌بندی شده از گذشته مانده و الآن هم چنین است.

اما وقتی وارد شدیم و خواستیم اولین کتاب را تألیف کنیم متوجه واقعیت‌های عجیبی شدیم. تا سده چهاردهم قمری در کشورهای اسلامی فقط دو کتاب مستقل درباره معلولین هست و درباره بسیاری از موضوعات معلولین در دوره جدید هیچ مقاله یا کتاب یا گزارشی نیست. در فرهنگ شیعه وضع بدتر است و فقر اطلاعات متأسفانه شدیدتر است. از نظر پژوهش‌های میدانی و تحقیقات آماری وضع اسفناک‌تر است. برای مثال آمار ناشنوایان و نابینایان تهران را می‌خواستیم، خود سازمان بهزیستی می‌گفت نداریم و آنچه داریم تقریبی است. این مشکل را با جناب حجة الاسلام و المسلمین سید جواد شهرستانی ریاست مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام که دفتر فرهنگ معلولین هم وابسته به آنجا است در میان گذاشتیم، ایشان بدون تأمل گفت بانک معلولین را ایجاد کنید. گویا در این زمینه تجربه داشت. همان ماه نخست تأسیس دفتر، شروع کردیم به جمع‌آوری اطلاعات در زمینه‌های مختلف.

به سراغ مدیران سازمان بهزیستی استان و کشور، وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی، کمیته امداد، بنیاد پانزده خرداد و همه جاهای دیگر که مرتبط به امور معلولین اند رفتیم و پرسیدیم آیا بانک اطلاعات یا سامانه‌ای که اطلاعات را گردآوری کنید دارید، پاسخ همه این بود که نداریم ولی درصدد احداث هستیم. خبرهایی هم به گوش می‌رسید که وزارت رفاه درصدد احداث بانک معلولان است و وزیر چند بار این مسئله را در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها مطرح کرد. دفتر تا اواسط سال ۱۳۹۴ صبر کرد بلکه کاری بشود ولی پس از اینکه مایوس شدیم و متوجه شدیم هیچ نهادی اقدام نمی‌کند، تابستان ۱۳۹۴ به دستور ریاست مطالعات شروع شد و طرح علمی و اجرایی آن تألیف گردید.

مهندس تقی‌زاده که جوان مجرب و دلسوز است، کار ساخت سایت بانک را پی گرفت و در پاییز ۹۴ سایت بانک آماده بهره‌برداری گردید. نیز شورای سیاست‌گذاری و مدیریت بانک مشخص گردید و آقای اباذر نصر مدیر اطلاعات و آقای علی نوری مدیر فنی بانک گردیدند. ویراستار و ناظر علمی و مسئول طرح و برنامه بر عهده آقای محمد نوری شد. ورود اطلاعات از بهمن ۹۴ آغاز گردید. تا الآن که مهرماه ۹۵ است حدود بیست و پنج هزار رکورد داریم و حدود ۱۱ هزار رکورد وارد بانک شده است.

ساختار و محتوا: این بانک به گونه‌ای طراحی شده که بتواند همه اطلاعات معلولان ایران و جهان اسلام را پوشش دهد. کاربران هرگونه نیاز اطلاعاتی داشته باشند اعم از حقوقی، اجتماعی، تاریخی، منطقه‌ای و جهانی با مراجعه به این بانک به خواسته خود می‌رسند.

بانک جامع اطلاعات معلولان پایگاهی اینترنتی است که تمامی اطلاعات مرتبط با معلولان در قالب‌های مختلف ذیل بیست عنوان گردآوری و معرفی و در اختیار کاربران قرار می‌گیرد. از طریق این بانک اطلاعاتی، پژوهشگرانی که در حوزه معلولین فعالیت می‌کنند، می‌توانند به راحتی پیشینه تحقیقات در موضوعات انتخابی‌شان را بررسی و شناسایی کنند. نیز می‌توانند با جستجوی ساده و پیشرفته منابع مورد نیاز برای تحقیق‌شان را پیدا کنند. مراکز و نهادهای دولتی و غیر دولتی می‌توانند با معلولین فرهیخته آشنا شوند و در برنامه‌ها مختلف از آنها بهره بگیرند همچنین این بانک اطلاعاتی مردم را به معلولان و

معلولان را به مردم نزدیک تر می نماید زیرا شناخت آنها را از یکدیگر گسترش داده و تصحیح می کند.

اطلاعات و اسناد مرتبط با معلولین در این بانک اطلاعاتی در بیست عنوان و سرفصل دسته بندی شده است. تعدادی از این عناوین منابعی است که در قالب های مختلف درباره معلولین نوشته شده که عبارتند از: کتاب؛ مقالات نشریات؛ مقالات مجموعه مقالات و همایش ها؛ پایان نامه ها؛ تحقیقات منتشر نشده؛ طرح های پژوهشی به اتمام رسیده در مراکز و نهادها، گزارش های دولتی، جزوات دانشگاهی و نشریات اختصاص حوزه معلولین. اما دسته های دیگر اطلاعات این بانک عبارتند از: فیلم های تولید شده درباره معلولین، عکس های مرتبط با معلولین، مراکز و نهادها، وبسایت های اینترنتی، شخصیت شناسی (شامل مشاهیر و مفاخر معلول و نیز چهره های موفق معاصر)، همایش و جشنواره های مرتبط با معلولین، اسناد و مدارک مرتبط با معلولین در مراکز اسنادی و آرشیوی، قوانین و مقررات مرتبط با معلولان، اطلاعات کتاب های گویا، اطلاعات کتاب های بریل، احکام و سؤالات شرعی مرتبط با معلولین.

قلمرو تاریخی و جغرافیایی: اطلاعات معلولین جهان در این بانک گردآوری می شود، اما آوردن همه اطلاعات از همه معلولین و موضوعات معلولیتی از همه نقاط جهان، کاری غیر ممکن است. از این رو قلمرو جغرافیایی بانک اینگونه طراحی شده است:

* اطلاعات همه معلولین ایران در همه زمینه ها گردآوری می شود، یعنی معلولیت و معلولین ایران محدودیت ندارد.

* اطلاعات شیعیان معلول در هر نقطه ای از جهان باشند نیز بدون محدودیت وارد می شود. چون بانک های دیگر آنان را زیر پوشش قرار نداده اند.

* اطلاعات مسلمان (غیر شیعه) در کشورهای مختلف جهان اسلام یا کشورهای غیر اسلامی فقط در محدوده های زیر وارد می شود.

- زندگی نامه معلولان مشهور

- همه آثار اعم از کتاب و نشریه و پایان نامه در عرصه علوم اسلامی و علوم انسانی

- همه مراکز فعال معلولین مردمی و دولتی که در عرصه جهانی فعالیت می کنند

و نقش مرجع دارند مثلاً اطلاع‌رسانی یا بانک اطلاعات است.

* معلولین غیرمسلمان فقط در محدوده‌های زیر وارد می‌شوند:

- زندگی‌نامه معلولان مشهور و مؤثر در موضوعات معلولین جهان

- آثار درباره موضوعات معلولیتی که مرجع است

- اطلاعات مراکزی که رویکرد مرجع و جهانی دارند.

از حیث تاریخی محدودیتی نداریم و هر معلول یا هر اثری که ویژگی‌های

مطلوب را داشته باشد در قلمرو قرار می‌گیرد.

اما از نظر زبانی اطلاعات فارسی و عربی و انگلیسی جمع‌آوری و به یکدیگر هم

ترجمه می‌شوند. البته هم اکنون فقط سایت فارسی راه‌اندازی شده و درصدد

راه‌اندازی بخش عربی و سپس انگلیسی هستیم.

فازبندی: این بانک در دو فاز عمده اجرا خواهد شد:

الف: جمع‌آوری و طبقه‌بندی اطلاعات؛

ب: ویکی‌معلولیت در زمینه‌های شخصیت‌های معلول؛

موضوعات مثل ورزش، اشتغال، مناسب‌سازی و کتاب بریل؛ نهادها و تشکل‌ها

و بالاخره کتب و نشریات.

در فاز دوم قصد داریم یکصد ویکی در عرصه‌های مختلف آماده و عرضه شود.

اما این فاز پس از ورود پنجاه هزار رکورد به بانک آغاز می‌شود. البته فازهای اول و

دوم، هر کدام مرحله‌ای دارد که به مرور در حال اجرا است.^۱

خودگرانی و خودنگاری: پس از ورود بیست هزار رکورد به بانک قصد هست

امکانی روی سایت بانک ایجاد شود که افراد بتوانند خودشان ورود پیدا کنند و

اطلاعات خود را ویرایش و به اشتراک بگذارند.

دسترسی: این بانک در شبکه جهانی اینترنت به آدرس

www.DataDisability.com و نیز در شبکه موبایلی قابل دسترسی است.

کارایی: در جهان مدرن بسیاری از مشکلات از طریق اطلاع‌رسانی و راه‌اندزای

سامانه‌های اطلاعاتی حل می‌شود. اینگونه نیست که برای هر مشکلی بودجه مستقل و سازمان مجزا ایجاد کنند.

بسیاری از امور را از طریق راه اندازی بانک اطلاعات سامان‌دهی می‌کنند و روش کار در جهان از طریق اطلاع‌رسانی و توجیه عمومی است. از این‌رو یکی از دلایلی که مشکلات معلولان ایران نه تنها حل نشده بلکه افزوده شده، فقدان سامانه‌هایی مثل بانک جامع اطلاعات است. نبود بانک و تبع آن فقدان اطلاع‌رسانی این عواقب را دارد:

- عدم درک متقابل بین مردم و معلولین، بین معلولین با یکدیگر و گروه‌های

معلولین، بین مدیران دولتی و معلولین، بین تشکل‌ها و معلولین

- فقدان احساس تقارب و نزدیکی و به جای آن ایجاد تباعد و افزایش دوری از هم

- عدم اطلاع معلولین از بازار کار و مراکز شغلی و به تبع آن گسترش فقدان اشتغال

- عدم آشنایی دولت با مشکلات معلولین موجب صرف بودجه در جاهای نامناسب

در چرخه حیات اجتماعی معلولین، بانک اطلاعات و اطلاع‌رسانی صحیح،

حلقه زیرین است که نبود آن موجب اختلال در حلقه‌های دیگر می‌شود.

نتیجه‌گیری: نظر به اهمیت و تأثیر بانک اطلاعات در سرنوشت فردی و

اجتماعی معلولین و هتمام دفتر فرهنگ معلولین به آن، تلاش‌های بسیار برای

تأسیس و توسعه آن انجام یافت. حدود یک سالی که از طراحی و راه اندازی

بانک می‌گذرد هیچ کدام از مسئولین و مدیران دولتی، تماسی نداشته و

راهنمایی نکرده‌اند. با اینکه خود معلولین و تشکل‌ها بارها ارتباط گرفته و

مطالبی ارسال کرده‌اند.

امید است اهمیت و تأثیر بانک اطلاعاتی برای مدیران معلوم و آنان با اهتمام

مضاعف در گره‌گشایی از مشکلات این قشر تلاش کنند.

فصل ششم:
طرح و برنامه

در پنج فصل گذشته به شناسایی وضعیت اشتغال معلولان از نگاه آسیب شناسی پرداختیم و آسیب‌ها را از منظرهای مختلف بحث کردیم. همچنین به راه کارها اعمّ از موفقیت‌آمیز و غیر موفق پرداختیم؛ اکنون بر اساس آسیب‌های شناسایی شده و بر اساس علل و عوامل موفقیت معلولین در زمینه اشتغال می‌خواهیم جمع‌بندی نماییم و راه کار جامع یعنی طرح و برنامه را مطرح و بررسی کنیم.

پس از مباحث مختلف می‌خواهیم بگوییم اشتغال مقوله چند بعدی و بسیار پیچیده است و از دیگر سو علت العلل و عامل اصلی در سامان یافتن امور معلولین می‌باشد؛ البته فقدان اشتغال علت اصلی مشکلات و بدبختی‌های معلولین است. اما موفقیت در این عرصه وقتی امکان‌پذیر می‌گردد که از احساسات و راه کارهای غیر عقلانی و غیر علمی پرهیز کرده و مبتنی بر تجارب به دست آمده و دانش بشری در ایران و دیگر کشورها، طرح جامع تدوین و در شورای عالی تصویب گردد. به طوری که همگان به آن ملتزم باشند. این طرح ده ساله مشتمل بر همه نیازها است و به صورت مرحله‌ای اجرا خواهد شد. وظیفه همه را متذکر شده و تقسیم کار دقیقی بین همگان ترسیم و طراحی می‌گردد.

کشورهایی که توانسته‌اند در امر اشتغال موفق شوند، با جمع‌آوری اطلاعات همه بخش‌های مرتبط، طرح و برنامه درازمدت آماده می‌کردند و به صورت مرحله به مرحله به حل مشکلات اشتغال پرداختند.

واقعیت‌های جهانی

بر اساس گزارش سازمان بین‌المللی کار (ILO) حتی در کشورهای پیشرفته درصد بیکاری افراد معلول چند برابر افراد عادی است.^۱ حتماً این وضعیت در کشورهای رو به رشد مثل ایران شدیدتر است. اما متأسفانه آماری در دست نداریم تا بدانیم چند درصد معلولین و در شهرها و در روستاها چه میزان بیکاری هست تا بر مبنای آن برنامه‌ریزی و تدبیر آغاز شود.

مسلم است بیکاری تبعات بسیار در اقتصاد، فرهنگ، باورها و جامعه دارد و موجب تخریب بسیاری از سازه‌های موجود می‌گردد. بیکاری یک مقوله ساده با تأثیری یک بعدی نیست بلکه تأثیر آن بسیار دامنه‌دار و مخرب است. به عنوان نمونه بیکاری در حوزه اندیشه و روان موجب سرخوردگی، انزوا جویی، از دست دادن اعتماد به نفس و در نتیجه نداشتن استقلال و وابستگی می‌گردد.

فردی با چنین ویژگی‌ها، در بخش‌های دیگر زندگی‌اش، مشکلات فراوان خواهد داشت. حتی حوزه توانبخشی او هم متأثر خواهد شد. از یک طرف وقت و هزینه فراوان صرف توانبخشی چنین شخصی می‌گردد ولی از سوی دیگر بیکاری آثار مثبت توانبخشی را از بین می‌برد.

از نظر اجتماعی، نداشتن شغل موجب محدودیت ارتباطات فرد می‌گردد و تعامل مثبت او با خانواده و جامعه‌پذیری‌اش دچار مشکل و خلل می‌گردد. جایگاه و نقش فعال خود را در جامعه از دست می‌دهد. بالاخره بیکاری، بی‌تفاوتی، بی‌اعتمادی، عدم مشارکت، مسئولیت‌زدایی، نفی ارزش‌ها، فقر، کاهش تولید ملی و رشد ناهنجاری‌ها را در پی دارد.

متأسفانه بحران‌ها و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ابتدا به سراغ معلولین آن جامعه آمده و تأثیرات آنها زندگی اینان را فرا می‌گیرد. بین کارشناسان مشهور است که می‌گویند: به هنگام بروز بحران‌های اقتصادی - اجتماعی، معلولان

اولین کسانی هستند که کار و شغل خود را از دست می دهند و دچار سخت ترین معضلات می شوند. از طرف دیگر با حل مشکلات و بحران ها آخرین کسانی هستند که استخدام می شوند. چرا؟

زیرا حامی ندارند، دوم اطلاع رسانی نشده و سوم برنامه های کلان معلولین در اختیار عموم قرار نگرفته است. وقتی اقدامات و فعالیت های معلولان در قالب برنامه عرضه گردد و مردم مطلع شوند که بیکاری معلولین چه آثار زیانباری برای جامعه به همراه دارد. جامعه به حمایت معلولین برمی خیزند و از اشتغال معلولین حمایت می کنند.

واقعیت این است که بیکاری و بیکاری پنهان در اغلب کشورهای دنیای کنونی رواج دارد. وقتی افراد عادی نتوانند به کار و درآمد دسترسی داشته باشند، معلولین در جستجوی کار، شرایط دشوارتری دارند. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه در صورتی که خانواده نتواند مشکلات را حل نماید، این گونه افراد، راه دیگری به جز تکدی و کارهای خلاف باقی نمی ماند.

پس معلولین با توجه به مشکلات جسمانی موجود و رشد درصد بیکاری در جامعه در کسب درآمد و اشتغال پایدار با مشکلات بیشتری مواجه می باشد. و معمولاً معلول فاقد کار و درآمد مناسب، عضوی غیر فعال در خانواده محسوب می گردد که از مشارکت اجتماعی محروم می باشد.

برابر گزارش سازمان آمار ایران از ۳۷ درصد جمعیت فعال کشور در سال ۱۳۸۱، ۱۴/۷ درصد یعنی معادل ۳ میلیون نفر بیکار می باشند. البته در این آمار رقم دقیق جمعیت فعال معلول در سطح کشور ارائه نگردیده است.

طبق بررسی آماری در سال ۱۳۶۵، ۱۱/۴ درصد از جمعیت فعال کشور بیکار بوده اند نرخ بیکاری در بین جمعیت فعال معلول ۲۷ درصد بوده است.^۱ یعنی بیکاران معلول ۲/۵ برابر بیشتر از بیکاران عادی هستند.

با توجه به روند افزایش جمعیت و رشد بیکاری در سطح جامعه، موضوع

ایجاد اشتغال و تداوم شغلی افراد از مهم‌ترین مسائل اجتماعی و اقتصادی جامعه تلقی می‌گردد.

بررسی وضعیت اشتغال و بیکاری در کشور، از جمله اموری است که برای مسئولین مملکتی و برنامه‌ریزان اهمیت خاص دارد و آگاهی از تعداد جمعیت شاغل و بیکار و ویژگی‌های آنان مانند ترکیب سنی و جنسی، توزیع نیروی انسانی در بخش‌های گوناگون اقتصادی، تعداد شاغلین در بخش‌های دولتی و خصوصی به منظور کاستن از میزان بیکاری و ایجاد مشاغل مورد نیاز مملکت و استفاده بهینه از نیروی انسانی در بخش‌های مختلف اقتصادی ضروری است.

تا کنون فعالیت‌های مختلف برای اشتغال معلولان انجام یافته ولی نه تنها وضع بهتر نشده که سال به سال شاهد بدتر شدن وضع اشتغال آنها بوده‌ایم. زیرا اقدامات انجام یافته مبتنی بر برنامه علمی و طرح کارشناسانه نبوده است. مدیری آمده و طرحی به ذهنش رسیده، برای اینکه خودی نشان دهد و آمار کارهایش را افزایش دهد، بدون اینکه مطالعات دقیق پیرامون آن طرح داشته باشد شروع می‌کند به اجرای آن طرح. معمولاً در وسط طرح متوجه مشکلات و پیامدهای منفی آن شده و طرح را متوقف می‌کنند. اگر واقعیت‌ها مطالعه و سنجیده شود و هزینه‌های کلانی که صرف پروژه‌های اشتغال‌زا می‌گردد، حساب شده، هزینه گردد، قطعاً، مشکل اشتغال سامان‌دهی خواهد شد.

روش‌های اشتغالی دولت

قبل از هرگونه طراحی و برنامه‌ریزی لازم است، شیوه‌هایی که سازمان بهزیستی و نیز روش‌هایی که مراکز مردمی برای اشتغال معلولین اعمال می‌کنند بررسی و زوایا و نتایج اینها استخراج و مطالعه شود؛ آنگاه به تدوین برنامه جامع اقدام گردد.

اما شیوه‌ها و تمهیدات اشتغال‌زایی سازمان بهزیستی عبارت‌اند از:

۱- استخدام ۳ درصد معلولین که در قانون جامع حمایت از معلولین مصوب ۱۳۸۳ آمده است.

۲- پرداخت کمک‌های بلاعوض برابر دستورالعمل ماده ۱۷ سازمان بهزیستی

- کشور تحت عنوان سرمایه کار
- ۳- پرداخت وام‌های خود اشتغالی از محل اعتبارات بانکی
- ۴- ایجاد کارگاه‌های تولیدی حمایت شده
- ۵- ایجاد شرکت تعاونی معلولین
- ۶- قانون معافیت حق بیمه سهم کارفرمای کارکنان معلول شاغل
- ۷- معرفی به بانک جهت استفاده از تسهیلات و اعتبارات بانکی
- ۸- معافیت مالیاتی برای کارفرمایان کارکنان معلولین شاغل

سازمان بهزیستی مجری این هشت شیوه است و آمارهای اشتغال که توسط این سازمان اعلام می‌شود سر جمع کارهایی است در این هشت روش انجام داده است.

از این هشت شیوه، دو شیوه توسط دولت؛ سه روش توسط خود معلولین و سه روش هم توسط کارفرمایان در بخش خصوصی اجرا می‌شود. یعنی سهم بهزیستی معرفی معلولین به دستگاه‌های دولتی جهت استخدام سه درصد و ایجاد کارگاه‌های تولیدی حمایت شده است. روش دوم یعنی ایجاد کارگاه‌های تولیدی حمایت شده را معمولاً واگذار به بخش خصوصی می‌کند و روش اول هم صرفاً معرفی است. اقدام عملیاتی نیست بلکه فقط یک اقدام اداری است. بنابراین فعالیت سازمان بهزیستی در زمینه اشتغال مستقیم نیست.

اما سهم خود معلولین در اشتغال به سه روش است: پرداخت کمک‌های بلاعوض در قالب سرمایه کار؛ وام خود اشتغالی و بالاخره تسهیلات برای شرکت تعاونی.

هر سه شیوه فوق بر اساس اطلاعات به دست آمده، موفقیت کامل نداشته‌اند. البته تا کنون اطلاعات کامل و جامع عرضه نشده گویا بهزیستی اطلاعات را در بانکی که مخصوص استفاده کارمندان است گردآوری و ذخیره می‌کند ولی در اختیار عموم قرار نمی‌دهد.

در شرایطی که کارفرمایان که امکانات کافی دارند، ناتوان از مدیریت و تداوم کار هستند، معلوم است معلولان با وام اندک نمی‌توانند سودآوری مناسبی داشته

باشند و کارشان را ادامه دهند و کسب و کار مناسب و قابل تداوم و پایدار با تسهیلات اندک داشته باشند.

اما سه شیوه‌ای که توسط کارفرمایان اجرا می‌گردد عبارت‌اند از: معافیت حق بیمه، استفاده از تسهیلات بانکی و بالاخره بخشودگی مالیاتی. این روش‌ها بیشتر خواهان داشته است. یک تحقیق در این باره می‌نویسد:

یکی از پیشرفت‌هایی که در سال‌های اخیر حاصل گردیده است استفاده از کمک کارفرمایان برای اشتغال معلولین و بالا بردن سطح خدمات توانبخشی حرفه‌ای و اجتماعی کارگران معلول می‌باشد. کارفرمایان و اتحادیه‌های صنفی نقش تعیین کننده‌ای در فراهم آوردن امکانات شغلی برای معلولین دارند. موفقیت سیاست‌های توانبخشی تا حدود زیادی بستگی به میزان همکاری کارفرمایان با مسئولین اشتغال معلولین خواهد داشت و اینکه نهایتاً سعی خود را به کار برند تا معلولین متقاضی کار با افراد سالم در شرایط یکنواختی قرار گیرند.

از سال ۷۷ با تشکیل صندوق ذخیره ارزی کشور و در راستای رفع اشتغال معلولین در سطح جامعه، مقرر گردید با تصویب مجلس شورای اسلامی هر ساله درصدی از اعتبارات محل وجوه اداره شده تحت عنوان تبصره ۱۱ در قالب وام کارفرمایی و با کارمزد ۲/۵ درصد در امر اشتغال معلولین به کار گرفته شود تا مقداری از معضل بیکاری معلولین مرتفع گردد.

این وام که سقف آن تا پایان سال ۸۰ جهت اشتغال هر معلول ۱ تا ۱/۵ میلیون تومان می‌باشد به کارفرماییانی که مبادرت به اشتغال معلولین می‌نمایند اعطاء می‌گردد و کارفرما موظف است به مدت ۵ سال از زمان دریافت وام، توانخواه را بیمه نماید و حقوق مکفی برابر حداقل دستمزد سالیانه قانون کار پرداخت نماید و ضمناً در آخر سال حق بیمه سهم کارفرما برابر قانون پرداخت حق بیمه سهم کارفرمایان از طرف سازمان بهزیستی کشور به کارفرما پرداخت می‌شود.^۱

با اعلام پرداخت وام تبصره ۱۱ در قالب کارفرمایی از سال ۷۷، تقاضاهای بسیار

از طرف کارفرمایان به بهزیستی رسید. در همه استان‌ها، خواهان این تسهیلات زیاد بوده‌اند.^۱ اما معلوم نیست چند درصد از کارفرمایان این وام را دریافت کرده‌اند و تداوم شغلی معلولان در این گونه کارگاه‌ها چگونه بوده است.

با خانم خورشید مسئول اشتغال بهزیستی استان قم در ۳ اردیبهشت ماه ۹۶ و ۸ اردیبهشت ماه ۹۶ مصاحبه شد و ایشان نکات مهمی بیان کرد از جمله اینکه سازمان بهزیستی ایجاد کننده اشتغال نیست بلکه صرفاً تسهیل کننده است. یعنی همه امور را خود معلولین باید انجام دهند در آخر بهزیستی فقط طی نامه‌ای او را به بانک معرفی می‌کند.

روش‌های مردمی

مراکز مردمی که با بودجه‌های خیرین اداره می‌گردد برای کارآفرینی و اشتغال معلولان چند شیوه زیر را به کار می‌برند:

- ۱- تأسیس کارگاه یا مجتمع‌های کار
- ۲- مهارت‌آموزی (آموزش و تولید توأمان)
- ۳- مساعدت برای خود اشتغالی
- ۴- راه‌اندازی مراکز تولیدی مشارکتی
- ۵- راه‌اندازی مراکز خدماتی مشارکتی
- ۶- مشارکت در خود اشتغالی

تمامی فعالیت‌های سمن‌ها و تشکل‌های مردمی در زمینه اشتغال معلولان، زیر یکی از شش روش فوق قرار می‌گیرد. اکنون به توضیح این شیوه‌ها می‌پردازیم. در شیوه اول کارگاهی مثل خیاطی، بافندگی، معرق و غیره راه‌اندازی می‌گردد یعنی محلی که مجهز به وسایل کار و استاد کار یا مربی هست. معلولینی جذب این کارگاه‌ها می‌شوند که قبلاً آموزش دیده باشند و حتی سابقه کار تجربی هم دارند. این کارگاه‌ها دارای خط تولیدی است و هر گروه مسئولیت بخشی از پروژه را بر

عهده دارند. لذا معلولین نسبت به نوع معلولیت و کاری که می‌توانند انجام دهند در خط تولید قرار می‌گیرند.

معلولین در این کارگاه‌ها به صورت موظفی و قراردادی کار می‌کنند و ماهانه یا عددی مثلاً هر قطعه پیرامون پنجاه هزار تومان، دریافتی دارند. مراکزی که این کارگاه‌ها را راه‌اندازی کرده‌اند، مهم‌ترین آنها، رعدالغدیر در تهران، فیروز در قزوین است. اینان علاوه بر جذب بودجه از نیکوکاران و مردم بعضاً از دولت و سازمان بهزیستی هم مساعدت دریافت می‌کنند.

چند نکته درباره این شیوه اشتغال هست:

۱- آمار و تحقیق درباره تشکل‌های که این شیوه را اجرا کرده‌اند، تعداد معلولانی که جذب کرده و مشغول به کار نموده‌اند و مزد و مزایای آنان در دست نیست و خلاصه نمی‌دانیم شیوه‌ای موفق بوده یا نه؟ و تا چه اندازه موفق بوده؟ یا چه ضعف‌هایی داشته است؟

مهم‌ترین اقدام این است که اطلاعات جامع و تحقیق دقیقی درباره این شیوه انجام شود.

۲- اجمالاً و بر اساس اظهارنظر مسئولین این کارگاه‌ها می‌دانیم که مثلاً فیروز حدود چهارصد معلول را مشغول به کار کرده، رعدالغدیر، حدود ۳۵۰ معلول را در این کارگاه‌ها صاحب کار و شغل کرده است و اگر در کل کشور تا کنون، پنج هزار شغل ایجاد شده باشد، هنوز فاصله بسیار تا رسیدن به وضع مطلوب هست.

۳- در شرایطی که اقتصاد با مشکلات بنیادی مواجه است. کارخانه‌ها و کارگاه‌ها که حامی‌های ثروتمند دارند، در حال ورشکستگی و تعطیلی هستند، اجناس قاچاق و وارداتی با نصف یا یک سوم قیمت داخلی از خارج وارد می‌شود بازار پر از اجناس ارزان چینی و ترکیه‌ای است و تولید صرفه اقتصادی ندارد، در این شرایط کارگاه برای معلولین با دشواری‌های فراوان مواجه است.

به ویژه اگر مسئولین رده بالا به تولید داخل باور نداشته و بگویند نفت می‌فروشیم و کالای ارزان از خارج وارد می‌کنیم. و از درد سرهای تولید داخل خودمان را رها می‌کنیم.

۴- معمولاً این کارگاه‌ها، تولید محدود داشته و در چند زمینه محدود فعالیت

دارند. یعنی مراکز تلاش نکرده‌اند سطح دانش و فناوری و مهارت معلولین را گسترش دهند و کارگاه‌ها با تولیدات مدرن‌تر و مورد نیازتر تأسیس کنند. نود و نه درصد این کارگاه‌ها، لباس‌دوزی، کیف‌سازی، صنایع دستی مثل معرق است.

البته کارگاه و مجتمع تولید فیروز در بین همه مراکز تولیدی خاص است، چون در اصل توسط خارجی‌ها تأسیس شده و بعد از انقلاب مصادره شده و آقای موسوی و شرکاء آن را خریداری کرده‌اند. فیروز به تولید شامپو و دیگر محصولات بهداشتی و شوینده اختصاص دارد.

غیر از مراکز محدود موجود، شنیده نشده کارگاهی به لوازم تحریر، مجتمعی به صحافی و تجلید، کارگاهی به چکیده نویسی و نمایه‌سازی نشریات، کارگاهی به مرجع‌شناسی و مرجع‌سازی پردازند و در این زمینه‌ها تولید داشته باشند.

۵. تولیدات کارگاه‌ها محدود به داخل است و تلاش برای صادرات آنها انجام نشده است. مجتمع‌های معلولین در اروپا و آمریکا اگر موفق شدند، چند دهه عمر داشته، نیز توسعه و رشد مالی مطلوبی داشته باشند، یک دلیل آن صادرات تولیدات آنها است. مدیریت این مراکز کالاهایی برای کشورهای مختلف تولید کردند و بازارهای جهانی را در دست گرفتند و به سودهای سرشاری دست یافتند. متأسفانه چنین شرایطی در کارگاه‌های خودمان نداریم.

دیگر شیوه‌ها

بعضی مراکز معلولین غیر خیره را جذب و شروع به آموزش نقاشی، معرق، خیاطی و غیره می‌نمایند. اما به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که در عین آموزش و تجربه‌اندوزی، تولید کالا هم داشته باشند و این تولیدات را در معرض فروش قرار می‌دهند. و از درآمد به دست آمده، حقوقی هم به این افراد می‌دهند.

این شیوه آموزش و تولید توأمان در بسیاری از کارگاه‌های معلولین در جهان رایج است. اما تولید در اینجا دارای خط خاص و منطبق با تجارب جدید و تخصص‌های روز نیست. یعنی کالاهای انبوه تولید نمی‌شود بلکه کالاهای محدود تولید و در

بازارچه‌های محلی یا حراجی‌ها یا مراکز فروش با برچسب خاص فروخته می‌شود. یعنی در سوپرمارکت‌ها یا بازارچه‌های محلی، جایی معین با تابلوی فروش کالاهای معلولین، کالاهای تولید شده عرضه و به فروش می‌رسد. این شیوه در بسیاری از مراکز معلولیتی اجرا می‌شود. اما مشکلاتی که قبلاً برای روش اول شمردیم اینجا هم مصداق دارد.

شیوه سوم (مساعدت به خود اشتغالی)، کمک مراکز مردمی به معلولینی است که می‌خواهند مستقلاً شغلی داشته باشند. مثلاً معلولی می‌خواهد مغازه پوشاک یا فروشگاه مواد خوراکی ایجاد کند ولی برای تهیه مغازه و خرید وسایل و اجناس مغازه سرمایه کافی ندارد. فرد نیکوکار یا مرکزی به او مبلغی به عنوان کمک می‌دهد یا مغازه‌ای را به مدت چند سال در اختیار او می‌گذارند یا یخچال و دیگر وسایل مورد نیازش را تأمین می‌کنند. بالاخره در اشتغال معلولین به نوعی یاری و مساعدت می‌کنند.

بر اساس اطلاعات موجود خود اشتغالی پایدارترین و بهترین نوع اشتغال در جامعه هدف است. چون بر اساس واقعیت‌ها بنا می‌شود.

مراکز دولتی و مردمی با گسترش روش خود اشتغالی می‌توانند بزرگ‌ترین خدمت را داشته باشند، اما چگونه؟ خود اشتغالی متکی به دو عنصر اساسی و اولیه است: اول تبحر و تجربه، دوم اطلاعات درباره چگونگی اجرا، وضعیت بازار و غیره.

فردی ممکن است تجربه کافی درباره خیاطی داشته باشد ولی اطلاعاتش درباره شهر و محله‌ای که می‌خواهد مغازه دایر کند و سبک و سلیقه مشتریان و این‌گونه مسائل به روز نباشد. اگر مراکز با مشاوره به معلولین تجربه لازم و اطلاعات مورد نیاز را به آنها بدهند، نیز سرمایه کافی هم داشته باشند می‌توانند شغل پایداری داشته باشند.

بسیاری از اطلاعات از طریق بانک اطلاعات معلولین به دست می‌آید. از این‌رو بانک اطلاعات از ضرورت‌های اولیه برای اشتغال است.

شیوه ششم مشارکت در خود اشتغالی است. یعنی مرکز به جای اعطای وام بلاعوض و مساعدت مالی، در خرید مغازه یا خرید وسایل مغازه شریک شود. یک

مرکز مغازه را تهیه کند و خود معلول اجناس و وسایل را. و بر اساس قرارداد منعقد، سود بین آنها تقسیم خواهد شد. این شیوه را مشارکت در خود اشتغالی می‌نامند. اما شیوه چهارم و پنجم، راه اندازی مراکز تولیدی یا مراکز خدماتی مشارکتی است. به عنوان مثال راه اندازی تاکسی تلفنی خدماتی است؛ اما کارگاه لباس دوزی تولیدی است. گاه مراکز با معلولین مشارکتی دفتر خدماتی یا کارگاه تولیدی تأسیس کرده و سود حاصله را بین خود تقسیم می‌کنند.

از منظر آسیب شناسی همه روش‌هایی که مراکز مردمی عمل کرده‌اند، به ندرت با موفقیت همراه بوده است. بسیاری از این طرح‌ها متکی به بودجه‌های دائمی است که از طرف خیرین یا دولت باید برسد و با قطع بودجه، آن طرح دوام نخواهد داشت.

مؤسسه آلاء تحقیق مهمی درباره مراکز معلولیتی و خیریه‌ای آمریکا انجام داده است. این تحقیق نشان می‌دهد، نود درصد بودجه و نیازهای مالی مراکز خیریه‌ای آمریکا از طریق تولیدات یا خدمات خودشان تأمین می‌شود. یعنی هر خیریه یک مؤسسه اقتصادی است که سوددهی و درآمد مکفی است و روی پای خودش اداره می‌شود. اگر این تجارب در ایران عملی و اجرایی گردد و مراکز بتوانند متکی به دیگران نباشند، موفقیت آنها در اشتغال‌زایی قطعی خواهد شد.

محدودنگری و محدود کردن مراکز به سوژه‌های خاص و معین و تکراری مهم‌ترین ضعف است. برای رهایی از این ضعف مراکز باید مشاور اقتصادی داشته باشند و روی تولیدات جدید فکر کنند.

توانبخشی شغلی

امروزه مثل گذشته، اشتغال به راحتی پدید نمی‌آید. در گذشته پسر شغل پدر را ادامه می‌داد؛ نزد پدر آموزش می‌دید و موانع و علل پیشرفت را می‌آموخت و این شغل را به راحتی ادامه می‌داد.

اما امروزه تحصیلات ابتدایی و متوسطه و دانشگاهی مقدمه برای اشتغال است و پس از آن یک فرد باید بسیار تلاش داشته باشد و در رقابت‌های پیچیده موفق

گردد تا بتواند شغل مناسبی پیدا کند. همه اینها موجب شده تا حرفه و دانش جدید به نام توانایی‌های شغلی یا توانبخشی شغلی پدید آید.^۱

افرادی که تا دکتری را طی کرده و مدرک دکترا گرفته‌اند، بعضاً اشتغال ندارند، زیرا توانایی‌ها و مهارت‌ها لازم را نتوانسته‌اند کسب کنند. فردی موفق است (اعم از معلول و عادی) که به هنگام تحصیل، توانایی‌های شغلی را هم کسب و بتواند تجارب لازم را پیدا کند. اما لازم به تذکر است توانبخشی شغلی دامنه وسیع دارد و شامل نکات فراوان است. ممکن است فردی خیاط با تجربه و خوبی باشد اما چون اخلاق مطلوب ندارد کسی به او کار نمی‌دهد و بیکار است.

یا کسی اخلاق خوب دارد، تجربه هم دارد ولی به نظافت و پوشش خود اهمیت نمی‌دهد، چنین فردی هم در بازار جای کار ندارد، یا کسی همه اینها را دارد ولی اطلاعاتش نسبت به قوانین کار و اشتغال اندک است. این فرد هم نمی‌تواند موفق گردد.

توان دهی به معلولین ابعاد مختلف دارد؛ اما برای اشتغال آنان باید توانایی‌ها و مهارت‌های به معلولین داد که بتوانند در شغل مورد نظر خود موفق گردند. توانایی‌های که در جریان توانبخشی شغلی به معلولان داده می‌شود حداقل دوگونه عمومی و خاص‌اند. منظور از خاص یعنی توانایی‌هایی که هر یک از مشاغل لازم دارند. مثلاً یک نجار توانایی‌هایی می‌خواهد که با توانایی‌های یک خلبان متفاوت است. اما غیر از توانایی‌های خاص، توانایی‌های عمومی و عام که لازم دارند، عبارت است از:

- آموزش‌هایی که هر گروه از معلولین نسبت به نوع معلولیت‌شان نیاز دارند.
- آموزش ویژگی‌های هر گروه از مشاغل فرهنگی، صنعتی، کشاورزی، خدماتی و علمی.
- آگاهی بخشی نسبت به مراکز کاریابی، سایت‌های رسیدگی کننده و خلاصه مرکز شناسی شغلی لازم است.

۱. توانبخشی شغلی و حرفه‌ای معلولین، عبدالله شفیع آبادی، ص ۵-۲۰.

- توجیه معلولین نسبت به قوانین مختلف کشوری، محلی و جهانی.
- آموزش رموز و علل موفقیت یا شکست در هر زمینه
- آموزش نظام اداری و چگونگی اجرای گزینش، آموزش، به کارگماری و اشتغال.

به هر حال مجموعه‌ای از اطلاعات برای توجیه شدن نیست نیاز ضروری معلولان لازم است کار تشکل‌های معلولین و نخبگان جامعه همین امور است. به هر حال یک بعد برنامه‌ریزی و طراحی برای اشتغال معلولین، توانبخشی شغلی است.

نویسندگان مقاله توانبخشی شغلی معلولان در این باره می‌نویسند:
توانبخشی مجموعه‌ای از خدمات و اقدامات پزشکی، آموزشی، حرفه‌آموزی و اجتماعی است که برای بازتوانی جسمی، روانی، ذهنی، اجتماعی و حرفه‌ای معلولان و ارتقای سطح کارایی آنها تا بالاترین حد ممکن برای دستیابی معلول به یک زندگی مستقل در جامعه عرضه می‌شود.
توانبخشی شغلی جزئی از روند مستمر و هماهنگ توانبخشی است که از طریق راهنمایی و آموزش شغلی، معلول را برای شناخت خدمات شغلی و اشتغال در شغل مناسب یاری می‌دهد.

توانبخشی شغلی مجموعه اقداماتی است که به استخدام، جذب و نگهداری معلول در شغل مناسب می‌انجامد و بدان وسیله معلول می‌تواند از امکانات و توان‌های خود به بهترین نحو استفاده کند. به عبارت دیگر توانبخشی شغلی مجموعه خدمات تخصصی پزشکی، روانشناسی، آموزشی و اجتماعی است که برای رشد دادن امکانات توانجو از طریق ایجاد آمادگی جسمانی - روانی، راهنمایی و آموزش شغلی، کاربایی و به کارگماری و پیگیری ضمن اشتغال اعمال می‌شود.^۱

طبق تبصره‌های ۱، ۲، ۳ ماده ۱۱۹ قانون کار جمهوری اسلامی ایران:
- مراکز خدمات اشتغال در مراکز استان‌ها موظف به ایجاد دفتری تحت عنوان

دفتر برنامه‌ریزی و حمایت از اشتغال معلولان خواهند بود و کلیه مؤسسات مذکور در این ماده موظف به همکاری با دفاتر مزبور می‌باشند.

- دولت موظف است تا در ایجاد شرکت‌های تعاونی (تولیدی، کشاورزی، صنعتی و توزیعی) معلولان را از طریق اعطای وام‌های قرض الحسنه دراز مدت و آموزش‌های لازم و برقراری تسهیلات انجام کار و حمایت از تولید یا خدمات آنان مورد حمایت قرار داده و نسبت به رفع موانع معماری در کلیه مراکز موضوع این ماده و تبصره‌ها که معلولان در آنها حضور می‌یابند، اقدام نماید.

- وزارت کار و امور اجتماعی مکلف است تا آیین‌نامه‌های لازم را برای برقراری تسهیلات رفاهی مورد نیاز معلولان شاغل در مراکز انجام کار با نظر خواهی از جامعه معلولان ایران و سازمان بهزیستی کشور تهیه و به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی برساند.

بنابراین بسیاری از افراد معلول برای رسیدن به اهداف شغلی، تحصیلی و زندگی مستقل نیازمند توانبخشی شغلی هستند و در این راستا مشاوران توانبخشی شغلی فرایند توانبخشی را برای آنان تسهیل می‌کنند و به رشد قابلیت‌های شخصی آنها کمک می‌کنند.

نیازهای معلولان در زمینه اشتغال از نظر کیفی همانند افراد عادی است و باید همچون آنان از امکانات متعدد جامعه بهره‌مند شوند و پس از گذراندن مراحل ضروری، شغل مناسب‌شان را انتخاب کنند و به انجام آن مشغول شوند. مراحل راهنمایی شغلی معلولان عبارت است از: گزینش، آموزش، به کارگماری و اشتغال.^۱

تیم توانبخشی شغلی: توانبخشی شغلی معلولان فعالیتی است که همکاری و مشارکت گروهی از افراد یا تخصص‌های متعدد را می‌طلبد. اعضای گروه توانبخشی شغلی عبارتند از: مدیر مرکز، مشاور شغلی، روانشناس، پزشک، مددکار

۱. «توانبخشی شغلی معلولان»، آرزو محمودیان، ایران باغبان، مجله کار و جامعه، ص ۸۷ و ۸۸، ص

اجتماعی، مسئول کارگماری، کار درمانگر، مدیر کارگاه و مربی کارگاه. هر یک از اعضای گروه بر اساس تخصص خود فعالیت‌هایی را انجام می‌دهند.

۱. **مدیر مرکز:** سرپرستی گروه توانبخشی شغلی بر عهده مدیر مرکز است. وظایف مدیر مرکز عبارتند از: هماهنگی کلیه فعالیت‌های روزمره مرکز، اعمال مدیریت برای تقویت روحیه همکاری بین اعضای گروه، ملاقات با توان جویان و بررسی مشکلات آنان، برنامه‌ریزی برای افزایش کارایی مرکز و تلاش برای حل مشکلات ایجاد شده.

۲. **مشاور شغلی:** یکی از نقش‌های مشاور شغلی در توانبخشی معلولان آن است که با شناساندن مشاغل مختلف و آگاهی دادن از خصوصیات شخصی و دادن اطلاعات درباره نیازهای شغلی جامعه، معلول را در انتخاب شغلی مناسب یاری دهد. وظایف مهم مشاور شغلی عبارتند از:

الف. تهیه و اجرای برنامه‌هایی برای آگاهی دادن جامعه از توان‌های معلولان. برای نیل به این مقصد باید همکاری جدی رسانه‌های جمعی و نهادها و اصناف جلب شود و از طریق برپایی نمایشگاه‌های مختلف و برگزاری سمینارهای علمی، مردم با عملکردها و توانمندی‌های معلولان آشنا شوند؛

ب. همکاری جدی و صمیمی با مراکز آموزش ضمن خدمت شغلی معلولان برای بهره‌گیری بهینه از توانایی‌های آنان.^۱

در طرح و برنامه اشتغال لازم است جایگاهی به توانبخشی شغلی داد اولاً ابعاد آن را معین نمود؛ سپس اقداماتی که لازم است انجام پذیرد مشخص نمود.

رفاه و کیفیت زندگی

سازمان بهداشت جهانی در تعریف معلولیت از شاخص کیفیت زندگی و رفاه استفاده کرد و معلول را فردی دانست که به دلیل مشکلات جسمی، ذهنی یا اجتماعی نمی‌تواند، زندگی مطلوب و برخوردار از رفاه داشته باشد.

دانش بهزیستی که معلولیت را زیر چتر خود دارد مشتمل بر چنین مفهوم و معنایی است.^۱

قانون کار و اشتغال

تدوین قانون کار و استخدام و اشتغال ویژه معلولان یکی از ضرورت‌ها است. یعنی علاوه بر قانون جامع حمایت از معلولین لازم است قانون کار و استخدام هم برای این قشر تدوین گردد.

بسیاری از کشورهای پیشرفته چنین قانونی را تدوین و تصویب کرده‌اند. با توجه به اینکه در احادیث و در احکام و فتوای فقیهان مباحث و نکات مهمی درباره حقوق معلولان آمده، و همین نکات می‌تواند مبنای تقنین باشد.

این قانون شامل این مباحث است:

- تعیین نقش دولت در استخدام معلولان
- تعیین نقش وزارت خانه‌های مختلف در اشتغال معلولین. مثلاً وزارت ارشاد و فرهنگ در زمینه چاپ و نشر، نویسندگی، فیلم‌سازی، روزنامه‌نگاری معلولان و تعیین جاهایی برای استخدام معلولان در این زمینه‌ها مهم است.

- بیمه درمانی معلولین

- بیمه توانبخشی

- بیمه بیکاری

- آموزش و پرورش

- سهمیه سالانه استخدام

- تعیین تکلیف برای شهرداری‌ها در تخصیص جاهایی در پارک‌ها و مکان‌های

عمومی به معلولان

- تعاونی

- مشخص شدن وظایف و عملکرد تشکل‌های مردمی

- وضعیت اوقاف و دیگر اموال عمومی متعلق به معلولین
ذیل هر یک از این سرفصل‌ها می‌توان مواد قانونی مهم و کارگشا مصوب کرد. و
در همه زمینه‌ها تکلیف مردم، دولت، نهادها، مدیران و خود معلولین را دقیقاً
مشخص نمود.^۱

اشتغال‌زدایی

اشتغال‌زدایی و اشتغال‌زدایی دو پروسه و فرایند معکوس و متضاد هستند. علل و
عواملی که منجر به از بین رفتن زمینه‌های شغلی معلولان می‌شود، اشتغال‌زدایی
می‌نامند. در طراحی و برنامه‌ریزی برای اشتغال معلولین لازم است، این‌گونه عوامل
شناسایی و راه کار از بین بردن آنها هم مطالعه کرد و این مبحث مفصلی است و
اینجا فقط به رؤوس کلی و سرفصل‌های آن اشاره می‌شود.

بر اساس آمارها از سال ۱۳۵۵ به بعد بیکاری همواره رشد داشته و زیادتر شده
است. نرخ بیکاری در ۱۳۵۵ ۷/۱ درصد بوده و در ۱۳۶۵ به ۱۴/۱ درصد افزایش
یافته است. یعنی بیکاری در ایران طی ده سال دو برابر شده است.^۲ و در سال
۱۳۶۷ به ۱۵/۹ درصد رسید.

این در حالی است در اصل بیست و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی
آمده است:

دولت موظف به ایجاد زمینه‌های اشتغال به کار و شرایط مساوی برای احراز
مشاغل است.^۳ گاه علل بیکاری را به چهار دسته، تقسیم می‌کنند: اقتصادی،
سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و فردی. ذیل علل اقتصادی به این‌گونه عوامل
اشاره کرده‌اند.

- گرایش به فعالیت واسطه‌گری و مشاغل کاذب به جای تولید واقعی

۱. اطلاعات جامع درباره قوانین معلولین در این کتاب آمده است: حقوق معلولان/ ایران، علی نوری.

۲. نخستین برنامه توسعه اجتماعی - اقتصادی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، ص ۱۹-۲۰.

۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

- پایین بودن حقوق و عدم تکافوی زندگی
- جانمایی ماشین آلات به جای انسان
- افزایش افراد چند شغله
- ذیل علل فرهنگی و اجتماعی به این موارد اشاره شده است.
- افزایش جمعیت
- کاهش سطح مهارت و دانش و تجربه
- نگرش منفی کارفرمایان نسبت به استخدام معلولان
- عدم تناسب دستگاه و ابزارها با معلولیت‌ها
- عدم مناسب‌سازی محل کار
- گرایش جامعه به کسب سود راحت و بدون دغدغه مثل نزول خواری و ازدیاد پول از طریق سپرده‌گذاری به جای بردن ثروت‌ها در تولید و ایجاد کارخانه و کارگاه
- جمع‌آوری ثروت‌های جامعه در کنترل عده‌ای خاص که رویکرد به تولید ندارند.
- اما در بخش علل سیاسی به این موارد اشاره شده است:
- جنگ
- تحریم اقتصادی
- اشتغال اتباع خارجی
- گسترش روابط سالم با جهان و صدور نیروی کار به جهان
- تعمیق منازعات با جهان پیشرفته و بسته شدن راه ورود تجارب و دستاوردهای مدرن و مشکل در رقابت‌های جهانی
- و در علل فردی گفته شده:
- گرایش به تنبلی و تن‌پروری
- تحصیلات عالی بدون تجربه و تن دادن به کار سخت
- فقدان خودباوری و اعتماد به نفس
- نداشتن تجربه و دانش کافی در معلولان
- مخالفت خانواده‌ها

فرهنگ اشتغال

مردم تا چند دهه گذشته به افراد دارای معلولیت اعتماد نداشتند تا کاری و شغلی را به آنان بسپارند؛ اما به تدریج با مشاهده توانمندی‌ها، در برخی زمینه‌ها استخدام شدند ولی هنوز فراگیر نشده و در همه زمینه‌ها اعتماد ندارند و لازم است فرهنگ‌سازی تداوم یابد. فرهنگ‌سازی شامل فعالیت‌های فکری، پژوهشی و تبلیغی در عرصه معرفی معلولان موفق در کارها و شغل‌های مختلف؛ معرفی تجارب تاریخی از مشاهیری که به رغم معلولیت مدارج ترقی را طی کرده و به کمالات رسیدند؛ و بالاخره برجسته‌سازی قسمت‌های از فرهنگ دینی و فرهنگ ملی که توصیه به کار و کوشش و پرهیز از بیکاری و تنبلی و نیز دعوت مؤمنان به مساعدت و ایجاد کار برای این افراد نموده است.

فرهنگ اسلامی: پیش از اسلام، طرز فکر غالب بر جهان در مورد معلولان بسیار وحشتناک بود و نه تنها باوری به اشتغال آنها نداشتند بلکه معتقد بودند اینان باید نابود شوند چون مسری هستند و مروج شیطان می‌باشند. این اعتقاد در تورات آمده و پژوهشگران در مصر، آمریکا و اروپا از پنج هزار سال قبل به این طرف، شواهد آن را یافته‌اند.^۱

اما اسلام از ابتدا ظهور رویه دیگر با معلولین داشت و با آنان روابط و مناسباتی مثل انسان‌های دیگر داشت. و رفتارش با آنان کاملاً انسانی بود. در سیره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم حتی یک مورد یافت نشده که گفتاری یا روایتی از آن حضرت نداریم نیز قرآن کریم در آیات مختلف؛ توصیه در رعایت حال معلولین نموده و بی‌احترامی و تحقیر آنان را مذموم شمرده است.

البته یک وظایف و تکالیفی را خداوند از معلولین نخواستند خداوند جهاد را از معلول برداشته. جبهه جنگ را، مبارزه با دشمن را البته اگر معلولیت در آن درجه باشد که مانع شرکت در جبهه و جنگ بشود و نتواند بجنگد که قرآن صریحاً فرموده

۱. دانشنامه ناشنواپان، به مدیریت محمد نوری، مقاله یهود و تورات؛ سیکولوجی ذوی الاحتياجات الخاصة، السید فهیمی علی، ص ۲۸۱-۲۸۵.

است: «لیس علی المریض حرج و لا علی الاعرج حرج»
ما در عین حال در تاریخ اسلام داریم کسانی را که گرفتار معلولیت بوده‌اند و داوطلبانه و با اصرار و با التماس از پیغمبر خواستند که در جبهه جنگ شرکت بکنند و شرکت کردند و شهید هم شدند. یک سری وظایف و تکالیف که بارزترین آنها جهاد است در اسلام از معلول برداشته شده نکته مهمی را که می‌خواهم رویش تکیه بکنم این است که اگر خداوند انسانی را از نعمت یک عضو سالم و مفید مثل بینایی، شنوایی، دست یا پا محروم کرده و این بنده خدا در دوران زندگی از یکی از این نعمت‌ها محروم شده قطعاً و یقیناً محرومیت این انسان، از این عضو و از این سلامت موجب ارج و مقام والای این شخص در پیشگاه خدا خواهد شد. حالا بعضی‌ها این سؤال را زیاد مطرح می‌کنند که خوب این چه گناهی داشته که نابینا شده، این چه تقصیری داشته که خدا گوش یا چشم را از او گرفته است.

ارتباطات جهانی

مدیریت کشورها اگر ارتباطات سالم و سازنده با دیگر کشورها برقرار نکنند مثلاً کشورها را تهدید کنند، منازعات و درگیری‌ها علیه برخی از کشورها را گسترش دهند و خلاصه امنیت جهانی را مخدوش نمایند، قطعاً دیگران هم موضع‌گیری خواهند کرد و این کشور را در فشار قرار می‌دهند. بر اثر این فشارها، انواع مشکلات برای معلولین به وجود می‌آید و اشتغال مدام رو به کاهش می‌رود. اما ارتباطات سالم و صحیح با دیگر کشورها موجب فضای امن در کشور می‌شود و معلولین می‌توانند از تجارب جهان بهره‌مند گردند؛ از نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و امکانات جهانی استفاده کنند؛ از امکانات و فرصت‌های موجود در منطقه بهره ببرند. معلولان ایرانی می‌توانند از سازمان جهانی کار، برای بهبود وضعیت زندگی حرفه‌ای خودشان و گسترش فرصت اشتغال افراد بیکار استفاده کنند. افرادی که به علت ناتوانی بیکار هستند نیز در حیطه فعالیت این سازمان قرار می‌گیرند. سازمان جهانی کار به امور مربوط به کارگران و کارفرمایان و دولت‌های مربوطه رسیدگی می‌کند. و از آغاز فعالیت خود در صدد برآورده نمودن حقوق افراد ناتوان

بوده است. به خصوص که این حقوق به منظور تشریک مساعی کامل آنان در امور اجتماعی و اقتصادی جامعه ضروری است. در سال‌های اخیر، تلاش‌های این سازمان مستقیماً برای فراهم کردن سرویس‌های توانبخشی حرفه‌ای در کشورهای در حال توسعه بوده است. اکنون، مشاورین و متخصصین بخش‌های محلی سازمان جهانی کار در زمینه‌ی توانبخشی حرفه‌ای در بیش از ۵۰ کشور جهان سوم مشغول فعالیت هستند.

اما تا کنون شنیده نشده که معلولان یا تشکل‌های معلولیتی از امکانات این سازمان استفاده کرده باشند. اساساً در ایران یک جو بدبینی نسبت به سازمان‌های بین‌المللی هست. ایران سالانه به این سازمان‌ها حق عضویت می‌پردازد ولی از توانایی و امکانات آنها بهره نمی‌برد. حتی از سازمانی مثل ایسکو که همه کشورهای اسلامی مثل کویت بهره فراوان می‌برند ولی بر اساس تحقیق به عمل شده معلوم شد تا کنون هیچ استفاده‌ای نشده است. به عنوان نمونه نایب‌نایان مصر با امکانات ایسکو به کشورهای مختلف اسلامی می‌روند، جلسات قرائت و فقط قرآن برگزار می‌کنند. و حقوق خود را از ایسکو دریافت می‌نمایند.

معلولین ایران جهت استفاده از فرصت‌های جهانی، نخست باید به شناسایی این فرصت‌ها بپردازند. لذا نخست باید بانک اطلاعات اشتغال دایر گردد، نهادها و مراکز جهانی که در زمینه اشتغال معلولین فعالیت دارند شناسایی و وارد بانک گردند سپس از طریق دولت ارتباط با نهادها و سازمان‌های بین‌المللی کارشناسی گردد.

در طرح و برنامه اشتغال معلولین لازم است به سازمان‌های بین‌المللی، شیوه ارتباط با آنها و روش استفاده از امکاناتشان پرداخت و یک بخش از این برنامه به این مبحث اختصاص یابد.

مراکز اشتغال

مراکزی که برای اشتغال معلولان زحمت کشیده و تجربه‌های سودمندی اندوخته‌اند، لازم است شناسایی و به جامعه هدف و کارشناسان معرفی شوند.

گفت‌وگو با مدیران این مراکز و ثبت تجارب آنها و آوردن این تجارب در برنامه اشتغال ضروری است.

شرکت تعاونی الکترونیک معلولین: این مرکز در سال ۱۳۵۵ تأسیس گردیده و هدف از تأسیس این واحد تولیدی، اشتغال و به کارگیری معلولینی می‌باشد که به علت شدت نوع معلولیت نتوانسته‌اند در بازار کار آزاد جذب شوند.

این شرکت تعاونی دارای اساسنامه و آیین‌نامه‌های لازم می‌باشد و کلیه کارگران شاغل در این واحد تولیدی سهامدار و عضو تعاونی هستند.

این شرکت از ابتدا به کار مونتاژ و تعمیر قطعات و دستگاه‌های الکترونیکی اشتغال داشته و پس از انقلاب اسلامی توانسته است از وزارت صنایع در مورد مونتاژ رادیو، رادیوکاست و تلویزیون سیاه و سفید پروانه دریافت نماید.

اعضاء فعلی شرکت بالغ بر ۲۰۰ نفر هستند که ۵۹٪ معلولین جسمی حرکتی، ناشنوا، ذهنی و اجتماعی تشکیل می‌دهند.

در این شرکت در هر ۶/۵ دقیقه یک تلویزیون سیاه و سفید ۴۱ اینچ مونتاژ می‌گردد و روزانه حدود ۲۰۰ دستگاه تلویزیون سیاه و سفید خود را با نام ستاره طلایی (تحت لیسانس گلد استار) عرضه می‌نماید.

شرکت به منظور گسترش و توسعه فعالیت‌های صنعتی خود اقدام به دریافت موافقت اصولی تولید گیرنده تلویزیون رنگی با ظرفیت ۵۰۰۰۰ دستگاه در سال نموده است. محل اجرای این پروژه در شهر صنعتی کهریزک در زمینی به مساحت ۷۰۰۰ متر مربع قرار دارد که حدود ۳۰۰۰ متر مربع آن را سالن تولید شامل:

کارگاه‌های

۱- مونتاژ شاسی با سیستم نقاله اتوماتیک و نیمه اتوماتیک تشکیل می‌دهد و در این سالن المان‌های الکترونیکی روی شاسی

(به تصویر مراجعه شود) نصف می‌شود. در انتها توسط ماشین لحیم کاری اتوماتیک، شاسی، لحیم کاری می‌گردد و آماده مونتاژ می‌شود.

۲- کارگاه‌های فلزکاری و تزریق پلاستیک: در این قسمت کارگاه، بعضی از قطعات فلزی و پلاستیکی مورد نیاز محصولات شرکت تولید می‌شود.

۳- در کارگاه دیگری شاسی و قطعات و لامپ تصویر و ... در داخل کابینت جمع

می‌گردد.

لازم به یادآوری است که این شرکت فعلاً در محل اجاره‌ای واقع در خیابان پامنار، تلویزیون سیاه و سفید ۴۱ اینچ را تولید می‌کند و در محل جدید (شهر صنعتی کهریزک) که حدود ۹۰٪ کار ساختمانی و ۸۰٪ کار نصب تجهیزات و خط مونتاژ آن به اتمام رسیده و قرار است در آذرماه افتتاح گردیده و شروع به تولید تلویزیون رنگی ۱۲ اینچ پال سکام با کنترل از راه دور نماید.

علاوه بر تست‌هایی که در مراحل مختلف در کارگاه‌های مونتاژ وجود دارد، تست و تنظیم AF صوت و تصویر و تست و تنظیم عمودی و افقی صوت و تصویر و تست و تنظیم RF و AGC نیز روی تلویزیون‌ها انجام می‌شود.

تلویزیون‌های تولیدی، یکبار در جریان هوای خشک و بار دیگر در جریان هوای مرطوب و در نهایت در گرمخانه، در درجه حرارت بالای ۴۰ به مدت ۴۲ ساعت کار می‌کند و بدین صورت تست کارایی در اثر کارکرد مداوم از نظر داغ شدن دستگاه و رطوبت تست می‌گردد.

این شرکت موفق گردیده به میزان ۵۲٪ ساخت داخل تلویزیون‌های سیاه و سفید خود را بالا ببرد.^۱

دفتر فرهنگ معلولین: این دفتر قبل از شروع به کار، حدود یک سال به مطالعه وضعیت موجود پرداخت و پس از آسیب شناسی به این نتیجه رسید، معلولان پیش از هر چیز نیاز به مطالعات دقیق علمی و کارشناسانه دارند. پس از این مطالعات ریشه مشکلات به ویژه مشکل اشتغال در فرهنگ‌سازی، الگوسازی و نهادسازی دانسته شد. به همین دلیل از ماه نخست شروع به کار اقدامات در این زمینه را آغاز کرد. اکنون گزارشی از اقدامات این دفتر تقدیم می‌گردد.

اشتغال به عنوان موضوع قابل مطالعه: چند رویه و دیدگاه در مورد اشتغال به

۱. «آشنایی با شرکت تعاونی الکترونیک معلولین»، مهرناز شریعت، مجله تعاون، ش ۲۶/ آبان ۱۳۷۲.

عنوان یکی از معضلات اساسی جامعه هدف وجود دارد. بعضی مهارت‌افزایی به روش سنتی اقدام کرده‌اند، یعنی تعداد محدودی از معلولان را گرفته و آموزش خیاطی، معرق و غیره می‌دهند. محصولات تولیدی آنان هم به تدریج و فروخته خرج آنان می‌شود. رویه دوم معتقد است کلید حل مشکل دست دولت است و به اصطلاح دولت محور هستند، بالاخره برخی به روش مدرن اعتماد دارند. این روش‌ها و رویه‌ها در این فصل بررسی می‌گردد.

گاه شنیده می‌شود در شرایطی که معلولان محتاج نیازمندهای حداقل زندگی هستند، حتی در تأمین غذا و داروی خود مشکل دارند، چرا دفتر فرهنگ معلولین به امور فرهنگی و تولید و چاپ مقالات صرفاً علمی می‌پردازد. این مباحث وقتی سودمند است که شکم افراد سیر و رفاه نسبی داشته باشند.

ما هم با این تفکر موافق هستیم و در آموزه‌های دینی ما آمده است که الفقر کاذب آن یکون کفراً یعنی فقر و نبود رفاه و معیشت زمینه‌های کافر شدن را پدید می‌آورد. امروزه در رشته‌های جامعه‌شناسی هم ثابت شده که فقر زمینه‌ساز انواع بزه‌کاری‌ها و خلاف‌های اجتماعی است. کسی که فقیر است فقط در تلاش است به روشی خود را سیر و از مرگ نجات پیدا کند و چشمانش به روی دیگر ارزش‌ها بسته است. اما با شما موافق نیستیم که کارهای فکری این دفتر موجب رفاه و آسایش و معیشت نمی‌شود بلکه بر عکس ما معتقد هستیم، راه درست برای رسیدن به رفاه پایدار همین شیوه است. این فصل به تبیین رابطه اقدامات دفتر با اشتغال و رفاه معلولین می‌پردازد و فعالیت‌های دفتر را در این حوزه توضیح می‌دهد.

نقد شیوه سنتی: اشتغال، امروزه در جهان یک مقوله چند بعدی و نیاز به کارشناسی و تحلیل علمی دارد. به سادگی نمی‌توان از کنار آن گذشت و برای آن نسخه‌های ساده پیچید.

شیوه سنتی برای اشتغال معلولین این‌گونه است: راه‌اندازی کارگاه خیاطی، نجاری و مثبت‌کاری و آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای به آنان؛ پس از چند ماه آموزش، کارگاه تولیدی تأسیس می‌شود یا افراد آموزش دیده به مراکز تولیدی یا نهادهای کاریابی معرفی می‌شوند.

اکثر یا همه مراکز معلولیتی در ایران و در کشورهای در حال توسعه به این شیوه‌ها با مسأله اشتغال معلولین برخورد کرده‌اند. البته تا اندازه‌ای موفق بوده‌اند. اما جمعیت زیاد و رو به ازدیاد معلولین ما را به فکر واداشت تا به سراغ راه کار دیگری برویم.

شیوه سنتی در جهان مدرن که به سرعت آمار معلولین رو به ازدیاد است، نمی‌تواند کارآیی داشته باشد. حداقل در کنار این شیوه باید روش‌های دیگر راه‌اندازی شوند. برای اینکه کارآیی روش سنتی معلوم شود یک مثال می‌زنم: شهر تهران با ۱۵ میلیون نفر جمعیت اگر فقط ۵۰۰۰۰ معلول خواهان کار داشته باشد. با اینکه در تهران بسیار بیشتر است ولی حداقل را فرض می‌کنیم. و هر مرکز در هر دوره شش ماهه یکصد نفر کارآموز جذب کند. پس در تهران باید پانصد مرکز دایر باشد ولی هم اکنون ده مرکز هم نیست. مشکل بعدی پس از آموزش، بازار کار ایران، آیا ظرفیت جذب این تعداد معلول کارآموز را دارد؟ قطعاً پاسخ سؤال منفی است.

شیوه مدرن: کشورهای هستند که به روش جدید نرخ معلولیت و آمار معلولین خود را کنترل کردند. توجه به این شیوه و بومی‌سازی آن و سپس اجرای آن می‌تواند در ایران هم موفق شود.

دفتر فرهنگ معلولین می‌خواهد نه تنها اشتغال بلکه بسیاری از مشکلات جامعه معلولین را سامان‌دهی کند، از این رو به شیوه‌ای فکر می‌کند که متکی به چهار مقوله زیر است:

۱. اطلاع‌رسانی ۲. فرهنگ سازی ۳. نهادسازی ۴. پیشگیری

اشتغال معلولین را با فعال شدن در این چهار حوزه می‌توان سامان‌دهی کرد. تا این چهار پایه به طور اساسی اجرا نشود وضعیت اشتغال مطلوب نخواهیم داشت؛ همین‌طور در امور اقتصادی، مشکلات اجتماعی و فرهنگی معلولین هم به نظام پویا و پایدار نمی‌رسیم.

جهان مدرن به سراغ راه کارهای خود بازده می‌رود، از قدیم گفته‌اند چاه را اگر آب در آن بریزی فایده ندارد و باید خودش آب بدهد. یا ضرب‌المثل دیگر می‌گوید

باید به افراد ماهیگیری یاد داد نه ماهی. ماهی را یک روز می‌خورند و دوباره نیاز دارند اما ماهیگیری موجب می‌شود یک عمر مستقل و خودکفا شوند. نظام معلولین را باید کاری کرد که خودش مشکلاتش حل شود.

اطلاع‌رسانی: اولین و مهم‌ترین زیربنای اشتغال اطلاع‌رسانی است. تعداد معلولین، پراکندگی اجتماعی آنان، اینکه چند درصد معلولین اشتغال دارند و چند درصد ندارند آنهایی که اشتغال دارند مقدار درآمدشان چقدر است؟ آنهایی که اشتغال ندارند از چه طریق زندگی می‌گذرانند و بالاخره ده‌ها سؤال این‌چنینی هست که هرگونه تحلیل و برنامه‌ریزی و تصمیم درباره امور اقتصادی و اشتغال معلولین وابسته به پاسخ‌گویی به این سؤالات است.

اساساً اینکه نهادهای دولتی در ایران و دیگر کشورهای جهان اسلام در یکصد سال اخیر نتوانسته‌اند مشکلات معلولین را حل کنند یک دلیل مهم آن نداشتن اطلاعات از جنبه‌های مختلف زندگی و معیشت و نهادهای اجتماعی معلولین است. بعد از این هم تا وقتی اطلاعات واقعی در اختیار نداشته باشیم، نمی‌توانیم این مشکلات را حل کنیم. کشورهایی مثل کویت و قطر در دو دهه اخیر قدم‌های بلند و اساسی در زمینه اشتغال معلولین برداشته‌اند و از طریق وقف مشکلات معیشتی و اشتغال معلولین را تا حد زیادی حل کرده‌اند.

مدیریت اوقاف در این کشورها نخست به گردآوری اطلاعات پرداخت، پس از آن توانستند به سرعت به رفع مشکلات معلولین اقدام کنند.

علاوه بر آن اطلاع‌رسانی موجب تقریب قشرها به یکدیگر شده و نوعی همکاری و همیاری خودگردان و پایدار شکل می‌گیرد. اما اقدامات دفتر در حوزه اطلاع‌رسانی عبارت است از:

۱. ایجاد بانک اطلاعات معلولین

روز نخست که دفتر تأسیس شد از معاونت‌های بهزیستی سؤال شد اگر اطلاعاتی بخواهیم شما دارید؟ یا بانک اطلاعات دارید؟ پاسخ آنها منفی بود.

اما بانکی که درصدد راه‌اندازی بوده‌ایم، طرح بسیار گسترده‌ای است و در دل خود حدود ۱۵ بانک فرعی دارد. مثل بانک نویسندگان معلول، بانک ناشنوایان،

بانک نابینایان، بانک پایان‌نامه‌های معلولین، بانک نشریات معلولین در سراسر جهان، بانک هنرمندان، بانک نقاشان، بانک آثار هنری معلولین و غیره.

عنایت کنید اگر چنین اطلاعاتی گردآوری شود و در سراسر جهان معلولین از طریق این بانک‌ها به یکدیگر وصل شود، تحول و انقلاب بزرگی در فرهنگ و جامعه معلولین رخ خواهد داد.

ابتدا روی وب سایت فرمی با عنوان بانک معلولین نخبه در اختیار عموم قرار داده‌ایم که مثلاً هنرمندان معلول با پر کردن آن عضو بانک هنرمندان می‌شوند. سه سال بانک کوچکی را روی سایت اصلی داشتیم اما به تدریج به سراغ توسعه رفتیم و اکنون یک سال است بانک جامع اطلاعات معلولین با سایت مستقل راه‌اندازی شده است.

اساسی‌ترین و زیربنایی‌ترین کار برای اشتغال ایجاد بانک‌های اطلاعات معلولین است. اینکه فلان مؤسسه، بازارچه کالا راه‌اندازی کند و آش و لباس دست‌دوز معلولین را بفروشد اگر ذاتاً خوب هم باشد ولی تأثیر و دامنه بُرد آن محدود است. با اینکه همان مؤسسه امکانات مالی و امکانات برای برداشتن قدم‌های مهم‌تر دارد.

۲. اطلاع‌رسانی جاری

گاه یک اطلاع کوچک زندگی و سرنوشت آدمی را عوض می‌کند. فلان تیم ورزشی در فلان کشور اروپایی از معلولین عضو می‌پذیرد و فلان معلول کاشانی شرایط لازم را دارد و با عضویت در آن تیم، سرنوشت او عوض می‌شود. یا فلان معلول که دارد پایان‌نامه می‌نویسد اگر کتاب یا نشریه‌ای که در فلان کشور منتشر شده را در اختیار داشته باشد مسیر تحقیقات و پایان‌نامه‌اش عوض خواهد شد و راه زندگی او تغییر می‌کند؛ فلان شرکت صنعتی از معلولین کارگر و کارمند استخدام می‌کند ولی معلولین تهران یا قم اطلاعی ندارند و سال‌ها گاه تا پایان عمر بیکار می‌مانند. این مثال‌ها ذهنی نیست و واقعیت‌های جاری می‌باشد.

اما در عرصه ورزش، کتاب، نشریه، فرهنگ، صنعت، کشاورزی، تغذیه، پزشکی، دارو، وسایل کمک بینایی، وسایل کمک شنوایی و ده‌ها سرفصل دیگر اطلاع‌رسانی مناسب و به‌هنگام و جامع برای معلولین وجود ندارد.

برای نمونه فردی تعریف می‌کرد و می‌گفت در یک شهر کوچک اعلام کردیم هر بیمارستان و هر پزشک یک صدم از وقتش را رایگان در اختیار معلولین قرار دهد و مثلاً از یکصد بیمار معمولی یک معلول را ویزیت نمایند. می‌گفت مشکلات درمان معلولین در این شهر مرتفع و حل شد. یعنی اطلاع‌رسانی به نهادهای پزشکی و سپس با اطلاع‌رسانی به معلولین، راه برای رفع مشکلات پزشکی آنان به صورت رایگان هموار شده است.

خبرگزاری دانشجویی یا خبرگزاری قرآنی که دارند تلاش می‌کنند چه توجیهی برای تأسیس آنها بوده یعنی چند درصد جامعه‌ی ما، دانشجو یا پژوهشگر قرآن بودند تا نیاز به خبرگزاری تخصصی باشد و اینگونه خبرگزاری‌ها تأسیس شود. قطعاً جمعیت معلولین بیشتر است اگر آمار معلولین ایران حداقل ۷ میلیون نفر باشد این جمعیت نسبت به همه اقلیت‌ها بیشتر است، آیا اینان خبرگزاری نمی‌خواهند؟ حداقل اینان یک نشریه ماهانه اطلاع‌رسانی نمی‌خواهند؟ تا اطلاعات رخدادهای ورزشی، فرهنگی و غیره را از سراسر جهان در اختیار آنان قرار دهد؟ لازم است سطحی‌نگری را کنار گذاشته و به امور زیربنایی پردازیم و اطلاع‌رسانی جاری و روزانه از رخدادهای مرتبط به معلولین را سامان‌دهی نماییم. اما دفتر معلولین چکار کرده است:

۱- تأسیس وب سایت مرجع و به روز، با حداقل هزینه.

۲. راه‌اندازی نشریه توان‌نامه که فقط گرایش اطلاع‌رسانی دارد و شماره یکم آن چاپ شده است.

اطلاع‌رسانی در دنیای مدرن کلید حل همه مشکلات است. هزینه‌های آن هم زیاد نیست. خود معلولین هم می‌توانند بخش‌های مختلف آن را مدیریت کنند. در سخت‌ترین شرایط و مشکل‌ترین مسائل اگر اطلاعات واقعی و صادقانه به مردم بدهیم، مردم به کمک خواهند آمد، خود معلولین گره‌های کور را باز می‌کنند. سال ۱۳۶۸ جلسه‌ای با برخی دانش‌نویان داشتیم و قرار شد دایرة‌المعارف دانش‌نویان را تدوین کنیم و از این طریق اطلاع‌رسانی نماییم. این کتاب در سال ۱۳۷۵ منتشر شد. از آن تاریخ تا حالا بارها زنگ زده‌اند و گفته شده فلان مرکزی که در این کتاب معرفی کرده‌اید تماس گرفتیم و در آن مشغول شدیم و نمونه‌های فراوان دیگر که با

اطلاعات مختصری که در این کتاب آمده گره‌گشایی شده است.

فرهنگ سازی: اولین زیربنای اشتغال، اطلاع‌رسانی بود و دومین زیربنا فرهنگ سازی است. تا ذهن، فکر و باور معلولین، عموم مردم و مدیران مراکز معلولیتی و نیز مدیران دولتی وضعیت مطلوب نداشته باشد، مثلاً اگر امید و باور به اصلاح و ساختن آینده نباشد و برعکس به پوچ‌گرایی و بی‌معنا بودن جهان باور داشته باشیم، نمی‌توان از اشتغال و سامان‌دهی به معیشت سخن گفت.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید انّی بعثت لا تمم مکارم الاخلاق. بنابراین نخستین و اساسی‌ترین گام اخلاق و تفکر است و فرهنگ سازی یعنی اصلاح اخلاق و باور.

فرهنگ سازی از یک جهت سه جنبه دارد معلولین، جامعه و مدیران. یعنی این سه قشر اگر اخلاق و باور و تفکر مطلوب پیدا کنند، فرهنگ سازی شکل مطلوب خواهد پذیرفت. در سخن مشهور امام حسین علیه السلام برای معلولین هم از سه دسته معلولین، مردم و خادمان معلولین نام برده شده است. حضرت می‌فرماید معلولین در این زمان که یزید و حکومت استبدادی حاکم است پشتیبان ندارند؛ مردم هر کدام به اندازه امکاناتشان باید احساس مسئولیت کرده و حداقل باید از خادمان معلولین تشکر شود.

متأسفانه جامعه معلولین از مشکلات و کمبودهای فرهنگی بسیار رنج می‌برد. آمار تألیف و چاپ کتاب‌های درباره مسائل معلولین بسیار اندک است. در ایران سالانه حدود ۴ عنوان کتاب جدید و مطلوب برای معلولین منتشر می‌شود؛ سالانه حدود ۵ پایان‌نامه خوب درباره‌ی موضوعات معلولیتی دفاع می‌گردد؛ و دیگر آمارها و شاخص‌های فرهنگی بسیار نازل و ناراحت‌کننده است. این آمار در آمریکا ۴۰ عنوان کتاب برای هر نفر در سال است. یعنی اگر ایران بر اساس آمار سازمان بهزیستی ۴ میلیون معلول داشته باشد ۱۶۰ میلیون عنوان کتاب در سال باید برای معلولان منتشر شود. البته حتی افراد عادی هم چنین آماري در ایران ندارند.

مردم اگر حداقل با سوره عبس آشنا باشند یا با داستان حضرت ایوب در قرآن آشنا باشند، ذهنیت و روحیه آنان نسبت به معلولین کاملاً دگرگون می‌شود.

اما کارنامه دفتر فرهنگ معلولین در این زمینه عبارت است از:

۱- نشر کتاب: به منظور توجیه معلولین، جامعه و مدیران تلاش کرده‌ایم، موضوعات مهم مثل مناسب سازی، ازدواج، اشتغال، حقوق معلولین را در یک کتاب به روش راهبردی و توجیهی و مؤثر توضیح دهیم و اطلاعات لازم را عرضه نماییم. ظرف پنج سال اخیر حدود چهارصد عنوان کتاب تولید شده و حدود یکصد عنوان از آنها به چاپ رفته و نشر یافته یا آماده است. هم اکنون ماهانه سه عنوان کتاب در این دفتر آماده و عرضه می‌شود.

۲- الگوسازی: الگو و مقتدای معلولین کیست؟ چه شاخص‌هایی در الگوسازی باید مراعات گردد؟ آیا الگو، فرد بی‌خاصیت، بدون انگیزه، بی‌حوصله، گوشه‌گیر و منزوی است؟ یا الگو فلان دانشمند معلول است که به رغم نابینایی ده‌ها کتاب از او باقی مانده و تأثیر جدی مثلاً در علوم حدیث بر جای گذاشته است.

دفتر تلاش کرده هر شخصیت در یک کتاب، با ادبیات روان و جذاب به معلولین و جامعه بشناساند و از این طریق الگوسازی کند. محاسن اخلاقی و کارهای مثبت افراد شاخص در این آثار معرفی شده است. اساساً زندگی‌نامه شخصیت‌ها مؤثر است و در این زمینه تلاش بسیار شده است.

۳- انتقال تجارب و دستاوردها: دفتر با تلاش فراوان و به رغم مصائب زیاد تلاش کرده از طریق تألیف دائرةالمعارف‌ها و دیگر آثار مرجع تجارب جهانی را منتقل نماید تا فرهنگ‌سازی مبتنی بر عناصر تجربی و واقعی شکل بگیرد. دایرةالمعارف و کتب مرجع برای معلولین ایران و جهان اسلام و همه کشورها یک نیاز اساسی و جدی است. همانطور که از اسمشان پیدا است، دانشنامه‌ها، دایرةالمعارف‌ها، کتابشناسی‌ها، مجموعه‌ها، اصطلاح‌نامه‌ها و راهنماها، مرجع و زیربنای فرهنگ می‌باشند. اما در عرصه معلولین دفتر اقدام به تألیف چند کتاب مرجع کرده است:

دفتر تلاش کرد با رهنمون گرفتن از توصیه‌های جناب حجت الاسلام والمسلمین سید جواد شهرستانی به جای مخارج زائد در برخی زمینه‌ها مثل ساخت بنای مجلل، و تبلیغات کم‌خاصیت و دکوراسیون زیبا، کتب مرجع تدوین

شود. اتاق مدیر این دفتر ۸ مترمربع و همراه با معاونش در آنجا هستند. بدون هیچ دکوراسیون و فقط یک میز و صندلی ساده. اگر در مراکز معلولیتی، هزینه‌هایی که برای امور غیر ضروری است تجمیع و پروژه‌های فرهنگ سازی راه اندازی شود، بسیار مؤثر است.

دایرةالمعارف‌های پارالمپیک یا ورزش معلولین، دایرةالمعارف نابینایی و نابینایان، دایرةالمعارف معلولیت حرکتی، دایرةالمعارف کحاله و چندین کتابشناسی در دستور کار است که یا به اتمام رسیده و در نوبت چاپ است و یا در حال نهایی شدن می‌باشد. ولی به دلیل محدودیت‌ها فقط توانسته‌ایم دایرةالمعارف نابینایی را تقریباً به مراحل آخر نزدیک کنیم. بقیه را هم از ۲۰ درصد تا ۷۰ درصد آماده کرده‌ایم.

۴- جشنواره‌ها: همایشی برای مریبان معلولین داشتیم و به ۵۰ برگزیده جایزه داده شد. اینان در فرهنگ سازی بسیار مؤثر بوده‌اند. نیز همایشی برای عکس داشتیم و تلاش کردیم مقوله عکس و فیلم را در جامعه در جهت فرهنگ سازی فعال نماییم.

۵- دیگر طرح‌ها: برای فرهنگ سازی غیر از مواردی که عرض شد، طرح‌های دیگر در دفتر کارشناسی شده یا به مرحله اجرا رسیده و یا هنوز شروع نشده است. برای نمونه سخنان معصومین علیهم السلام را همراه با طرح‌های جذاب به صورت تابلو در هزار عنوان منتشر کردیم. اگر مراکز برای فرهنگ سازی طرح نیاز دارند، اعلام نمایند و تماس بگیرند، طرح‌هایی مؤثر در اختیارشان می‌گذاریم. خلاصه بدون فرهنگ سازی نمی‌توان اشتغال مناسب داشت. ابتدا باید ذهنیت مردم، کارخانه‌دار، مدیران آماده گردد. پس از آماده سازی روحی و ذهنی آنان، خودشان با انگیزه به سراغ معلولین می‌آیند و برای اشتغال آنان تلاش می‌کنند.

نهادسازی: منظور از نهادسازی به عنوان سومین زیربنای اشتغال ایجاد سازمان‌هایی است که ایده‌ها و تصمیم‌ها را به عرصه عملی و اجرا نزدیک کند. در همه زمینه‌ها، بدون تشکیلات کارآمد و فعال و بدون مدیریت پویا، راه به جایی نخواهیم بُرد. اگر شما بهترین تفکر و بهترین ایده‌ها را داشته باشید ولی تشکیلی

برای اجرا نداشته باشید، آن تفکر و ایده مطلوب اجرایی نخواهد شد و به هدف نخواهید رسید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در سال‌های نخست بعثت مکتب را تأسیس کرد و اخلاقیات و تفکر مردم را عوض نمود و در مدینه تشکیلات ایجاد کرد، دولت مدنی را تأسیس نمود. بنابراین یکی از امور زیربنایی نهادسازی است.

خوشبختانه در عرصه معلولیت بیست تا سی تشکیلات فعال و پویا هست ولی اینها با هم پیوند و ارتباط کامل ندارند یا کمتر دارند. تصور بفرمایید اگر معلولین هنرمند یا خیاط درجه یک تربیت شوند و بهترین تولیدات را داشته باشند ولی تشکلی نباشد تا کارهای آنان را به دست متقاضی و خواهان برساند، مشتری و متقاضی پیدا کند، تبلیغ کند، برای فروش برنامه‌ریزی کند؛ با نهادهای مصرف کننده تماس بگیرد، طرح با شکست مواجه خواهد شد.

نیز اگر همه به کارهای موازی و تکراری بپردازند، قطعاً سرمایه‌ها هدر رفته و ثانیاً کارهای مهم‌تر زمین می‌ماند. بنابراین چند کار اورژانسی و عاجل نیاز است.

۱. ایجاد دبیرخانه منتخب

۲. تدوین آیین نامه و شرح وظایف

۳. ثبت اتحادیه مؤسسات معلولین

لازم است نهادی به صورت اتحادیه تأسیس و پس از ثبت عضوگیری کند.

۴. نشست‌های سه ماه بین اعضاء

در این نشست‌ها سه کار عاجل انجام شود یا یک هفته جلسات هر روزه داشته و سه رشته کار را تصویب کنند.

- نقشه راه پنج ساله (طرح جامع پنج ساله)

- مراحل اجرای طرح جامع و تقویم زمانی برای اجرای مراحل

- تقسیم کار و تعیین وظایف

مانند ناشران و دیگر اقشار که اتحادیه دارند، مؤسسات معلولین هم نیاز مبرم به اتحادیه دارند.

هم اکنون شرایطی است که باید به موضوعاتی مثل حقوق معلولین و بیمه معلولین رسیدگی شود و تا این موضوعات حل نشود دیگر مسائل حل نخواهد شد.

از طرف دیگر هر مؤسسه به تنهایی نمی‌تواند به اینگونه مسائل برسد و باید همه جمع شوند و برای اجرا و دفاع کامل از حقوق معلولین متحد شوند.

خلاصه اینکه نهادسازی یا راه‌اندازی تشکل فراگیر و پویا با توجه به ظرفیت‌های همه مراکز معلولیتی سومین زیربنای اشتغال است.

دفتر فرهنگ معلولین در زمینه نهادسازی، چند کار مقدماتی انجام داده است. اولاً برای مؤسسه‌های پویا و خلاق کتاب‌هایی تدوین کرده است. از طریق این کتاب‌ها می‌توان تجارب و دستاوردها را منتقل کرد. دومین اقدام کار پژوهشی روی اتحادیه معلولین در کشورهای مختلف بوده است. برای مثال بررسی اتحادیه تولیدکنندگان کتاب گویا در امریکا به اتمام رسیده و در نشریه توان‌نامه درج می‌شود. یک جلد کتاب با عنوان «مراکز و مؤسسات معلولیتی ایران» در حال تدوین است.

پیشگیری: اگر سه عنصر فوق حضور داشته باشند ولی در زمینه پیشگیری از معلولیت اقدامی نشود، بقیه زحمات چندان نتیجه نخواهد داد. زیرا اگر معلولیت در ایران مهار نشود و آمار معلولان مدام رو به افزایش باشد، هر مقدار نرخ رشد اشتغال را بالا ببریم، باز با نرخ رشد معلولین تناسب نخواهد داشت.

به این آمار و تناسب توجه کنید. اگر برای معلولین یک میلیون شغل نیاز داشته باشیم یا به عبارت دیگر یک میلیون معلول بیکار داشته باشیم و سالانه برای سه درصد آنها اشتغال ایجاد شود یعنی سالانه ۳۰ هزار نفر اشتغال پیدا می‌کنند و حدود سی سال طول می‌کشد که بیکاری در جامعه معلولین کاملاً از بین برود. اما اگر به موازات ایجاد اشتغال معلولیت هم رشد کند و مثلاً سالانه ۵۰ هزار نفر به آمار افزوده شود، در این شرایط، اشتغال سه درصدی سودمند نیست و هیچگاه بیکاری مرتفع نخواهد شد بلکه بیکاری همواره رو به افزایش خواهد رفت.

از این رو حتماً لازم است در کنار همه اقدامات، پیشگیری یعنی مهار معلولیت و تثبیت آن اجرایی و فراگیر شود.

اشتغال در تاکسیدرمی: این گزارش به تاکسیدرمی به عنوان یک نمونه از

روش مدرن در اشتغال معلولین می‌پردازد.

در روزهای اخیر مخالفت شورای نگهبان و برگشت قانون جامع معلولان، تأکید کرد که خوش‌بینی‌های بی‌جهت و خیالی درست نیست و معلولین باید به واقعیت‌ها بیشتر توجه داشته و روی پای خود بایستند و با تلاش و کوشش مسیر خود را در حوادث متلاطم پیدا کنند.

یکی از واقعیت‌های مهم معلولین اشتغال است، تشکل‌های مردمی می‌توانند با برنامه‌ریزی و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و فرصت‌ها، زمینه‌های فرصت‌های شغلی را مهیا کنند. یکی از شغل‌های مهم معلولین در بعضی کشورها تاکسیدرمی است. البته سال‌ها پیش یعنی در دهه چهل تا شصت در ایران هم رواج داشت ولی به تدریج موقعیت خود را به عنوان یک شغل از دست داد. اکنون توضیحی درباره تاکسیدرمی عرضه می‌شود.

تاکسیدرمی Taxidermy را جانور پیرایی ترجمه کرده‌اند و منظور صنعتی است که جانوران کوچک و بزرگ را پس از مردن، خون و مواد درون آنها را تخلیه کرده تا از گندیدگی و فساد جلوگیری شود، سپس درون شکم را با مواد پلاستیکی یا کاغذی پر کرده و پوست و ظاهر آنها را هم به روشی خشک می‌کنند. به طوری که پس از اتمام کار شکل و ظاهر حیوان تفاوتی با زنده آن ندارد. در عرف عامه مردم به آن خشک کردن حیوان می‌گویند.

این صنعت دو کاربرد و استفاده مهم دارد: یکی آموزشی به ویژه برای نابینایان و کودکان و دوم استفاده موزه‌ای (نمایشی).

پیش از انقلاب اسلامی در ایران، بسیاری از مراکز نابینایان بخش تاکسیدرمی داشتند و خودشان حیوانات را آماده می‌کردند تا مربی‌ها و معلمین سر کلاس نابیناها را با شکل و اندازه و اعضاء و جوارح حیوانات آشنا کنند. برای مثال مؤسسه آموزشی ابابصیر در اصفهان، مرکز آموزشی رضا پهلوی در تهران، بخشی به نام تاکسیدرمی داشتند. آموزشگاه‌های کودکان مثل پیش‌دبستانی‌ها و مهدکودک‌ها معمولاً بخش تاکسیدرمی نداشته‌اند ولی حیوانات تاکسیدرمی شده را خریده و در معرض دید و لمس کودکان قرار می‌دادند. اما این صنعت در بُعد آموزشی در مدارس نابینایی به روش سازمان یافته و گسترده استفاده نشد و مدارس نابینایی

بخش تاکسیدرمی خود را تعطیل کردند. به استثنای بعضی مربی‌ها که گاهی از بعضی حیوانات خشک شده برای آموزش استفاده می‌کنند، اما استفاده عمومی از آن تعطیل شده است.

اما در بخش موزه‌ای، موزه‌های حیات طبیعی مثل موزه دارآباد در تهران از حیوانات تاکسیدرمی شده برای نمایش استفاده می‌کنند ولی ساخت حیوانات تاکسیدرمی در سطح گسترده و به صورت یک فناوری پیشرفته در موزه‌ها هم وجود ندارد. فعالیتی هم اگر در این زمینه داشته باشند گسترده و سازمان یافته نیست.

پیام‌های عدم توجه به تاکسیدرمی: نابینایان، کودکان و بعضی از دیگر افسار مردم، بسیاری از اطلاعات و تصورات خود را از طریق حیوانات تاکسیدرمی به دست می‌آورند. معروف است به نابینایی گفته شد اردک چه شکلی دارد گفت مثل شیر است. گفته شد شکل شیر چگونه است، گفت عین موش کوچک است.

نابینایان بسیاری از تصورات خود را با لمس و شنیدن به دست می‌آورند. حتی شنیدن در مواردی نمی‌تواند شناخت واقعی و درست به آنان عرضه کند. بسیاری از کارشناسان تعلیم و تربیت معتقدند نظام تصورات و نظام ادراکی نابینایان در دهه‌های اخیر با مشکلات جدی مواجه شده است و در بسیاری از زمینه‌ها توانایی درک صحیح یا تجزیه و تحلیل واقعی را ندارند و مهم‌ترین عامل این آسیب‌ها این است که تصور و عکس‌برداری واقعی از اشیاء ندارند.

مربی‌ها و معلمین قبلاً تأکید داشتند، همه اشیاء از حیوانات مثل نخود، برنج و همه حیوانات و دیگر اشیاء جامد و مایع جاندار باید توسط نابینا لمس شود تا ادراک درست در ذهن او شکل گیرد و مفهوم‌سازی شود.

قشرهای دیگری از مردم مانند دانشجویان رشته‌های دامپزشکی، دانشجویان، هنر، معماران، مجسمه‌سازان، مدلینگ و شوهای لباس (خیاط‌ها، طراح‌ها، چاپ رنگ) نویسندگان و معلولین ذهنی هم می‌توانند از صنعت جانور پیرایی استفاده کنند.

بنابراین این صنعت در داخل کشور کاربرد فراوان دارد و می‌تواند در زمینه‌های مختلف از آن استفاده کرد. استفاده‌های موزه‌ای، تزئینی و استفاده از بسیاری از هنرها هم مهم و قابل توجه است.

ابعاد درآمدزایی و اشتغال‌زایی: در سال‌های دور در مؤسسه آموزشی ابابصیر ویژه نابینایان هر ماه حداقل ده نفر با کار در جانور پیرایی، درآمد و کار داشتند و خرج خود و خانواده خود را تأمین می‌کردند. بعضی کشورها که در سال‌های ۴۰ تا ۵۰ شمسی بسیار از ایران عقب بودند، هم اکنون در زمینه تاکسیدرمی تبدیل به قطب‌های مهم شده‌اند و هزاران نفر در این زمینه اشتغال دارند، درآمدهای سرشاری هم دارند. از این‌رو لازم است تشکل‌های معلولین و نابینایان، این حرفه و شغل را احیا کرده و زمینه اشتغال صدها توانخواه و معلول را فراهم آورد.

اگر پیشنهاد دهیم سازمان بهزیستی یا سازمان آموزش و پرورش استثنایی یا وزارت کار و رفاه این کار را انجام دهند، قطعاً آنان، انجام نمی‌دهند. اما تشکل‌ها و خود معلولین اگر با جمع‌پول‌های اندک کار را شروع کنند می‌توانند به تدریج گسترش دهند.

ایران به دلیل وضع آب و هوایی و امکان دسترسی به دریا و اقیانوس و آب‌های گرم و جنگل‌ها و کویر بهترین امکانات بومی را در این زمینه دارد. اگر یک ته‌مانده تورهای صیادان در یک روز جمع‌آوری گردد، مواد اولیه برای صدها تاکسیدرمی به دست می‌آید.

متأسفانه تشکل‌ها و مراکز آموزشی معلولین فقط در چند رشته خاص مانند خیاطی، بافتنی لباس، قالی بافی و معرق کار می‌کنند. چون بازار اشباع شده و این صنایع تکراری و خسته‌کننده شده، اولاً استقبال از آنها نمی‌شود؛ ثانیاً درآمدزایی ندارد؛ ثالثاً بازارهای مهم جهان را نمی‌توان تسخیر کرد.

اما جانور پیرایی رشته‌ای پرجاذبه، پردرآمد و دارای کاربرد در زمینه‌های مختلف است و سرمایه‌گذاری و اهتمام به آن حتماً آینده خوبی خواهد داشت.

پروژه‌های بالقوه در زمینه جانور پیرایی: تشکل‌های معلولین چه چشم‌اندازهایی می‌توانند برای این حرفه ترسیم کنند؟ چگونه توجیه اقتصادی آن را تبیین کنند؟ برای پاسخگویی به این پرسش‌ها به موارد ذیل اشاره می‌شود:

۱- بازارهای منطقه و کشورهای مختلف را می‌توان به دست گرفت و انواع جانورهای پیرایش شده را صادر کرد. تا در مدارس و مراکز آموزشی یا موزه‌ها یا به

صورت نمایشگاه‌های دوره‌ای و موقت به کار گرفته شود.

شنیدم یک شرکت چینی به دولت کویت پیشنهاد داده که در همه مراکز آموزشی از مهدکودک تا دانشگاه، ویتترین‌هایی در مدخل‌های اصلی ورودی نصب و حیوانات پیرایش شده را به نمایش بگذارد. هر سه ماه هم محتوای ویتترین را تعویض کند. سال ۲۰۰۴م به چند مدرسه نابینایی در امارات رفتیم، تاکسیدرمی ندیدم. بهر حال کشورهای منطقه و جهان ظرفیت پذیرش این پروژه را دارند. البته شرایط باید فراهم باشد و روابط و مناسبات دولت ما با این کشورها دوستانه باشد تا بتوان کار را پیش برد.

۲- در زمینه توریسم و جهانگردی، تاکسیدرمی جایگاه خوبی می‌تواند داشته باشد، استفاده از ماهی یا انواع حیوانات دریایی پیرایش شده یا دیگر حیوانات با جعبه‌های شکیل از هر نوع سوغات دیگر جذاب‌تر است. مخصوصاً با دفترچه توضیحی همراه باشد و بسته فرهنگی پیوست داشته باشد.

اغلب هتل‌ها از آکواریوم به عنوان تزیین استفاده می‌کنند، در کنار آکواریوم چند دکور از حیوان‌های پیرایش شده می‌توانند برای زیبایی استفاده کنند و به عنوان تزیین در همه مراکز توریستی کاربرد دارد.

۳- بسیاری از هنرها و هنرمندان از این صنعت می‌توانند بهره‌مند باشند، مثل تئاترهای عروسکی نمی‌توان عروسک‌گردانی از حیوانات واقعی داشت، در نقاشی، در مجسمه‌سازی و در ده‌ها رشته هنری دیگر هم می‌توان از این محصولات استفاده کرد.

۴- برگزاری نمایشگاه‌های سیار شهری و کشوری از تاکسیدرمی‌های جذاب در مدارس، در دانشگاه‌ها هم زمینه دیگر است.

۵- راه‌اندازی پژوهش و تألیف در این حوزه هم مهم و جذاب است مثلاً درباره مراکز تاکسیدرمی در جهان یک کتاب مصور لازم است، درباره کبوترهای پیرایش شده در ایران یک کتاب تدوین و به چند زبان به جهان معرفی شود. و ده‌ها نوع پژوهش و تألیف دیگر می‌توان داشت.

۶- مبادله جانوران پیرایش شده بین کشورها هم یک رشته است.

گزارش موزه حیات وحش و طبیعی دارآباد: روز جمعه ۲۷ فروردین ۱۳۹۵ سه تن از دفتر فرهنگ معلولین به موزه دارآباد رفتند تا گزارشی تهیه کنند. این گزارش مختصر تهیه شد.

این موزه از نظر ساختمانی و فضاها پنج قسمت عمده دارد:

۱- قفس‌ها و فضاها‌ی مربوط به حیوانات زنده در فضای باز و در سالن

سرپوشیده

۲- سالن سرپوشیده شامل انواع تاکسیدرمی‌های بسیار زیبا

۳- بخش نمایش فیلم چند بعدی

۴- بخش نمایش و فروش سنگ‌های قیمتی و تزیینی

۵- بخش اداری و آموزشی

اما بخش مجسمه‌ها بسیار کم و ناقص است و نسبت به موزه‌های جهان اصلاً قابل مقایسه نیست. بخش حیوانات زنده در واقع عمومی نه تخصصی است یعنی از هر حیوان چندتایی برای رؤیت عموم مردم به نمایش گذاشته‌اند.

بخش جانور پیرایی‌ها به روز نیست و عمدتاً محصولات تلاش‌های دهه پنجاه و شصت است و لازم است در این زمینه گسترش یابد. مهم‌تر اینکه آموزشی و قابل استفاده برای نابینایان نیست مثلاً نمی‌توانند لمس کنند.

از مدیریت پرسیدم جزوه، کتاب یا CD توضیحی و آموزشی دارید، که فقط یک جزوه درباره سمندر ایرانی داشتند و متأسفانه اطلاعات جامع و گزارشی نداشتند.

مطالعه اشتغال معلولین

به دلیل اهمیت اشتغال، مطالعاتی از دهه پنجاه در این مورد سراغ داریم. و به برخی از این تحقیقات اشاره می‌کنیم.

صمد رفیعی، مقاله سودمند زیر را در سال ۱۳۵۰ منتشر کرد.

«اشتغال معلولین و نقش توانبخشی رشد اقتصادی»، مجله بورس دوره اول،

شهریور ۱۳۵۰، شماره ۹۸، ص ۴۸-۴۹ و ش ۹۹، مهر ۱۳۵۰، ص ۵۱-۵۳.

تا کنون حدود ۱۵۰ عنوان مقاله درباره اشتغال معلولین منتشر شده است. اما

هنوز جای کار در این زمینه خالی است.

اما حدود بیست عنوان پایان نامه درباره اشتغال معلولین بوده است مثل این موارد:

- بررسی میزان کیفیت زندگی معلولین جسمی - حرکتی استفاده کننده از آموزش های حرفه آموزی در مجتمع آموزشی رعد غرب در سال ۱۳۸۸، سیده زینب موسوی، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۸.

- بررسی مشکلات شغلی زنان معلول جسمی، فرانک زینعلی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۷۹.

این گونه مطالعات در تصمیم گیری و برنامه ریزی و طراحی نقش اساسی و تعیین کننده دارند و لازم است گسترش پیدا کنند.

اکنون فهرست فعالیت های علمی را تفکیک و طبقه بندی علمی تقدیم می گردد:

الف- کتاب ها

۱. اشتغال اشخاص ناتوان اصول راهنمای بکارگماری گزینشی. ترجمه رضا فرزام فر، تهران، دفتر مطالعات کار، وزارت کار و امور اجتماعی، ۱۳۶۶، ۱۳۶ ص.
۲. اشتغال معلولین: راهنمای انتخاب و به کارگماری معلولین به انضمام کلیه قوانین و مقررات مربوط به از کارافتادگی - معلولیت و اشتغال معلولین و ایثارگران. ترجمه و تالیف امین... علوی و مجید رشیدکابلی، تهران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۱، ۱۶۰ ص؛ چاپ قبلی: مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۳. عنوان روی جلد: اشتغال معلولین و قوانین مربوط به اشتغال از کارافتادگان، معلولین و جانبازان.
۳. بررسی تطبیقی حقوق معلولین در حوزه اشتغال. محمدعلی فرجی، تهران، جنگل؛ جاودانه، ۱۳۸۹، ۱۳۹ ص.
۴. بررسی مشاغل متناسب با قابلیت و تواناییهای جانبازان و معلولین. وزارت کار و امور اجتماعی. وزارت کار و امور اجتماعی.
۵. توانبخشی شغلی و حرفه ای معلولین. عبدالله شفیع آبادی، اصفهان، جنگل، ۱۳۸۲، ۷۲ ص.

۶. توانبخشی مبتنی بر جامعه: اشتغال معلولین به شیوه استاد شاگردی. محمدرضا اسدی، تهران، رشد فرهنگ، ۱۳۹۵، ۱۱۱ص.
۷. توانبخشی مسیر شغلی. زینب رستمی، یزد، گلبانگ تربیت، ۱۳۹۳، ۲۰۰ص.
۸. دانشکار (نظام جامع اشتغال و کارآفرینی). تدوین مهناز کاشی؛ مجری روابط عمومی و امور بین الملل، تهران، سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۹۳، ۷۹ص.
۹. کتابچه آموزشی برای خانواده‌ی فردی که فرد معلولی دارد: اشتغال به کار. تألیف سازمان بهداشت جهانی؛ ترجمه سازمان بهزیستی کشور، ستاد گسترش توانبخشی مبتنی بر جامعه، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۸۲، ۱۸ص.
۱۰. گام‌هایی لرزان برای معلولان: دستاوردهای دهه جهانی حمایت از معلولان. علی اسلامبولچی مقدم، همشهری، ۲۷ شهریور ۱۳۸۵، ص ۱۲.
۱۱. متناسب‌سازی مشاغل برای معلولین. استیفن گریو، ترجمه مجید رشید کابلی، دانشگاه اصفهان، اداره روابط عمومی، علمی و بین‌المللی، ۱۳۶۲، ۱۲۴ص.
۱۲. مجموعه سخنرانی‌های هم‌اندیشی (۱) : بررسی مسائل تعاونی‌های معلولین در ایران... گردآوری و تنظیم انجمن علمی تعاون ایران؛ برای وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، معاونت امور تعاون، تهران، نقش بیان، ۱۳۹۴، ۱۱۲ص.
۱۳. مجموعه مقالات اولین سمینار سراسری توسعه اشتغال معلولین (تهران- ۱۳۷۰). به کوشش ژیلا سهرابی، تهران، سازمان بهزیستی کشور، روابط عمومی، ۱۳۷۰، ۳۴۶ص، وزیری.
۱۴. مشاوره شغلی افراد ناتوان: راهنمای عملی برای یافتن شغل. کارن ولف، مترجمان نادره سعادت و مهدی رستمی، تهران، جنگل؛ جاودانه، ۱۳۹۵، ۲۹۹ص.
۱۵. مشاوره و توانبخشی شغلی حرفه‌ای افراد معلولان. محمدرضا بردیده و مریم یقینی، گرگان، انتشارات نوروزی، ۱۳۹۴، ۲۱۸ص.
۱۶. معلولین و قوانین کار. سمانه نیل‌فروش زاده، اصفهان، اندیشه گویا، ۱۳۹۵، ۷۸ص.
۱۷. نگرشی بر حقوق کارگران معلول. سیدعلی اصغر میرشجاعی، طاهره دلک‌آبادی، تهران، نشر پارسینه، ۱۳۹۴، ۲۳۵ص.
۱۸. وضعیت اشتغال معلولین آموزش دیده در مجتمع آموزشی نیکوکاران رعد از اسفند ۷۳ لغایت اسفند ۷۵. ستاره قهاری، بولتن روزانه شماره ۲ پنجمین کنگره کار درمانی ایران. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی. سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۷۶.

ب- پایان نامه‌ها

۱۹. برابری معلولان از حیث استخدام و اشتغال در نظام حقوقی ایران و اسناد بین المللی. پایان نامه کارشناسی ارشد، وجیهه زارع پورنقیبی، به راهنمایی بهرام مستقیمی و مشاوره بیژن عباسی، رشته حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
۲۰. بررسی اشتغال معلولین در حقوق ایران و امریکا با رویکرد به اسناد بین المللی. پایان نامه کارشناسی ارشد، ناهید نصیران نجف، به راهنمایی محمدرضا مجتهدی و مشاوره کمال الدین هریسی نژاد، دانشکده حقوق، دانشگاه تبریز، ۱۳۹۱.
۲۱. بررسی اشتغال معلولین و زمینه‌های اجتماعی و روانی و اقتصادی آن. پایان نامه کارشناسی ارشد، فروغ لاجوردی، رشته مدیریت توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی خدمات بهداشتی درمانی ایران، ۱۳۵۹.
۲۲. بررسی پیامدهای اشتغال معلولین به شیوه استاد شاگردی در مناطق تحت پوشش CBR استان هرمزگان در سال ۱۳۸۹. پایان نامه کارشناسی ارشد، محمدرضا اسدی، به راهنمایی مجید میرخانی و مشاوره سمانه حسین زاده، رشته مدیریت توانبخشی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۹۰.
۲۳. بررسی تاثیر عوامل آموزش حرفه ای بر اشتغال ناشنویان شهر مشهد طی سالهای ۱۳۷۴- ۱۳۷۸. پایان نامه کارشناسی ارشد، محمدجواد ابراهیمی، به راهنمایی علی چابک و مشاوره یونس لطفی و انوشیروان کاظمی نژاد، رشته مدیریت توانبخشی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۸۱.
۲۴. بررسی مشکلات اشتغال جانبازان بالای ۲۵٪ در استان کرمان. پایان نامه کارشناسی ارشد، یدالله قزوینی کر، به راهنمایی مهدی ابراهیمی نژاد و مشاوره محمد قزل ایاغ، رشته مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمان، ۱۳۷۷، ص ۱۸۸.
۲۵. بررسی مشکلات شغلی زنان معلول جسمی. پایان نامه کارشناسی ارشد، فرانک زینعلی، به راهنمایی مجید میرخانی و مشاوره مهیار صلواتی و مسعود کریملو، ۱۳۷۹.

۲۶. بررسی میزان انطباق عملکرد جانبازان معلول شاغل با شرح وظیفه آنها از دیدگاه سرپرستان. جواد عطائی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی مهدی ابراهیم‌نژاد و مشاوره محمدرقل ایاغ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمان، ۱۳۷۸.
۲۷. بررسی میزان شغلی زنان معلول جسمی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، فرانک زینعلی، به راهنمایی مجید میرخانی، رشته توانبخشی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۷۹.
۲۸. بررسی نگرش اولیاء و مربیان دانش‌آموزان عادی و نابینا نسبت به آینده شغلی و حرفه‌ای جوانان نابینا. محمد زارع نیستانک، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی باقر غباری بناب و مشاوره غلامعلی افروز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران، ۱۳۷۷.
۲۹. بررسی نگرش پسران ناشنوای مرکز توانبخشی حرفه‌ای آیت در ارتباط با تاثیر آموزش بر اشتغال. لیلا مجلل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی حسین حاج بابائی، رشته مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۷۹.
۳۰. بررسی نگرش کارفرمایان صنایع مختلف نسبت به استخدام و به‌کارگماری افراد عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر در شهر سبزوار. حمیدرضا صارمی منش، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی سیامک نقشبندی و مشاوره علی اکبر خسروی، دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، ۱۳۸۰.
۳۱. بررسی وضعیت اشتغال افراد دچار محدودیت جسمی - حرکتی (در سن اشتغال شهرستان بروجن). علی صمیمی شلمزاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی حبیب‌آقابخشی، رشته مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۷۴.
۳۲. بررسی وضعیت توانخواهان اشتغال‌یافته از طریق وام‌کارفرمایی در بهزیستی استان گیلان. قاسم حقیگو، به راهنمایی مریم شریفیان ثانی و مشاوره اصغر دادخواه، رشته مدیریت توانبخشی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۸۲.
۳۳. سیستم پشتیبانی تصمیم‌گیری انتخاب شغل معلولین و جانبازان. پایان‌نامه کارشناسی، بهرام حوالی شهریار، رشته مهندسی صنایع، ۱۳۷۱.

۳۴. مقایسه سلامت روان و سازگاری شغلی معلولین جسمی- حرکتی با توجه به همخوانی و ناهمخوانی رغبت‌هایشان با محیط کار. اشرف میرهاشمی، به راهنمایی ابوالفضل کرمی و مشاوره عبدالله شفیق آبادی، رشته مشاوره، گرایش مشاوره شغلی، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۰۵ص.
۳۵. مطالعه تطبیقی اصل عدم تبعیض بر مبنای معلولیت در حوزه اشتغال (ایران ، امریک و انگلستان). پایان نامه کارشناسی ارشد، محمدعلی فرجی، به راهنمایی حسن مرادزاده رحمت آبادی و مشاوره حسین شزیفی طرازکوهی، رشته حقوق، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۸.
۳۶. مطالعه تطبیقی شرایط اشتغال معلولین. پایان نامه کارشناسی ارشد، کتایون رهوردی، به راهنمایی عزت الله عراقی، رشته حقوق، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
۳۷. مطالعه تطبیقی وضعیت حقوقی اشتغال معلولین در ایران، انگلستان و استرالیا. پایان نامه کارشناسی ارشد، شبنم کاویانی انزجانی، به راهنمایی براقی نیا و مشاوره انصاری، رشته حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی. واحد تهران مرکزی، ۱۳۸۳، ۱۵۹ص.

ج- طرح‌های پژوهشی

۳۸. ارزیابی وضعیت اشتغال معلولین در سالهای ۷۸-۷۹ از محل تبصره ۱۱ در استانهای اصفهان و هرمزگان. طرح پژوهشی، مسئول: نازیلا دریایی، با همکاری ابراهیم نوریان، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۸۱.
۳۹. اشتغال به صنعت جانبازان (معلولان). طرح پژوهشی، نهادی تشکری، جهاد دانشگاهی دانشگاه صنعتی شریف.
۴۰. اشتغال معلولان در اسلامشهر. سامان بنی هاشم.
۴۱. اشتغال معلولین با ایجاد باجه های چند منظوره در سطح شهر تهران. گزارش دولتی. شهرداری تهران.
۴۲. بررسی تاثیر توانبخشی مبتنی بر جامعه بر وضعیت اشتغال معلولین در استان مازندران. طرح پژوهشی، پژوهشگر: سعید مرادی، کارفرما: اداره کل بهزیستی استان مازندران سازمان مجری: واحد استان مازندران (گزارش طرح های مصوب داخلی)، تاریخ خاتمه طرح: آبان ۱۳۸۷.

۴۳. بررسی توان بخشی حرفه ای در ایران و تعیین شاخصهای موثر در اشتغال معلولین و جانبازان شاغل. سازمان مجری: واحد علوم پزشکی تهران، تاریخ خاتمه طرح: دی ۱۳۶۳، سازمان مجری: واحد علوم پزشکی تهران.
۴۴. بررسی موانع موجود در کارایی و اشتغال معلولین. طرح پژوهشی، مجری طرح: مریم شریفیان ثانی، با همکاری احمد مومنی ازندریانی و علی اصغر مرادی و منوچهر محسنی و محمود فیروزیان، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۶۸.
۴۵. بررسی نقاط قوت و ضعف بند الف ماده ۷ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان (اختصاص حداقل سه درصد (۳%) از مجوزهای استخدامی به افراد معلول واجد شرایط) در استان سمنان. طرح پژوهشی، مجری: آریتا شریعت پناهی، ۱۳۹۲.
۴۶. تاثیر برنامه CBR در ایجاد اشتغال و کارایی معلولین. طرح پژوهشی، احمد فتوحی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی،
۴۷. سه طرح پیشنهادی درباره آموزش و اشتغال معلولین. طرح پژوهشی، ابوالقاسم نوری و عبدالحسین ساسان و اصغر سلطانی، اصفهان، ۱۳۹۱.
۴۸. شناسایی و معرفی طرح های مشاغل خانگی برای معلولان و سالمندان. منابع نیامده است (منبع: ایرانداک)
۴۹. طراحی، مدل سازی، برنامه نویسی و اجرای سامانه مشاوره آموزشی و هدایت شغلی معلولان. طرح پژوهشی، مجری: رقیه رحمانی، سازمان بهزیستی استان گلستان، ۱۳۹۲.
۵۰. طرح آموزش و اشتغال افراد معلول و آسیب دیده (توانبخشی)، آموزش و راهنمایی حرفه ای معلولین). طرح پژوهشی.
۵۱. طرح آموزش و اشتغال معلولین. طرح پژوهشی.

د- مقالات مجلات

۵۲. آشنایی با شرکت تعاونی الکترونیک معلولین. مهرناز شریعت، تعاون، دوره جدید، ش ۲۶، آبان ۱۳۷۲، صص ۲۰-۲۱.
۵۳. آموزش فنی و حرفه ای به معلولین. سیروس مخصوصی، هماهنگ، ش ۳۳.

۵۴. آموزش و توان بخشی حرفه‌ای دانش آموزان دارای نیازهای ویژه. صمد ساعی منش، تعلیم و تربیت استثنایی، ش ۲۶-۲۷، بهمن و اسفند ۱۳۸۲، صص ۱-۲.
۵۵. آموزش های کارآفرینی در تمام استان‌ها برگزار می شود. توان‌یاب، ش ۳۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، صص ۵-۹.
۵۶. آموزش‌های منجر به اشتغال. توان یاب، ش ۲۲، تابستان و پاییز ۱۳۸۵، صص ۳۸-۴۰.
۵۷. اثربخشی آموزش‌های ضمن خدمت دبیران و مربیان فنی - حرفه‌ای مدارس استثنائی شهر تهران بر خشنودی شغلی و توانمندی حرفه‌ای آنها. سیمین حسینیان و شهناز طباطبایی، اندیشه های نوین تربیتی، ش ۱۸، بهار ۱۳۸۸، صص ۱۱۵-۱۴۶.
۵۸. ارگونومی. گیسوقائم، صفه، ش ۳۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۰، صص ۵۸-۶۹.
۵۹. اشتغال افراد با ناتوانی‌ها در مراکز یکپارچه‌سازی شده. گیت استوری، ترجمه حمید علیزاده، تعلیم و تربیت استثنائی، ش ۳۴، مهر ۱۳۸۳، صص ۲-۸.
۶۰. اشتغال؛ چیزی بیش از قانون خواهی! حسین شیرخانی، پیک توانا، ش ۵۳، خرداد و تیر ۱۳۹۳، ص ۱۴؛ ش ۵۴، مرداد و شهریور ۱۳۹۳، ص ۱۶.
۶۱. اشتغال، خدمات و مددکاری اجتماعی. محترم رمضانلو و نسرین صانعی، توان یاب، ش ۲۰، زمستان ۱۳۸۴ و بهار ۱۳۸۵، صص ۱۸-۱۹.
۶۲. اشتغال معلولان. پیک توانا، ش ۳۲، دی و بهمن ۱۳۸۲، صص ۲۰-۲۲.
۶۳. اشتغال معلولان، آری یا خیر؟. فرزانه حبوطی، توان‌یاب، ش ۵۴، زمستان ۱۳۹۳، صص ۳۱-۳۲.
۶۴. اشتغال معلولان؛ فرش قرمز استقلال، نرخ بیکاری معلولان ۵ برابر افراد عادی است. میترا بهرامی، پیک توانا، ش ۶۵، دی و بهمن ۱۳۹۵، صص ۱۶-۷.
۶۵. اشتغال معلولین و مشکلات موانع موجود در این زمینه. کبری آهو خوش، توان یاب، ش ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۰، صص ۲۳-۲۵.
۶۶. اشتغال معلولین و نقش آن در رشد اقتصادی. صمد رفیعی، بورس، دوره اول، ش ۹۹، مهر ۱۳۵۰، صص ۵۱-۵۳.
۶۷. اشتغال معلولین و نقش توانبخشی در رشد اقتصادی. صمد رفیعی، بورس، دوره اول، ش ۹۸، شهریور ۱۳۵۰، صص ۴۸-۴۹.

۶۸. اشتغال؛ نقطه ی اصلی بازگشت معلولین به اجتماع. غلامرضا زرین کشفیان، پیک توانا، ش ۶۴، آذر ۱۳۹۵، ص ۴۸.
۶۹. اشتغال و کاراییی فارغ التحصیلان کم توان ذهنی. علیرضا احمدی، تعلیم و تربیت استثنائی، ش ۸۷، اسفند ۱۳۸۷، صص ۳۷-۴۶.
۷۰. اشتغال و مسکن؛ تسکین دردهای بی شمار؛ گزارش پیک توانا از دیدار یک دوست هم نشین با دو خانواده چندمعلولی. میترا بهرامی، پیک توانا، ش ۶۳، خرداد و تیر ۱۳۹۵، ص ۴۶.
۷۱. اقتصاد و معلولیت. مهرناز پورجعفر و سیما علیمردانی، پیک توانا، ش ۶۳، خرداد و تیر ۱۳۹۵، ص ۵۲.
۷۲. انتخاب‌های شغلی مناسب برای افراد دارای معلولیت. ترجمه افروز راشدی اشرفی، پیک توانا، ش ۶۱، دی ۱۳۹۴، ص ۲۲.
۷۳. ایجاد اشتغال و کارآفرینی برای افراد دارای معلولیت. توان یاب، ش ۴۴، تابستان ۱۳۹۱، صص ۲۱-۲۳.
۷۴. ایجاد فرصت های برابر برای افراد دارای معلولیت. توان یاب، ش ۳۹-۴۰، بهار و تابستان ۱۳۹۰، صص ۴۶-۴۸.
۷۵. این زخم درمان می شود. همشهری، ۱ مرداد ۱۳۷۵، ص ۵.
۷۶. با آموزش، فرد معلول امنیت شغلی احساس می کند. خسرو منصوریان، زن روز، ش ۱۵۹۷، ۱۱ اسفند ۱۳۷۵، صص ۱۰-۱۳.
۷۷. با معلولان موفق: معلولان نباید خودشان را از جامعه عادی جدا کنند. مصاحبه کننده: مریم افضلی، تعلیم و تربیت استثنائی، ش ۱۵، اسفند ۱۳۸۱، صص ۴۴-۴۶. گفتگو با فراز خانفاری، یکی از معلولان موفق است. وی فرد بسیار موفقی است، علی‌رغم مشکل بینایی که دارد؛ دانش‌آموز کوشایی است. در زمینه موسیقی فعالیت می کند و به زبان انگلیسی کاملاً مسلط است.
۷۸. بازگشت به زندگی شغلی افراد دارای معلولیت. سید مجیدمیرخانی، توان یاب، ش ۴۶، زمستان ۱۳۹۱، صص ۲۱-۲۴.
۷۹. بررسی تاثیر آموزش کارآفرینی بر توانمندسازی توان یاب. غلامعلی سرمد و ساناز مظاهری، همیار، ش ۵۴، تابستان ۱۳۹۱، صص ۱۳۲-۱۴۴.
۸۰. بررسی در زمینه معلولین و وضع اشتغال آنان. اکبر باقریان، کار و جامعه، ش ۲۷، آبان ۱۳۷۷، صص ۲۹-۳۳.

۸۱. بررسی زمینه اشتغال معلولین. عطاء الله مشنوی، کار و جامعه، ش ۳۷، بهمن و اسفند ۱۳۷۹، صص ۵-۱۲؛ ش ۳۸، خرداد ۱۳۸۰، صص ۱۲-۱۹.
۸۲. بررسی وضعیت اشتغال اعضای کانون ناشنویان شهر تهران. گیتا موللی و سید مجید میرخانی و شهروز نعمتی، مریم مللی، شنوایی شناسی، ش ۳۶، سال ۱۳۹۰، صص ۳۸-۴۶.
۸۳. برنامه ریزی های شغلی برای افراد کم توان در ژاپن. توان یاب، ش ۷-۸، پاییز و زمستان ۱۳۸۱، صص ۱۳-۱۵.
۸۴. به بهانه دوازدهم آذر، روز جهانی معلولین: کار و معلولیت. محمدرضا میرغلامی، بهداشت روان و جامعه، ش ۲۳، آذر ۱۳۸۶، ص ۳.*** در این مقاله به بهانه روز جهانی معلولین مطالبی درباره لزوم اشتغال معلولین آمده است.
۸۵. تاثیر توانبخشی در اشتغال بکار ناینبان تحت پوشش سازمان بهزیستی شهر اصفهان. شایسته صالحی، مجله علمی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی-درمانی اصفهان، ش ۸، صص ۴۴-۴۸.
۸۶. تاثیر وضعیت اشتغال، وضعیت تاهل، سطح تحصیلات، شدت آسیب و جنسیت بر وضعیت روان شناختی آسیب دیدگان جسمی-حرکتی در شهر اصفهان سال ۱۳۸۸. اعظم مرادی و قربان همتی علمدارلو و امیر قمرانی، روان شناسی افراد استثنایی، ش ۱۱، پاییز ۱۳۹۲ صص ۱۰۷-۱۲۶.
۸۷. تأملی بر حقوق معلولان از منظر کنوانسیون حقوق معلولان و سایر اسناد بین المللی. منوچهر توسلی نائینی و میرحسین کاویار، حقوق خصوصیریال ش ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، صص ۵۱-۸۲.
۸۸. تجربه های بوم ما: بستری ساخته ایم برای جست، برای خیز تگاپوی "خیریه یاوران معلولین ذهنی حضرت زینب (س)" در مسیر اشتغال و درمان نوجوانان و کودکان عقب مانده ذهنی. هدی صابر، تأمین اجتماعی، ش ۲۱، تابستان ۱۳۸۴، صص ۱۷۹-۱۹۸.
۸۹. تعیین موانع اشتغال افراد دارای معلولیت جسمی حرکتی و کاربرد های آن برای مدیران توانبخشی. علی عبادی و سید اسماعیل هاشمی شیخ شبانی و رویا قاسم زاده و سیدمحمد علی جعفری و سید محمود لطیفی، مطالعات ناتوانی، سال سوم، ش ۲، پاییز ۱۳۹۲، صص ۹-۲۲.

۹۰. توانبخشی سرآغاز توانمندسازی. توان‌یاب، ش ۴۱-۴۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، صص ۲-۳.
۹۱. توانبخشی شغلی معلولان. آرزو محمودیان دهکردی و ایارن باغبان، کار و جامعه، ش ۸۷-۸۸، شهریور و مهر ۱۳۸۶، صص ۳۵-۴۳.
۹۲. توانمندسازی اقتصادی افراد کم‌توان. پیک توانا. ش ۵۳، خرداد و تیر ۱۳۹۳، صص ۱۲.
۹۳. توانمندسازی معلولان در گرو مشارکت همه سازمان‌ها. توان‌یاب، ش ۴۳، بهار ۱۳۹۱، صص ۱۳-۱۴.
۹۴. جنبه‌های روان‌شناختی ناتوانی جسمی اشتغال به عنوان مهمترین عامل. ابوالقاسم نوری، جامعه‌شناسی کاربردی، ش ۷، زمستان ۱۳۷۴، صص ۸۵-۱۰۶.
۹۵. چرا استخدام افراد معلول باارزش است! استخدام افراد معلول می‌تواند به شرکت‌ها سود برساند. افروز راشدی اشرفی، پیک توانا، ش ۶۳، خرداد و تیر ۱۳۹۵، صص ۳۴-۳۵.
۹۶. چه عواملی بر فرصت‌های شغلی معلولان تاثیرگذار است؟. پیک توانا، ش ۴۳، مهر و آبان ۱۳۹۱، صص ۱۹-۲۰.
۹۷. حقوق بشر و حقوق کارگران معلول در مقررات داخلی و بین‌المللی. مصطفی‌السان، رفاه اجتماعی، ش ۱۳، تابستان ۱۳۸۳، صص ۵۷-۸۰.
۹۸. حقوق کار افراد دارای معلولیت در ایران: از نخستین تلاش‌های بین‌المللی تا کار شایسته. سعیدرضا ابدی و وحید آگاه، توانبخشی، ش ۵۱، بهار ۱۳۹۱، صص ۸۸-۱۰۱.
۹۹. خودباوری و اشتغال در فرهنگ اسلامی. محمد نوری، توان‌یاب، ش ۵۹، بهار ۱۳۹۵، صص ۶۴-۶۵.
۱۰۰. راهبرد‌هایی برای تضمین توانمندسازی اقتصادی افراد کم‌توان. محمدرضا اسدی، پیک توانا، ش ۵۴، مرداد و شهریور ۱۳۹۳، صص ۱۴.
۱۰۱. رشد ۲۵ درصدی فروش سالانه محصولات فیروز به همت معلولان. پیک توانا، ش ۶۵، دی و بهمن ۱۳۹۵، صص ۲۹.
۱۰۲. روش نوین در توانبخشی حرفه‌ای و اشتغال معلولین. ن کوپر، ترجمه فاطمه بزرگ‌نیا، نامه بهزیستی، ش ۱۶، صص ۲-۷.

۱۰۳. سازمان بهزیستی در رابطه با آموزش فنی و حرفه‌ای معلولین چه می‌کند؟. هماهنگ، ش ۲۶، بهار ۱۳۷۲، صص ۳-۱۲.
۱۰۴. سازمان‌های غیر دولتی (NGO'S) و تأثیر آنها بر اشتغال گروه های خاص. میرعلی سیدنقوی، کار و جامعه، ش ۶۹-۷۰، اسفند ۱۳۸۴ و فروردین ۱۳۸۵، صص ۲۵-۳۶.
۱۰۵. سازوکارهای حمایت از حق اشتغال اشخاص دارای معلولیت در حقوق ایران و اسناد بین المللی حقوق بشر. شهرام زرافشان، پژوهشهای حقوقی، ش ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۸۷، صص ۱۰-۱۱.
۱۰۶. سیر ایجاد انگیزه کار در توان یابان. توان یاب، ش ۱، پاییز ۱۳۷۹، صص ۱۵-۲۰.
۱۰۷. فراهم کردن فرصت شغلی. محمدرضا اسدی، پیک توانا، ش ۵۵، مهر و آبان ۱۳۹۳، ص ۱۷.
۱۰۸. فیروز، نامی آشنا برای جامعه؛ معلولان از سد نگرش‌های نادرست عبور کردند. رقیه بابایی، پیک توانا، ش ۶۴، آذر ۱۳۹۵، صص ۲۹-۳۱.
۱۰۹. کارآفرینی اجتماعی. توان یاب، ش ۳۵-۳۶، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صص ۶-۱۰.
۱۱۰. کارآفرینی معلولان بایدها و نبایدها. توان یاب، ش ۳۵-۳۶، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صص ۳-۶.
۱۱۱. کاردرمانی با افزایش استقلال فردی. توان یاب، ش ۳۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، صص ۲۲-۲۴.
۱۱۲. کارگاهی برای معلولان در لیندن برگ. پیام مهندس، ش ۳۴، آبان ۱۳۸۵، صص ۹۷-۱۰۰.
۱۱۳. گزارش سازمان بین المللی کار از اشتغال معلولان. توان یاب، ش ۳۱، بهار و تابستان ۱۳۸۸، صص ۲۱-۲۲.
۱۱۴. گزارش تکمیلی همایش کارآفرینی اجتماعی. توان یاب، ش ۵۵، بهار ۱۳۹۴، صص ۶۴-۶۵.
۱۱۵. گزارش سازمان بین المللی کار از اشتغال معلولان. توان یاب، ش ۳۱، بهار و تابستان ۱۳۸۸، صص ۲۱-۲۳.
۱۱۶. مدیر مرکز توانبخشی حرفه‌ای میسا: علاقه، شرط اول در اشتغال پایدار است. توان یاب، ش ۵۴، زمستان ۱۳۹۳، صص ۱۷-۲۰.

۱۱۷. مشارکت مردمی در آموزش حرفه‌ای و اشتغال معلولین. هماهنگ، ش ۲۶، بهار ۱۳۷۲، صص ۴۳-۴۶.
۱۱۸. مطالعه تطبیقی اصل عدم تبعیض بر مبنای معلولیت در حوزه اشتغال. محمدعلی فرجی، حقوق پزشکی، ش ۲۹، تابستان ۱۳۹۳، صص ۱۶۶-۱۹۵.
۱۱۹. معلولان هم می‌توانند فریلنسر یا آزاد کار باشند. مانی رضوی زاده، توان‌یاب، ش ۶۲، زمستان ۱۳۹۵، صص ۸-۹.
۱۲۰. مقایسه عدالت سازمانی، خشنودی شغلی و سلامت روانی کارکنان معلول و غیرمعلول سازمان‌های دولتی شهر اهواز. ناصر بهروزی و عبدالزهر نعامی و حسین شکرکن و منوچهر تقی‌پور، مجله علوم تربیتی و روانشناسی، ش ۱۵، بهار ۱۳۸۷، صص ۱۳۷-۱۵۲.
۱۲۱. موانع اشتغال افراد با آسیب بینایی. ستاره شجاعی، تعلیم و تربیت استثنایی، ش ۱۰۶، اسفند ۱۳۸۸، صص ۳۴-۴۱*.
۱۲۲. موانع اشتغال افراد با آسیب بینایی و راهکارهای موجود. مریم اصغری، تعلیم و تربیت استثنایی، ش ۹۸-۹۹، بهمن و اسفند ۱۳۸۸، صص ۴۵-۵۲***.
۱۲۳. موسوی، امروز در حوزه ی مهم اشتغال معلولان فعالیت می‌کند. پیک توانا، ش ۵۰، آبان و آذر ۱۳۹۲، صص ۲۲-۲۳.
۱۲۴. ناتوانی و کار (حرفه آموزی برای افراد دارای اختلالات طیف اتیسم). سیدعلی صمدی، تعلیم و تربیت استثنایی، ش ۱۰۶، اسفند ۱۳۸۹، صص ۲۷-۳۳.
۱۲۵. نحوه بازنشستگی جانبازان، معلولان عادی و شاغل مشاغل سخت. برنامه، ش ۱۶۸، ۱۳ خرداد ۱۳۸۵، ص ۱۲.*** هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۵ بنا به پیشنهاد وزارت رفاه و تأمین اجتماعی آیین‌نامه اجرایی قانون یاد شده تصویب کرد. در این نوشتار متن این قانون آمده است.
۱۲۶. نخستین کنفرانس ملی کارآفرینی اجتماعی در حوزه معلولیت؛ گزارش اجمالی از برنامه افتتاحیه. توان‌یاب، ش ۵۴، زمستان ۱۳۹۳، صص ۱۲-۱۳.
۱۲۷. نقش تعاونیها در بهبود کیفیت زندگی معلولین. ریچارد آرکنو، ترجمه اصغر بیات، تعاون، ش ۲۴۱، اردیبهشت ۱۳۸۳، صص ۳۱-۳۲.
۱۲۸. نقش کار و روشهای افزایش اشتغال معلولین. ابوالقاسم نوری، جامعه‌شناسی کاربردی، ش ۱، بهار ۱۳۶۶، صص ۲۷-۳۸.

۱۲۹. وضعیت اشتغال و رضایت شغلی دانش آموختگان نابینای شاغل در شهر تهران. فرح ترکمان و ستار افزا، مطالعات جامعه شناختی ایران، ش ۴، بهار ۱۳۸۱، صص ۲۳-۴۲.
۱۳۰. هدف ما ایجاد اشتغال پایدار در بچه هاست. توان یاب، ش ۵۴، زمستان ۱۳۹۳، صص ۷-۹.
۱۳۱. هدف ما این است که حتی الامکان هیچ توان یاب ماهری، بدون شغل نباشد. علیرضا آتشک، توان یاب، ش ۵۶، تابستان ۱۳۹۴، ص ۱۰.

ه- مقالات همایش ها

۱۳۲. اشتغال افراد معلول. باقر غباری، خلاصه مقالات حقوق کودکان و دانش آموزان استثنایی (با رویکرد برابری فرصتها در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی).
۱۳۳. اشتغال جانبازان در صنایع. غلامعباس زارع میرک آبادی، مجموعه مقالات اولین سمینار سراسری توسعه اشتغال معلولین. سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۷۰.
۱۳۴. اشتغال معلولین از دیدگاه اسلام. محمد گلپایگانی، مجموعه مقالات اولین سمینار سراسری توسعه اشتغال معلولین. سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۷۰.
۱۳۵. اشتغال زائی و ایجاد فرصتهای مناسب شغلی برای معلولین. مژگان رادفر، چکیده مقالات نخستین همایش توسعه و سازندگی استان آذربایجان غربی. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور. استانداری. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه ارومیه. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۷۶.
۱۳۶. امکانات مرکز گسترش خدمات تولیدی و عمرانی در توسعه اشتغال معلولین. فواد کریمی، مجموعه مقالات اولین سمینار سراسری توسعه اشتغال معلولین. سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۷۰.
۱۳۷. بررسی رابطهی بین آموزشهای حرفه ای مدارس استثنایی با اشتغال فارغ التحصیلان آن در آینده. کاظم راد، مقالات دومین کنفرانس ملی روانشناسی و علوم رفتاری، ۱۳۹۳.
۱۳۸. بررسی نگرش پرستاران بیمارستان های شهرستان نحف آباد نسبت به موانع اشتغال معلولان در جامعه. کاظم تجاوند، برنامه و خلاصه مقالات دومین کنگره سراسری پرستاری توانبخشی، اسفند ۱۳۸۱.

۱۳۹. تاثیر توانبخشی در اشتغال بکار نایبانیان تحت پوشش سازمان بهزیستی شهر اصفهان. میزبه شهانه و لیلی عالی پور، برنامه و خلاصه مقالات دومین کنگره سراسری پرستاری توانبخشی.
۱۴۰. جایگاه توانبخشی حرفه‌ای و اشتغال معلولین در نظام توانبخشی. مجید میرخانی، مجموعه مقالات اولین سمینار سراسری توسعه اشتغال معلولین. سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۷۰.
۱۴۱. حمایت‌های قانونی از اشتغال معلولین. مریم شریفیان ثانی، مجموعه مقالات اولین سمینار سراسری توسعه اشتغال معلولین. سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۷۰.
۱۴۲. راهکارهای لازم برای گسترش فضای کسب و کار و ایجاد فرصت‌های شغلی برای معلولان. زهرا آقایی، مقالات اولین کنفرانس دانشجویی کارآفرینی کشور، ۱۳۹۰.
۱۴۳. سیمای کلی جمعیت و اشتغال در کشور. محمد عزیزاده، مجموعه مقالات اولین سمینار سراسری توسعه اشتغال معلولین. سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۷۰.
۱۴۴. طراحی توانبخشی مبتنی بر کار آفرینی معلولان گامی موثر در توانمند سازی و توسعه پایدار شهری. رفیعه للحج و حسن ستاری ساربانقلی، اولین همایش ملی افق‌های نوین در توانمند سازی و توسعه پایدار معماری، عمران، گردشگری، انرژی و محیط زیست شهری و روستایی. انجمن ارزیابان محیط زیست هگمتانه، ۱۳۹۳.
۱۴۵. فراهم‌سازی شرایط اشتغال زایی و آماده سازی معلولان جهت اشتغال پس از سن رشد. افسانه پت رامی و سیما صفوی‌پور و خاور ترابی بروجردی، خلاصه مقالات حقوق کودکان و دانش آموزان استثنایی (با رویکرد برابرسازی فرصتها در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی).
۱۴۶. فراهم‌سازی شرایط اشتغال زایی و آماده سازی معلولان جهت اشتغال پس از سن رشد. سهیلا ملکیان، خلاصه مقالات حقوق کودکان و دانش آموزان استثنایی (با رویکرد برابرسازی فرصتها در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی).
۱۴۷. کارگاه‌های تولیدی حمایتی رهیافتی در جهت آموزش حرفه‌ای و اشتغال زایی معلولین. سیروس مخصوص، بولتن خلاصه مقالات بصورت پوستر نخستین کنگره ضایعات نخاعی ایران.
۱۴۸. متناسب‌سازی مشاغل (ارگونومی). علی اصغر مرادی، مجموعه مقالات اولین سمینار سراسری توسعه اشتغال معلولین. سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۷۰.

۱۴۹. مسائل مشکلات اشتغال معلولین. عبدالحسین عریان، مجموعه مقالات اولین سمینار سراسری توسعه اشتغال معلولین، سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۷۰.
۱۵۰. نقش صنایع دستی در توسعه اشتغال معلولین. مرتضی حسینی، مجموعه مقالات اولین سمینار سراسری توسعه اشتغال معلولین. سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۷۰.
۱۵۱. نقش مجتمع‌های روستائی در اشتغال روستائی. فریدون حریقی، مجموعه مقالات اولین سمینار سراسری توسعه اشتغال معلولین. سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۷۰.
۱۵۲. نگرشی کمیسیون کار مجلس شورای اسلامی در اشتغال معلولین. فخرالدین هاشمی، مجموعه مقالات اولین سمینار سراسری توسعه اشتغال معلولین. سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۷۰.

و- مقالات روزنامه‌ها

۱۵۳. آموزش فنی و حرفه‌ای، گستردن توانایی‌های معلولان. اطلاعات، ۴ اردیبهشت ۱۳۷۴، ص ۵.
۱۵۴. آیین نامه اشتغال معلولین باید تجدید نظر شود. اطلاعات، دوشنبه ۲۸ مهر ۱۳۸۲، ص ۱۱.
۱۵۵. اجرای قانون، ضامن تحقق عدالت. شهره خالقی‌راد، اطلاعات، ۲ مرداد ۱۳۸۵، ص ۱۱. در این مقاله ضرورت اجرای قانون جامع حمایت از حقوق معلولین و توجه به اشتغال معلولان با توجه به این قانون بررسی شده است.
۱۵۶. استیفای حقوق کارگران معلول و وظایف تشکیلات کارگری. کار و کارگر، ۱۷ دی ۱۳۸۱، ص ۴. گزارشی از گردهمایی سه جانبه "اشتغال معلولین" (تایلند/ ۲۰۰۳) است.
۱۵۷. اشتغال دانش‌آموزان استثنایی. علیرضا اوسطی آشتیانی، ایران، ۲۲ آذر ۱۳۸۴، ص ۹.
۱۵۸. اشتغال، سازگاری اجتماعی و عاطفی معلولان را بیشتر می‌کند. اطلاعات، دوشنبه ۲۸ مرداد ۱۳۸۱، ص ۱۱.
۱۵۹. اشتغال معلولان، کلاف سردرگم. محمدحسن نوپور، همشهری، ۶ آبان ۱۳۸۲، ص ۲۰.

۱۶۰. اشتغال معلولین از طریق شرکت های تعاونی. علی تهرانی معتمد، اطلاعات، ۱۴ آذر ۱۳۷۲، ص ۱۱-۱۴.
۱۶۱. اشتغال زایی برای نابینایان، در گرو تحول نظام توانبخشی است (به مناسبت ۲۳ مهر، روز جهانی عصای سفید). علی خواجه حسینی، اطلاعات، دوشنبه ۱۵ مهر ۱۳۸۱، ص ۱۱.
۱۶۲. اعتبار اشتغال زایی معلولان ۵۰ درصد افزایش یافت. اطلاعات، دوشنبه ۸ دی ۱۳۸۲، ص ۱۱.
۱۶۳. اقتصاد معلولین. حسن مخملی، جهان اقتصاد، ۲۱ آذر ۱۳۸۰، ص ۴؛ ۷ بهمن ۱۳۸۰، ص ۴. این مقاله در چندین شماره روزنامه جهان اقتصاد در ماههای آذر و دی و بهمن ۱۳۸۰ آمده است.
۱۶۴. این زخم درمان می شود، همشهری، ۱ مرداد ۱۳۷۵، ص ۵.
۱۶۵. بازار پر دست انداز اشتغال در برابر معلولان بیکار. اعتماد، ۱۷ خرداد ۱۳۸۳، ص ۷.
۱۶۶. بد زیستی برای معلولان. سهیل معینی، اعتماد، ۲۸ مهر ۱۳۸۳، ص ۷.
۱۶۷. بررسی مشکلات اشتغال نابینایان به جای جشن های پرهزینه. رسالت، ۲۲ مهر ۱۳۷۵، ص ۱۳.
۱۶۸. برنامه های کره جنوبی در دهه معلولین آسیا و اقیانوسیه. اطلاعات، ۲۷ مهر ۱۳۷۶، ص ۱۱.
۱۶۹. پانزده سال انتظار برای اجرای قانون (قانون الزام استخدام معلولین از سوی دولت). کیوان حسینی، ایران، ۲۴ مهر ۱۳۷۹، ص ۸. موضوع: قانون الزام استخدام معلولین از سوی دولت
۱۷۰. پیش نیاز اشتغال. مرتضی مقدمی پور، اطلاعات، ۲۸ تیر ۱۳۷۷، ص ۱۱؛ ۱۱ مرداد ۱۳۷۷، ص ۱۱.
۱۷۱. تأکید بر اختصاص ۳ درصد از استخدام های دولتی به معلولان. اطلاعات، چهارشنبه ۱۵ شهریور ۱۳۸۹، ص ۳ (ضمیمه).
۱۷۲. تداوم حضور معلولان در صحنه، کلید تحقق قانون. محمد کمالی، اطلاعات، ۳ بهمن ۱۳۸۴، ص ۱۱.
۱۷۳. تصورات ما از نابینایان غیر واقعی است. بیتا مهدوی، انتخاب، ۱۳ آذر ۱۳۸۲، ص ۵.
۱۷۴. توانایی های حرفه ای نابینایان. علی خواجه حسینی، ایران، ۲۴ مهر ۱۳۷۹، ص ۸.

۱۷۵. حق اشتغال افراد کم توان ذهنی. احمد آملی، همشهری، ۱۲ آذر ۱۳۷۹، ۲۸ ص.
۱۷۶. حقوق لگدمال شده روشندان. علی اکبر جمالی، صدای عدالت، ۳ آبان ۱۳۸۲، ص ۳.
۱۷۷. در انتظار اجرای قوانین: به مناسبت ۱۲ آذر، روز جهانی معلولان. نگین حسینی، اطلاعات، ۱۲ آذر ۱۳۸۶، ص ۲.
۱۷۸. زنان معلول؛ بیکاری یا شرایط کاری طاقت فرسا. دوشنبه ۶ اسفند ۱۳۸۰، ص ۱۱.
۱۷۹. ستاد حل مشکل اشتغال معلولان تشکیل می‌شود. مینا شهینی، همشهری، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۵، ص ۶.
۱۸۰. سهم معلولان از فرصت‌های شغلی. محمدعلی فرجی، اطلاعات، چهارشنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۸۸؛ چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۸؛ چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۸؛ چهارشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۸؛ چهارشنبه ۳ تیر ۱۳۸۸، ص ۶ (ضمیمه).
۱۸۱. شعارامسال روز جهانی: کار مناسب برای معلولان. اسماعیل برقی، اطلاعات، دوشنبه ۱۲ آذر ۱۳۸۶، ص ۱ (ضمیمه).
۱۸۲. ظفره مسئولان از استخدام معلولان: بررسی یکی از بندهای شانزده‌گانه قانون جامع حمایت از حقوق معلولان. فرزانه حبوطی، همشهری، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۷، ص ۱۵.
۱۸۳. فرصت‌سازی برای اشتغال نابینایان. الهام یوسفیان، کیهان، ۱ آبان ۱۳۸۴، ص ۱۱.
۱۸۴. فرصت‌های شغلی برای نابینایان، انگشت‌شمار است. عطا صدری، قدس، ۱۴ اسفند ۱۳۷۶، ص ۷.
۱۸۵. فرهنگ‌سازی و اشتغال معلولین. محسن حسینی‌طه، اطلاعات، ۸ آبان ۱۳۸۵، ص ۱۱.
۱۸۶. کار مناسب برای افراد ناتوان: شعار امسال روز جهانی معلولان. علی اسلامبولچی مقدم، همشهری، ۱۲ آذر ۱۳۸۶، ص ۲۷.
۱۸۷. کار مناسب برای معلولان: شعار امسال روز جهانی! اسماعیل برقی، ضمیمه اطلاعات، ۱۲ آذر ۱۳۸۶، ص ۲.
۱۸۸. کار درمانی، تلفیق شایسته علم و هنر، منصور یوسف‌زاده دوانی، اطلاعات، یکشنبه ۲۱ مرداد ۱۳۷۵، ص ۱۱.
۱۸۹. کاردرمانی: تاریخچه و حیطه فعالیت. مریم میری، اطلاعات، دوشنبه ۲۸ بهمن ۱۳۸۱، ص ۱۱.

۱۹۰. کاردرمانی؛ پاسخی کامل تر به معلولیت کودکان. واحد تحقیقات و اطلاع‌رسانی مرکز توانبخشی آینده، اطلاعات، یکشنبه ۸ تیر ۱۳۷۶، ص ۱۱.
۱۹۱. مدیرکل دفتر امور رفاهی سازمان بهزیستس: قانون استخدام معلولان ضمانت اجرایی ندارد. اطلاعات، دوشنبه ۲ تیر ۱۳۸۲، ص ۱۱.
۱۹۲. معاونت حمایت از معلولان را در ریاست جمهوری تشکیل دهید. کیهان، ۳ اسفند ۱۳۸۴، ص ۹.
۱۹۳. معلولان، رو در روی درهای بسته اشتغال. اعتماد، ۱۸ خرداد ۱۳۸۳، ص ۷.
۱۹۴. معلولان: مشتاق کار، تلاش و زندگی پرتنوع. همشهری، ۱۸ آذر ۱۳۷۶، ص ۵.
۱۹۵. معلولان و مشکل بیکاری. غلامرضا احمدی، صدای عدالت، ۲۹ تیر ۱۳۸۱، ص ۳.
۱۹۶. معلول‌ها توانا ترند. رضا خسروی، همشهری، ۱۲ آذر ۱۳۷۴، ص ۵.
۱۹۷. معلولی که شاغل باشد معلول نیست!. روزنامه کیهان، ۳ دی ۱۳۹۰، ص ۷.
۱۹۸. موانع موجود در اشتغال افراد دارای معلولیت. معصومه نوری، اطلاعات، چهارشنبه ۲۳ دی ۱۳۸۸، ص ۶ (ضمیمه).
۱۹۹. نامه یک نابینای بیکار: هیچ کس به من کمک نکرد. اطلاعات، دوشنبه ۷ مرداد ۱۳۸۱، ص ۹.
۲۰۰. وام اشتغال معلولان. محمدحسن نوپور، همشهری، ۱۳ آبان ۱۳۸۲، ص ۲۰.
۲۰۱. وضعیت اشتغال معلولان. محمدعلی فرجی، اطلاعات، چهارشنبه ۴ دی ۱۳۸۷؛ چهارشنبه ۳۰ بهمن ۱۳۸۷، ص ۶ (ضمیمه):.

English books

- Adaptation of jobs and the employment of the disabled.** International Labour Office, International Labour Office, 1984, 112p.
- Affirmative Action in the Employment of Ethnic Minorities and Persons with Disabilities.** Jane Hodges-Aeberhard & Carl Raskin & International Labour Office & International Labour Organisation, Geneva:International Labour Organization, 1997, 115p.
- Disability and Employment in Asia.** International Labour Office, International Labour Office, 1994, 16p.
- Disability, discrimination, and equal opportunities: a comparative study of**

the employment rights of disabled persons. Brian John Doyle, Mansell, 1995, 380p.

Disability Employment Support: Fulfilling Potential, Government's Response to the Consultation on the Recommendations in Liz Sayce's Independent Review Getting In, Staying in and Getting On. Great Britain & Department for Work and Pensions, The Stationery Office, 2012, 56p.

Disabled People and Employment: A Review of Research and Development Work. Helen Barnes & Patricia Thornton & Sue Maynard Campbell, Policy Press, 1998, 59p.

Disabled Veterans' Employment: Additional Planning, Monitoring, and Data Collection Efforts Would Improve Assistance. DIANE Publishing,

Employment of Disabled Men: Meeting of Experts for the Study of Methods of Finding Employment for Disabled Men (Geneva, 31 July, 1 and 2 August 1923) Report Submitted to the Experts, Minutes of Proceedings of the Meeting of Experts, Resolutions Adopted B. International Labour Office, 1923, 282p.

Employment of disabled veterans in federal agencies: hearing before the Subcommittee on Education, Training, and Employment of the Committee on Veterans' Affairs, House of Representatives, One Hundred First Congress, first session, November 9, 1989. United States. Congress. House. Committee on Veterans' Affairs. Subcommittee on Education, Training, and Employment, U.S. G.P.O., 1990, 43p.

Employment of the Disabled: A Study of the Employment Exchanges. D. Uma Devi & P. Adinarayana Reddy, Sarup & Sons, 2006, 121p.

Employment policies for disabled people in eighteen countries: a review. Patricia Thornton & Neil Lunt & International Labour Office & University of York. Social Policy Research Unit, Commission of the European Communities, University of York, Social Policy Research Unit, 1997,

Employment Strategies for People with Disabilities : the Role of Employers: Report Prepared by a Study Group 1993-94 Programme

- of Co-ordinated Research in the Social Field, Part 63, Council of Europe.** Steering Committee for Employment and Labour, Council of Europe Press, 1995, 96p.
- Employment, Disability, and the Americans with Disabilities Act: Issues in Law, Public Policy, and Research.** Peter David Blanck, Northwestern University Press, 2000, 488p.
- International Seminar on Employment of the Disabled.** World Veterans Federation, "Četvrti jul" Novinsko izdavačka ustanova Saveza udruženja boraca narodnooslobodilačkog rata Jugoslavije, 1962, 115p.
- New technologies and the employment of disabled persons.** edited by H. Allan Hunt, Monroe Berkowitz, Geneva: International Labour Office, 1992, 162p.
- Rehabilitation of Disabled Workers and Employment of the Handicapped: A Report to the Governor's Commission on Employment of Handicapped Persons.** Chester Arthur Williams, Minnesota. Governor's Commission on Employment of Handicapped Persons, 1970, 162p.
- Specialist Disability Employment Programmes: Government's Response to Liz Sayce's Independent Review of Specialist Disability Employment Programmes, Getting In, Staying in and Getting On.** Liz Sayce & Great Britain. Department for Work and Pensions, The Stationery Office, 2011, 24p.
- The Decline in Employment of People with Disabilities: A Policy Puzzle.** David C. Stapleton & Richard V. Burkhauser, W.E. Upjohn Institute, 2003, 429p.
- The employment of people with disabilities: research into the policies and practices of employers.** Judy Morrell & Great Britain & Dept. of Employment, Employment Department Group, 1990, 24p.
- The right to decent work of persons with disabilities.** Arthur O'Reilly, Geneva:International Labour Office, 2007, 149p.
- Vocational Rehabilitation and Employment of Disabled Persons.** International Labour Organization, 1998, 115p.

نتیجه گیری

موفقیت در بخش اشتغال معلولان بدون طرح و برنامه امکان پذیر نیست. طرح یعنی ترسیم جاده ای که ابتدا و انتها دارد، معلوم است از چه مراحل و مواضعی باید عبور کرد؛ چه امکانات و اهدافی در اختیار است.

نیروهای انسانی، مراکز حقوقی و نهادهای اعم از دولتی و مردمی چه وظایفی دارند و تقسیم کار بین آنها چگونه است؟

مهم تر اینکه در طول ده سال به کجاها و چه اهدافی می رسند؟ نیز هر سال باید به چه هدف هایی برسند؟ در صورتی که نرسیدند، عوامل هشدار دهنده، شروع به بررسی علل و عوامل کرده و در صورت انحراف و کج روی، راه صحیح را نشان می دهند. برای این منظور اتناق فکر منظور می شود هر عملیات و هر تصمیم و اقدامی در این خط مشی، اولاً مطالعه شده و ثانیاً در اختیار عموم قرار می گیرد. در واقع این رویه که تصمیمی گرفته شود، چند سال هزینه شود و پس از مدتی متوجه شوند اشتباه بوده است. یعنی بعد از اینکه ده ها یا صدها میلیون تومان هزینه شده، وقت و نیروی کار بسیاری تلف شده است.

مسئولین و مدیران هر جا اشتباه داشته باشند و تصمیم آنان با خط مشی اصلی تطابق نداشته باشد فوراً اتناق فکر، خطا بودن آن را اعلام می کند. هر سه ماه یکبار پیشرفت امور یا پیشرفت احتمالی امور اعلام می گردد.

این گونه سامانه های جامع در کشورهای پیشرفته اجرا شده و نتایج مثبت آن را به وضوح دیده اند.

شش فصل این کتاب چشم اندازی از این طرح و برنامه است. البته هنوز نیاز به مطالعه بیشتر دارد. و امید است بتوانیم نظرات و تجارب بیشتری را بگیریم و در این طرح نامه بیاوریم.

منابع

- آشنایی با شرکت تعاونی الکترونیک معلولین، مهرناز شریعت، مجله تعاون، ش ۲۶.
- آن سوی تاریکی، پری زنگنه، تهران، کتاب سرا، ۱۳۸۷.
- اسلام و تأمین اجتماعی، احمد قابل، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۸۳.
- اسلام و تأمین اجتماعی، هادی قابل.
- اشتغال معلولان از دیدگاه اسلام، محمد گلپایگانی، جزوه.
- اصفهان شهر چهره‌های جهانی، هوشنگ مظاهری، اصفهان، انتشارات غزل، ۱۳۸۶.
- امکانات مرکز گسترش خدمات تولیدی و عمرانی در توسعه اشتغال معلولین، فؤاد کریمی، جزوه.
- «بررسی در زمینه معلولین و وضع اشتغال آنان»، اکبر باقریان، کار و جامعه، ش ۲۷، آبان ۱۳۷۷.
- بررسی پیامدهای اشتغال معلولین، محمدرضا اسدی، پایان نامه، دانشگاه بهزیستی، ۱۳۹۰.
- بررسی وضعیت توانخواهان اشتغال یافته از طریق وام کارفرمایی در بهزیستی استان گیلان، قاسم حقگو، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۸۲.
- تحف العقول عن اخبار آل الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، ابن شعبه حرانی، ترجمه احمد جنتی، تهران.
- «التجربة الألمانية في رعاية الأيتام و القُصر»، الریکه صوان، القُصر رعاية و تأهیلاً و استثماراً، دبی، مؤسسة الاوقاف و شؤون القصر، ۲۰۰۶م، ص ۲۴۱-۲۶۰.
- ترجمه الحیاة، محمدرضا حکیمی، محمد حکیمی، ترجمه احمد آرام.
- ترجمه تفسیر المیزان، سید محمد حسین طباطبایی، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۴.
- تفسیر نوین، محمدتقی شریعتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷.
- «توانبخشی شغلی معلولان» آرزو محمودیان و ایران باغبان، مجله کار و جامعه، شهریور و مهر ۸۶، ش ۸۷ و ۸۸، ص ۳۵-۳۸.
- توانبخشی شغلی و حرفه‌ای معلولین، عبدالله شفیع آبادی، اصفهان، جنگل، ۱۳۸۲.
- حقوق معلولان ایران، علی نوری، قم، دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۵.
- الحیاة، محمدرضا حکیمی، ترجمه احمد آرام، قم، دلیل ما، ۱۳۹۰.

جایگاه توانبخشی حرفه‌ای و اشتغال معلولین در نظام توانبخشی، سخنرانی و جزوه، سید مجید میرخانی.

خبرگزاری مهر، ۱۵ مهرماه ۱۳۹۲.

دانشنامه دانش گستر، کامران فانی و دیگران، تهران، مؤسسه دانش گستر روز، ۱۳۸۹.

دانشنامه ناشنویان، محمد نوری، تهران، مؤسسه فرجام جام‌جم، ۱۳۷۶.

ده هزار ضرب المثل فارسی، ابراهیم شکورزاده، مشهد، انتشارات آستان قدس، ۱۳۷۲.
رایحه (مجله قرآنی ایکن، ویژه مسابقات بین‌المللی قرآن)، سال دهم، ش ۱۲۴، تیرماه ۱۳۹۵.

سالشمار زندگی، فعالیت‌ها، خدمات و درباره‌های جبار باغچه‌بان، محمد نوری، قم، دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۵.

سایت ایستا، ۱۰ آبان ماه ۱۳۹۴.

سایت دولت، آبان ۱۳۹۳.

سیکولوجیة ذوی الاحتياجات الخاصة، السید فهمی علی، مصر، دانشگاه منصوره، ۲۰۰۹م.

الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة، محمد الصادقی، قم و بیروت، دارالشکرانه و الامیره، ۱۴۳۴ق/۲۰۱۳م.

فصلنامه توان نامه، وابسته به دفتر فرهنگ معلولین، شماره‌های مختلف.

کارنمای پنج ساله، قم، دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۵.

مجله توان گستر، بهمن ۱۳۹۵.

مجله توان‌یاب، ش ۳۱، بهار و تابستان ۱۳۸۸.

مجله کار آفرین، ش ۱۲۶، بهمن و اسفند ۱۳۹۵.

مجله کار و جامعه، ش ۳۸ و ۸۷ و ۸۸.

نخستین برنامه توسعه اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران، سازمان برنامه و بودجه.

«نشست علمی جایگاه معلولیت در برنامه ششم»، محمد کمالی، سایت دولت.

«نقش کار و روش‌های افزایش اشتغال معلولین»، ابوالقاسم نوری، مجله علوم اجتماعی (دانشگاه اصفهان) ش ۱، بهار ۱۳۶۶، ص ۲۷-۳۸.



دفتر فرهنگ معلولین
دار الثقافة للمعوقين
Handicap Cultural Center

آسیب شناسی اشتغال معلولان ایران



به کوشش:
دفتر فرهنگ معلولین